Qarābādīn.

A pharmacological work, dealing with tablets pills; decoctions, etc., said to be a translation of the last part of the Jāmiʿu'l-jawāmiʿ, a hitherto unknown pharmacological work in Arabic. Incomplete at the end.

Copied about the beg. of the XIII/XIX c.

قرار داد این جامع الجوامع را فقیر حقیر

در تاریخ ۱۳ ماه ذیحجه سنه ۱۲۸۶ هجریه یوم سه‌شنبه بنده مشهدی محمد ... عفی عنه

خریداری نمود

بسم الله الرحمن الرحیم

از قراباذین ترجمه قراباذین عربی جامع الجوامع در ذکر
تتمه ادویه مرکبه مشترکة النفع بیان جمله امراض اعضاء متعدده اقلش بیان امراض
دو عضو از ابتدای حرف قاف حرف القاف واین حرف مشتمل است بر دو
فصل است فصل اول در ذکر اقراص بدانکه اقراص را مالی وسیع است و مفتح
این باب اندر مباحث ثانی صاحب تریاق کبیر است که ترکیب اقراص داعی
اولا نموده است و ترکیب اقراص موجب حفظ قوتهای ادویه است در قرب
بحبوب در احوال در رتبه اقراص مرتبه متوسط میان سفوفات و معاجین است از
وقت اکثر اغراض تا چهار سال باقی می ماند قرص لدو معمول منقول از بیاض حکیم
عطاء الله از تلامذ نواب حکیم محمد باقر معروف بمیرزا بزرگ ابن حکیم عماد الدین
محمود حسینی شیرازی که حکیم عطاء الله از مجربات حکیم محمد باقر استنباط کرده اند که
بخط متوا الیه بوده نقل نموده اجابة بطلان تماما نموده از شنیعتشان و قسط و

قسب الادراره

[illegible] تشل [illegible]
[illegible] سفید
[illegible] سی در قرابادین [illegible]
بسر ان سرسته اقراص سازند و در سایه خشک کنند و بعد از اقراص نیم وزن
مثقالی حب کنند اخلاط اقراص اذخر منقول از قرابادین رازی اختلاف
این نسخه با نسخه قبل بحسب وزن ان ادویه است حماما و دارچینی و اسنفنتسان و قصب الذریره
و قسط و نانخواه و فلفل سفید و قرنفل از هر یک کدام یک مثقالی نیم وزن
دو حبه دارچینی و مصطکی رومی و زعفران از هر یک دو دانگ مثقالی
سنبل الطیب و ساذج هندی نیم مثقال مر صافی دو دانگ مثقالی کوفته و بیخته
بشراب ریحانی چند بسیار لایق اقراص سازند نافع باد قرص ابیض تالیف
حکیم اشرف منقول از خط والد ارشد معز الله میرزا ابراهیم نافع از برای هیجع
دعشیان و مقوی معده چون با عصیر نعناع تازه اقراص سازند گل سفید
بست پنج ماشه سعد کوفی پنج ماشه تخم کرات پنج ماشه جوز هندی دو ماشه صبر
یک ماشه کوبیده و بیخته با آب نعناع تازه قرص سازند قرص اسفیل از اجزای
تریاق فاروق نافع است از برای سموم و ربو و عسر النفس و جرب کبر میکند و
از جهت استسقا معدبل است اخلاط ان به نسخه شیخ رئیس گفته که واجب است
اختیار اسفیل رطب که مستحکم و سنگین باشد و بوده بسیار عظیم و نه بسیار خورد از ا
تجمیر و مثقال فوه الصبغ و لک مغسول و ریوند چینی از هر یک دو مثقال ترنجبین را در آب
حل کرده صافی نموده و ادویه را کوفته بیخته با آن تر شده اقراص سازند و در سایه

خشکه برپشت نهند

حیات

سدی و لودوام

زرشکه لک مغسول افتیمون رجی عصاره غافث از هر یک مثقال شاهتره
سنبل الطیب اسارون و گل غنچه سرخ مروج الاجماع صمغ عربی و گل ارمنی
دمشاسته و مصطکی رومی رب السوس تخم کرفس راز یانه انیسون تخم
کسوث حب الآس ریوند چینی از هر یک یکمثقال طباشیر سفید چهار مثقال ادخر مکی
زعفران اقاقیا از هر یک یکمثقال کوفته و بیخته بگلاب سرشته اقراص سازند
شربتی یکمثقال با شراب دینار یا سکنجبین بزوری تناول نمایند **قرص بونجبار**
نفث الدم و سحج و قروح امعاء و کثرت طمث و آمدن خون از بواسیر نافعست
بر نسخه منقول از مجربات حکیم محمد باقر حسینی از بیاض بخط مؤلف پوست
بیخ انجبار شامی چهار درم گلنار سرخ مروج الاجماع و صمغ عربی و کثیرا و کهربا
شمعی از هر یک شش درم نشاسته و گل ارمنی و لسد طباشیر سفید و رب السوس
و گلنار فارسی از هر یک دو درم اقاقیا دو درم نیم کوفته و بیخته برب مورد سرشته
اقراص سازند و در سایه در پشت غربال اطلس نموده خشک سازند
شربتی یکمثقال **قرص اندرد** خوردن از برای تملّه حسه شاکانه و هم برای اوالحل
اخلاط مازو و سنبر مرکی و کندر و پشت انی از هر یک شش مثقال زراوند مثقال
فلفل یکمثقال مجموع را کوفته و بیخته بشراب زنجانی سرشته اقراص سازند
و خشک کرده نگاهدارند و در وقت حاجت بگلاب شسته طلا نمایند **قرص**

انهار

[illegible] از بدن و [illegible] مسموم [illegible] دیه داده

بود مفید است ضعف جگر و استسقا را و نفخ

[illegible] رئیس در قرابادین قانون ذکر کرده اخلاط

[illegible] که شیخ رئیس در قرابادین قانون [illegible] دارشیشعان و امیران سفید

[illegible] از هر یک بیست مثقال قصب الذریره و قسط تلخ و عود بلسان و

[illegible] ان رومی و موحماما و جعده و مرصافی از هر یک شش مثقال تفاح اذخر و لوند

چینی و سلیخه و دارچینی از هر یک بیست مثقال سنبل الطیب ساذج هندی از هر یک

شانزده مثقال زعفران دوازده مثقال مجموع را کوفته و بیخته با شراب ریحانی کهنه

که طعم آن بشیرینی زند سرشته اقراص سازند و در سایه خشک کرده در شیشه یا ظرف

چینی نگاه دارند شربتی یک مثقال اما اخلاط به نسخه دویم سبب انکه بگیرند عیدان و دارشیشعان

و قصب الذریره و قسط تلخ و اسارون و عود بلسان و حماما و مو و مصطکی رومی و

امیران سفید مرصافی بیست چهار مثقال مجموع را کوفته و بیخته بشراب سرشته اقراص

سازند اما اخلاط این به نسخه سیوم بسر میت گفته که این نسخه جمهور است و باید دا

که اختلاف در این نسخه جمهور بسیار است و اما نسخه که شیخ رئیس ذکر کرده است

دارشیشعان و سلیخه بیاره و قصب الذریره و وه اسارون و عود بلسان و مصطکی

رومی از هر یک شش مثقال امیران سفید بیست مثقال تفاح تخمیر بگیرند و باید که آنرا

بکوبیل برگیرند و مستوی کنند آنرا در دیگی تا آنکه نضج یابد یا در تنوری که گرم تابنده باشند آنرا و

زجاکستر آنرا آورده باشند یا از تابه نان پزی پس هرگاه بیرون آرند آنرا از جای که در نجا

مستوی کرده اند آنرا پس باید که از مغز آن که نرم است بگیرند و پوستهای بالای آنرا که سخت

است دور کنند و ابخوف انرا نیز

بان آرد کرسنه و غراه زه و ما جبر

داخل می کنند پس چون مخلوط کنند چوب

بسازند از ان اقراص تا زک دو سبب را در رفع ... اقراص از

گلسرخ چرب نموده اقراص بسازند و خشک نمایند اقراص در سایه نگاه دارند بیشتر ...

افعی ذکر کرده خواهد شد انشاء الله تعالی صفت قرص اسقیل به نسخه شیخ داود انطاکی

اسقیل بشوی در عجین را کوبیده بمثل ان از آرد کرسنه مخلوط کرده بشراب ریحانی

سرشته دست را بروغن گلسرخ چرب نموده اقراص سازند و بعضی گفته اند

که این قرص را بعد از دو ماه استعمال نمایند قوتش تا دو سال باقی می ماند و بعضی

بدل شراب ریحانی مثلث آورده اند و بدانکه اسقیل که بهار بیست گوی بهترین

وی بجهة ساختن این اقراص انست که بسیار خورد نباشد و بسیاری بزرگ نیز نباشد

در وی رطوبت فضلی بسیار باشد و انچه متوسط باشد معتدل است و باید

که رنگ ظاهر ان میل بسرخی داشته باشد یا بسفیدی پس از ان گرفته سروین ازا بکارد

چوبی جدا کرده بشویند مذکور شیوی نموده اقراص سازند و در وقت قرص ساختن

دست را بروغن گل سرخ چرب نسازند بجهة انکه طری اسقیل را باز می دارد و

منفعت آرد کرسنه با ان مخلوط سازند انست که زود رطوبت ازا تنشیف

کند و نگذارد که منعفن و ابتر روی فوتبت که گرمی در رو دلها تولد کنند پاک کنند

و تنگلند ... زیرهای زبانگار زالبعون الله تعالی قرص اسمی ...

و ... زانافع باشند وقتی و اسهال باز دارد اخلاط ان ...

ایرک

[illegible] بود [illegible] رسته بر مان مثقال یکی

[illegible] رده به سرشته اقراص سازند شربتی یکمثقال تا دو درم نافع

[illegible] قانون شیخ رئیس نافع از برای کبد و

[illegible] که اخلاط آن افسنتین رومی اسارون تخم کرفس و

[illegible] بادام تلخ مقشر از جمیع فقاح مصطکی رومی سنبل الطیب از هر یک یکمثقال انیسون

دو مثقال طین سقوطری ساذج هندی از هر یک یکمثقال و نیم عصاره غافث

یکمثقال کوفته به آب سرشته اقراص سازند و در سایه خشک نمایند

شربتی یکمثقال صفت اقراص افسنتین به نسخه صاحب منهاج الادویه

ابن جزله گفته که این قرص نافع است از برای مهانی کهنه و مفتح سده‌های

کبد و مدر است و اشتهای طعام آورد و سردی جگر و معده را مفید بود و مفتح

سده طحال کند و مرض استسقا و ابتدای عسر البول را نافع باشند اخلاط آن

افسنتین رومی و اسارون و تخم و مغز بادام تلخ مقشر اجزا مساوی کوفته و

بیخته با آب سرشته اقراص سازند یا بسازند شربتی یکمثقال و بعضی زیاده

زیاده کرده درین قرص مصطکی و سنبل الطیب از هر یک نیم جزو قرص افسنتین

به نسخه حاوی صغیر نافع است از برای برودت کبد و سده‌های کبد و طحال و

حمیات بلغمی و کهنه عسر البول صفت آن افسنتین رومی تخم کرفس انیسون

اسارون مغز بادام تلخ مقشر اجزا مساوی کوفته و بیخته با آب سرشته اقراص

سازند قرص افسنتین که صاحب ذخیره خوارزمشاهی در حمی لثقه ذکر کرده این

قرص از برای جمیع حمیات خلطی مزمن نافع است سده‌ها بگشاید و سردی ماده

وجگر را نافع باشد و تفتیح سدهای و طحال را اسارید

دانسته وزن و افتیمون و تخم کرفس و مغز بادام تلخ وسک

و مصطکی رومی و سنبل الطیب اجزا برابر ساوی کوفته

یکمثقال سازد با گلقند افتابی یا با سکنجبین ساده عسلی یا با سکنجبین زوری

حار یا معتدل بحسب مزاج تناول نمایند نافع باشد قرص افسنتین دیگر که همین

منافع دارد مختصر است اخلاط آن افسنتین رومی و افتیمون و زرنباد و مغز

بادام تلخ مقشر اجزا برابری کوفته و بیخته با آب قرص سازند شربتی یکمثقال

تا ماء الاصول یا با سکنجبین عسلی یا با سکنجبین زوری بنوشند قرص افعی از ترکیب

اندروماخس ثانی است و اول قرص است که تالیف شده و اندروماخس

بان قرص ختام نموده اجزای تریاق فاروق و این قرص گرم خشک در اول درجه

سیوم و ملطف و منضج و مقوی حرارت غریزیست و پادزهر سموم قتاله است

و برای لقاهای جذام و رفع آن و تحلیل خلط محترق بطرف و رفع اثار جلد

نافع است و نوشش تا دو سال باقی است و بعد از شش ماه استعمال نمایند

شیخ داود انطاکی گفته که قرص افعی نافع است از برای سموم مطلقا

و از برای اخلاط سوخته و لقاهای جذام و ضعف قوت آن دو سال باقی

است و بعد از دو ماه که از ساختن آن گذشته باشد استعمال نمایند

طریق ساختن آن به نسخه منقول از بیاض نواب حکیم محمد باقر ابن حکیم

عماد الدین حسینی شیرازی مجرب است در آن درج نموده بخط مغفرت الیه

مغفور قلمی فرموده اول باید که افعی خوب قوی اختیار کنند و علامت آن

انست

[illegible] باشند که از آن [illegible] سرخ باشند

[illegible] باشند و در وقت حرکت بد دارد

[illegible] فصله آتش نزدیک بدنش باشد و

[illegible] ب و استحکام نبوده باشد و منفرخی و سستی باشد

[illegible] تمام داشته باشد و یا بلکه افعی ماده باشد و علامت

[illegible] گفته اند که اگر دندان نیش آن زیاده از دو عدد است افعی ماده باشد

[illegible] اگر همین دو عدد است نر است و بعضی این علامت را عکس نوشته اند و چنین

ذکر کرده اند که بعد از کشتن اعضای باطنه آن را ملاحظه نمایند که اگر خصیتان و حروفش

دارد شکل و منفذ از نر است و اگر رحم و بچه دارد ماده است و بعد از آن که همچنین

افعی را اختیار کنند شرطش است که بعد از آن ساعت که صید کرده باشند سر و

دنبالش الوقت دفع کنند بلکه ضرب و طریق قطع چنانست که سر و دمش

را باید بست با بالشی که از چوب که از برای همین کار میسازند بگیرند و شکمش را بالا

کنند و پشتش را بر روی تخته هموار نگاه دارند و بکاردی که برای همین کار مهیا کرده

باشند یا تیشه نجاری بیک ضرب چنان بزنند که سر و دمش یکبار بقدر چهار

انگشت بریده شود و اگر خلاف این کنند سمیت بتمامش سرایت کند و

خوردن گوشتش باعث هلاک یا مضرت عظیم شود و اقلش عدم منفعت است

و باید از قطع ملاحظه نمایند اگر حرکت بسیار کرد و حرکت تند نمود بسیار خوب است

و همچنین افعی را اختیار کنند و شکمش بکارد تیزی بطول بشکافند و آنچه در جوف

انگشت پاک کنند و پوستش را بکنند و به آب نمک پاک بشویند و سه چهار

پاره بکنند و در دیگ سنگی یا گلی تو پاره بکنند و ا
نمکی و شسته و چند دانه نخود ...ند در آن اندازند و اگر
فی الجمله گرم باشد احتیاج به انداختن نمک نیست
بجوشانند تا پخته شود و کفچه که می باید به انگشت چوب خلوط بیرند و جدا
پخته شدن فرو گیرند و لش را بیرند و گوشتش را از استخوان و غیره جدا کرده
باکیزه کنند و بکوبند و مقدار ربع وزن گوشت خالص از نانی که خمیر مایه آن
کم باشد و اصلا نشا به نرسیدن در آن راه نیافته باشد و در تنور
نغان پخته باشد که در تنور خشک شده باشد و نیم پخته باشد پس از آن نرم
کوبیده اضافه گوشت کوبیده نموده و در هاون چوبی یا دسته چوبی خبان
بکوبند که مثل مرهم شود و مرتبه بر هم زنند که نیکو مخلوط شود و در اثنای کوفتن رطوبت
کم کرده و اندکی آبی که در تنور باشد همین از قدح داخل کنند تا رطوبتی فی الجمله بهم رساند و بعد از آن
رفت و بعد از انکه بسیار نرم کوفته شده دست را از روغن بلسان چرب کرده
قرص ها بسازند قرصها به شکل کوچک و رنیت آرد و بعد در سایه خشک کنند که
مطلق رطوبت در آن قرص نماند و در ظرف چینی یا شیشه یا قلعی لک بدارند
و از جمله شرایط انست که صید آن قوش در موضعی نماید که درختان بلوط و آب
خوب در حوالی آن باشد و از موضعی که شنوزرا در حوالی آن آب شور
باشد یا کنار دریا صید نکنند و همچنین نزدیک به درختان بلوط سرد کوهی و
امثال این درختان از درختان های بد که منصب عالیه با آن باشد خوب
نیست و در وقتی صید کنند از مدتی گذشته باشد باید کم مدتی از وقت

اول

[illegible] در هوا گرم نشده باشد چرا که در پهلو
[illegible] مد شدا و اول بیرون بودن از حجره ا
[illegible] رطوبت تشنگی آورده بهمت بهم رسانیده چنانکه
[illegible] در جایی که بسیار سرد و سبز نباشد او وسط بهار واقع
[illegible] بهم رسانند در آخر بهار واقع میشود و در باد قرص زرنافات در
[illegible] فاروق نسخه دیگر از قرص افعی نموده آنیم قرص اقرقومعا مشتمل در
[illegible] بر ابد آنکه گفته اند اقرقومعا بفتح همزه و ضم قاف ثانی و سکون را معنی زعفران
است به لغت یونانی و معما به لغت یونانی بعضی بتقلیب یعنی اقراص ثلثی زعفران
و در یک نسخه قانون اقراص او را معوا بنظر رسیده و در نسخه دیگر اذرمعوا از بنداره
اقراص اندر و معا مرقوم شده و در نسخه دیگر اقر و قومعا و در اکثر نسخ اقراص اقرقومعا
اقراص زعفران است و این اقراص نافع است جهت برای خفقان و ضعف معده
و کبد و صداع کهنه و اورام باطنی و غم دور میکنند اجزاء او به نسخه شیخ نرگس حماما
و دارشیشعان و قسط تلخ و قصب الذریره و قرنفل و فلفل سفید و نانخواه از هر یک
مثقال سنبل الطیب و دج هندی از هر یک نیم مثقال مصطکی شش مثقال کوفته
و بیخته بشراب ریحانی یا عرق زعفران یا لعاب مناسبه سرشته اقراص سازند هر قرصی
یک مثقال و در سایه خشک کرده استعمال نمایند و این نسخه چهارده حرارت و برا خشکی
لازم است در اول درجه سیوم و خشکیست در آخر درجه دویم و با مر الله عز و جل نافع ا[ست]
[illegible] حماما و قسط تلخ و فلفل سفید و دار شیشعان
و قصب الذریره و قرنفل و نانخواه از هر یک سه مثقال کوفته و بیخته منقل سرشته اقراص

اقراص ساخته در سایه خشک نمایند و در ظرف آبگینه نگا[ه دارند]
که این نسخه موافق نسخه شیخ ذکر کرده لیکن از کتاب
شیخ رئیس نقل شده است اخلاط اقراص [illegible]
[ر]وند چینی از هر یک هفت مثقال دارچینی و زعفران از هر یک سه مثقال
قسط تلخ سفید و حماما و دارشیشعان و فلفل سفید و قرنفل از هر یک سه مثقال قصب الذریره
و نانخواه از هر یک یکمثقال کوفته و بیخته بشراب ریحانی سرشته اقراص سازند
و هر قرصی یکمثقال در سایه خشک نمایند قرص ابارسن دیگر منقول از بیاض
میرزا لطفی حکیم رحمه الله از بیاض حکیم محمد باقر ولد حکیم عماد الدین محمود نقل کرده نافع
است از برای حمیات بلغمیه عفنه و اورام کبد و اورام معده اخلاط آن
عصاره زرشک مقشر تخم خیارین و تخم خربزه از هر یک سه مثقال غنچه
گل سرخ و فقاح الاذخر و ریوند چینی خالص از هر یک پنج مثقال تخم کشوث و
رب السوس طباشیر سفید و تخم کاسنی و مصطکی رومی و سنبل الطیب و
عصاره غافث و عود الصلیب و ریوند چینی از هر یک دو مثقال زعفران
یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی یکمثقال قرص ابارسن دیگر منقول
از بیاض مجربات بخط میرزا محمد باقر غفر الله که مرحوم الله از الصباح قرابادین
فلانی که از رازی ذکر کرده اند آورده این اقراص نافعست از برای حمیات
مرکبه و سده کبد و استسقاء حار اخلاط آن عصاره زرشک و گل مغسول
دارچینی و گل سرخ و فقاح الاذخر و عصاره کاسنی خشک و تخم کشوث
از هر یک دو مثقال ریوند چینی یکمثقال کوفته و بیخته اقراص بسازند شربتی دو درم

یالکملی

ب بمانشا منند نافع باد قرص ابرباریس

... ول از مجربات نواب حکیم محمد باقر اعلی الله

... درم گلسرخ مشروح الاقاح و طباشیر سفید از هر یک

... مقشر و مغز تخم کدو شیرین و تخم خرفه مقشر و مغز تخم خیارین از هر

... از باربر یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند و در سایه خشک نموده شربتی

... مثقال با دو درم سکنجبین ساذج قرص ابرباریس که از تالیف قدوة المحققین

... رئیس متاخرین ابو علی بن سینا علیه الرحمة نافع است از برای اوجاع و

اورام کبد و مفتح سدهای کبد و نافع از برای حمیات مرکبه و تب ربع که ماده آن

محترق از صفرا باشد عصاره ابرباریس پنجدرم عصاره غافث و

طباشیر سفید از هر یک دو درم و نیم تخم کاسنی الک منخول و گلسرخ و ایرسا و سنبل و عصاره

افسنتین و راوند و لک و انیسون از هر یکدو درم و نیم تخم کاسنی و تخم کشوث از هر یک

سه درم تخم خرفه یکدرم و نیم زعفران یکدرم کوفته و بیخته با آب کاسنی تازه سرشته

اقراص سازند و در نسخه که صاحب ذخیره از نسخه رئیس نقل کرده دو جزو است

... ان محجوب است و پنجدرم است و مقدار شربتی گرم است و در نصف درجه اولی و

... [illegible] زبع درجه قرص ابرباریس دیگر [illegible]

[illegible]

اقاقیا از هر یک یکمثقال کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی

را با سکنجبین بزوری تناول نمایند قرص امیرباریس د[یگر]

نافع از برای آماس معده و جگر و تبهای گرم اخلاط آن زرشک منقی ده درم

و گلسرخ و مغز تخم خیار و مغز تخم خربزه و تخم کسوث و تخم کاسنی از هر یک سه درم مصطکی

رومی و سنبل الطیب و عصاره غافث از هر یک دو درم مویز و راوند چینی و

زعفران و طباشیر سفید از هر یک یکدرم و در نسخه دیگر طباشیر سفید یکدرم و نیم آب شش

ترنجبین شش درم ترنجبین را با آب کاسنی تازه حل کند ادویه را کوفته بیخته با آن

سرشته و اقراص سازند و در سایه خشک سازند شربتی یکمثقال با سکنجبین بزوری

بدهند قرص امیرباریس دیگر منقول از قرابادین قانون نافع از برای تب و سرفه

و درد جگر که بسبب عطش اخلاط آن امیرباریس منقی دوازده درم تخم خیارین

با دنب و مصطکی رومی و طباشیر سفید از هر یک شش درم لک منقی و راوند چینی

از هر یک سه درم گلسرخ تبر و بیخ الاقماع شش درم زعفران و عصاره

غافث و رب السوس و سنبل و ترنجبین خراسانی از هر یک شش درم ترنجبین

را بگلاب حل کرده صافی نموده ادویه را کوفته و بیخته با آن سرشته اقراص

سازند قرص امیرباریس دیگر منقول از قرابادین کوتوالی تب را سود دارد

و گرمی را تسکین دهد و جگر را نافع است و استسقا را که از گرمی بود سود دارد

و درد و سرفه را نافع بود اخلاط آن مغز تخم خیارین و مغز تخم کدو و شیرین از هر یک

سه درم امیرباریس منقی چهار درم گلسرخ تبر و بیخ الاقماع و تخم خرفه مقشر و

ختمی و تخم کاهو و تخم کاسنی و طباشیر سفید و صمغ عربی از هر یک یک درم

راوند چینی

[illegible] قرص ... زند و درم ... چنانکه تمام ...

... منقول از بیاض مجربات نواب حکیم محمد فر...

... نافع از برای اماس جگر و معده و نافع از برای

... سده‌ها کند و نافع از برای ضعف کبد اخلاط آن عصاره

ابرباریس ... درم گلسرخ شروح الاتماح دو مثقال ریوند چینی یکدرم افسنتین

... عصاره غافت رازیانه و انیسون از هریک دو درم سنبل الطیب

... درم بدستور اقراص سازند شربتی یک مثقال قرص ابرباریس نافع از برای

جمیع امراض کبد و امراض حادثه بمشارکت و امراض کبد مانند صداع حادث

بمشارکت امراض کبد بسبب صعود بخارات یا اخلاط از کبد بسر اخلاط آن

ابرباریس منقی ده درم تخم کاسنی تخم خیار بادرنگ مغز تخم کدو شیرین از هریک

پنجدرم بادیان و انیسون و تخم کشوث و مصطکی رومی از هریک دو درم اصل السوس

یکدرم طباشیر سفید ورد گلسرخ از هریک سه درم ریوند چینی دو درم و نیم ابرباریس را

در گلاب یا در آب ریباس مالیده و باقی ادویه را با آن سرشته اقراص سازند

شربتی از یکدرم تا دو درم و از زیاده حاجت نسنجین باشد بجای مغز تخم کدو دو درم تخم

کرفس دو درم و نیم سنبل الطیب داخل نمایند قرص ابرباریس دیگر نافع از برای عیب

خواص و ضعف کبد و معده منقول از ذخیره سید اسمعیل اخلاط آن عصاره ابرباریس

چهار درم گلسرخ دوازده درم اصل السوس عصاره غافت مغز تخم خیار بادرنگ

نشاسته و کتیرا و صمغ عربی و طباشیر سفید و زعفران و تخم خرفه مقشر از هریک دو درم لک

[illegible margin note]

مغسول و ریوند چینی و سنبل الطیب از هر یک یک درم کافور قیصوری

چهار درم ترنجبین را در آب حل کرده صافی نموده دوا

بآن سرشته اقراص سازند شربتی یک مثقال قرص انبرباریس ... نافع

غث خالص و حرارت کبد و معده و ضعف کبد و معده بسبب حرارت و

ورم جگر و معده منقول از ذخیره سید اسمعیل جرجانی اخلاط آن انبرباریس منقی

و رب السوس گلسرخ بزر ربع الاقماح مغز تخم خیار مغز تخم خربزه از هر یک سه

مثقال مصطکی رومی و سنبل الطیب و عصاره غافث از هر یک دو درم

تخم کشوث تخم کاسنی از هر یک سه درم طباشیر سفید یک درم و نیم ترنجبین شش درم

بدستور قرص سازند قرص انبرباریس بارد که کبد و معده را قوت دهد و در جول

از مسهلات استسقائی ما بعد استسقا و غیره اگر از حرارت باشد مفید است

و حمیات مرکبه را نافع است اخلاط آن زرشک منقی و رب السوس

و گلسرخ و مغز تخم خربزه از هر یک شش درم مصطکی رومی و سنبل الطیب و عصاره

غافث و ریوند چینی و فوه الصبغ و زعفران از هر یک دو درم تخم کشوث

و تخم کاسنی از هر یک سه درم طباشیر سفید دو درم و نیم ترنجبین منقی شش درم

ترنجبین را در گلاب حل کرده صافی نموده دوا را بآن سرشته اقراص سازند

شربتی یک مثقال با سکنجبین یا آب انار شیرین قرص انبرباریس ... تالیف

نجیب الدین سمرقندی نافع از برای حمیات حاره و اکثر امراض حاره کند

اخلاط آن زرشک تفاح اذخر و زعفران از هر یک دوازده درم

حما

[illegible] چهار مثقال سنبل هندی بسیار کرده
[illegible] کوفته و بیخته با شراب ریحانی بسرشته اقراص
[illegible] سازند و در این نسخه جمهور بیمارستان هند متفق بود
[illegible] مصطکی و مرصافی و اقحوان و سنبل هندی وجعده داخل
[illegible] مساوی نسخه سوم رئیس است و دیگر در این نسخه سوم شیخ رئیس سنبل هندی
[illegible] داخل نکرده و این نسخه اختیار حنین ابن اسحاق است گفته که باید دست
بر روغن بلسان چرب کرده این اقراص بسازند و صاحب کامل الصناعه
این نسخه را از حنین ابن اسحاق ذکر کرده و نسخه که صاحب کامل الصناعه نقل
کرده مساویست با نسخه سوم شیخ رئیس الا آنکه وزن جعده شش مثقالست و
گفته که بشراب ریحانی یا بآب عنب الثعلب اقراص سازند و نسخه دیگر از جمله اجزا
این قرص سوم که شیخ رئیس ذکر کرده آنچه وزن آنها گفته شده مثقالست
از هر یک دوازده مثقال است وجعده و سنبل هندی داخل ندارد و باقی مساوی
نسخه شیخ رئیس است و این حالت در منهاج الدوا یه با این نسخه را ذکر کرده از
اجزای که شیخ رئیس است اوید ده حماما و دارچینی و مرمکی صافی و سنبل الطیب
هندی وجعده داخل ندارد و باقی مساوی نسخه شیخ رئیس است و گفته که
بمیبختج سرشته اقراص سازند هر قرصی بوزن یک مثقال بوقت قرص ساختن دست
را بر روغن بلسان چرب کرده قرص سازند قرص انزروت [illegible] که آخر و اعظم
[illegible] باقی و بعد از آن و معده و معاجین و کبار است این قرص بالیقین [illegible] باقی

فارسی است و در توابع مشهور و در تریاقات و معاجین کبار و بافواه

دسواس و فنتی و صداع حار حکیم مومن در تحفة المؤمنین ...

قرص را باسم پادشاه عصر اندر خوردنی ملک نامید ... ن ...

و خوردنی ملک خوانند و جزو اعظم تریاق عنبره است و معاجین کبار و این قرص

مقوی دماغ و جگر است و دوران قوت تریاق است قولیست

و بحجت جمیع عوامل اعضای رئیسه نافع [illegible] نسخه شیخ رئیس که در قرابادین

قانون آورده بگیرند بابونه سرخ و بابونه سفید و سماق و افسنتون و مرمکی و جعد الطور

یا جهودی ما نبید ربست و عسل ما منیت بسرشته سه روز بگذارند هر روز آن

را صبح و شام بشورند تا از خشک شده باشد یکی از شرابهای مذکور را داخل نمایند

پس روز چهارم اقراص سازند که هر قرصی به وزن یک مثقال و در سایه خشک کرده

بکار برند و در نسخه شیخ داود انطاکی که در تذکره کرده داشته در اصل نسخه داخل

نبود و گفته که در نسخه دیگر گلسرخ دیده ام مصطکی به وزن بابونه داخل است و باکی

نیست بداخل کردن این ادویه در نسخه دیگر بابونه سفید و سماق و افسنتون و مصطکی از

هر یک یک درم اسارون است درم افشره و قصب الذریره و عود بلسان

از هر یک سه درم است و قوت این قرص دو سال باقی میماند قرص اندر خوردنی

منقول از مجربات حکیم محمد باقر حسینی شیرازی بخط مشار الیه

این قرص از تالیف قدماست و نافع است از برای تب های غارب و

ارتشک و فروج هر نوبه و اهل روم و فرنگ آن را حب میسازند [illegible]

…ستعمال افیون و غیره نشاید از هر یک نیم مثقال کوفته د

…تخم کاسنی مقشر و تخم خرفه مقشر مغز خیارین از هر یک

…ه از هر یک پنجدرم ریوند خطای و تخم کرفس و لک مغسول

…سنبل الطیب نیم درم باب اقراص سازند شربتی یک مثقال با

…ج و بزوری و از برای فساد خون ارسیده و فیما دیگر باشد با آب

…بادرنجبویه ماشا مانند قرص امیرباریس بارد دیگر که همین منافع دارد اخلاط آن

…ت مقشر و لک مغسول ازیه ریوند چینی گلسرخ و عصاره طراخشقوق و تخم کاسنی

…تخم کسوث اجزا مساوی ترنجبین قدری بگلاب حل کرده صافی نموده

ادویه را کوفته و بیخته مویان سرشته اقراص سازند نافع باشد قرص امیرباریس بارد

نافع از برای سوء مزاج بادی کبد و حمیات حاره چون بعد از تنقیه استعمال کرده

شود و بدون استعمال سوء مزاج کند نافع است منقول از ذخیره خوارزمشاهی

اخلاط آن عصاره زرشک یا زرشک منقی هر کدام که باشد ده درم گلسرخ …

و حب الآس بعید از هر یک پنجدرم تخم کاسنی تخم خیارین مغز تخم خربوزه تخم خرفه از هر یک

سه درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو مثقال با سکنجبین و اگر تخم کاسنی

که خوف کرده باشد یکدرم رازیانه بر اجزا بیفزایند قرص امیرباریس بارد دیگر

که از برای اورام حاره و فرموی کبد و حمیات حاره بعد از تنقیه ماده نافع است

و سوء مزاج حار ساذج کبد را نیز مفید است در ورم و موی کبد بعد از فصد و در سوء

مزاج ساذج بعد از تنقیه مسهلات دهند اخلاط آن زرشک منقی از نواده درم

گلسرخ و طباشیر سفید از هر یک پنجدرم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو
مقشر تخم کاسنی از هر یک سه درم رازیانه دو درم کوفته و بیخته
دو مثقال با سکنجبین و اگر ورم کبد و حمیات حاره باشد دو درم لیمو
درم رب السوس زیاده کنند و اگر حرارت بسیار باشد دو دانگ کافور قیصوری
زیاده نمایند با شیره تخم خرفه مقشر دهند و بعضی اوقات در قرص لک مغسول و ریوند
چینی اضافه میکنند قرص ابرباریس بار دیگر نافع از برای امراض حاره و حرارت
کبد و حمیات صفراوی و دموی حمی محرقه و غب خالص اخلاط آن زرشک
منقی از حب پنجدرم رب السوس پنجدرم یکدرم و نیم مغز تخم خیارین تخم خرفه مقشر تخم
کاسنی مقشر از هر یک دو درم و نیم کوفته و بیخته بگلاب سرشته اقراص بسازند
هر قرصی نیم مثقال شربتی دو مثقال با سکنجبین ساده یا با آب عنب الثعلب تازه
قرص ابرباریس مع الالباب منقول از خط میرزا رحیم حکیم باشی شاه سلطان حسین
نافع از برای مستسقی که لینت طبع داشته باشند و بجهت تنهای خرمنه و
یرقان صفت آن عصاره زرشک لک مغسول از هر یک شش مثقال افسنتین
رومی عصاره غافث از هر یک نیم مثقال سلیخه ده مثقال طباشیر سفید چهار
مثقال طباشیر سفید چهار مثقال گلسرخ سنبل الطیب اسارون گل ارمنی مغسول صمغ
عربی کثیرا نشاسته مصطکی رومی رب السوس از هر یک دو مثقال اذخر مکی زعفران
ترمس سیاهی تخم کرفس بلدره یک مثقال رازیانه انیسون انجره از هر یک سه مثقال اقاقیا نیم
مثقال حب الآس ریوند چینی از هر یک دو مثقال کوفته و بیخته با آب سرشته اقراص
بسازند

[illegible] مثقال [illegible] ی سوده سرشته قرص [illegible] برای امراض بارده کبد
[illegible] سدد و بگشاید و حمیات بارده را نفع دهد اخلاط ان
[illegible] ریوند چینی لک مغسول عصاره غافث سنبل الطیب انیسون
[illegible] از هر یک یک درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی یک مثقال قرص
[illegible] دیگر در دست کبد و استسقا را نافع است و تنهای سرد
[illegible] از بلغم و اخلاط دیگر اگر بلغم غالب بود با سود اسودمند است
[illegible] زرشک منقی سه مثقال غنچه گل سرخ منزوع الاقماع و گل غافث
و عصاره غافث و افسنتین رومی و مصطکی رومی و تخم کاسنی از هر یک دو مثقال
سنبل الطیب و اسارون و دارچینی و ریوند چینی و انیسون و طباشیر سفید از هر یک
یک مثقال کوفته و بیخته با آب قرصها سازند هر قرصی شربتی یک قرص و مولف این
قرص حکیم علی گیلانی شارح قانون است قرص انبرباریس ریوندی بگشاید سدد
کبد بگشاید و نافع است از برای اوجاع کبد و صلابت ان و از برای حمیات
مرکبه اخلاط ان زرشک منقی و گل سرخ منزوع الاقماع از هر یک پنج درم
لک مغسول و ریوند چینی و عصاره غافث و سنبل الطیب و انیسون و مصطکی رومی
از هر یک یک درم کوفته و بیخته با آب سرشته اقراص سازند و در وجع کبد از سوء
مزاج حار کبد با سکنجبین کبد سردی حار دوا از برای اوجاع بارد کبد با سکنجبین
بزوری حار با نشامند قرص انبرباریس جنر نسخه شیخ اسمعیل کرد در ذخیره ذکر کرده
گفته که همین قرص نافع از برای بیماری جگر گرم و تنهای گرم را سودمند است

اخلاط آن ابرباریس ده درم تخم کاسنی تخم خرفه مقشر و مغز تخم خیار باد
از هر یک سه درم گل سرخ منزوع الاقماع پنج درم ریوند خ
پنج درم کوفته و بیخته بلعاب بذر قطونا سرشته اقراص سازند هر یک مثقال با
کرده در سایه خشک سازند شربتی یک مثقال و قوتش تا شش ماه باقی است و در نسخه محمود
بن الیاس که در حاوی صغیر ذکر کرده وزن ابرباریس پانزده درم و وزن سنبل
هندی یک درم است و گفته شربتی از آن یک مثقال اخلاط این قرص به نسخه منقول
از بیاض مجربات سیادت پناه میرزا محمد باقر ولد حکیم عماد الدین محمود شیرازی
بخط موی الیه صفت آن زرشک منقی از حب پنج مثقال تخم کاسنی تخم خرفه
مغز تخم خیار از هر یک سه مثقال گل سرخ منزوع الاقماع پنج مثقال ریوند چینی
سنبل الطیب از هر یک یک مثقال کوفته و بیخته بلعاب بذر قطونا سرشته اقراص
سازند قرص ابرباریس صغیر منقول از قرابادین شارستانی ابو البرکات
او جدا ای نافع از برای حمیات کهنه و ارام کبد و معده اخلاط آن ابرباریس
منقی از حب و رب السوس و گل سرخ منزوع الاقماع و قوه الصبغ سنبل الطیب
و لک منقی و عصاره افسنتین و اسارون و تفاح اذخر تخم شاهتره و تخم [illegible]
و تخم کاسنی و تخم کشوث و ریوند چینی و زعفران و طباشیر سفید از هر یک چهار درم کوفته و
بیخته با آب کبر بخیس که در آن حل کرده صافی نموده باشند سرشته اقراص سازند و در ثلث
مثقال کرده در سایه خشک نمایند قرص ابرباریس نافع از قراباذین ابو المویس حکیم
نافع از برای حرارت و اسهال و وجع کبد نسخه آن زرشک منقی طباشیر کرد
قمارل

...ادون شامی بسک اصلی از هریک یکمثقال
...ل کوفته وبیخته بلعاب برسرشته اقراص بسازند
...ب بنفشه ورق گل سرخ طباشیر سفید از هریک نیم درم
...صمغ عربی کثیرا نشاسته ورب السوس از هریک یکدرم
...اقراص بسازند شربتی یکمثقال نافع باشد قرص امیرباریس کافوری
...منقی سه درم ونیم تخم خرفه مقشر رب السوس سنبل الطیب صمغ عربی
نشاسته از هریک سه مثقال ونیم طباشیر سفید کافور قیصوری زعفران از
هریک یکدرم کوفته وبیخته بآب اقراص بسازند شربتی یکمثقال قرص امیرباریس
کافوری زرشک منقی بقدر ده مثقال مغز تخم خیارین مغز تخم کدو شیرین از هریک
سه مثقال مغز تخم هندوانه مغز تخم خربزه از هریک دو مثقال طباشیر سفید ورق گل
سرخ ریوند چینی لک مغسول از هریک یکمثقال ونیم کافور قیصوری
زعفران دو دانگ کوفته وبیخته بآبی که تخم کشوث دران جوشانیده صافی نموده
باشند سرشته اقراص سازند شربتی یکمثقال قرص امیرباریس کافوری مشتمل بر
زبده الاطباء محمد بادی قدس سره مشتمل هر حمیات محرقه وغب وامراض
حاره شده ولید [...] زرشک منقی املج منقی طباشیر سفید گل سرخ از هریک ده
مثقال تخم کاسنی مغز تخم خیارین مغز تخم کدو شیرین تخم خرفه مقشر تخم کاهو مقشر صندل سفید
از هریک یکمثقال کافور قیصوری ابیت قیراط کوفته وبیخته بلعاب بر سرشته
اقراص بسازند شربتی یکمثقال قرص امیرباریس کافوری حمیات صفراوی ...
را نافع است وتسکین ... حار ... ومقوی کبد ...

اخلاط آن عصارهٔ انبرباریس و عصارهٔ غافث و مغز تخم خیارین و رنجبین از
چهار درم گل سرخ منزوع الاقماع و رب السوس نشاسته و کثیرا از
و تخم خرفه مقشر و لک مغسول کافور قیصوری نیم درم رنجبین را
نموده باقی اجزا را کوفته و بیخته بآن سرشته اقراص سازند شربتی یک مثقال با شربت تخم
خرفه قرص انبرباریس کافوری نسخهٔ دیگر که در شربت به نسخهٔ اول در اندوه و خواص اخلاط
آن زرشک منقی چهار درم گل سرخ منزوع الاقماع ده درم اصل السوس
درم عصارهٔ غافث تخم خیارین تخم خیارزه از هر یک و نشاسته و کثیرا صمغ عربی
و زعفران و تخم خرفه مقشر از هر یک سه درم لک مغسول و ریوند خطائی و مصطکی و سنبل الطیب
از هر یک یک درم طباشیر سفید دو درم کافور قیصوری یک درم رنجبین منقی چهار درم
رنجبین را در گلاب حل کرده صاف نموده باقی ادویه را کوفته و بیخته بآن سرشته
اقراص سازند شربتی دو درم قرص انبرباریس کافوری در منافع این قرص
سابق اخلاط آن انبرباریس کافوری عصارهٔ انبرباریس تازه عصارهٔ غافث
و مغز تخم خیارین رنجبین خراسانی از هر یک چهار مثقال نشاسته گل غنچهٔ سرخ
منزوع الاقماع رب السوس کثیرا صمغ عربی طباشیر سفید تخم خرفه مقشر لک مغسول
از هر یک دو مثقال زعفران ریوند چینی سنبل الطیب از هر یک یک مثقال
کافور قیصوری نیم مثقال رنجبین را در آب حل کرده صاف نموده اجزا را کوفته
و بیخته بآن سرشته اقراص سازند قرص انبرباریس کافوری حمی غب و حرارت
کبد و معده را نافع باشد و تشنگی بنشاند و التهاب را ساکن گرداند اخلاط
آن زرشک منقی مغز تخم خرفه مغز تخم خیارین مغز تخم کدو مغز تخم هندوانه از هر یک
سه مثقال

… سفید از هر یک یک مثقال و نیم ریوند چینی
… و کثیرا و کافور قیصوری از هر یک نیم مثقال
… با آب کشوث سرشته اقراص سازند شربتی
… قرص امیرباریس کبیر منقول از قرابادین قانون نافع از برای حمیات
… و عطش شدید باشد اخلاط آن عصاره زرشک و اگر نباشد
… چهار درم مغز تخم خیار زه و مصطکی رومی و طباشیر سفید از
… درم لک مغسول ریوند چینی از هر یک یکدرم گلسرخ منزوع الاقماع
دوازده درم زعفران یکدرم سنبل الطیب عصاره غافث اصل السوس با
ورنجبین از هر یک دو درم ترنجبین را در گلاب حل کرده باقی ادویه را کوفته
بیخته بآن سرشته اقراص سازند هر قرصی بوزن یکدرم و بعضی گفته‌اند که اگر
مصلحت باشد از اشربه و بعضی زیاده نموده‌اند درین قرص عصاره افسنتین دو
درم اسارون تخم کرفس و تخم رازیانه از هر یک یکدرم فوه الصبغ در همین نصف و
ریوند چینی و زعفران از هر یک یکدرم تخم کشوث تخم از هر یک سه درم طباشیر
سفید یکدرم و نیم درم ترنجبین را در … ترنجبین را در گلاب حل کرده باقی
باقی ادویه را کوفته و بیخته بآن سرشته اقراص سازند هر قرصی یک مثقال شربتی
یک قرص قرص امیرباریس کبیر به نسخه محمود ابن الیاس شیرازی که در حاوی صغیر ذکر کرده
نافع است از برای حمیات بلغمیه عفنیه و از برای کبد حار و ورم کبد و معده
منافع گفته که این قرص استسقا را نیز نافع است اخلاط آن عصاره
امیرباریس و مغز تخم خیار زه و تخم خربزه مقشر از هر یک سه درم گلسرخ منزوع الاقماع

و تخم خیارین منقی از هر یک شش درم و تخم کشوث و رب السوس و طباشیر [illegible]
سنبل الطیب و مصطکی و عصاره غافث از هر یک دو [illegible]
لک مغسول و ریوند چینی از هر یک دو درم زعفران [illegible]
[illegible]
حل کرده صافی نموده باقی ادویه را کوفته و بیخته و بآب سرشته اقراص سازند
شربتی از یک درم تا یک مثقال صاحب اختیارات بدیعی گفته که این مؤلف
گوید که بعضی در این قرص سه درم افسنتین رومی زیاده کرده صاحب منهاج الادویه
ابن جزله گوید که قوت این تا شش ماه است و بعد از آن بسیار ضعیف
قرص امبرباریس کبیر منقول از منهاج الادویه ابن جزله و کامل الصناعه و قرابادین
قلانسی این قرص تبهای بلغمی و تبهای کهنه و ورم کبد و معده را نافع است افعاله
آن عصاره امبرباریس تازه و تخم کاسنی و تخم کرفس و مغز تخم خربزه و مغز تخم خیارین از
هر یک سه مثقال نسخه کامل و شرح [illegible] و ریوند چینی خراسانی از هر یک شش مثقال
رب السوس و تخم کشوث و طباشیر سفید و تخم کاسنی و مصطکی رومی و سنبل الطیب
و عصاره غافث از هر یک دو مثقال [illegible] و لک مغسول و ریوند
چینی از هر یک دو مثقال اقراص سازند و [illegible] سه [illegible] و ترک
حموضات و نمک و قوت آن تا دو سال است و چهار روز از استعمال نمایند
هر روز دو مثقال و بعد از چهار روز شش روز دیگر بجای این قرص این دوا که ذکر
میشود استعمال نمایند زیره و [illegible] و کبد از هر یک یک مثقال خشک بادیان رومی
از هر یک چهار مثقال فلفل یک مثقال کوفته و بیخته با گلاب اقراص سازند
شربتی یک مثقال قرص امبرباریس [illegible] و از مستعملان [illegible]
[illegible]

... قصب الذریره از هر یک شش مثقال اقاقیا ح
... ما از هر یک بیست چهار مثقال قصب الذریره سفید
... دوازده مثقال کوفته و بیخته بشراب ریحانی یا ماء العسل
... سازند و در روغن ... قرص ساختن دست بروغن بلسان چرب
... انیسون ... مفتح سده است و ضعف کبد را سود دارد و مصلح حال ... نشست
... طبیب بیست و فرین تبهای کهنه و تبی که در بیماری او اخر بهم میرساند سود دارد
اخلاط ان بنسخه شیخ که در قرابادین قانون ذکر کرده بگیرند انیسون سه درم افسنتین
رومی اسارون عصاره غافث تخم کرفس مغز بادام تلخ مقشر سنبل الطیب ساذج
هندی مصطکی رومی تخم شبت از هر یک یک درم عصاره غافث سه درم تخم کشوث
چهار درم و نیم کوفته و بیخته با آب افسنتین تازه سرشته اقراص سازند هر قرصی یک درم
شربتی یک قرص با سکنجبین بدهند اخلاط قرص انیسون بنسخه ذخیره خوارزمشاهی
شاهی انیسون چهار درم ساذج هندی اسارون و عصاره غافث ...
... درم افسنتین رومی مغز بادام تلخ مقشر ...
هر یک چهار درم مصطکی رومی ...
اقراص هر قرصی ...
... درم ...
[illegible]

و در اقرابادین نسخه قانونی که با شکم قرص عنثره است با ادویه نسخه [illegible]

و اختلاف در بین دو نسخه در اوزان ادویه است و در نسخه [illegible]

با نخ لذر ان ذکر شده افسنتین چهار درم اسارون و سادج هندی و افسنتین هر یک دو درم

تلخ مقشر و مصطکی و سنبل الطیب از هر یک یکدرم حب غاریقون دو درم عصاره غافت

چهار درم کوفته و بیخته با عصاره افسنتین سرشته اقراص سازند با آب نیم گرم بخورند

در شیخ رئیس گفته که این قرص نافع است از برای ربع کهنه و در جمع کبد [illegible] و

تلخ و استسقا و رئیس از وصف قرص عنثرة الادویه شیخ رئیس قرص دیگر را

[illegible] در اقرابادین قانون ذکر کرده و بعینه همین قرص است الا آنکه افسنتین داخل

[illegible] در اوزان آن ادویه اختلافی با قرص عنثرة الادویه دارد و باین صفت

[illegible] وصفه [illegible] افسنتین [illegible] از هر یک چهار درم اسارون و تخم بادام

تلخ مقشر و مصطکی رومی و سنبل الطیب و سادج هندی از هر یک چهار درم عصاره

[illegible] از هر یک یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند قرص افسنتین

[illegible] در ذخیره در مرض یرقان سددی ذکر کرده [illegible]

[illegible] درم غاریقون سفید دو درم افسنتین رومی

[illegible] سنبل الطیب [illegible] هم تلخ [illegible] از هر یک

[illegible] یکدرم قرص افسنتین دیگر

[illegible]

ـث و عصارهٔ افسنتین و تفاح و کی

ومی و زعفران و سنبل الطیب و گل سرخ از

اقراص بسازند هر قرصی چهار دانگ و در سایه خشک کنند

بر ند شربتی یک قرص ماء الاصول قرص ایرسا فالج و

اسود دارد و صداع ... بپرهیزد اخلاط آن ایرسا چهار درم

سنبل الطیب و اگیر از هر یک یک درم و نیم اشق را در سرکه حل کرده و باقی را دیه

منقیان سرشته اقراص بسازند شربتی یک درم تا یک مثقال با آنچه مناسب

محمد بن ذکریا گفته که چون این قرص را مطحول با سکنجبین بخورد سه روز صحت یابد قرص

ایرسا به نسخهٔ معتبر نافع از برای صلابت طحال و اورام کبد نسخه ایرسا چهار درم فلفل

سفید اشق عصارهٔ زرشک زیوه رخنی از هر یک یک مثقال و نیم طباشیر سفید دو مثقال

و تخم افرار کوفته و بیخته بقلبت سرشته اقراص بسازند و در سایه خشک کرده شربتی

... مثقال ... ل نمایند قرص ... به نسبت از حاجی حسین از ... حضرت

... بادی قدس سره مستعمل در اورام عتاره و اوجاع ... و این قرص را

... مبارک ساخته صفت آن صبر سقوطری زرد و برگ حنا کافور قیصوری

... دو مثقال مرکی صافی پوست بلیله زرد مخصص هندی اقاقیا گل ارمنی

از هر یک سه مثقال افیون پنجاه مثقال زرد چوبه دو مثقال را در ... کوبیده

با ... چند دفعه خمیر کرده خشک نموده قرص ساخته نگاهدارد قرص بارد ...

... لولوالی یرقان اصفر و نفخ و خفقان قلب ... ضعف

... مفید بود اخلاط آن مغز تخم خیارین مغز تخم کدو شیرین از هر یک سه درم ابریا ...

منقی و بوزن گل سرخ از هر یک چهار درم تخم کاسنی و تخم کشوث و تخم خرفه مقشر

خشخاش سفید و تخم کاهو و طباشیر سفید از هر یک دو درم ریوند چ...

و گل غافث و بادیان از هر یک یکدرم صندل سرخ ... سفیدان

گل نیلوفر از هر یک یک مثقال کوفته و بیخته با آب سرشته اقراص سازند شربتی سه درم

با آب خشخاش **قرص مرکی** این قرص جلا دهنده است و مخرج بلغم خام و صفرا و

حیض را بگشاید حرارت را کم کند و جرب را سود دارد **اخلاطان** به نسخه

شیخ رئیس پوست هلیله کابلی و پوست بلیله و امله و منقی در هر یک ده درم کابلی مقشر

بعد از کوفتن و بیختن او هر یک یکجزو ذرنباد سفید مجوف مصمغ برانشده بروغن

بادام شیرین چرب نموده بوزن مجموع ادویه فاسد بوزن همه فانیده را در باقلیه کرده

قدری آب بر روی وی کرده بجوشانند و بقوام آید از آتش برگرفته ادویه را بر آن

پاشند و مخلوط نمایند خلط نیکو پس قرص ها سازند هر قرصی ده درم بازی کرخسانیده

باشند و در آن کشنیز خشک اول شب تا صبح صافی نموده باشند پس بدر شبی ده مجلس

یا بیست مجلس اجابت میکند و باید که روزه باشند طعام آورا بر این قرص وقت عصر روز دیگر

که این قرص را خورده باشد بانخود آب که با روغن زیتون مغسول ساخته باشند پس

اگر احتیاج باخراج بلغم زجاجی باشد باید که اضافه کرده شود بر اجزای این قرص

ربع جزو ملیله شحم حنظل و از شحم کوتوانی در نیر بدو درم و فانید شقیقی اسطار

و باقی از هر یک یکدرم است و گفته که شربتی از این قرص ده درم است در پنجاه بار

قرص جرز منقول ... نافع است از برای اسهال طبیعت و قروح

امعا و قیام دم ... از برای ... خون ... از برای نزف طمث

زنان

[illegible] حب [illegible] تخم رازیانه و [illegible] خولنجان و نانخواه و تخم کرفس
[illegible] بول شش درم کوفته و بیخته با شراب ریحانی
[illegible] بوزن [illegible] درم و بعد از [illegible] ساعت استعمال نمایند شربتی
[illegible] از نافعات اخلاط این قرص [illegible] که سید اسمعیل
[illegible] ذکر کرده پوست هلیله اهلیله منقی و برنگ کابلی مقشر از هر یک
[illegible] و خرد کوفته و بیخته با آب [illegible] سرشته اقراص سازند شربتی ۳ درم و اگر
[illegible] بخورند شربتی از ده درم تا بیست قرص بسد در منافع مثل قرص [illegible]
است که ذکر شد اخلاط آن بسد محرق و لبان ذکر و اقاقیا و گلنار فارسی چهار درم
دارچینی و صمغ عربی از هر یک یک درم و در نسخه دیگر از هر یک [illegible] درم است کوفته و بیخته بسفیده
تخم مرغ سرشته اقراص سازند و در سایه خشک کنند شربتی یک درم [illegible] تا دو سال باقی می ماند
اخلاط این قرص که سید اسمعیل در علت [illegible] ذکر کرده نسخه آن بسد محرق مغسول ده
درم لبان ذکر اقاقیا گلنار فارسی از هر یک چهار درم صمغ عربی کثیرا و گل مختوم از هر یک
[illegible] درم دارچینی یک درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو مثقال قرص [illegible] منقول
از کامل الصناعه نافع از برای درد چشم و درد سر شقیقه و دوار و ظلمت بصر و در مدرا
[illegible] کند اخلاط آن گل بنفشه دو درم [illegible] مصطکی یک درم رب السوس [illegible] درم
[illegible] دانگ کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی از یک درم تا یک مثقال و
[illegible] استعمال [illegible] باشد [illegible] شیخ [illegible] این قرص را [illegible]
[illegible] ذکر کرده [illegible]
[illegible] از برای [illegible]

و بانفع می است و شربتی از آن سه درم است تا چهار درم با جلاب شکر ...
الله تعالی نافع است و حکیم محمد باقر بن حکیم عماد الدین محمود شیرازی ...
صاحب کامل الصناعه را در بیاض مجرب خود بخط خود از برای ...
گفته که در نسخه نجیب الدین سمرقندی که در قرابادین خود ذکر کرده وزن سقمونیا
یک دانگ است و نیم است و حکیم محمد باقر نوشته اجزا را کوفته و بیخته با آبی که ترنجبین خراسانی
در آن حل کرده صافی نموده باشند سرشته اقراص سازند و مجموع یک شربت است با ده
درم شیشکر بغیر که با آب گرم حل کرده باشند بنوشند و سید اسمعیل در ذخیره قرص بنفشه
صاحب کامل را در بیخ خالص آورده و گفته که این قرص غیب خالص را از ملین طبیعت بود
از صحیح بکار آید و اختلافی میان نسخه صاحب کامل و نسخه سید اسمعیل آنست که
وزن سقمونیا یک دانگ است و گفته که مجموع یک شربت است با پنج درم ترنجبین در آب
گرم کرده صافی نموده اخلاط این قرص گل بنفشه خشک چهل درم ترید بغیر مدبر بیست درم
صمغ عربی و رب السوس از هر یک ده درم سقمونیا مشوی چهار درم همه را کوفته و بیخته
با آب اقراص سازند مقدار شربتش از چهار درم با جلاب شکر بیست درم و گلاب
ده درم و آب نیم گرم چهل درم و اگر در طبع قبض بسیار باشد بجای جلاب شکر سرخشت
خراسانی و ترنجبین از هر یک ده درم باید قرص بنفشه دیگر که منافع قرص بنفشه
صاحب کامل الصناعه دارد اخلاط آن گل بنفشه ده درم اصل السوس ترید بغیر مدبر
یک سه درم کوفته و بیخته با آب خالص سرشته اقراص سازند و در سایه خشک نمایند شربتی
سه درم قرص بنفشه دیگر که همین منافع دارد اخلاط آن گل بنفشه نه درم ترید بغیر
بکدانم رب السوس از هر یک نیم درم سقمونیا یک دانگ بوده و آب لیمون از هر یک

بلا اید

[illegible] حل کرده ادویه را کوفته و بیخته با لعاب ... سرشته اقراص سازند

[illegible] ح دیگر که تب گرم و سرفه و ذات الجنب را نافع باشد اخلاط آن

[illegible] برشته مغز تخم کدو شیرین مغز تخم خیارین تخم خطمی سفید از هر یک ... درم رب السوس

[illegible] نشاسته و گلنار از هر یک سه درم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی دو درم

[illegible] قرص بنفشه دیگر نافع از برای عطش و لهیب و سرفه و خشکی و ذات الجنب

اخلاط آن بنفشه ده درم تخم خشخاش مغز تخم خیارین از هر یک ... درم رب السوس و کتیرا از هر

یک چهار درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی یک مثقال با جلاب سکری دهند و گاهی

که خشکی زیاده باشد چهار درم سقمونیا ... درم ... مجوف زیاده کنند و بجای ...

شربتی دو درم با جلاب سکری قرص بنفشه دیگر که همین منافع دارد اخلاط آن بنفشه

ده درم سقمونیا مشوی چهار درم رب السوس ... درم کتیرا و نشاسته از هر یک

یک درم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند شربتی با جلاب سکری دهند

بجهت اسهال صفرا قرص بنفشه حار منقول از الصباح تنهای مرکب که بلغم غالب

باشد ... سرفه و بلغمی را نافع است اخلاط آن گل بنفشه و زرد ... از هر یک ده

درم رب السوس و سقمونیا مشوی از هر یک سه درم و ثلث درمی کتیرا و مصطکی رومی

... دو درم و دو ثلث درمی کوفته و بیخته اقراص سازند و مجموع را ده قرص

سازند ... تا ... خشک سازند و نگاه دارند شربتی یکی قرص بنفشه مسهل

[illegible] ... چند او ... مسهل ... مرکب از بلغم و صفرا ... را مفید بود

اخلاط آن گل بنفشه ... ده درم ... درم ... رب السوس ... درم [illegible]

[illegible] درم مصطکی رومی یک درم ... کوفته و بیخته اقراص سازند

شیرخشتی دو درم با جلاب شکری یا بجنبه بونبخ و طبخ زبیب و انجیر با بلوس خیار شنبر را
حل کرده صافی نموده بروغن بادام شیرین داخل کرده بیاشامند قرص بنفشه
[illegible] سفید از هر یک ده درم و نیم رب السوس یکدرم گل بنفشه سرخ پنجدرم [illegible]
مصطکی رومی یکدرم و نیم کثیرا چهار درم بسانوا اقراص سازند قرص بنفشج مسهل بنسخه محمود بن
الیاس که در حاوی ذکر کرده در نفع از برای درد چشم و درد سر و درد شقیقه و دوار و
ظلمت چشم بسیار سودمند است ذر [illegible] از اول کرده اند اخلاط ان گل بنفشه خشک دو درم
تربد سفید یکدرم رب السوس [illegible] درم پوست هلیله زرد پنجدرم سقمونیا مشوی یکدانگ
در دو حبه کوفته و بیخته حب سازند مجموع یک شربت است قرص بنفشج مسهل صفرا و اخلاط
ان سر بنفشه سی درم گل سرخ بیست درم اصل السوس مقشر پوست هلیله زرد و ترب
سفید از هر یک ده درم صمغ عربی کثیرا محموده مشوی مصطکی رومی از هر یک پنجدرم کوفته و
بیخته بکلاب سرشته اقراص سازند شربتی چهار درم با نیم رطل جلاب که بنفشه در
درم ترنجبین با شیرخشت خراسانی که در ان حل کرده باشند بیاشامند قرص بنفشج مسهل
بنسخه دیگر که همین منفعت دارد و در دواء الجربه را سود دارد اخلاط ان سر بنفشه
بیست درم گل سرخ بیست درم رب السوس صمغ عربی از هر یک پنجدرم نشاسته
و کثیرا از هر یک یکدرم پوست هلیله زرد سقمونیا مشوی و غاریقون سفید از هر یک
چهار درم سوده بکلاب سرشته اقراص سازند شربتی چهار درم با [illegible] درم جلاب
نیم گرم قرص بنفشج مسهل دیگر که منافع نسخه قبل دارد اخلاط ان سر بنفشه پنج مثقال و ورق
گل سرخ [illegible] و مغز تخم [illegible] و تخم کاسنی سقمونیا مشوی کوفته [illegible] اقراص سازند شربتی
یک مثقال با شراب بنفشه قرص [illegible] نافع از برای حمیات حاره و سهال [illegible] و

لکان

...ان موضع که باشد شیخ داود انطاکی در تذکره آورده که این قرص
...تجربه کردم در حری که ذکر کرد جدری از او در خواص این دواء است که برای
...ف قروح و بثور فارسیه که از آتشک فرنگ کو نامیده بصحبت بکو شیخ تجربه
...ن و فعل کرد در تخفیف القروح فعلی عجیب لیکن لازم است که بر کاربنده از برای فعل
...باشند باید که دهند و بر اجزای که ذکر کرده می شود عفص و پوست انار استعمال کرده
شود با آب گرم با سه مثقال اما در غیر این فعل بیش شربتی از آن با نیم مثقال است
گفته که یعقوب این قرص تا چهار سال باقی می ماند و این اگرچه بحسب ظاهر در آن نظر است
بجهة عمود در این قرص گلنار است و آن زود فاسد می شود لیکن می شواند بود که یکی از اجزای
او افیون است و افیون حافظ ترکیب مرکبات است قول شیخ داود صحیح و الله اعلم
اخلاط او ان گلنار فارسی دار فلفل از هر یک بیست درم افیون و طین مختوم و سلیخه و
صمغ عربی از هر یک چهار درم کثیرا و افیون از هر یک یک درم کوفته و بیخته با آب
گلنار تازه سرشته اقراص بسازند سلیخه سیاه و گل ارمنی و صمغ
عربی از هر یک چهار درم جلنار مقشر الدجاج و گلنار فارسی از هر یک سه درم کثیرا
نیم درم کوفته و بیخته با آب گلنار تازه سرشته اقراص بسازند اخلاط این
قرص ... سلیخه سیاه و طین مختوم و مرکی صافی و صمغ عربی و گلنار فارسی بیست درم
کثیرا یک درم کوفته و بیخته با آب گلنار تازه سرشته اقراص بسازند و اگر گلنار تازه نباشد
گلنار خشک را در آب جوشانده صافی نموده در آن آب سرشته باشند اخلاط این
... محمد حسین عقیلی در قرابادین از منهاج با اسم قرص ... آورده و گفته ...
از برای اختلاف ... و نفث الدم ... الدم و ... [illegible]

صفت آن بسعلی سیاه و طین مختوم و قرنکی صافی و صمغ عربی از هر یک چهار درم کلنار
شروع الاقماع و کلنار فارسی و اقاقیا از هر یک شش درم کثیرا یک درم اجزا را
نرم کوبیده و بحریر بیخته با آب کلنار تر یا با آب مطبوخ کلنار سرشته اقراص سازند
و در سایه خشک نموده نگاه دارند شربتی دو درم دو نوبت ناشتا با آب سماق باید
قرص کلنار که در آمدن خون از موضع که باشد بکار آید خصوصا از برای نفث الدم و
قی الدم که بسبب ترقیدن یا گشاده شدن رگی از رگها باشد بعد از فصد در چنین وقت
و امتلای دموی بدون فصد ربانی که ضعف باشد مستعمل است اخلاط آن صمغ عربی
پانزده درم کهربا و لسد کثیرا خشخاش و گلسرخ و تخم شروع الاقماع و طباشیر و سماق و کلنار
فارسی و عصاره لحیة التیس و نشاسته از هر یک ده درم شاخ گوزن سوخته سرشته
نیم درم اقاقیا نیم درم [illegible] با آب بارتنگ یا با آب لسان الحمل سازند مانند
قرص کلنار که همین منفعت دارد اخلاط آن کلنار فارسی شش درم کهربا شمعی و لسد
و کندر و دم الاخوین و نشاسته و صمغ عربی از هر یک یک درم کوفته و بیخته با لعاب
بارتنگ سرشته اقراص سازند و اگر حرارت بسیار باشد نیم درم کافور قیصوری زیاده
کنند و اگر حاجت بقبض باشد افیون یک دانگ اضافه نمایند شربتی دو درم قرص
کلنار دیگر نافع از برای اسهال معده و خون آمدن از هر موضع که باشد اخلاط آن
کلنار فارسی و تخم حماض از هر یک سه درم سماق و [illegible] جفت و مازو و لسد
تر و عصاره لحیة التیس و اقاقیا و کندر از هر یک یک درم و هم کوفته و بیخته با آب مورد
تازه سرشته اقراص سازند شربتی یک درم با شربت حب الآس قرص کلنار دیگر
نافع از برای اسهال مزمن و از برای خون آمدن از هر موضع که باشد و از برای ضعف

کل

...روث فصد اگر قوت باشد و معلفت امتلاء از خون موجود باشد و چون
این علت استعمال کرده باشند باید که ازین ادویه استعمال کرده باشد یعنی رب ترش
و رب سیب شیرین و شربت حب الآس و شربت ریباس و شربت لیمون و
غذا اینها عدس باشند سماق و غوره باشد یا با زرشک یا با شیر غاله یا با ماش و شیر غاله
باشد ... لیکن باید در نجح اما طبوخ اخلاط آن گلنار فارسی و تخم حماض از هر یک
دو درم گل سرخ منزوع الاقماع و سماق منقی و کثیرا سفید و صمغ عربی و گل مختوم و گل ارمنی
و گل ... و صندل سفید از هر یک یک درم و نیم نشاسته بریان سه درم افیون دو درم کوفته
و بیخته با آب سیب و آب به سرشته اقراص سازند شربتی یک درم با آبی اترجوب
و ابسر مذکور قرص جلنار دیگر نافع بود ما یحلس و خون آمدن از هر موضع که باشد اخلاط
آن گلنار فارسی چهار درم گل سرخ منزوع الاقماع سه درم زعفران ده درم صمغ عربی
یک درم کثیرا سفید پنج درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم با لعاب بهدانه
و دو درم با ... با آب کدو سرد کرده قرص خشخاش نافع از برای قروح سینه و ریه
و ... و درد سینه و ذات الریه و ذات الجنب اخلاط آن غنچه گل سرخ منزوع
الاقماع و صمغ عربی از هر یک چهار درم نشاسته کتیرا و رب السوس از هر یک دو درم
تخم خشخاش ... سفید و تخم خشخاش سیاه از هر یک سه درم طباشیر سفید پنج درم زعفران دو
دانگ کوفته و بیخته با ... سرشته اقراص سازند شربتی ... از یک درم تا یک مثقال با شراب
خشخاش ... باشد ... بعد از آن ...
... حکیم ... مجرب ... خشخاش ... داخل ... مثقال ...
... مثقال ... باز ... خشخاش ... موضع دیگر ... مجربات ...

قرص خشخاش اجیل آب و گفته که بیشتر از نیم درم یا سه درم با شراب خشخاش

سید اسمعیل در ذخیره در علت قرحه قلبیه ذکر کرده و گفته که این قرص برای قروح

و مثانه و مجاری بول و از برای رویانیدن گوشت تازه در بن قروح بکار آید

هر گاه که استعمال کرده شود و بعد از شستن وجع و استادن ریم اخلاط آن تخم خشخاش

سیاه از هر یک ده درم کثیرا و صمغ عربی و نشاسته و گل ارمنی و طین سرخ و

گل مختوم گل غنچه سرخ ربوب الاقحوان گلنار فارسی ... از هر یک یکدرم طباشیر

سفید کهربا از هر یک یکدرم و نیم کندر ... ربوب ... دو دانگ کوفته بیخته و بآب انار

تازه سرشته اقراص سازند شربتی یکمثقال تا دو درم با سکنجبین ... یا سقاث

بیاشامند و اگر در این قرص دم الاخوین و حب الاس و سرطان محرق زیاده کنند

قوی تر شود و حب القلب و ذوج محرق ... و مروارید با گفته از برای قروح مثانه

هر گاه این قرص ساخته شود باید که تر با ... داده شود قرص ... بنسخه که شیخ ...

در قرابادین قانون ذکر کرده نافع است از برای تنهای و صلابت کبد و حیا ده و اورام

آن و از برای اماس طحال و از برای ضرضربه که این اعضا در احشا رشد اخلاط آن

ریوند چینی هشت درم فو الصبح عود ... از یک چهار درم تخم کرفس و غافث ...

از هر یک شش درم کوفته و بیخته اقراص سازند هر قرصی یکمثقال شربتی یکقرص با سکنجبین

و در نسخه ... بجای عود لک مغسول است و گفته با ترنجبین محلول

در آب صافی نموده سرشته اقراص سازند و این نسخه شیخ ... جروف ... و مزاج

گرم است در یک ... ثلث درجه و خشک است ... با ددم

اخلاط این قرص بنسخه دیگر ریوند چینی شش درم فو ... الصمغ لک مغسول از هر یک

سه درم

[illegible] تخم کرفس و انیسون و عصاره غافث از هر یک دو درم کوفته و بیخته با ب[illegible] سرشته
[illegible] سازند شربتی از یک درم تا یک مثقال و قوتش بعد شش ماه ضعیف میگردد و باید دانست
که ریوند چینی در ادویه امراض کبد خصوص در اقراص مخصوص کبد همچو غنچه گل سرخ است
در امراض معده در نفع و گل سرخ همچو فلفل است در امراض طحال *اخلاط این قرص به نسخه*
دیگر ریوند چینی فوه الصبغ لک مغسول از هر یک سه درم تخم کرفس و انیسون و عصاره غافث
یک درم کوفته و بیخته بعرق کاسنی تازه سرشته اقراص سازند و در سایه خشک نموده بکار دارند
اخلاط این قرص که حکیم محمد باقر جیلی کرد در بیاض مجربات خود بخط خود آورده و نوشته که این
قرص نافع است از برای تبهای کهنه و صلابت جگر و سپرز و اورام جگر و سپرز و از برای
حرارتی که بر معده و جگر واقع شود *اخلاط آن* ریوند چینی شش درم فوه الصبغ و لک مغسول و تخم
کرفس و انیسون و عصاره غافث از هر یک دو درم کوفته و بیخته با ب[illegible] سرشته اقراص سازند
[illegible] درم تا یک مثقال و قوتش تا شش ماه باقی میماند و گفته که این خبر در منهاج الادویه
[illegible] الصبغ و لک مغسول را از هر یک چهار درم نوشته و وزن ریوند همان شش درم
است و [illegible] دوای دیگر از هر یک سه درم نوشته و گفته که *اخلاط این قرص به نسخه*
[illegible] ریوند چینی ده درم سنبل الطیب و مصطکی رومی و بادیان و عصاره غافث
و انیسون از هر یک سه درم بدستور قرص سازند شربتی دو درم و گفته که *اخلاط این قرص به*
نسخه شیخ الرئیس از برای کبد در امراض کبد ذکر کرده است ریوند چینی ده درم سنبل الطیب
[illegible] مصطکی رومی و عصاره غافث و قسط رومی و رازیانه و انیسون از هر یک دو درم
شربتی یک قرص که یک مثقال باشد *قرص ریوند دیگر [illegible]* در دستور [illegible] حاره گفته
آورده *اخلاط آن* ریوند چینی زرشک منقی و تخم کاسنی اجزا مساوی کوفته و بیخته [illegible]

لسان الحمل سرشته اقراص بسازند بر قرصی یک مثقال در بستانه خشک نموده لعاب
تیز بنی یک مثقال قرص ریوند [illegible] نافع از برای امراض طبیه کبد و حمیات مرکبه و دفعی از
غالب بلغم باشد اخلاط آن ریوند چینی دوازده درم افسنتین رومی و گل سرخ
از هر یک شش درم سنبل الطیب و اسارون شامی و مصطکی رومی و اذخر مکی از هر یک
یک درم و نیم لک مغسول و عصاره غافث از هر یک دو درم قرص ریوند کبیر منقول از
تذکرة اولی الالباب گفته که این قرص منسوب است به شیخ رئیس قدس سره نفسه و این قرص جلیل القدر
و کثیر المنافع است مجرب است از برای یرقان و صداع و اوجاع صدر و معده و کبد و طحال و
ریاح و حمیات مزمنه و عسر البول و سوء الهضم و از برای سموم مثل قرص [illegible] و این
از سر آن [illegible] باید که محفوظ دارد این سر را هر گاه بوده باشد بر قوانین صحیح و قوت
این تا چهار سال باقی است صفت آن ریوند چینی شش درم فوه الصباغین لک از هر یک
چهار درم تخم کرفس [illegible] عصاره [illegible] افسنتین رومی از هر یک سه درم این دفعی است
که از برای ادرار طمث باشد و الا [illegible] آنچه ذکر شد از فوه الصباغین تا آخر [illegible]
کنند باید که زیاده کرده شود قسط و مصطکی [illegible] اگر به سبب آن صداع بلغم باشد و الا
عوض قسط بلیله کابلی و عوض [illegible] کشنیز خشک کنند اگر سبب صداع بخار باشد و اگر
برودت باشد دارچینی زیاده کنند از هر یک چهار درم و اگر تب باشد و قبض الطبیعت
[illegible] زیاده کنند اصل السوس و گل سرخ و [illegible] از هر یک سه درم و اگر با تب
عطش و قبض باشد عوض اصل السوس تخم خرفه مقشر کنند [illegible] قرص زراوند
[illegible] نافع از برای حمیات مزمنه و علل بارده کبد
و فساد لون [illegible] و احتقان حادث از حمیات
[illegible]

ده کند و فساد لون به باجین و تمرهندی خلط را اصلاح کند و اصلاح اخلاط آن
مصطکی رومی و سنبل الطیب و عصاره افسنتین و درازیانه و انیسون از
ده درم ریوند چینی دو درم کوفته و بیخته با آب اقراص سازند شربتی یک مثقال با
سکنجبین ساده قرص راوند دیگر نافع از برای امراض کبد و بلیغ اسهال اخلاط آن
ریوند چینی دانگ مغسول از هر یک سه درم طباشیر سفید و گل سرخ منزوع الاقماع از هر یک
چهار درم تخم خیار خالص پنج درم زعفران و در نسخه دیگر از هر یک پنج درم است کوفته و بیخته
اقراص سازند شربتی دو درم قرص راوند بنسخه محمد ابن زکریا رازی که سید اسمعیل
در ذخیره سوء مزاج بارد جگر ذکر کرده اخلاط آن سنبل الطیب مصطکی رومی و عصاره
افسنتین رومی و درازیانه و انیسون از هر یک دو درم ریوند چینی ده درم کوفته و بیخته
اقراص سازند و در سایه خشک کرده نگاه دارند شربتی دو مثقال با سکنجبین عسلی
قرص راوند دیگر که سید اسمعیل درین علت ذکر کرده که استعمال کرده شود و این قرص
بعد از استفراغ منقیه بود اخلاط آن ریوند چینی نه درم بوه الضبع دانگ مغسول
از هر یک چهار درم تخم کرفس و انیسون و گل غافث از هر یک سه درم کوفته و بیخته
به سکنجبین عسلی سرشته اقراص بسازند شربتی یک مثقال قرص راوند دیگر نافع از برای
استسقا و سوء مزاج حاره کبد نسخه آن ریوند چینی زرشک منقی تخم
کاسنی اجزا متساوی کوفته و بیخته با آب برگ تازه زرشک سرشته اقراص سازند
شربتی یک مثقال قرص ... نفث الدم و قی الدم را نافع است و بالجمله حبس
خون از اعضای باطنی هر عضو که باشد نماید اخلاط آن بنسخه ... الدین
... که در رساله ... ذکر کرده کهربا و بسد ... از هر یک سه درم ...

وقشر بیض و مصطکی و کشنیز خشک بریان دو باد شنج کوفتن و زبد البحر و سرطان
هر یک دو درم دم الاخوین و گلنار فارسی از هر یک پنج درم کوفته بیخته بلعاب بهدانه
سرشته واگر برای زیادتی تبرید و تخدیر کافور و بذر البنج و افیون و تخم کاهو از هر یک یکدرم
اضافه کنند بهتر است قرص زرنیخ نافع از برای اکله و قلاع سوداوی و بد بوی
دهان که بسبب اخلاط فاسده باشد اخلاط آن زرنیخ سرخ و زرنیخ زرد سوده از هر یک
ذنب بادام و زراوند گفتار ان و قلقطار از هر یک سه درم کف دریا یکدرم و نیم مازو
سبز و پوست انار از هر یک چهار درم زاج و اقاقیا دو درم اجزا را کوفته و بیخته بقطران
سرشته در صره بندند و در گل گیرند و بآتش نهند تا بسوزد پس بسایند و اقراص
بسازند و در وقت حاجت یک قرص را بسایند بر دهان بپاشند قرص زرنیخ دیگر
که مزیل بد بوی دهان که بسبب از دندان و گوشت دندان باشد نافع است اخلاط آن
زرنیخ دو درم و نیم کاغذ مصری سوخته نیم درم سک اصلی و سماق منقی و زنجبیل
و فلفل سوخته و افیون از هر یک دو درم کوفته و بیخته با میویزج و یا آب کشنیز
سرشته اقراص بسازند و در وقت حاجت بسود و بر بن دندان بمالند
قرص زعفران که نافع است از برای بد بوی دهان که بسبب بلغم متعفن در سطح
دهان و لثه باشد بعد از آن تنقیه بدن از آن بلغم نافع است اخلاط آن
زعفران و زرنیخ کوکنار و زراوند کوفته از هر یک یک جزو کوفته و بیخته بعسل مصفی سرشته
اقراص بسازند و در وقت حاجت یک قرص از آن بمالند و اگر یکی را بالای آن گرم در آن
اهلیلج بسایند باشند و صافی نموده باشند حل کرده مضمضه نمایند کوکب از
قرنفل و سعد است و سلیخه هندی و مصطکی رومی و عود خام و کبابه و جوز بوا
ولبان

... و قاقله و فرنجمشک و زرنجبیل و کندر و ... معده ضعیف باشد ...

... و برنج دماوند بر بن دندان و دهان صبر و مرضی تا بی مصمصه نمایند قرص سنبل

اما کسی غلبه کرد در معده و شیر و جگر باشد سودمند دارد اغلاطان سنبل الطیب

و تفاح اذخر و سلیخه سود او کل بزر ع مروع الاصابع و ریوند چینی و قصب الذریره

از هر یک ... درم زعفران و مرمکی صافی و انیسون و قسط ... تلخ و فلفل از هر

یکدرم مقل ازرق مصطکی رومی از هر یک دو درم انیسون نیم درم انیسون را مثلث

حل کرده باقی ادویه را کوفته بیخته اقراص سازند هر قرصی دو درم شربتی یک قرص از بهر

استسقا معده با مثلث نوشند و از جهت استسقا کبد با سکنجبین عنصلی شربت ... گفته

که این قرص دو درم صلب ماده بعد از خوردن شیر شتر یا ماء العسل با روغن بید انجیر

و روغن بادام تلخ و روغن سوسن باید یک قرص را که یکمثقال باشد ...

بیاشامند ... که او ذکر کرده و مقل ازرق و مصطکی و انیسون و مثلث داخل

ندارد قرص سنبل نسخه دیگر اغلاطان سنبل الطیب قصب الذریره و سلیخه و ریوند

چینی از هر یک سه مثقال مقل ازرق و مصطکی رومی از هر یک دو مثقال مرمکی صافی

و فلفل و قسط تلخ و انیسون و زعفران از هر یک یکمثقال انیسون نیم مثقال مقل و انیسون

را بآب مثلث یا آب گرم حل کرده سازند و باقی ادویه را کوفته و بیخته بآن سرشته

اقراص سازند شربتی دو درم برای ورم جگر با سکنجبین و برای ورم معده با مثلث

قرص ... نافع منقول از مجربات میرزا محمد باقر حکیم باشی ولد حکیم عماد الدین محمود حسینی

... نافع از برای ... و قطع سیلان خون از اعضا ... نافع و نافع از برای

... دو ... دمهای ... و از برای جمیع ... مذکوره مجرب ...

اخلاط آن سماق و تخم عدس مغسول و تخم خرفه مقشر و کشنیز خشک و تخم خشخاش سفید
و گل سرخ و بزر ربع الاجماع و طباشیر سفید و گل ارمنی مغسول و طین رومی از هر یک
پنج مثقال کوفته و بیخته بلعاب بذر قطونا سرشته اقراص سازند شربتی یک مثقال
با شیره تخم خرفه مقشر قرص کهربا خون آمدن از هر اعضا که باشند باز دارد اخلاط
آن کهربا بسائی و گل اصفهانی از هر یک یک درم که تازه مروارید ناسفته اقاقیا
از هر یک سه درم دم الاخوین صمغ عربی و کثیرا از هر یک دو درم همه را سحق نموده
اقراص سازند شربتی از نیم درم تا یک مثقال قرص زرشک که استعمال آن اصلاح کند و نافع
است از برای استسقائی که از برودت کبد باشد بجهت استفراغ رطوبت
باشند اخلاط آن ... و پوست بلیله مساوی کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی
از یک دانگ ابتدا کنند تا یک درم و با سکنجبین بنشانند قرص طباشیر نافع از برای
غب خالص مستعمل بعد از استفراغ و فی که بعد استفراغ ... از هر یک جگر را و
سایر حمیات صفراوی نافع است و تشنگی را فرو نشاند و حرارت جگر را و معده
را نافع باشد اخلاط آن طباشیر سفید و گل سرخ و بزر ربع الاجماع از هر یک
پنج درم تخم کاهو و تخم خیارین و مغز تخم کدو از هر یک سه درم رب السوس دو درم ترنجبین
ده درم ترنجبین را با گلاب حل کرده صافی نموده باقی ادویه را کوفته بیخته اقراص سازند
قرص طباشیر دیگر که منفعت دارد در تبهائی که با سرفه باشند اخلاط آن طباشیر سفید
و گل سرخ و بزر ربع الاجماع و صمغ عربی و کثیرا از هر یک چهار درم مغز تخم خیارین و مغز
تخم خیار بادرنگ و تخم خرفه مقشر و اصل السوس از هر یک هفت درم زعفران
دو درم نشاسته سه درم کافور قیصوری یک درم کوفته و بیخته بلعاب بذر قطونا سرشته

حرارت

اقراص

اقراص سازند قرص ... نافع از برای جراحات حاره و بثور و خراج حاره که بعد ...

... نرم باشند و زرداب قیح کرده باشند اخلاط آن طباشیر سفید و تخم ... و

گل سرخ منزوع الاقماع زرشک منقی از هر یک پنج درم لک مغسول ربوند چینی آمله و

درم زعفران یک درم بدستور اقراص سازند و اگر سرفه باشد صمغ عربی و کثیرا و نشاسته

از هر یک یک درم ... رب السوس دو درم افزوده اجزای مذکور نمایند قرص طباشیر دیگر که

حرارت جگر و ... عطش و حرقت بول را نافع است اخلاط آن طباشیر سفید ده

درم تخم کاهو مقشر و تخم خرفه مقشر از هر یک پانزده درم کثیرا خشک که شبانه روز

در ... خیسانیده باشند و بریان نموده باشند پنج درم گل و گل ارمنی مغسول از هر یک پنج درم

گلنار فارسی دو درم صندل سفید و صمغ عربی و اقاقیا از هر یک دو درم کافور قیصوری یک درم

بدستور اقراص سازند شربتی سه درم با آب انار یا رب حب الآس قرص ...

... و در ... سه درم تخم حماض ... درم طباشیر سفید چهار درم نشاسته

صمغ عربی از هر یک سه درم زعفران یک درم کوفته و بیخته با ... اقراص سازند شربتی

یک مثقال ... نافع است ... قرص طباشیر ... اخلاط آن طباشیر سفید و غنچه

گل سرخ منزوع الاقماع از هر یک پنج درم ترنجبین منقی ده درم کثیرا و صمغ عربی از هر یک

یک درم تخم خرفه مقشر مغز تخم خیار بادرنگ و مغز تخم کدو شیرین از هر یک سه درم تخم کاهو و

تخم کاسنی از هر یک ... درم صندل سه درم سرطان نهری و رب السوس از هر یک ... درم

کوفته و بیخته بلعاب بذر قطونا یا لعاب بهدانه سرشته اقراص سازند و بعضی اطبا

عود خام و سنبل ... در این نسخه بوزن کافور داخل کرده اند قرص ... نافع است

از برای استهال صفراوی و ... و قطع آمدن خون از هر موضع که باشد ... بیخ و ...

را نسود مند است و بجزوه رطوبتی را مفید است **اطلا طران** طباشیر لعقه بنفشه بستهٔ صمغ
عربی و گلنار فارسی و گل سرخ منزوع الاقماع و حب الآس و افیون و خشخاش کوزن
محرق مغسول از هر یک یک درم و نیم مثقال زعفران چهار مثقال پوست بیخ انجبار و گل ارمنی
و خرنوب نبطی و اقاقیا از هر یک سه مثقال مازو سبز و دم الاخوین و تخم حماض از هر یک
دو مثقال کوفته و بیخته با آب بارتنگ سرشته اقراص سازند شربتی یک مثقال با ادویه
مناسبه **قرص طباشیر** به نسخه نواب میرزا محمد باقر ابن حکیم عماد الدین محمود حکیم باشی
منقول از خط نعمت الله گفته که این همه اختلاف که در قرص طباشیر است بجهت اختلاف
اعراض و طبیعت حاذق که عارف بامزجه اشخاص باشد از برای هر شخصی بحسب
مزاج او و دیگر عرضها که واقع باشند کم و زیاده در اخلاط این قرص و در اوزان
آن البته میکنند تا موافق عرض آن مزاج و به محلی در قاعده ترکیب این قرص
اینست که میباید که امثال بعضی از این ادویه باشند مثل تخم کاسنی و تخم خرفه مقشر و
مغز تخم خیار بادرنگ و مغز تخم کدو شیرین و طباشیر سفید و گل سرخ و صندل سرخ و صندل
سفید و تخم حماض و کافور قیصوری و گل نیلوفر و گل بنفشه و رب السوس و کثیرا و نشاسته
و صمغ عربی و گل ارمنی و گل مختوم و زرشک منقی و سماق و غیره تا در هر وقت
بحسب حالت مصلحت بعد از این ادویه را اختیار نماید و هر یک از مصلحت اقتضا کند و اثر نسبت
نماید مثلا اگر به جهت حرارت دل و خفقان ترکیب نماید و اجزایی که با آن بیشتر
خصوصیت داشته باشند اختیار کند چون صندلین و تخم خرفه و گل سرخ و تخم کاهو و تخم
خیارین و اگر به جهت حرارت کبد ترکیب کند مثل زرشک و تخم کاسنی و تخم اعراض
کبد مثل ریوند چینی اختیار کنند و از جهت سرفه و خشونت صدر کثیرا و رب السوس

[illegible]

وضع عرق بید و امثال اینها است که در این داخل نمایند و در وقت تشخیص طبیعت کل
بنفشه و گل نیلوفر و مغز تخم کدو و بزر و بهدانه و ترنجبین داخل کنند و در وقت میل طبیعت
گل ارمنی و گل مختوم و تخم خاص و از جهت تقویت معده گل سرخ فارسی و حب الآس و سماق
داخل کنند و همچنین اعراض گوناگون لهایات در کتب نوشته شده است و در اینجا ذکر آنها
لایق نیست بالجمله که اشتعار نموده اکتفا نمود با سعته کرده شود قرص طباشیر دیگر
حکیم محمد باقر حکیم باشی والد ارشد حکیم عماد الدین محمود حسینی شیرازی در بیاض مجربات
خود بخط خود ابلاغ نموده و گفته که این نسخه از پدرم حکیم عماد الدین حسینی محمود است که در
قرابادین یا تألیف خود ذکر کرده در اثنای ذکر اقراص طباشیر و چون این نسخه مشتمل نفع تام
است ذکر می شود تا منتفعان را نفع تمام حاصل آید و ان گفته که والد ماجد
فرموده اند که در اصول الرالیف مذکور است که بعضی اقراص که از برای حرارت
مزاج و حمیات حاره است در آن گل کاشی و تخم خرفه و تخم خیارین و گل نیلوفر و گل سرخ
و بنفشه و زرشک و طباشیر و صندلین و کافور و امثال اینها باید کم داخل کرده شود مثل اهل
اطبا است داخل نمودن این ادویه پیش فرموده که فقیر گوید که آن بعضی ادویه غلیظ مواد مثل
خشخاش و بذر البنج و نشاسته و کثیرا داخل نمایند مواد و فقیر را غلیظ منکر دانند و معدل میسازد
و مسلمه معتبر دانند از برای سرعت دفع بانداک مجاری مثل بیخ ترنجبین و عصیر اندکی از
گل سرخ و با آنکه طبیعت با بزرگی توجهی او را دفع تواند نمود و آنکه زعفران در این اقراص
داخل میکنند بجهت نیست که زود اثر زید ادویه را بقلب میسازد و نیز دل را حمایت کند
از افساد مواد حاره و مواد بارده محفوظ دارد و از برای زرشک داخل میشود تا
جگر را محفوظ دارد و تخم خاص و گل سرخ از برای حفظ معده و امعا است تا از فرود

آمدن مواد بسوی اعضا منع می شود و ترنجبین که درین امراض داخل میشود دلیل مطلقه
آنست که مواد را بواسطه تعدیل قوام سهل الاندفاع سازد چون مردم را از لولیا
کافور تنقیه تمام است زیرا که شنیده اند که ضرر بباه میرسانند تا آنکه اندک خود دماغ را
و بذر البنج در همان مرتبه تبرید دارد و اگر در آن مرتبه ببینند قریب بعضی بدان اندکی
در مقدار همان تبرید میکنند تا تغلیظ قوی و منع سیلان مواد و انحدار آن به اعضا باعصار
تنقیه کنند پس فرمود که قرص انقطاعی کرده و ترتیب داده قرص طباشیر مرزبان نهاده
و چون از تجارب موافق اعراض مطلوبه آمده از آن به این اسم بسیاری مردم
دانسته اند اخلاط آن مروارید صلایه کرده طباشیر سفید از هر یک دو مثقال
صندل سرخ و صندل سفید و گل نیلوفر و کشنیز خشک مقشر گل سرخ تر و صمغ الاقاقیا
تخم حماض و تخم خرفه مقشر و تخم کاسنی و مغز تخم کدوی شیرین و مغز تخم سفید دانه از هر
یک نیم مثقال نشاسته و کثیرا و رب السوس از هر یک یک مثقال و نیم تخم خشخاش
سفید بذر البنج دو مثقال کوفته و بیخته بلعاب بذر قطونا دو مثقال سرشته یعنی
دو مثقال بذر قطونا در آب اندک بخیسانند و لعاب آن که تخم از آن جدا کنند
سرشته و اقراص سازند و شیخ معتمد الملوک محمد شاهی میگوید که چون در اقراص در
خوردن محتاج بکوبیدن باشند اگر بذر قطونا را جدا کنند و با تخم آن قرص سازند
تخم بکوبیدن می آید و اسفغول کوبیده نزد جمهور سمیت دارد و سید حکیم عماد الدین
رحمة الله علیه گفته که هر دوائی که ادویه را از آنچه تعجیل بسر شوند بسبب
اعراضی که مجئ آن با عسل یا مثل عسل منافی آن اعراض باشند و خواهند که
قوت آن بدخول مواد در آن ضعیف نگردد و از آنها تمیز مناسبه
کنند

کنند و بشکل یک قرص طرح کنند بعضی بهتر آنست مهیا سازند که در اجزای این قرص که رطوبت
در آن متمادی گردد اثر انکسار و مبغض پیدا شود و در سایه آن خشک سازند به تخصیص
وقتی که غربالی را بر یکدیگر گذارند و قرصها را بر پشت غربال در سایه گذارند تا خشک
شود و اگر خواهند که زود در استعمال کنند قرصها کلان سازند تا زود خشک شود و این که قرص را
مدور می کنند بسبب آنست که چون قرص بمقدار شربت مهیا سازند و اگر شربت آن یک مثقال اگر در حبوب
سازند در اکثر ظاهر آن مخالف باطن میباشد و در اکثر احوال بسبب بزرگی آن که ظاهر خشک
گردیده باطنش تر مینماید و موجب فساد اجزا میگردد و شیخ رئیس و دیگر اطبا اقراص را در اوایل
حمیات منع کرده اند بجهت آنکه علت مواد مرکبست از پس استعمال اقراص در اوایل
حمیات غلیظ که با مواد آن ترکیبی شده موجب تصحیح مجموع مواد آن میگردد و بعد از آن که
مواد دفع شد و سوء مزاج ساذج باقی ماند اقراص در آن حال نفع تمام دارد و هر گاه که
خمی منبت عضو باشد یا بادی باشد و تکثیر معده در کمال حدت باشد در اوایل استعمال
اقراص بارده ممنوع نیست قرص طباشیر قابض بشدید القبض نسخه آن طباشیر سفید گل سرخ
بذر احمر گلنار ج بلوط گلنار فارسی از هر یک پنج مثقال گل مختوم حب الآس صمغ عربی هر دو
بو داده باشند از هر یک هفت مثقال تخم حماض زرشک محروق شاخ گوزن سوخته شسته [illegible] تر
حب الحدید بدر زرشک منقی نشاسته بریان منقی سماق عدس مقشر مغسول خرنوب
نبطی قرط [illegible] بذر البنج سفید ورد گل سرخ از هر یک ۳ مثقال تخم مرغ
سوخته کشنیز خشک بریان اقاقیا دم الاخوین دقاق الکندر کهربا مغسول افیون
از هر یک دو مثقال کوفته و بیخته اقراص سازند هر قرصی یک مثقال شربتی یک قرص با یکی از آن
دو دوا با شیر تخم خرفه مقشر یا با شراب حماض یا با هر دو قرص قابض دیگر نسخه آن

طباشیر سفید صندل سفید صمغ عربی نشاسته ستاه بلوط رب السوس تخم حماض از هر یک دو مثقال
گلنار زرشک اقاقیا از هر یک یکمثقال غنچه گلسرخ نزع الاقماع شش مثقال زرشک
منقی سماق منقی از هر یک پنجمثقال کثیرا سه مثقال کوفته و بیخته با آب زرشک اقراص
سازند و در سایه خشک نمایند شربتی یکمثقال و اگر اسهال خون خالص صرف باشد زرلوند حبشی
یکمثقال کهربا شمعی بسد سرخ از هر یک پنج مثقال پنج انجبار ده مثقال اضافه نمایند شربتی
یکمثقال قرص طباشیر ملین منقول از منهاج الادویه این قرص نافع است از برای حمیات
حاده محرقه و حمیات حاده ملتهبه صفراوی و دمویه از برای سرفه و خشونت سینه و
حرارت سینه و عطش تسکین دهد و تسکین التهاب و عطش مفرط است و از برای
سهر مفرط نیز نافع است ورق گلسرخ و ترنجبین منقی از هر یک پنج درم و در نسخه محمود بن الیاس
که حاوی صمغ ذکر کرده یکدرم زعفران نیز داخل است ترنجبین را با آب حل کرده صافی نموده
باقی ادویه را کوفته و بیخته ترنجبین محلول سرشته اقراص سازند و در سایه خشک نمایند شربتی
یکمثقال و قوت این قرص تا دو سال باقی میماند اقلاد این قرص نسخه منقول از قرابادین
کوثرانی ورق گلسرخ و ترنجبین پاک کرده از هر یک شش استار نیم شسته و حل تمغه از
هر یک سه استار زعفران و صمغ عربی و کثیرا و طباشیر سفید از هر یک دو استار رب السوس
یک استار ترنجبین را در آب حل کرده صافی نموده باقی ادویه را کوفته و بیخته اقراص بسازند
شربتی یکمثقال قرص طباشیر ملین سمهای کهنه مزمنه را سود دارد و بجهت اشتها بدهد امراض
کبد نافع باشد اقلاد ان طباشیر سفید بیست درم گلسرخ دوازده درم و نیم کوفته
و بیخته بگلاب سرشته اقراص سازند شربتی از ده درم تا دو مثقال قرص طباشیر قابض
کافوری منقول از خط میرزا حکیم محمد باقر حکیم باشی معروف میرزا بزرگ والد
ارشد

ارشد حکیم عماد الدین محمود حسینی شیرازی این قرص مبرد و مصفی است و نافع است
از برای اعتلال کبد اخلاط آن طباشیر سفید ده درم گل سرخ مقشر ربع الاقماع پنج درم
مغز تخم کدو شیرین و تخم کاهو و تخم کاسنی و تخم خرفه مقشر از هر یک سه درم صندل سفید دو درم
کافور قیصوری یک درم کوفته و بیخته بلعاب بذر قطونا سرشته اقراص سازند شربتی سه
درم و در نسخه دیگر نوشته که از آن دو ثلث یک درم است و در هر دو نسخه افراط و تفریط
است و در وزن شربت این قرص و گفته که اگر در بذر البنج سفید یک درم داخل نمایند
لطیفه عجیب کند و از خاصی است در سر او بر بدیکر قرص طباشیر قابض نافع است
از برای اسهال صفراوی و حمیات حاره اخلاط آن طباشیر سفید و گل سرخ مقشر ربع الاقماع
از هر یک ده درم تخم حماض و سماق منقی و تخم خرفه مقشر از هر یک پنج درم گلنار فارسی دو
درم و نیم کوفته و بیخته با آب اقراص سازند شربتی دو درم و در نسخه دیگر این قرص وزن گلنار
فارسی دو درم و از هر یک از صمغ و نشاسته یک درم و نیم داخل است اجزا را
کوفته و بیخته اقراص سازند بر قرصی دو درم شربتی با یک اوقیه رب ترش و آب سرد بود
اگر در یک شربت از آن مقدار یک حبه افیون زیاده کند بسیار در عمل اقوی قرص طباشیر
قابض منقول از خط میر مرتضی که مشار الیه از بیاض بخط نواب میرزا محمد باقر والد حکیم عماد الدین
محمود حسینی شیرازی که در آن بیاض مجربات خود را املا نموده نافع از برای حرارت معده
و جگر و تبهای حاد و قبضی که با اسهال دو بالی باشند اخلاط آن طباشیر سفید و سماق منقی و
زرشک منقی از هر یک پنج درم صمغ عربی و تخم حماض نشاسته و گل سرخ مقشر ربع الاقماع
و گل ارمنی از هر یک ده مثقال را و به راسوای طباشیر و گل سرخ بریان کرده همه را کوفته و بیخته
اقراص سازند شربتی یک مثقال قرص طباشیر [illegible] قابض تبهای صفراوی و جمیع حبات

حاره را سود دارد و تشنگی بنشاند اخلاط ان به نسخهٔ سید اسمعیل در ذخیره طباشیر پنج درم
گل سرخ هفت درم صمغ عربی نشاسته بریان و تخم حماض و گل ارمنی و زرشک منقی هفت درم صمغ
و تخم خرفه مقشر بریان کرده و گلنار فارسی از هر یک سه درم صندل سفید عصاره
درم تخم سماق مقشر ده درم زعفران نیم درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی
دو درم با شراب سفرجل قرص طباشیر به نسخهٔ صاحب کامل در کتاب خود
ذکر کرده طباشیر سفید پنج درم ورق گل سرخ هفت درم صمغ عربی و طین فارسی تخم حماض
از هر یک چهار درم نشاسته بریان کرده دو درم زعفران یک درم کوفته بلعاب
بذر قطونا سرشته اقراص سازند شربتی یک درم تا یک مثقال قرص طباشیر مسک قابض تبهای صفراوی
و حمیات حاره را نافع است و تشنگی بنشاند و قاطع نزف الدم است و تشنگی بنشاند
اخلاط ان ورق گل سرخ پنج درم طباشیر سفید و سماق منقی و زرشک منقی از هر یک
هفت درم کوفته و بیخته بلعاب سرشته اقراص سازند قرص طباشیر قابض نافع از
برای محرور و سایر تبهای صفراوی و تبهای حاره و از برای حرارت جگر و معده
و اسهال صفراوی و اسهال ذوبانی اخلاط ان طباشیر سفید و گل سرخ منزوع الاقماع
از هر یک دو درم و نیم تخم خرفه مقشر و تخم کاسنی مقشر از هر یک سه درم مغز تخم خیار
و مغز تخم کدو شیرین از هر یک دو درم صندل سرخ و صندل سفید و رب السوس و
نشاسته بریان از هر یک یک درم کافور قیصوری یک دانگ و نیم زعفران دو دانگ
کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم قرص طباشیر کافوری نافع از برای تبهای
صفراوی و اسهال صفراوی که بسبب ضعف و صفرا باشد که علامت ان تلخی دهان
و حرارت و زردی رنگ براز است اخلاط ان طباشیر سفید و سماق منقی از
هر یک

از هر یک سه درم صمغ عربی بریان هشت درم نیلوفر مغز قرص سازند شربتی از یک مثقال تا دو درم
قرص طباشیر کافوری نورتی دل و سینه را و تبهای گرم را سود دارد اخلاط آن گلسرخ شش درم
زعفران طباشیر سفید و کتیرا از هر یک چهار درم مغز تخم خیار و دراز و مغز تخم خیار بادرنگ و
مغز تخم کدوی شیرین و تخم خرفه مقشر از هر یک شش درم زعفران و نشاسته از هر یک
سه درم کافور قیصوری یک درم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند شربتی
دو درم با سکنجبین ساده قرص طباشیر کافوری نافع از برای تبهای محرقه و تب دق
و تشنگی بنشاند و سرفه حار را زایل کند اخلاط آن طباشیر سفید و ورق گل سرخ و صندل
مقاصری و مغز تخم خیار و تخم کاسنی مقشر و تخم کاهو مقشر و تخم خرفه مقشر از هر یک چهار مثقال کافور
قیصوری یک درم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند شربتی یک مثقال و
قوتش تا شش ماه باقیست قرص طباشیر کافوری که همین منافع دارد و قبض را بگشاید
و طبع را نرم دارد اخلاط آن گل سرخ ده درم طباشیر سفید مغز تخم خیارین از هر یک پنج درم تخم
کاهو مقشر پنج درم تخم خرفه مقشر شش درم مغز تخم کدوی شیرین چهار درم رب السوس سه درم
ترنجبین را در لعاب بزرقطونا حل کرده صافی نموده با باقی ادویه را کوفته و بیخته با آن
سرشته اقراص سازند قرص طباشیر نافع از برای اسهال دموی و قطع نزف الدم
از هر موضع که باشد و مفید از برای سرفه رطوبی و از برای بواسیر اخلاط آن طباشیر سفید نشاسته
صمغ عربی گلنار فارسی گلسرخ از هر یک پنج مثقال افیون زعفران حب الآس از هر یک
یک مثقال گل ارمنی سه مثقال قرن ایل محرق مغسول خرنوب نبطی از دکنار و مازو و
تخم حماض دم الاخوین از هر یک دو مثقال کوفته و بیخته با آب بارتنگ و بزرقطونا سرشته قرص
سازند شربتی قرص طباشیر کافوری تالیف حکیم ابو البرکات اوحدانی صاحب اختیارات

بدین جهت این قرص را مسمی به قرص طباشیر معتدل ذکر کرده باعتبار آنکه معتدل است در تبرید و تلیین
نه باعتبار آنکه معتدل است در کیفیات فاعله والعقد اینکه این قرص نسبت معتدل
بلکه بارد و این اعضا و بدنگی فرو نشانند و این قرص نافع از برای جگر و دل و سینه
و معده گرم و تسکین التهاب و فرونشستن حرارت و تبهای گرم و تب محرقه و تبهای
سود دارد اخلاط آن طباشیر ورق گل سرخ زرشک منقی از هر یک سه درم و در
نسخه محمودی اناس درهای و صندل از هر یک دو درم مغز تخم خیارین و تخم مغز کدو و تخم
خرفه مقشر و تخم کاسنی و تخم کاهو مقشر و صندل مقاصیری از هر یک یک درم کافور قیصوری یک
اجزا را کوفته و بیخته بلعاب بهدانه قرصها سازند شربتی یک مثقال قرص طباشیر
کافوری تبهای حرارت گرم و سینه و معده را نافع است و نفث الدم و قی الدم
را نیز سود مند است اخلاط آن طباشیر سفید و زرشک منقی از هر یک شش مثقال
تخم حماض و طین ارمنی و طین مختوم و صمغ عربی و خب الآس از هر یک دو مثقال گلسرخ
منزوع الاقماع یا مثقال بلوط شش مثقال کهربا شمعی و بسد از هر یک یک درم کافور
قیصوری یک درم کوفته و بیخته بآب تموز در سرشته اقراص سازند شربتی از یک درم تا یک مثقال
قرص طباشیر کافوری از اقراص اقل العباد حکیم معتمد الملوک علوی خان
برای تب دق و سل و خفقان و حمیات محرقه و تبی که با سهال باشد و نافع از برای
نفث الدم و قی الدم و اسهال دموی و کبدی و اسهال دو ماهی مکرر تجربه نموده در
جمیع امراض و اعراض اخلاط آن فرو ارید ناسفته و طباشیر سفید و سرطان مشوی و تخم
خشخاش سفید و تخم کاهو و تخم خرفه و کثیرا از هر یک سه مثقال کهربا شمعی و رب السوس
و گل ختمی مثقال منزوع الاقماع از هر یک دو مثقال مغز تخم خیارین پنج مثقال صمغ عربی

وبید محرقه از هر یک یک مثقال قیصوری یک درم زعفران دو دانگ ابریشم مقرض دو
دانگ کوفته و بیخته با آب بارتنگ تر سرشته اقراص بسازند هر قرصی یک مثقال شربتی یک قرص
[illegible] از افراح نواب حکیم محمد باقر حکیم باشی نافع است از برای جمیع
مذکوره در نسخه قبل و مفتح سده است [illegible] طباشیر سفید چهار مثقال گل سرخ منزوع الاقماع
شش مثقال رب السوس کثیرا و صمغ عربی مغز تخم کدو و مغز تخم خیار بادرنگ از هر یک دو مثقال
سنبل الطیب سعد کوفی و زعفران و مروارید ناسفته از هر یک یک مثقال کافور قیصوری یک دانگ
کوفته و بیخته بلعاب بذرقطونا سرشته اقراص بسازند و با اشربه مناسبه هر مرض استعمال نمایند
و زیاده کرده میشود در این قرص هرگاه اراده زیادتی تفتیح باشد ریوند چینی و از برای زیادتی
قبض تخم حماض بریان و طراثیث و طین ارمنی از هر یک دو مثقال انجبار و صندل سفید
از هر یک یک مثقال و از برای تقویت معده یک مثقال و مصطکی دو مثقال و سیب خشک
یک مثقال و در این حالت کافور را ساقط کنند [illegible] مجرب النفع از
برای حمی دق و سل و تبهای حاده با اسهال خون بود سرد و بجهت خفقان حاره با اسهال
[illegible] طباشیر سفید بیخته گل سرخ منزوع الاقماع از هر یک شش مثقال گل ارمنی
چهار مثقال مغز تخم کدو و مغز تخم هندوانه مغز تخم خیارین تخم خرفه مقشر از هر یک سه
مثقال بارتنگ مروارید ناسفته کهربا عصاره لحیة التیس از هر یک دو مثقال صندل
سفید لک مغسول یک مثقال کوفته و بیخته با آب به نسترن سرشته اقراص بسازند شربتی
یک مثقال و تخم بارتنگ خشخاش است و در بعض ارجیه با شیر مدحرج بیند و از برای اصحاب
سل سرطان محرق دو مثقال اضافه نمایند و از برای تند فوبی کافور قیصوری و زعفران
از هر یک یک مثقال اضافه اجزای قرص نمایند قرص طباشیر کافوری منقول

از خط نواب حکیم محمد باقر حکیم باشی در افعال مثل طباشیر کافور لولوی قبض است نسخهٔ آن
طباشیر سفید چهار درم کهربای شمعی و گل ارمنی از هر یک سه درم گلسرخ منزوع الاقماع
شش درم مغز تخم خیارین و مغز تخم کدو شیرین و تخم خرفه مقشر از هر یک پنج درم کافور
قیصوری نیم درم کوفته و بیخته باریک با رنگ بالعاب بزرقطونا سرشته اقراص
سازند شربتی یک مثقال قرص طباشیر کافور ممسک بی نسخه صاحب کامل الصناعه خداوند
تب گرم را نافع بود و مومی در اسهال حراری و اسهال کبدی به نهایت سودمند است
اخلاط آن مغز تخم کدو شیرین تخم خرفه مقشر تخم خیار زه بیدانه و تخم خشخاش این مجموع
را بریان کرده از هر یک شش درم صمغ عربی بریان و تخم حماض و طباشیر سفید و طین قبرسی
از هر یک سه درم نشاسته بریان دو درم و ورق گلسرخ پنج درم کافور قیصوری یک درم
کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند شربتی یک مثقال با آب سیب
شیرین و آب به شیرین و آب مورد و عرق صندل بیاشامند قرص طباشیر کافوری
ممسک بی نسخه قرابادین دار الشفای شیراز که همان منافع دارد و از برای امساک
طبع و اسهال کبدی از اول اقوی است اخلاط آن تخم حماض بریان کرده و گل
مختوم و صمغ عربی و حب الآس بریان کرده از هر یک ده درم زرشک منقی و طباشیر
سفید و ورق گلسرخ بیست درم نشاسته بریان کرده پنج درم بلوط چهار درم زعفران
سه درم کهربا سه درم کافور قیصوری نیم درم کوفته و بیخته با آب به شیرین اقراص سازند
شربتی یک درم تا یک مثقال قرص لولوی اسهال و مومی و کبدی را و دردهای نفث الدم
و قی الدم را نافع است نسخهٔ آن مروارید ناسفته و طباشیر سفید از هر یک سه
درم لک کهربای شمعی و تخم حماض بریان طراثیث صمغ عربی از هر یک دو درم
کمانی

خشخاش سفید بریان پنج درم کوفته و بیخته بلعاب اسپغول سرشته اقراص سازند شربتی یک مثقال
قرص طباشیر مسهل نافع است از برای حمیات صفراوی و به نوبت منعقده لذع و تسکین
حرارت اخلاط آن طباشیر سفید یکدرم و نیم سقمونیا مشوی و غنچه گل سرخ منزوع الاقماع
از هر یک یکدانگ کوفته و بیخته با آب کاسنی تازه سرشته اقراص سازند جمله
یک شربت است اخلاط این قرص به نسخه سید اسمعیل در ذخیره که در حمی حاره خلطی
ذکر کرده طباشیر سفید و عصاره زرشک از هر یک یکدرم سقمونیا مشوی و غنچه گل سرخ و
کثیرا از هر یک یکدانگ کوفته و بیخته با آب کاسنی تازه یا با آب عنب الثعلب
یا آب کاکنج سرشته اقراص سازند شربتی یک مثقال قرص طباشیر مرطب ملین طبع
کند و نافع است از برای حمیات حاده محرقه و از برای سرفه و خشونت
سینه و ذات الریه و ذات الجنب صفراوی مسکن التهاب و عطش مفرط است
و حرارت سینه و تشنگی را تسکین دهد صفت آن طباشیر سفید دو درم ترنجبین
یکدرم و نیم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو شیرین از هر یک یکدرم و نیم نشاسته صمغ عربی
تخم خشخاش سفید از هر یک نیم درم ترنجبین را در لعاب بذر قطونا حل کرده باقی ادویه
را کوفته و بیخته بآن سرشته اقراص سازند و در سایه خشک نمایند شربتی از آن
یک مثقال قرص طباشیر ملین به نسخه دار الشفا شیراز صفت طباشیر سفید چهار درم
ترنجبین پنج درم مغز تخم خیار زره مغز تخم کدو نشاسته صمغ عربی از هر یک سه درم کثیرا
و تخم خشخاش سفید از هر یک دو درم ترنجبین را حل کرده باقی ادویه را نرم سحق نموده
ترنجبین محلول و لعاب بهدانه سرشته اقراص سازند شربتی یک مثقال و این نسخه با نسخه جمهور
اختلاف کم دارد و در اوزان است و بس قرص طباشیر قابض نافع از برای حمیات

حاره و اسهال صفرا و خون آمدن از شکم اخلاط آن ورق گل سرخ مقشر درم
صمغ عربی و نشاسته و کثیرا از هر یک چهار درم تخم حماض و طباشیر سفید از هر یک سه درم کوفته و بیخته
بلعاب بذر قطونا سرشته اقراص سازند شربتی یک مثقال قرص طباشیر مسهل منقول
از خط میرزا محمد باقر ولد حکیم عماد الدین محمود شیرازی اخلاط آن مغز تخم خیارین مغز تخم
کدو مقشر و تخم خرفه از هر یک سفید درم گل سرخ منزوع الاقماع شش درم طباشیر
سفید چهار درم گل ارمنی و کهربا و زرشک از هر یک سه درم رب ... با لعاب
بذر قطونا سرشته اقراص سازند شربتی یک مثقال قرص طباشیر مسهل نافع از برای حمیات
حاده و اسهال صفراوی و خون آمدن از شکم اخلاط آن ورق گل سرخ شش درم صمغ عربی
نشاسته کثیرا از هر یک سرشته اقراص سازند شربتی یک مثقال قرص ... معتدل نافع
اخضر نافع از برای سل و حمیات و قبض با اسهال مراری و دوامی باشد صفت آن
ورق گل سرخ شش مثقال صمغ عربی نشاسته گل ارمنی کثیرا از هر یک چهار مثقال
تخم خرفه بریان مغز تخم کدو مقشر تخم خشخاش سفید کهربا مروارید ناسفته سرطان محرق از هر
یک دو مثقال کوفته و بیخته بلعاب اسبغول سرشته اقراص سازند شربتی یک مثقال قرص
طباشیر ملین نسخه دیگر طباشیر سفید گل سرخ منزوع الاقماع از هر یک پنج مثقال صندل سفید
سرشته یک مثقال مغز تخم کدو مقشر سه مثقال مغز تخم خیارین بهدانه مقشر رب السوس زرشک
منقی صمغ عربی کثیرا از هر یک دو مثقال اجزا را کوفته و بیخته دو مثقال ... را در جلاب
حل کرده صافی نموده اجزا را بان سرشته اقراص سازند و اگر ... باشد
آن زیاده نمود ... و ... از هر یک سه مثقال اضافه اجزای آن نماید
مقدار شربتی از آن یک مثقال قرص طباشیر ملین منقول از قرابادین مجرب حکیم محمد باقر

یکمثقال

بال

باشد بخط معز الله گفته که این قرص بهترین قرصهاست از برای حمیات دمویه صفراویه
و تسکین عطش و نافع است از برای نزله و خشونت سینه و احتیاج باین قرص زیاده
از همه قرصها است درین امراض اخلاط آن طباشیر سفید چهار درم ترنجبین خراسانی
سه مثقال مغز تخم خیار و مغز تخم کدو شیرین از هر یک دو مثقال نشاسته و صمغ عربی و کثیرا
و تخم خشخاش سفید از هر یک مثقال کوفته و بیخته ترنجبین بلعاب بزر قطونا حل کرده صافی
نموده ادویه را کوفته و بیخته ترنجبین محلول در لعاب بزر قطونا سرشته اقراص سازند شربتی
یک مثقال و قوت این تا سه سال باقی می ماند و اختلاف این قرص با قرص سعالی در اوزان
است و ادویه هر دو نسخه مساوی اند قرص طباشیر ملین منقول از بیاض بخط میر لطیف
حکیم معز الله از بیاض بخط نواب حکیم محمد باقر نقل کرده اخلاط آن طباشیر و کثیرا و زعفران
از هر یک دو مثقال نشاسته سه مثقال ورق گل سرخ و ترنجبین از هر یک شش مثقال
ترنجبین را در آب حل کرده صافی نموده باقی ادویه را کوفته و بیخته با آن سرشته اقراص
سازند قرص طباشیر ملین نافع از برای نفث الدم و تپ خالص و سعال و حمیات حاده
و قریب است این نسخه به نسخه قبل نسخه آن طباشیر سفید زعفران و کثیرا از هر یک دو درم ورق
گل سرخ و ترنجبین از هر یک سه درم ترنجبین را باب حل کرده صافی نموده ادویه را با آن سرشته
اقراص سازند قرص [illegible] منقول از منهاج نسخه آن ورق گل سرخ ترنجبین سفید باب
کرده از هر یک پنج درم نشاسته صمغ عربی کثیرا از هر یک دو درم زعفران یک درم ترنجبین را
باب حل کرده باقی ادویه را کوفته و بیخته با آب سرشته اقراص سازند شربتی یک مثقال قوت
این قرص تا دو سال باقی می ماند قرص طباشیر [illegible] نسخه [illegible] طباشیر سفید گل سرخ منزوع الاقماع
از هر یک پنج مثقال صندل سفید بگلاب سوده یک مثقال مغز تخم کدو شیرین سه مثقال مغز تخم

خبازی بهیدانه مقشر بزر البوکس از هر یک منفی صمغ عربی کتیرا بزر تخمش منفی از هر یک در
مثقال ادویه را سوای بزرجنین کوفته و بیخته و بزرخبس را بلعاب حل کرده جای نمهد
آدویه کوفته را بان سرشته اقراص سازند اگر بلغم زیاده باشد نعوذ و نبوذ حشی
و غار یقون سفید از هر یک سه مثقال اضافه نمایند شربتی از این قرص بمقدار یکمثقال
قرص طباشیر دیگر ممسک بقول بعضی اطبا طباشیر سفید گل ارمنی تخم خرفه و صمغ
از هر یک ده درم حماض و سماق از هر یک پنج درم گلنار فارسی و صمغ عربی از هر یک ده
درم کوفته و بیخته اقراص زند هر قرصی دو درم شربتی یک قرص باب شیر و حل سازند
قرص طرائیث خون آمدن از جمیع اعضا باز دارد خصوص از برای خون آمدن
از بواسیر و از برای نفث الدم اصلح طباشیر نسبت شربتی چهار درم خرنوب النجار
از هر یک سه درم زرد رو گلنار فارسی اقاقیا دم الاخوین کندر محرق سندروس از
هر یک دو درم افیون و زعفران و کافور قیصوری از هر یک یک دانگ کوفته و بیخته
بلعاب بزرقطونا سرشته یا بلعاب بزر کتان سرشته اقراص سازند شربتی از یک مثقال
تا دو درم قرص طین رومی سرفه و نفث الدم و اسهال باز دارد و از برای
تب محرقه نافع است نسخه آن طین رومی دو درم تخم حماض بریان کرده
تخم کشنیز خشک و طباشیر سفید و حب الآس و ساسلوطا از هر یک پنج درم
کهربا رسمی و لسان الحمل از هر یک سه درم صمغ عربی ده درم کوفته و بیخته اقراص سازند
شربتی از آن دو درم قرص عنبر از ترکیب محمد بن زکریا است طعام هضم کند
اخلاط را غیر متصل بلغم انقال مرواید و یاقوت رمانی و لعل بدخشی و مشک
بلغمی از هر یک یک درم دار چینی و ساذج هندی مصطکی رومی از هر یک یک درم
حب الآس

حب انالیس وایست از زرج طباشیر سفید و عود هندی و غنچه گلسرخ نیز و رب اذخر مکی از

هر یک دو درم اجزا را انچه صلابه کردنیست بر روی سنگ سماق با گلاب صلابه

نمایند و باقی را ادویه را سوای عنبر کوفته و بیخته عنبر را در روغن مصطکی حل کرده اجزا را بان

چرب کرده بگذارند تا یکروز بعد از ان مجموع را بالجلاب سرشته اقراص سازند شربتی

دو درم با جلاب یا عرق بیدمشک و در بستن نباشد با شربت سیب شیرین و تخم خمسک

بکار برند قرص غافث که شیخ رئیس در قرابادین قانون ذکر کرده و گفته که مجرب النفع

است از برای تبهای کهنه که با التهاب و غلظ طحال باشد و از برای سده ها و

اورام کبد و طحال و از برای یرقان سده‌ای نسخه آن عصاره غافث شش استار

طباشیر سفید چهار درم گل سرخ پاک و سنبل الطیب و از هر یک دو استار زرنجبین

پاک کرده شش استار ادویه را کوفته و بیخته اقراص سازند قرص غافث

به نسخه ابن جزله که در منهاج الادویه ذکر کرده و تبهای کهنه و تپ ربع را نافع

است و سده ها بگشاید و یرقان سدی و درد جگر و سپرز زایل کند نسخه آن عصاره

غافث بیست درم سنبل الطیب ده درم طباشیر چهار درم کوفته با آب سرشته اقراص

سازند شربتی یکدرم و بعضی اجزا را با آب بادیان سرشته اقراص می سازند قرص

غافث سده ها بگشاید و یرقان اصفر نافع باشد و سوء القنیه و استسقا را که

با حرارت باشد سود دارد نسخه آن عصاره غافث بیست درم طباشیر سفید

گلسرخ از هر یکده درم سنبل الطیب چهار درم ریوند خطای زرشک منقی رب السوس

از هر یک دو درم کوفته و بیخته بلعاب بزر قطونا که زرنجبین در آن حل کرده صافی نموده

باشند اقراص سازند قرص غافث منقول از مجربات حکیمی نسخه آن عصاره

عصاره غافت ریوند چینی ورد گلسرخ عصاره افسنتین رازیانه از هر یک یک مثقال
و تخم کوفته و بیخته بآب کاسنی تازه سرشته اقراص سازند قرص غافت دیگر خداوند
اماس جگر و سپرز را نافع است و از استسقا و یرقان سددی سود دارد نسخه
آن عصاره غافت و بیخ اذخر زعفران و سنبل الطیب و لوبیت بیخ کبر از هر یک
سه درم جعده و قسط و قرمانا و حب البان و دارشیشعان و جاوشیر دو درم زراوند طویل و کمافیطوس
و کمادریوس و اشقیل مشوی و بادرود و کرما از هر یک یک درم اشق و جاوشیر و بادرود
کرنبا را در آب کاسنی تازه بخیسانند تا حل شود و در هاون بد بسته بمالند پس باقی
ادویه را کوفته و بیخته با آن سرشته اقراص سازند هر قرصی یک درم شربتی یک قرص با سکنجبین
بخورند قرص غافت نسخه آن گلسرخ منزوع الاقماع و لک مغسول و عصاره غافت
از هر یک یک جزو تخم خرفه مقشر دو جزو و طباشیر سفید نیم جزو رب السوس ربع جزوی
کوفته و بیخته بجلاب سرشته اقراص سازند هر قرصی یک مثقال شربتی یک قرص قرص
غافت منقول از ذخیره بیماری های سپرز و جگر و تبهای کهنه را سود دارد صفت آن
عصاره غافت عصاره افسنتین صبر سقوطری از هر یک پنج درم پوست هلیله زرد
مقشر سه درم مصطکی زعفران از هر یک یک درم کوفته و بیخته اقراص سازند
هر قرصی یک درم کوفته و بیخته اقراص سازند هر قرصی یک درم کوفته و بیخته اقراص سازند
هر قرصی یک درم با سکنجبین بخورند قرص غافت که سید اسمعیل در ذخیره آورده است نافع ا
تبهای مزمنه را در آخر نفع دهد و سده ها بگشاید و یرقان سددی بود و درد جگر و سپرز را این
کند نسخه آن عصاره غافت پنج درم سنبل الطیب و ورد گل سرخ از هر یک ده
درم طباشیر سفید سه درم ریوند چینی ده درم بدستور اقراص سازند شربتی یک مثقال

آمی لافز

قرص غافث که ذکر شد قریب است باین نسخه قرص غافث حمیات مرکبه و تنقیه را نافع
است و سو مزاج کبد را سودمند است نسخه آن عصاره غافث سی درم گلسرخ
منزوع الاقماع شش درم طباشیر سفید چهل درم کوفته و بیخته بدستور مقرر اقراص
سازند شربتی دو درم قرص غافث دیگر که همین منفعت دارد نسخه آن عصاره
غافث شش درم گلسرخ و سنبل الطیب و طباشیر سفید از هر یک دو درم ترنجبین ده
درم بدستور معمول اقراص سازند شربتی دو درم قرص قفاح اذخر اسهال فارو
برارد و استسقا رفع برا که با حرارت و اسهال باشد سود دارد اخلاط
آن طباشیر سفید گلسرخ گلنار فارسی زرشک منقی از حب بارتج تخم حماض
بریان تخم کاسنی و تخم خرنجمسک تخم خرفه مقشر بریان از هر یک یک درم سعد کوفی
قفاح اذخر افسنتین سنبل الطیب ریوند چینی لک مغسول و لوبیا بیخ کبر افیون از
هر یک نیم درم کافور یک دانگ سه حبه کوفته و بیخته بدستور اقراص سازند شربتی
از هر یک مثقال تا دو درم قرص فوه که شیخ رئیس در بعضی اباذین قانون ذکر کرده و
گفته که نافع است از برای حبن و طحال و وجع کبد و تبهای مزمنه نسخه آن
فوة الصباغین دوازده درم و بعضی پوست بیخ کبر و اصل السوس و زراوند طویل
از هر یک یک درم و در نسخه دیگر از هر یک دو درم و بعضی دو درم ابرسا نیز آورده اند و ظاهر
آن است که در نسخه شیخ اصل السوس اصل سوسن ابرسا است اجزا را کوفته و بیخته
به سکنجبین اقراص سازند هر قرصی بوزن دو درم شربتی یک قرص با طبیخ افسنتین و بعضی گفته اند
که با طبیخ افتیمون قرص فوه دیگر سید اسمعیل در ذخیره فوة الصبغ که از اجزا الغار ریوند ناس
بکشند و پوست بیخ کبر و زراوند مدحرج و افسنتین رومی اجزا را کوفته و بیخته اقراص سازند

بر قرصی یک مثقال نیم برشتی یک قرص با سکنجبین برش بدهند قرص فوه به نسخه دیگر سودمند بجهت

آنچه در مرض قبل ذکر شد و از برای نفخ طحال مجرب است نسخه آن فوه الصبغ دوازده

درم پوست بیخ کبر و ابهل و زراوند طویل دو درم کوفته و بیخته به سکنجبین سرشته اقراص

سازند شربتی دو درم قرص کافور از اقراباذین شیخ رئیس بساختند منطفی لهیب معده و

ضعف کبد و سل فرو می نشاند عطش و کرب را نافع است و از برای نفث الدم و قی الدم

و اسهال خون نسخه آن تخم کاهو مقشر مغز و تخم کاهو مقشر تخم خرفه از هر یک ده درم مغز تخم کدو و تخم

مغز تخم خیارین از هر یک دو درم و ثلث درمی رب السوس [illegible] و اگر یافت نشود بدل آن

صندل مقاصری نیم درم سرطان مشوی و رب السوس و زعفران و کافور از هر یک یک درم

گلسرخ مشروح الاقماع چهار درم کوفته و بیخته [illegible] اقراص سازند شربتی یک مثقال صاحب

میزان الطبایع گفته که بعضی اطبا طباشیر سفید سه درم و تخم خشخاش سفید دو درم

بر اجزای این قرص افزوده و این صواب است و مزاج این قرص سرد است در یک درجه

و سه ربع درجه و خشک است در آخر درجه دوم قرص کافوری از نسخه رئیس ابو علی

بن سینا منطفی لهیب معده و عطش را زایل کند و در معده و کبد و طحال را مفید است و قاطع

نفث الدم و قی الدم است و مسکن التهاب حمیات حاره و دق و سل نسخه آن طباشیر

سفید چهار درم ورد گل سرخ ده درم عود قماری خام دانگ و رب السوس از هر یک

سه درم نبات سفید و [illegible] و مغز تخم خیارین از هر یک دو درم زعفران و کافور قیصوری

از هر یک ادویه را کوفته و بیخته بلعاب بذر قطونا سرشته اقراص سازند هر قرصی یک درم

و در سایه خشک نمایند شربتی تا دو قرص قرص کافور به نسخه [illegible] در منهاج الدکان به

طباشیر سفید چهار درم ورد گل سرخ [illegible] سفید درم تخم خرفه مقشر مغز تخم خیار و مغز تخم کدو شیرین از

از

از هر یک چهار درم عود قماری خام و صمغ عربی و کثیرا از هر یک ده درم اصل السوس مقشر صندل مقاصری
ترنجبین پاک کرده نشاسته و قند سفید از هر یک سه درم کافور قیصوری و زعفران از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند و شربتی از یکدرم تا یکمثقال و قوت
(از) قرص ها شش ماه باقی می ماند قرص کافور نسخه سید اسمعیل در ذخیره آورده طباشیر سفید و گلسرخ
منزوع الاقماع و مغز تخم خیار و مغز تخم کدو شیرین و تخم خرفه مقشر از هر یک پنجدرم کثیرا چهار درم
سنبل الطیب و سنبل رومی و عود هندی و فاقله و رب السوس و صندل سفید از هر یکدو درم
کافور قیصوری یکمثقال تخم کاهو سه درم کوفته و بیخته بلعاب بهیدانه سرشته اقراص سازند
شربتی یکمثقال با گلاب بیاشامند قرص کافور منقول از ذخیره سید اسمعیل جرجانی نافع است
برای حرارت کبد و دق و حمیات حاره و دق و ذبول و سل اخلاطان مغز تخم کدو
و مغز تخم خیار بادرنگ و تخم خرفه مقشر و مغز بهیدانه از هر یک پنجدرم و ورق گلسرخ سه درم
درم صمغ عربی و صندل سفید و نشاسته و کثیرا از هر یکدو درم رب السوس طباشیر سفید از هر
یک سه درم تخم کاهو یکدرم کافور قیصوری نیمدرم کوفته و بیخته بلعاب بهیدانه سرشته
اقراص سازند شربتی دو درم قرص کافور که همین منافع دارد اخلاطان تخم کاهو
مقشر پنجدرم ورق گلسرخ ده درم طباشیر سفید مغز تخم خیار و مغز تخم خیار بادرنگ
از هر یکدو درم تخم خرفه مقشر هشت درم مغز تخم کدو شیرین چهار درم رب السوس سه درم
ترنجبین ده درم کافور قیصوری نیمدرم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص
سازند شربتی یکمثقال تا دو درم با ماء الشعیر بنوشند قرص کافور منقول از ذخیره سید اسمعیل
جرجانی نافع از برای گرمی مزاج حاره کند و حمیات صفراویه اخلاطان ورق گل
سرخ طباشیر سفید صندل از هر یکدو درم کافور قیصوری دو دانگ نانخواه نیم مثقال اقراص

بسازند هر قرصی دو درم شربتی یک قرص با دوغ بنوشند **قرص کافور** بتألیف حسینعلی گیلانی
در رساله مجربات خود قلمی نموده که این قرص خاصیت است **نسخه آن** کافور قیصوری چهار
مثقال زعفران سه مثقال مغز تخم کدو شیرین مغز تخم خیارین از هر یک دو درم عسل چهار مثقال
ادویه را نرم صلایه کرده با عسل و آرد کی آب قرص بسازند هر قرصی نیم مثقال **قرص کافور**
دیگر که همین منفعت دارد استعمال کرده شود در جائی که طبع نرم باشد و ادرار زیاده حیض
کردن باشد المصطکی فوفل از هر یک سه درم کافور قیصوری دو درم و نیم کوفته و بیخته
با آب عنب الثعلب و آب کشنیز تازه اقراص بسازند شربتی یک مثقال با آب کاکنج
یا با آب کاسنی تازه بنوشند **قرص کافور دیگر** منقول از برای مجربات میرزا محمد باقر
حکیم باشی بخط مغفور له المغفور نافع از برای حمیات حاره و حرارت کبد و یرقان
علیحده و حرارت قلب را نافع است و خفقان حار را سود دارد **اخلاط آن**
زرشک منقی و طباشیر سفید ورق گلسرخ از هر یک سه درم تخم کاسنی مغز تخم خیارین
مغز تخم کدو شیرین تخم خرفه مقشر صندل سفید تخم کاهو مقشر از هر یک یک درم کافور قیصوری
نیم مثقال بکتور اقراص سازند شربتی دو درم **قرص کافور دیگر** منقول از کامل الصناعه
نافع از برای امراض حاره و تپ دق و غیره **نسخه آن** مغز تخم کدو شیرین و مغز تخم خیارین
و اصل السوس و تخم خرفه مقشر از هر یک هشت درم گلسرخ شش درم صمغ عربی طباشیر
سفید کتیرا از هر یک چهار درم نشاسته سه درم زعفران دو درم کافور
قیصوری نیم مثقال کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند شربتی
یک درم با آب سرد بنوشند **قرص کافور دیگر** منقول از قرابادین شیخ ثنائی از برای
حمیات حاره و تفتیح سدها قوی کند **نسخه آن** گل بنفشه خشک گل نیلوفر از هر یک

سه درم

سه درم تخم خیار تخم خیار بزه و طباشیر و زعفران از هر یکدو درم کافور قیصوری گلسرخ
پنج درم کثیرا و صمغ عربی و رب السوس از هر یکدو درم کافور قیصوری نیم مثقال و در نسخه دیگر
یکمثقال آمده ترنجبین و شکر سفید از هر یکدو درم ریوند چینی لک مغسول از هر یک یکدرم
ترنجبین و شکر سفید را بگلاب حل کرده صافی نموده باقی ادویه را کوفته بیخته با آن سرشته
اقراص سازند شربتی یکمثقال با سکنجبین بیاشامند **اخلاط این قرص** منقول از ذخیره
سید اسمعیل جرجانی گل نفشه خشک و گل نیلوفر خشک و ورق گلسرخ از هر یک سه درم
مغز تخم خیارین طباشیر سفید ریوند چینی لک مغسول رب السوس از هر یکدو درم کثیرا یکدرم
قیصوری نیم مثقال ترنجبین خراسانی ده درم بدستور اقراص سازند شربتی یکمثقال
با سکنجبین ساده بیاشامند **قرص کافور** منقول از قراباذین کوتوالی شاهی
مزاج را که از گرمی صفرا باشد سود دارد و تب دق و عطش را نیکو بود **نسخه آن**
مغز تخم خیارین و مغز تخم کدو شیرین و گل سرخ از هر یک سه درم تخم خرفه مقشر خشخاش سفید
تخم کاهو مقشر صمغ عربی از هر یک یکدرم و نیم کافور قیصوری نیمدرم همه را کوفته و بیخته
اقراص سازند شربتی از یکمثقال تا دو درم **قرص کافور دیگر** منقول از کتاب مذکور
که همین منفعت دارد **نسخه آن** مغز تخم خیارین مغز تخم کدو شیرین ورق گل سرخ از هر یک
سه درم تخم خرفه مقشر خشخاش سفید طباشیر سفید صمغ عربی صندل سفید و سرخ از هر
یکدو درم ریوند چینی یکدرم تخم کاسنی یکدرم و نیم کافور قیصوری یکدانگ و نیم کوفته
و بیخته بلعاب بذر قطونا سرشته اقراص سازند اطفال را یکدرم و میانه را دو
درم و قوی را سه درم با شربت انجبار دهند **قرص کافور دیگر** منقول از شرح مولانا سدید
مدرر بول و قریش نافع از برای حمیات حاده و محرقه و سعال و رفع تشنگی و خفقان حار و گرمی

حار و قلب نسخهٔ آن گل سرخ منزوع الاقماع و طباشیر سفید و صندل سفید مغز تخم خیارین
و تخم کاسنی و تخم کاهو مقشر مغز تخم خرفه از هر یک شش درم کافور قیصوری نیم مثقال زعفران
سدس مثقال کوفته و بیخته با آب تبرین سرشته اقراص سازند اقراص نازک
و در سایه خشک نمایند و احتیاط کنند که در وقت خشک کردن فاسد و متغیر نشود
بلکه بر پشت غربال پهن کنند و مکرر رو برو کنند تا زمانی که خشک شود و صاحب اختیارات این
قرص را باسم قرص طباشیر کافوری ذکر کرده و در نسخهٔ صاحب اختیارات زعفران
داخل نیست و وزن کافور یک درم است و باقی اجزا را از هر یک چهار درم است
و گفته که ادویه را کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند و شربتی
یک مثقال است و نوشیدن با شنبلیده نافع است و محمود بن الیاس این نسخه را
در حاوی صغیر آورده و اختلافی که با نسخهٔ صاحب اختیارات دارد این است که
وزن کافور یک دانگ است و وزن باقی اجزا از هر یک یک مثقال و این نسخه اشهر
است و مسیحی این قرص را در رساله خفقان آورده و بعوض تخم کاهو تخم کاسنی
داخل است و زعفران داخل ندارد و گفته که در هر یک یک مثقال از اجزای این
قرص طباشیر کافور قیصوری داخل نمایند و با گفته صاحب خفقان هر روز یک مثقال
از قرص بخورد و گاهی اضافه کرده میشود و نیز اجزای این قرص یک مثقال مروارید
نا سفته و در اینحالت از اقراص طباشیر لولوی کافوری نامند قرص کافور دیگر
منقول از بیاض میرزا محمد باقر حکیم باشی که مجربات اخوی را در آنجا قلمی فرموده اند
و گفته که این قرص نافع است از برای التهاب کبد و یرقان صفراوی و حمیات
حاده نسخهٔ آن گل سرخ منزوع الاقماع و طباشیر سفید و صندل سفید از هر یک شش درم
تخم کاهو

تخم کاسنی مقشر و مغز تخم کدو شیرین و تخم کاهو از هر یک دو درم کثیرا یکدرم کافور قیصوری یک قیراط کوفته و بیخته
بلعاب بذر قطونا سرشته اقراص سازند شربتی دو درم با سکنجبین سادج و جلاب نوشند

قرص کافور دیگر منقول از مرکبات اختیارات بدیعی نافع از برای حمیات محرقه
ملتهبه و تسکین عطش و تب دق والتهاب کلیه و معده و یرقان عنبانی و تب مطبقه و قاطع نزف الدم
است از هر عضو که باشد اخلاط آن طباشیر سفید ده درم رب السوس دو درم تخم کاهو سه درم
تخم خرفه مقشر پانزده درم ورد گلسرخ پانزده درم کثیرا نشاسته خشک یکدرم اقاقیا
و صمغ عربی و گل ارمنی از هر یک دو درم کافور قیصوری یکدرم کوفته و بیخته بلعاب بذر قطونا
سرشته اقراص شربتی یک مثقال و قوتش تا سه ماه باقی است و بعد از آن عملش کم گردد

قرص کافور دیگر تب گرم و بر دو قسم معده و جگر را که از گرمی باشد سود دارد و تشنگی بنشاند
و خداوند یرقان عنبانی را نافع بود نسخه آن زرشک منقی و طباشیر سفید و گل سرخ
منزوع الاقماع از هر یک یکدرم تخم کاهو مقشر تخم کاسنی از هر یک سه درم مغز تخم خیار
مغز تخم کدو شیرین از هر یک یکدرم صندل سفید رب السوس از هر یک دو درم کثیرا سه دانگ درم
کافور قیصوری یکدرم کوفته و بیخته بلعاب بذر قطونا سرشته اقراص سازند شربتی دو
درم با سکنجبین و دوغ یا دوغ … شفای این قرص … قرص … کافور است
و نسخه دیگر این قرص بنظر آمده که تخم خیار و تخم کدو شیرین و صندل داخل ندارد

قرص کافور دیگر حمیات حاده و محرقه و حمی دق را سود دارد و مقوی قلب و معده حار
است و چون این قرص را در حمی مطبقه استعمال نمایند کافور را اسقاط سازند
و در دق بحال است از اقراص طباشیر نامند اخلاط آن طباشیر سفید غنچه گلسرخ منزوع الاقماع
صندل سفید از هر یک چهار درم تخم کاهو مقشر تخم کاسنی مقشر تخم خرفه مقشر تخم خیارین تخم خاص

از هر یک دو درم نشاسته و کثیرا و صمغ عربی زعفران و زرنباد از هر یک یکدرم کافور
قیصوری سه درم همه را کوفته و بیخته ترنجبین خراسانی بلعاب حب الاسفرزه حل کرده صافی
نموده اجزا را بآن سرشته اقراص سازند شربتی یک مثقال یا دو مثقال و بعضی اضافه
بجهت رعایت معده و قلب عود هندی و عنبر اشهب از هر یک یکدرم افزایند و محمد زکریا
رازی گفته که اگر یکدرم مصطکی نیز افزایند اولی باشد و شیخ نفیسی گفته که اگر بجای عود
هندی مصطکی باشد مناسب نیست اما انسب است که از زرنباد و عود و عنبر اشهب
ترجیح دو باید افزود قرص کافور دیگر منقول از بیاض مجربات حکیم محمد باقر حکیم باشی
بخط منعم الدین نافع از برای حرارت معده و حمیات حاره و یرقان علامات اخلاط
آن زرشک منقی و طباشیر سفید گل سرخ منزوع الاقماع از هر یک سه درم
تخم خرفه مقشر صندل سفید از هر یک یکدرم کوفته و بیخته با آب سرشته اقراص سازند
هر قرصی دو درم یکقرص را با یکقیراط کافور قیصوری تناول نمایند قرص کافور دیگر
منقولی از کامل الصناعه نافع از برای حرارت قلب و کبد و خفقان حار و حمیات
حاده و تپ دق و غیره اخلاط آن مغز تخم کدو شیرین مغز تخم خربزه مغز بادام از هر یک پنج درم
ورق گل سرخ شش درم بادیان یکدرم کافور قیصوری نیم مثقال کوفته و بیخته بلعاب اسپغول
سرشته اقراص سازند قرص کافور دیگر نافع از برای حرارت قلب و کبد و
حمیات حاره و تپ دق و سل و خفقان و ضعف قلب حادث از سوء مزاج حاره
قلب اخلاط آن طباشیر سفید و ورق گل سرخ گل نیلوفر از هر یک چهار درم تخم خرفه
مقشر تخم خیار بادرنگ مغز تخم کدو شیرین صندل سفید بگلاب شسته از هر یک شش درم
تخم کاهو مقشر تخم کاسنی مقشر از هر یک دو درم و نیم کافور قیصوری و زعفران از هر یک

دو دانگ

سرطان بحری مشوی و رب السوس از هر یک یکدرم کتیرا و کشنیز خشک مقشر از هر یک یکدرم نیم
ترنجبین خراسانی دو درم کوفته و بیخته بلعاب بهدانه سرشته اقراص سازند شربتی
یکمثقال **قرص کافور** که نافع است از برای خفقان و ضعف قلب و حمیات مرکبه و
ضعف معده **اخلاط آن** طباشیر سفید چهار درم عود هندی سنبل الطیب از هر یک دو درم قاقله
و قرنفل از هر یک یکدرم کندر سه درم کافور قیصوری نیم درم مجموع را کوفته و بیخته
بآبی که ترنجبین خراسانی در آن کرده صافی نموده باشند سرشته اقراص سازند و در پشت
آرد برنج پهن کنند تا خشک شود شربتی یکمثقال **قرص کافور** نافع از برای حمیات
حاره و خفقان و سعال حار **اخلاط آن** طباشیر سفید و ورق گل سرخ صندل سفید و مغز
تخم خیارین کاهو مقشر اجزا مساوی کوفته و بیخته مخلوط نمایند و بازای هر یکمثقال از مجموع ادویه
نصف قیراطی از کافور قیصوری بمقدار حاجت داخل کرده بآب سیب ترش سرشته
اقراص سازند و در سایه خشک نمایند شربتی یکمثقال **قرص کافور دیگر** سعال حاره و
سل و دق و حمیات حاره را اگر با شربت بنفشه بانند سود مند است از برای شرفه با شراب
خشخاش و دیاقوذا و لعاب بهدانه با شربت بنفشه بانند و از برای دق و حمیات حاره
با آب انار ترش و ماء القرع یا ماء الخیار یا لعاب بهدانه ترش از هر یک پنجدرم ورق
گل سرخ و رب السوس و طباشیر سفید از هر یک شش درم صمغ عربی و کتیرا و نشاسته از هر
یک دو درم تخم کاهو مقشر یکدرم و رازیانه از هر یک یکدرم کافور قیصوری نیم مثقال کوفته و بیخته
بلعاب بذر قطونا سرشته اقراص سازند شربتی دو درم اکثر این نسخه منقول است از
خط میرزا محمد باقر ولد حکیم عماد الدین محمود **قرص کاکنج** قروح مثانه و کلیه و مثانه را نافع باشد
و ادرار بول کند **اخلاط آن** مغز تخم خیارین مغز بادام شیرین مقشر و رب السوس از هر یک ... و پسته

و صمغ عربی و دم الاخوین و کثیرا و کندر از هر یکی ده درم تخم کرفس دو درم افیون یکدرم
تا یکمثقال اغلاطاون قرص بنسخه سید اسمعیل جرجانی که در ذخیره ذکر کرده و گفته
که این قرص تسکین درد جمیع علتهای مثانه کند و گوشت پاره که باید بگزیند مغز تخم خیار تخم خیارین
بیست درم گل ارمنی و صمغ عربی و کندر و دم الاخوین اجزای مساوی از جمله ده درم
تخم خشخاش و مغز بادام شیرین مقشر و رب السوس و پسته و کثیرا از هر یک دو درم و
نیم افیون یکدرم بزر کاکنج خشک شسته بود بسرشند اقراص سازند شربتی مثقالی درم با
شربت بنفشه مقدار ده درم و قوت این تا دو سال باقی می ماند قرص کاکنج دیگر
بنسخه ان بزر البنج سفید تخم کرفس از هر یک شش درم تخم رازیانه دو
درم زعفران و تخم خشخاش مغز جلغوزه افیون کندر مغز بادام شیرین کوکی از هر یک
سه درم کاکنج بیست عدد مغز خیارین پانزده درم ثنا بدانه بسرشند همه را
کوبند و بیخته با سکنجبین سرشته اقراص سازند و در بعضی نسخ کاکنج پنجاه عدد و
کثیرا دو درم است افیون در این اقراص ثلثه بهابات وزن است کمی آن گر طبیب
است قرص کبر اورام طحال را نافع باشند و صلابت را سودمند است
اغلاطاون پوست بیخ کبر پنج درم زراوند طویل دو درم مصطکی و فلفل سیاه از هر
یک شش درم اشق چهار درم اشق را در سرکه انگوری خیسانیده و حل سازند و باقی
ادویه را کوفته و بیخته بآن سرشته اقراص سازند قدر شربت از این یکمثقال قرص کبر
بنسخه دیگر که همین منفعت دارد اغلاطاون پوست بیخ کبر المقدار از هر یک ده
درم زراوند مدحرج برگ سداب تخم سپندان و کوبتیرا از هر یک سه درم اشق چهار
درم اسقولوفندریون پنج درم اشق را در سرکه خیسانیده حل سازند و باقی ادویه
[illegible]

را کوفته و بیخته با آب برشته اقراص سازند شربتی دو درم با ماء الاصول یا با
سکنجبین با آب شفا منند **قرص کبر** بنسخه میرزا محمد باقر که در بیاض مجربات خود بخط خود
قلمی نموده پوست بیخ کبر و حب الفقد از هر یک ده مثقال اسطوخودوس
یکمثقال زراوند طویل و بسفایج بالسن و حرف بابلی و دوقو و برگ کیوبزد و انیسون از
هر یک سه مثقال انیسون را با سرکه انگوری خیسانیده حل کرده باقی اجزا را کوفته و
بیخته با آن سرشته اقراص سازند شربتی دو درم **قرص گل** نافع از برای قروح
امعاد و استطلاق ما و نفث الدم از هر موضع که باشد و حیض و منع حبس را
از اسقاط **اخلاط آن** بنسخه شیخ رئیس گل اصفهانی بساد بیخ عدس مقشر مغسول
دم الاخوین از هر یک سه استار لادن سکی اصلی زعفرانی از هر یک ده درم
کوفته بیخته با آب بارتنگ و آب عصی الراعی سرشته اقراص سازند و
استعمال کنند و وجه اول از برای ایستادن خون از امقعل بخصوصه و وجه دوم از برای
افراط طمث بردار دو وزن از او زفیل با در بادرنجی و وجه سوم بیاشامند بطبرزد
بعصاره انرج و آب عصی الراعی و از برای نفث الدم از شنبه با آب لعاب الحفا
و از برای دو استطلار با آب بتو جال ساده بیاشامند **قرص گل** بنسخه
سید اسمعیل که در ذخیره ذکر کرده سرسه اصفهانی و بساد بیخ عدس دم الاخوین از هر
یک سه درم گلنار فارسی مازو سبز از هر یک دو درم شاخ گوزن سوخته مغسول اقاقیا
مغسول از هر یک یکدرم لادن و زعفران از هر یک نیم درم بسناوشان یکدرم
و نیم در نسخه دیگر سه درم که باز سمعی درین قرص داخل است و گفته که نخست
بیل را بکفتد و حل از پس در آب باران بخیسانند و یکشب بگذارند و روز دیگر دو درم

از بن قرص در ان حل کرده باشند مانند قرص زرنباد ج بنسخه حبل کامل الصناعه

نافع از برای جمیع امراض طحال وگفته که ادمان باین قرص زایل میگرداند صلابت

طحال را اخلاط آن کز مازج چهار مثقال فلفل سفید وسنبل الطیب واسارون

دارچینی از هر یک دو مثقال انگور را در سرکه خیسانیده بنده وحل بسازند وباقی دواها کوفته

وبیخته بان سرشته اقراص سازند قدر شربت یک مثقال با سکنجبین بزوری با ساده

قرص کهربا بواسیر وامنیه و دوسنطاریا ونفث الدم وقی الدم وبول الدم

وافراط طمث را نافع باشد وبالجمله جریان الدم از هر موضع که باشد باز دارد و دل

ومعده قوت دهد اخلاط آن کهربا سمی واقاقیا ودم الاخوین وبسد محرق وجفت بلوط

وسرطان سوخته و پوست تخم مرغ سوخته ومصطکی سوخته وکندر از هر یک یکدرم

لک شسته وکثیرا وصمغ عربی از هر یک نیم درم تخم خرفه مقشر کشنیز خشک بریان وتخم

حماض از هر یک دو درم افیون وبزر البنج سفید وگل ارمنی وزاج سفید محرق از هر

یک ربع درمی مجموع را کوفته وبیخته بلعاب اسفغول یا بزر لسان الحمل سرشته

اقراص سازند شربتی یکدرم ودر نسخه دیگر تخم کاهو مقشر وطباشیر سفید از هر یک

دو درم داخل است قرص کهربا بنسخه بیمارستان بریان ساذج عدس مقشر

صمغ عربی بریان سماق بریان از هر یکده درم عصاره لحیة التیس اقاقیا طباشیر سفید

از هر یک چهار درم کوفته وبیخته بلعاب لسان الحمل یا با آب جلنار فارسی سرشته

اقراص سازند شربتی یک مثقال قوت بلسان ... با ... اخلاط آن مروارید

ناسفته ... سوخته کهربا محرق بکنیز خشک قرص کهربا بنسخه شیخ داود الطاکی گفته

که نفع این قرص ... قرص جلنار است که از شیخ داود ذکر شده

وکذن

و گفته که عمل این قرص در حمیات بی‌نظیر است اخلاط آن کشنیز خشک بریان
کرده و خشخاش از هر یک شش درم کهربا شمعی و مروارید ناسفته لک محرق مغسول و تخم خرفه
مقشر از هر یک پنج درم طین مختوم و اگر نباشد بدل آن طین رومی و شاخ گوزن
سوخته پوست تخم مرغ سوخته صمغ عربی کتیرا از هر یک سه درم ودع محرق بذر البنج
سفید شادنج عدسی مغسول از هر یک دو درم کوفته و بیخته بدستور مذکور اقراص سازند
و این نسخه موافق است با نسخه که ابن جزله در منهاج الادویه ذکر کرده الا آنکه در
بعض نسخ منهاج طین مختوم و شادنج در این نسخه داخل ندارد و در نسخ داود [illegible]
گفته که این نسخه بعینه نسخه قرص کهربا است مگر اینکه در قرص کهربا لک مغسول دو درم و
دارچینی سیلانی پنج درم داخل است و گفته که این قرص نافع است از برای قروح
امعا و اسهال خون و دوسنطاریا و نفث و قی الدم و سیلان جریان خون حیض
و استحاضه و بالجمله قطع نزف الدم از هر موضع که باشد نماید و در نسخه منهاج البیان
ابن جزله اخلاطش چنین ذکر شده کهربا شمعی و لک شسته مروارید ناسفته و تخم خرفه مقشر
از هر یک پنج درم شاخ بز کوهی سوخته و پوست تخم مرغ و کتیرا و عود قماری از هر یک
سه درم کشنیز خشک بریان تخم خشخاش سفید تخم خشخاش از هر یک سه درم ودع
سوخته و بذر البنج سفید از هر یک دو درم کوفته و بیخته بلعاب اسبغول میرزا محمد باقر
در بیاض خود بخط خود قلمی نموده کهربا شمعی و لک شسته و مروارید ناسفته و تخم خرفه از هر یک
پنج درم شاخ گوزن سوخته و پوست تخم مرغ سوخته و کتیرا و صمغ از هر یک سه درم
کشنیز خشک بریان و تخم خشخاش سفید و تخم خشخاش سیاه از هر یک شش درم و
بذر البنج سفید یک درم کوفته و بیخته بلعاب بذر قطونا سرشته اقراص سازند شربتی

یک مثقال قرص کهربا به نسخه دیگر که منقول از بیاض خود بخط خود قلمی نموده بجهت منافع مجربانه
قیل کهربا سه درم بسد محرق مغسول و تخم خرفه مقشر از هر یک پنج درم تخم حماض و شاخ گوزن
سوخته و نشاسته تخم مرغ کوفته و گل ارمنی از هر یک سه درم صمغ عربی بریان
از هر یک پنج درم و ذبح محرق و کلنار از هر یک شش درم بدر البنج سفید لک
مغسول و طباشیر سفید و کثیرا و نشاسته از هر یک پنج درم مصطکی منقی و زعفران
و افیون از هر یک یک درم سنگ سه درم و در نسخه از هر یک شش درم آب اجزا را
کوفته و بیخته به آب سرشته اقراص سازند شربتی یک مثقال از برای خروج الدم
تا ثلث درم رب ... و از برای حبس خون با یک درم خشخاش قرص کهربا منقول
از خط منو ... که همین منافع دارد اخلاطان کهربا از شمعی و مروارید نا سفته و ذبح
محرق مغسول و بسد ... مغسول از هر یک یک درم تخم خرفه مقشر و گشنیز خشک بریان
... سه بریان و صمغ عربی گلنار فارسی و طباشیر سفید و عصاره لحیه التیس
از هر یک نیم مثقال افیون نیم درم کوفته و بیخته به آب ... اقراص سازند بر قرصی
بوزن یک مثقال شربتی یک قرص به آب بارتنگ بیاشامند قرص کهربا به نسخه مجرب الاطباء
سمرقندی که منافع این قرص مثل منافع آن قرصها است که ذکر شده نسخه از شش
مانند نسخه های سابق است اندک اختلافی اخلاطان کهربا شمعی مروارید نا سفته
تخم خرفه مقشر بسد محرق مغسول از هر یک پنج مثقال تخم خشخاش سفید و تخم خشخاش سیاه
و طین مختوم و طین قبرسی و لک مغسول و طباشیر سفید و اقاقیا و زعفران و مصطکی رومی
از هر یک سه مثقال تخم حماض شاخ گوزن سوخته و نشاسته تخم مرغ سوخته و گل ارمنی
و ذبح محرق و گلنار فارسی و بدر البنج سفید از هر یک ... و مثقال صمغ عربی ...

بریان

بریان و کتیرا خشک از هر یک هفت درم مغز حلغوزه و کهربا از هر یک چهار مثقال اجزا کوفته و بیخته بسپغول مغز از اقراص
بسازند شربتی یک درم با رب سیب شیرین جهت نفث الدم و با شراب خشخاش جهت قروح امعا
قرص منقول از خط میرزا محمد باقر بن حکیم عماد الدین محمود حسینی شیرازی که همین منافع دارد
که نفث الدم را بنهایت مفید است و صاحب ذخیره سید اسمعیل این قرص را در قرصه
گلنار ذکر کرده اخلاط آن کهربا شمعی یک درم و در نسخه سید اسمعیل وزن کهربا سه درم است گل ارمنی نشاسته
و صمغ عربی و مغز تخم خیارین و مغز تخم کدو شیرین از هر یک سه درم گلنار فارسی دو درم اقاقیا یک درم
و نیم و در نسخه سید اسمعیل وزن اقاقیا دو درم و نیم است کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی
یک مثقال با آب برگ تازه بارتنگ یا شربت تخم خرفه مقشر قرص کهربا منقول از خط میرزا که همین منافع
دارد اخلاط آن کهربا شمعی و صمغ عربی و گل سرخ منزوع الاقماع از هر یک سه درم گل مختوم و طین
ارمنی و طباشیر سفید و رب السوس و گلنار فارسی از هر یک دو درم بذر البنج سفید و دار چینی
از هر یک یک درم کوفته و بیخته بسپغول اقراص سازند شربتی سه درم قرص کهربا که سید
اسمعیل جرجانی در ذخیره در مرض سل ذکر کرده و گفته که این قرص در اول سل جهت
بر آمدن خون بیاشامند بعد از فصد باسلیق و باید دانست که این قرص همان قرص
کهربا بیمارستان حمید بنشابور است که از جنس کهربا است کهربا و بسد و مروارید ناسفته و
درع مجرف و صدف کوزن سوخته و ساذج مغسول از هر یک [illegible] درم و گل سرخ منزوع الاقماع
و تخم خرفه مقشر و کتیرا خشک و سماق منقی از حب نشاسته بریان و گلنار فارسی از هر یک
پنج درم طباشیر سفید از هر یک پنج درم طباشیر و اقاقیا و عصاره لحیة التیس از هر یک دو درم طین
مختوم از هر یک پنج درم طباشیر سفید و اقاقیا کوفته و بیخته بصمغ گلنار فارسی سرشته اقراص سازند
و اگر شرف ضعیف باشد سماق داخل نکنند بلعاب اسپغول یا آب لسان الحمل قرص سازند

قرص کهربا محمد ذکریا گوید این منافع دارد در اختلاط ان منع و جوز و طباشیر و فادزهر و صمغ الحمیه و النیس

از هر یک پنج درم کندر دو درم افیون شش درم صاحب ذخیره یعنی سید اسمعیل گفته

که اعتقاد من انست که افیون دو درم است و انچه در نسخه است از خطار

ما بیخ نیست و گفته که اگر صمغ کرکان نباشد بدل ان سندروس کنند تبرینی ده

درم یا سماق قرص کهربا نفث الدم و بواسیر و امعیه و دوسنطاریا کبدی را نافع

باشد و بالجمله خون امدن از هر عضو که باشد سود دارد در اختلاط ان کهربا و بسد و

کندر از هر یک نیم درم و دم الاخوین و طراثیث تبرین و گل ارمنی و اقاقیا از هر یک

شش درم تخم مقشر و مغز تخم کدو تبرین و تخم خشخاش سفید و تخم خشخاش سیاه و تخم حماض

بریان از هر یک یک درم صمغ عربی و نشاسته و کثیرا از هر یک شش درم همه را کوفته و بیخته

بلعاب بهدانه قطونا سرشته اقراص سازند و اگر احتیاج بمدد باشد بلادام بدرالبنج

کفند اضافه اجزا قرص کهربا مذکوره نمایند و مقدار مستعمل از این قرص از دو درم تا سه

درم است قرص کهربا منقول از خط حکیم عطاء الله شاکرد میرزا محمد باقر حکیم باشی کو قرص

نافع است از برای تنقیه و نهای کهنه و دوسنطاریا و دموی نافع است گلسرخ

رب سوس و نشاسته و سنبل الطیب و مصطکی رومی و کهربا شمعی و افیون اجزا

مساوی کوفته و بیخته بدستور مقرر اقراص سازند شربتی از یک مثقال تا دو درم قرص

کوکب گفته اند که این قرص اول قرصی است که تالیف کرده سیمونس حکیم است

و بعضی دیگر گفته اند که اول قرصی که تالیف شده اند رقد ماحسن است که جزو تریاق

فاروق است شیخ داود انطاکی گفته که وجه تسمیه این قرص بقرص کوکب

انست که صاحب این قرص سیلموکس حکیم منجم بعضی اعمالها کرده بود در علم ستموتیس

الن

است که چون با بخطات کرده لصقت و منافع این قرص شیخ رئیس گفته که مبالغه کرده اند
قدما از اطبا در تعظیم این و نامیده اند او را قرص کوکب و این قرص نافع است از برای
ضعف معده و جگر که بسبب ضعف معده قبول فضول کند و موجب آن شود از سایر اعضا و باید
وا از آنکه خمار حادث کند و ملازم کرده شود در بیماری پس بسائیدن مسکر و اند صداع را و نافع است
از برای یرقان و از برای درد دندان و کند اسنان شود یا قطعه بر دندان کرم خورده
پس بسائیدن مسکر داده اند و دوار او نافع است از برای درد گوش و نفث الدم و سیلان
خون از هر عضو که باشد و از برای نزف و فرحن و حمیات مزمنه و ادرار خون در ایام
مدر بجوش حیض کرده شود و از برای سموم بلد و عقرب و مسموم که در آب بسیار باشند و از
برای قروح امعاء و مثانه چون با شراب انار نامیده شود شیخ داود گفته که این نافع
برای ضعف معده و دماغ و کبد و طحال و از برای فضول غلیظ و صداع و خفقان و
نزف الدم مطلقا و درد گوش و نزف و قروح امعا و صاحب میزان الطبایع
گفته که چون این قرص را با سرکه انگوری سوده بر پیشانی طلا نمایند درد سر را
سودمند باشد و با شراب سفرجل برای اسهال خون و قروح امعا که از
بلغم باشد و از برای قروح کلیه و مثانه سودمند باشد و چون غرغره کرده شود
مجلول آن در تسبیح خناق بلغمی را باز دارد و منقذ مبین و سید اسمعیل در ذخیره آورده
که طبیبان پیشین این قرص را مبارک دانسته اند و منافع بسیار شمرده اند و از جمله منافعی
که ذکر کرده اند از برای آن است که چون با آب مورد بجوشند حل کرده در گوش
چکانند درد گوش را زایل کند و کسانی که جانوران زهردار گزیده باشند چون با آ

سده آب خورند سود دهد و از برای اسهال و زحیر امعا که از بلغم شود و قروح مثانه
جوانی با شراب بنفسج صرف با نشاسته سود دهد و از برای خناق بلغمی چون با رب الجوز
یا سکنجبین غرغره نمایند زایل کند شیخ رئیس گفته که چون جزو عمده این قرص کوکب الارض
است و اگر اطبا را اعتقاد نیست که کوکب الارض طلق است و بعضی را گمان
آنست که طلق همان موسکوی است و ظن من آنست که قول اول صحیح باشد زیرا که طلق
منحل شده بحمل معده و برگشته آن میکنند و قوت سده را با اعتماد آنکه جمع میشود حرارت
معده در باطن پس بسبب جمع حرارت در باطن قوی میگردد و فعل حرارت
غریزی در فضول جمع باشد در آن و تحلیل میدهد الفضول را و نمیگذارد که
فضول از اعضاء دیگر انصباب نماید بمعده و باید دانست که طلق منفعل نمیشود از
حرارت غریزی چنانکه مبادا که چون وارد بدن شود منفعل میشود از آن
تا منفعل نشوند از حرارت غریزی کیفیت ما بالقوه آنها بالفعل نمیشود تا فعل کند و
چون مطلق فعل نمیشود پس فعل آن در بدن بکیفیت نخواهد بود بلکه از نسبت
از آن در بدن از غیر فعل و انفعال چنانکه از کواکب سما که بغیر فعل و انفعال میباشد
پس گمان آنست که نسبت آن بکوکب بهمین اعتبار باشد بخلاف مرکبات
عنصری دیگر که اثر میکنند در بدن بعد آنکه منفعل شوند از حرارت غریزی تا
کیفیت بالقوه آنها بالفعل شده فعل کنند قرص کوکب اخلاط ثانی نسخه
شیخ رئیس گفته که من ذکر میکنم اجزای این قرص نسخه که از قدما بمن رسیده تا دلیل
نقصان و تغیر در اوزان و کیفیت ترکیب بگیرند مر صافی و خیدید سه و سنبل الطیب
و سنجه و طین مختوم و پوست بیخ برو ج از هر یک چهار درم قند بلیح و افیون و زعفران
و کوکب الارض

و کوکب الارض که آن طلق است از هر یک پنج درم و در بعض نسخ چهار درهم آنچه خشخاش
سفید شش درم و در نسخه دیگر هفت درم است ذوفا و افتیمون و بزر سیسالیوس و بزر البنج
سفید و میعه سایله و تخم کرفس از هر یک هشت درم صمغ را در شراب ریحانی تر کرده حل سازند
و باقی ادویه را کوفته و بیخته بدان سرشته مقرر اقراص سازند هر قرصی وزن یک درم و در سایه
خشک کنند شربتی یک قرص صاحب میزان الطبایع گفته که مزاج این قرص گرم است در
ثلث درجه و باید که استعمال کرده نشود بعد از شش ماه از ساختن او و در مرکبات
به بعض نسخ جمل ارمنی چهار درم و به نسخه دیگر دارچینی بجای آن بوزن آن اجزای نسخه
شیخ افزوده و از اجزای نسخه شیخ قسط و افیون و زعفران و خشخاش داخل
ندارد و وزن کوکب الارض چهار درم است و گفته که میعه سایله را در شراب
بگدازند و باقی ادویه را کوفته و بیخته بآن سرشته قرص سازند شربتی یک مثقال
و قوت این تا دو سال باقی می ماند صاحب ذخیره این قرص را در ضعیف کرده گفته
که در … علت این قرص را با شیر تازه یا طبیخ جوره یا با طبیخ رازیانه جهت تقویت
کلیه میباید **قرص کوکب** بر نسخه شیخ داود ذوفا و بزر سیسالیوس و تخم کرفس و افتیمون
و بزر البنج سفید و مرمکی صافی و سنبل و طلق از هر یک پنج درم و در نسخه دیگر تخم خشخاش
شش درم داخل است و گفته که نزد من واجب است که اضافه کرده شود در این
اجزا مصطکی داخل … از هر یک یک درم با افیون که شدید است در نفع …
در قطع جریان بول در بعضی گفته اند که این قرص را قرص کوکب نامیده اند
بجهت وجود طلق در آن که مسمی بکوکب الارض است و نیز گفته که ما ابطال کردیم
در ترکیب این قرص و لفظ … اطبس ابن لغیسان بود لکن در قرص

و بعض نسخ … و زعفران

و بعضی اطبا مضاعف این قرص است و زیاده کرده اجزای این قرص از بانیز را و نیز
گفته که این قرص معتدل است و حرارت و برودت و یبوست آن در درجه اول و قوت
آن چهار مثقال و شربتی از این قرص تا دو مثقال است **قرص لولو** دل و دماغ را قوی گرداند
بود و قوت دهد و خفقان حار و یرقان و غثیان حار را نافع باشد و نفث الدم را
باز دارد و **اخلاط آن** مروارید ناسفته صندل سفید از هر یک یکدرم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو
شیرین تخم کاهو مقشر از هر یک نیم درم تخم خرفه مقشر سه دانگ درم طباشیر سفید یکدرم مغز ربع الاقماح
دو درم زعفران نیم درم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند شربتی
یکمثقال **قرص لولو دیگر** که دل و دماغ را قوی دارد و قوت دهد و بعضی اطبا
گفته که این قرص را از برای تقویت دماغ با شراب اسطوخودوس و گلاب
و عرق بید مشک و عرق کاسنی و عرق بادیان چون در صداع مشارکت کنند
خورانند بسیار سودمند باشد **اخلاط آن** مروارید ناسفته دو درم و نیم مغز تخم خیارین
مغز تخم کدو شیرین از هر یک سه درم تخم خرفه مقشر تخم خاص و گل بنفشه گل گاوزبان از هر یکدرم و
درم مشک تبتی و عنبر اشهب از هر یک نیم درم و اگر حرارت در مزاج غالب
باشد بجای مشک کافور قیصوری داخل نمایند و در نسخه دیگر تخم کاهو مقشر دو درم
داخل است شربتی از یکدرم تا دو درم **قرص لولو دیگر** مقوی دل و دماغ است
و نافع است ضعف باه بسبب ضعف دماغ و قلب **اخلاط آن** مروارید ناسفته
دو مثقال طباشیر سفید چهار درم صندل سفید دارچینی سه درم عود هندی و صمغ عربی
و زعفران از هر یک دو مثقال مغز تخم خیارین و مغز تخم کدو شیرین از هر یک شش درم
مجموع را کوفته و بیخته بلعاب بهدانه سرشته اقراص سازند شربتی از یک مثقال تا دو درم

ای دو

قرص لولو از مجربات حکیم احمد معز الله نافع از برای حمیات حاره و دق و تشنگی که با سهال انجامد
مراری و اسهال دو بابی باشد نسخه ان مروارید ناسفته طباشیر سفید از هریک ده مثقال
گل سرخ گل نیلوفر کشنیز خشک صندل سرخ تخم خرفه مقشر ورق گل سرخ مغز تخم کدو شیرین
مغز تخم خیار از هریک سه مثقال کثیرا نشاسته از هریک دو مثقال کافور قیصوری
نیم مثقال کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند شربتی یک مثقال قرص
لک مغسول از قرابادین قانون شیخ رئیس نافع است از برای سده‌های جگر و سپرز و تب
دایمی و عسر البول است و لاغری کند و تشنگی و طعام بگوارد نسخه ان لک مغسول و
فوه الصبغ و افسنتین و اسارون و بزر کرفس و افسنتین رومی و قشر بادام تلخ مقشر
و بزر انجره طویل و ریوند خطای و رب السوس و عصاره غافت و عصاره زرشک اجزا
متساوی کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی یک مثقال تا دو درم با شربتی مناسبه یعنی مالحه
از برای امراض مذکوره بیاشامند و در نسخه صاحب ذخیره عصاره زرشک داخل
ندارد قرص لک دیگر سده‌ها بگشاید و ادرار بول و حیض نماید و انواع استسقا را نافع م
باشد و تبهای بلغمی را سود مند باشد نسخه ان لک مغسول و کرفس و عنب الثعلب و
فوه الصبغ از هریک یکدرم رازیانه و افسنتین و دوقو از هریک یک مثقال تخم کاسنی
و تخم کشوث از هریک دو درم کوفته و بیخته بلعاب سرشته اقراص سازند شربتی یک مثقال
قرص لک که منافع بیش دارد و انواع استسقا را بغایت مفید باشد و امراض طحال م
را نافع است نسخه ان مر مکی و فرس سامی و سلیخه و دارچینی و عصاره غافت و افسنتین
رومی و حب بلسان و عود بلسان و پوست بیخ کبر و ریوند چینی و رازیانه و تخم کرفس و تخم کشوث
از هریک دو مثقال گل سرخ شروع الاجماع نیم مثقال طباشیر سفید و لک مغسول در شکل الطبیب

و سعد کوفی لک از هر یک سه مثقال قوه الصبغ و فیصوم و قرنفل و زعفران از هر یک مثقال اجزا را
کوفته و بیخته با آبی که در آن زعفران حل کرده باشند سرشته اقراص سازند شربتی یکمثقال
و هر جایکه استعمال کرده شود از برای استسقا باید که اوقیه سکنجبین بزوری در [illegible]
تناول نمایند پس استراحت نموده باز عود نمایند تا آنکه مرض بعون الله تعالی دور شود قرص
لک دیگر که همین منافع دارد نسخه آن مرمکی صافی و مقل ازرق و قسط تلخ و برس
سامی و سلیخه و اذخر مکی و سعد کوفی و دارچینی و گل غافث و افسنتین رومی و لک مغسول
ریوند چینی و زعفران و مصطکی رومی اجزا مساوی کوفته و بیخته به سکنجبین مغلی قرص سازند شربتی
یکمثقال و هر جایکه از برای استسقا استعمال کرده شود باید که با سکنجبین بزوری یا شراب
دیناری بحسب حاجت بیاشامند قرص لک دیگر به نسخه دیگر محمد بن ذکریا که همین منافع دارد
نسخه آن لک مغسول و ریوند چینی از هر یک سه درم اسارون و زراوند مدحرج و حسطانا
و مصطکی و تخم کرفس و سنبل الطیب و اذخر مکی و انیسون و نانخواه و ابهل و مغز بادام
تلخ و افسنتین رومی و قوه الصبغ و عصاره غافث از هر یک دو درم فلفل و زنجبیل از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته به سکنجبین مغلی اقراص سازند شربتی یکمثقال و در نسخه که میرزا محمد باقر بخط
خود نقل نموده قسط تلخ یکدرم و نیم داخل است و وزن جمیع اجزای که درین نسخه دو درم
و نیم است وانیسون و افسنتین رومی و فلفل و زنجبیل داخل ندارد قرص لک دیگر
سده ها بگشاید و سوء القنیه و حمیات مرکبه و استسقا را نافع باشد و ادرار بول
نماید نسخه آن مغز تخم خیارین مغز تخم خیار و بادرنگ مغز تخم خربزه از هر یک دو مثقال تخم
کرفس بادیان و انیسون و تخم کاسنی از هر یک دو درم لک مغسول و [illegible] و رب السوس
و عصاره افسنتین و مصطکی رومی و نیم عود و [illegible] و فقاح اذخر و طباشیر بنفشه [illegible]

لارا

هندی از هر یک یک درم ریوند چینی نیم درم اجزا را کوفته و بیخته با خالص سرشته اقراص سازند و
شربتی دو درم تا ده درم زرشک منقی لعاب و عرق بادرنجبویه خیسانیده صافی نموده
شراب بزوری املحی نموده بیاشامند **قرص لک دیگر** مستعمل در معاجین کبار **اخلاط آن**
لک مغسول بیست درم ربوب ده درم کوفته و بیخته همیشه تا سرشته اقراص سازند و شربت
خوب بالیدن کنند تا خشک شود ذلک ... در شیشه **قرص لیمون** نافع از برای ضعف
معده بعد از نقه تحت سیار ما لعاب سکنجبین و آب سیب هر کدام که باشد در هفته یکمرتبه
در غذا در ایام خوردن این قرص زیرباج خورد و این قرص لطیف اطبا نهاده اند ا
اخلاط آن پوست هلیله کابلی ده درم زنجبیل شش درم دارفلفل و شیطرج هندی
از هر یک چهار درم نمک سنگ نیم درم کبریت زرد ماهیرو دع محرق از هر یک یک مثقال
جمله را در آب لیمون سه شبانه روز سحق کنند پس اقراص سازند شربتی از یکدرم تا
دو درم **قرص انبرباریس** نافع از برای اختلاف نفث الدم و نزف الدم
اخلاط آن طین مختوم و سلیخه و صمغ عربی از هر یک چهار درم گلنار مشروع الاعماج و گلنار
فارسی و اقاقیا از هر یک هشت درم کتیرا یکدرم مجموع را کوفته و بیخته با گلنار تر یا آب مطبوخ
گلنار خشک سرشته اقراص سازند و در سایه خشک نمایند شربتی دو درم فوتش تا
شش ماه باقی میماند **قرص مازریون** غب غیر خالص و حمیات مرکبه و سوء القنیه و استسقا
را زائل که در دهن و خشکی دهان و تشنگی و خشکی طبع باشد سود دارد **اخلاط آن** بگیرند
مازریون و نیم درم در سرکه خیسانیده خشک نمایند و تخم جو و پوست هلیله زرد و شکر
طبرزد اجزا مساوی کوفته بیخته بدستور مقرر اقراص سازند شربتی یک مثقال **قرص مازریون**
دیگر در استسقا گرم اخراج مار اصفر و در حمیات مرکبه چون نمایند اخراج صفرا و بلغم نماید

وبنهده بگشاید **اخلاط ان** تخم کاسنی ده درم برگ مازریون مدبر دو درم غاریقون سپید
سفید و گل سرخ منزوع الاقماع و مغز تخم خیارین و عصاره غافث از هر یکدو درم و نیم کوفته
و بیخته جمله را ده قرص سازند شربتی یکقرص تا دو قرص با آب کاسنی تازه و شراب
وردی مکرر یا با آب کاسنی و شراب دیناری **قرص مازریون** استعمال کرده میشود در
استسقا و سرد بجهة اخراج ماء اصفر و در حبات یاره ده از برای اخراج بلغم و
مفتح سده با زرد است **اخلاط ان** بگیرند ورق مازریون و بخفت شبانه روز در
سرکه انگوری بخیسانند پس از خشک نمودن بگیرند ملح هندی و ورق الحمام از هر یک
پنج و مجموع را کوفته و بیخته بدستور معهود اقراص سازند شربتی یکمثقال **قرص مازریون دیگر**
اخراج ماء اصفر بقوت کند و حبات مرکبه در علل کبد را نافع است و این قرص را در یکهفته
یکم نبه خورانند هر کاه دانند که قوت فی دامیکنند **نسخه ان** ریوند خطای و عصاره
غافث و تخم کاسنی و تخم کاسنی از هر یک سه درم غاریقون سپید پنجدرم
تخم کرفس یکدرم و نیم ورق مازریون مدبر ده درم مجموع را کوفته و بیخته با آب خالص
سرشته اقراص شربتی تا دو قدم با آب کاسنی تازه بنوشند **قرص مازریون دیگر**
از بیاض مجربات محمد باقر حکیم باشی و از عماد الدین محمود **نسخه ان** تخم کاسنی ده درم مازریون
مدبر یکدرم و دو ثلث درمی غاریقون یکدرم و دو ثلث درمی مغز تخم خیار دو درم
و نصف درمی گل سرخ منزوع الاقماع دو درم و نصف درم عصاره غافث
یکدرم و دو ثلث درمی کوفته و بیخته بدستور معهود اقراص سازند **قرص مر اخلاط ان**
زعفران و افیون و مرصافی و بزر البنج و پوست بیخ لفاح کوفته و بیخته با آب کاسنی
اقراص سازند **قرص مر دیگر** حیض براند و تسهیل ولادت کند و امراض بارده رحم
را نافع بود

را نافع بود **اخلاطش** مصطکی صافی سه درم کرفس شامی پنجدرم و سداب و فوه الصبغ
و فودنج و قردمانا و جلنجبین و جاوشیر سکبینج از هر یک دو درم کوفته و بیخته بسکنجبین مقشر اقراص
سازند شربتی دو درم **قرص** منقول از بیاض بخط میرزا محمد باقر ولد حکیم عماد الدین
محمود **اخلاطش** تخم کاهو زرد با قلا پوست خشخاش تخم خرفه مقشر از هر یک یکدرم
انیسون طبوخی کوفته و بیخته بلعاب اسبغول سرشته اقراص سازند مجموع یک شربت
است **قرص مشک** تالیف محمد بن زکریاست معده و دل و جگر بارد را نافع
بود و قوت دهد و غشی و خفقان بارد را سودمند باشد و اوجاع معده را زایل
کند و بوی دهان را خوش گرداند **اخلاطش** مصطکی رومی و قرنفل و دارچینی و
عود هندی و سنبل الطیب و جوز بوا و کبابه چینی و سک المسک و دانه هیل بوا و پوست
اترج و قاقله کبار از هر یک یکمثقال مشک خالص یکدرم کوفته و بیخته بشراب ریحانی
سرشته اقراص سازند شربتی فود نسخه دیگر سک المسک داخل نیست و وزن
مشک خالص یکمثقال است **قرص مطفی حرارت** و مسکن عطش در استفراغ خون
در دهان نگاه دارند و آب آن را فرو برند و بجهت حرقت بول نیز نافع است **نسخه آن**
مغز تخم خیارین مغز تخم کدو کرین از هر یک جزو تخم کاهو مقشر و تخم خرفه مقشر از هر یک انجبار و
رب السوس ربع جزوی کوفته و بیخته بآب خرفه تازه و بلعاب اسبغول سرشته
اقراص مقرص طبح سازند هر یک چون دانه باقلا **قرص صندل** منقول از
قرابادین کونالی یرقان اسود و درد جگر و سپرز و تب سوداوی و بلغمی را
نافع بود **اخلاطش** مغز تخم خیارین و مغز تخم خربزه از هر یک پنجدرم طباشیر سفید
و تخم کشوث و تخم کرفس از هر یک سه درم گل غافث و افسنتین رومی از هر یک دو درم

ریوند چینی چهار دانگ و در نسخه دیگر تخم کرفس از هر یک سه درم داخل کرده مجموع

را کوفته و بیخته بسکنجبین عسل مقرر اقراص سازند شربتی دو درم با سیب درم با آب کاسنی

تازه و سکنجبین ساده اقراص صلابت کبد و معده را دور کند و ریاح بواسیر را نفع ۴۵

دهد و این نسخه از تالیف محمد بن زکریاست اخلاط آن کل سرخ منزوع الاقماع

ده درم سنبل الطیب دو درم زعفران یکدرم قسط تلخ یکدرم و نیم مصطکی یکدرم

مغز بادام تلخ یکدرم و نیم مقل ازرق سه درم مقل را در شراب حل نمایند و

ادویه را کوفته و بیخته با آن بسرشند اقراص سازند هر قرصی سه درم شربتی در صلابت

کبد با آب کاسنی تازه یا با آب کرفس یا با آب رازیانه و در صلابت معده یا

عرق بادرنجبویه و در بواسیر با آب گندنا قرص مقل به نسخه دیگر که همین منافع دارد و

یکی از مشایخ من از آن در سوء مزاج کبد وقتی که با ورم صلب باشد ذکر کرده اخلاط آن

مقل ازرق سه درم مصطکی دو درم و نیم سنبل الطیب دو درم قسط تلخ و مغز بادام

تلخ مقشر از هر یک یکدرم و نیم زعفران مر مکی صافی از هر یک یکدرم مجموع را کو

فته و بیخته سوای مقل ازرق را و او را در شراب ریحانی یا با آب گرم حل سازند پس ادویه

را کوفته با آن خمیر کنند و اقراص سازند هر قرصی سه درم شربتی یک قرص با

در سوء مزاج حار و یا ماء العسل یا با شراب دیگر یا با ماء الکرفس یا با ماء رازیانج در سوء

مزاج بارد کبد یا ورم صلب یا با ورم بلغمی قرص منوم بارد اخلاط آن پوست

تخم خشخاش و تخم ماهو از هر یک چهار درم شکر و مغز تخم خیار بادرنگ و تخم

خربزه مقشر و مغز تخم کدو شیرین از هر یک سه درم افیون و بزر البنج سفید و نشاسته

و کثیرا و گل سرخ منزوع الاقماع و طباشیر و تخم خرفه مقشر از هر یک دو درم کافور قیصوری

دانسدان

و صندل سفید و کشنیز خشک از هر یک آن نیم مثقال کوفته و بیخته بلعاب اسبغول سرشته اقراص سازند شربتی
از یکدرم تا یکمثقال و اگر دو درم سماق منقی و یکدرم زرورد در آن قرص افزایند
قوی گردد راسن و قرنفل و قرفه و سنبل از هر یک سه جزو
زعفران دو جزو افیون و تخم لفاح از هر یک جزو سوده با شراب سرشته اقراص سازند
شربتی نیم درم تا یکدرم با شراب خشخاش بنشستن قرص نزلات بتألیف والدی السعید
قدوة الحکما میر محمد هادی قدس سره منع انصباب نزله از سر باعضا سیلان نماید
نسخه آن دم الاخوین و انزروت سفید و حضض هندی و صمغ عربی و مر مکی صافی از هر یک
صبر سقوطری و سنگ دانک و کندر و زرفارسی و اقاقیا و قرنفل و نشاسته مامیثا از هر
یکدرم افیون و زعفران از هر یک نیم درم اجزا را کوفته و بیخته با آب برگ مورد در آن
جوشانیده صافی نموده باشند سرشته اقراص ساخته در سایه خشک نمایند و وقت
حاجت یک قرص بشیره تخم خرفه سوده بر سر پاره کاغذ مستطیل درهم پیچیده باشند و سوراخ
بینی را بآن زده باشند مالیده هر دو شقیقه و بالای چشم بچسبانند بامر الله عز و جل نافع است
صفت این قرص به نسخه دیگر حضض مکی لوسن در هندی نشاسته مامیثا از هر یک دو
دانک صمغ عربی مر مکی صافی دم الاخوین برگ مورد از هر یک یکدانک افیون قیراطی
زعفران طسوجی کوفته و بیخته بشیره تخم خرفه سرشته اقراص سازند هر قرص بمقدار
دانگی در وقت حاجت یک قرص را بشیره تخم خرفه سائیده بدستور نسخه قبل استعمال نمایند
قرص نزلات دیگر بتألیف ملک الاطبا سلطان انزروت پرورده دم الاخوین و صمغ عربی
اقاقیا و نشاسته مامیثا از هر یک یک مثقال گل ارمنی چهار دانگ ... حضض هندی از
هر یک دو دانگ افیون و زعفران از هر یک دو طسوج کوفته و بیخته بشیره تخم خرفه

بسرشته اقراص سازند و در سایه خشک نموده در وقت حاجت بدستوری که در نسخه
قبل ذکر شده بسرشته پاره کاغذ مالیده بر ابرو و شقیقه و یافوخ بچسبانند قرص رمد دیگر
که انصباب نزلات بچشم و گوش و حلق و سینه نماید نسخه آن صمغ سفید طین چهار دانگ
افیون و زعفران از هر یک یکدانگ مجموع کوفته با برگ مورد سرشته اقراص
سازند و در وقت حاجت یک قرص را بسفیده تخم مرغ بسایند و بر پاره کاغذ
بدستور مذکور یک قرص در قرص نزلات اول مالیده بر
دو صدغ بچسبانند قرص مورد که همین منفعت دارد اخلاطش برگ مورد
و اقاقیا و دم الاخوین و کتیرا و کندر و شیاف مامیثا از هر یک دو مثقال کتیرا نیم
مثقال افیون و زعفران از هر یک یکدانگ کوفته و بیخته بسفیده تخم مرغ سرشته اقراص
سازند در وقت حاجت یک قرص را بسفیده تخم مرغ سائیده از اقراص سازند و
بدستور مذکور در نسخه اول بر یافوخ و صدغین بچسبانند قرص توتیا در اکلیت دهان
و نیز اگر محکم شده نافع است اخلاطش توتیا و زاج و قلقطار و قلقدیس نمک سوخته
از هر یک یکدرم فلفل سفید سوخته دو درم کوفته با سرکه انگوری سرشته اقراص سازند
و در سایه خشک نمایند و هیچ یک قرص را با سرکه انگوری سائیده با آن مضمضه نمایند تا
خون بیاید پس بار غوره یا آب سماق و گلاب دهان را بشویند و اگر طاقت
شنودن نداشته باشند پس روغن گل سرخ را گرم کرده یکساعت در دهان نگاهدارند
و چند مرتبه بان قرص مضمضه کنند تا خون فاسد تمام برآید و نشان آنست که خون تلخ بود از آن
بر می آید رنگ و خوش باشند پس بدین دارو مضمضه کنند تا گوشت سخت
نو بروید جراحت دور شود قرص مورد اخلاطش برگ مورد و یودنه و گشنیز
و گلنار

و گلنار فارسی و کزمازج و عاقرقرحا مازو و سنبرو بت انار ترش شکوفه تبر که انگوری
جوشنده اند و صافی نموده باز بسرکه مضمضه نمایند نافع باد قرص ورد به نسخه جمهور نافع است
از برای درد معده و رطوبات را از معده جلا دهد و پاک کند و تبهای بلغمی و تبهای کهنه را
زایل کند اخلاط آن موافق آنچه شیخ رئیس در قرابادین قانون ذکر کرده بگیرند گل سرخ پاک
کرده از اقماع بیست درم اصل السوس سنبل الطیب از هر یک ده درم و در نسخه دیگر بعوض اصل السوس
رب السوس است اجزا را کوفته و بیخته بمثلث سرشته اقراص سازند و در سایه خشک
نمایند شربتی دو درم با سکنجبین بزوری و مزاج این قرص گرم است در یکم درجه و خشک است
در سه ربع درجه و چون بیفزایند برین قرص شش درم سقمونیا مشوی بجای مثلث اجزا را
بگلاب سرشته اقراص سازند مسکر دو قرص ورد مسهل که شیخ رئیس در قرابادین ذکر کرده
و در اینجا بیان مسهل صفرا شیخ رئیس گفته که این قرص ... در بیان
و شیخ رئیس این قرص را در موضع دیگر از قرابادین قانون باسم قرص ورد با سقمونیا
ذکر کرده در وزن تفاوت است اخلاط این بنسخه شیخ رئیس است ورق گل سرخ
دوازده درم اصل السوس سنبل الطیب از هر یک چهار مثقال و در نسخه دیگر اصل السوس
سنبل الطیب بیست درم است سقمونیا شش درم کوفته و بیخته سرشته بید ... اقراص سازند
و در سایه خشک کرده با آب سرد و جلاب و سکنجبین بیاشامند قرص ورد
جمهور به نسخه که میرزا محمد باقر در بیاض مجربات خود بخط خود قلمی نموده اخلاط آن گل سرخ
منزوع الاقماع ده درم رب السوس دو درم و سنبل الطیب و مصطکی رومی از
هر یک یک درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم اخلاط آن به نسخه مستعمل
گازرونی جبره آورده گل سرخ ده درم مصطکی رومی یک درم سنبل الطیب دو درم تخم کاسنی

منقول نفضر پنجدرم کوفته و بیخته بدستور مقرر اقراص سازند شربتی یکمثقال **قرص ورد** از کناش بولس نافع از برای حمی مثلثه و مزیل عطش و نافع از شست شکم **صفت ان**
ورق گل سرخ اشنا سته رب السوس زعفران و اقاقیا اجزا مساوی از هر یک
یکدرم قند سفید شش درم بدستور قرص سازند **قرص ورد باغافث** درد معده و
تب لثی کهنه و ورمهای مرکب و درد جگر و یرقان زایل کرداند و سده جگر بگشاید
اخلاط ان گل سرخ پاک کرده از اقماع ده درم سنبل الطیب دو درم طباشیر سفید رب السوس
از هر یک سه درم عصاره غافث پنجدرم انیسون و مصطکی رومی از هر یک یکدرم ترنجبین
پاک کرده ده درم ترنجبین را بگلاب حل کرده بپالایند و باقی ادویه را کوفته و بیخته
با آن سرشند و اقراص سازند شربتی از یکمثقال تا دو درم با سکنجبین ساده یا سکنجبین بزوری بحسب حاجت **قرص ورد غافث** بنسخه میرزا محمد باقر حکیم باشی **صفت ان**
ورق گل سرخ پنجدرم عصاره غافث چهار درم طباشیر سفید دو درم اصل السوس چهار درم
سنبل الطیب سه درم بدستور مقرر اقراص سازند **قرص ورد دیگر** که همین منافع دارد و
اقوی و انفع است از برای تبهای بلغمی **اخلاط ان** ورق گل سرخ ده درم
اصل السوس عصاره غافث افسنتین رومی از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بگلاب سرشته
اقراص سازند شربتی سه درم با ماء الاصول و گلنگبین **قرص دیگر نسخه ان** بنسخه میرزا محمد فقیر
ولد حکیم عماد الدین محمود **نسخه ان** گل سرخ ده درم عصاره غافث یکدرم عصاره افسنتین
سه درم مصطکی رومی دو درم و نیم سنبل الطیب اسارون و عود هندی و اذخر مکی از
هر یک یکدرم کوفته و بیخته بدستور مقرر اقراص سازند شربتی دو درم با ماء الفواکه
و ترنجبین **قرص ورد با غافث** صالح از برای حمیات کهنه و وجع کبد و یرقان

اخلاط ان

اخلاط آن ورق گل سرخ پنج درم سنبل الطیب دو درم طباشیر سفید یک درم عصاره غافت
هشت درم کوفته و بیخته با آب زرشک ترنجبین در آن حل کرده باشند سرشته اقراص سازند و در سایه
خشک نمایند و نگاه دارند شربتی یک دو درم تا سه درم و بدانکه شیخ رئیس این قرص را در
قرابادین قانون دو جا ذکر کرده اول مرتبه باسم قرص ورد با طباشیر ذکر کرده بعد
از آن در اقراص باسم قرص ورد با غافت ذکر نموده قرص ورد با غافت از افراج
قدوة الحکما و رئیس الاطبا سیدی و سندی و والدی قدس سره نافع از برای
سده های کبد و یرقان و سوء القنیه و استسقا و حمیات مرکبه بلغمیه و از برای رطوبت
معده و وجع آن و وجع کبد اخلاط آن غنچه گل سرخ منزوع الاقماع دوازده درم
و سنبل الطیب و رب السوس از هر یک شش درم شکاعی و بادآورده و مصطکی
رومی و عصاره غافت از هر یک چهار درم کوفته و بیخته منخل با گلاب سرشته اقراص
سازند و در پشت غربال پهن نموده در سایه خشک نمایند شربتی از یک مثقال تا سه درم
با سکنجبین بزوری بارد یا معتدل یا حار بحسب مزاج هر کدام که باشند مقدار اوقیه
و در درد معده و رطوبت با گلقند آفتابی و یا سکنجبین سفرجلی یا هر کدام که باشد یک
اوقیه و این قرص مجربست قرص ورد دیگر نافع از برای درد معده و اورام کهنه که باشد
و نیز برای بلغم و مرکب نسخه آن ورق گل سرخ و اکلیل الملک و گل بابونه و قاقله اسپاه
گندم از هر یک پنج درم اذخر مکی و سنبل سرخ و مصطکی از هر یک سه درم اصل السوس مقشر
نیم درم که با ده درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی یک دو درم با سکنجبین یا با طبیخ
زرشک یا بادیان بحسب مناسبت و اعراض قرص نسخه شیخ رئیس که ثبت
است از نسخه قبل به زید گل سرخ ده اوقیه سنبل الطیب و شکاعی از هر یک نیم

ادقیه کهربا شمعی مصطکی رومی از هریک یک درم عود بلسان پنج درم کوفته و بیخته
بمطبوخ ترشته اقراص سازند قرص دیگر اخلاط آن به نسخه سید اسمعیل در ذخیره آورده
گل سرخ شش درم سنبل الطیب سه درم مصطکی رومی و کهربا شمعی از هریک دو درم
کوفته و بیخته به سنون کنغر اقراص سازند شربتی یک مثقال از جهت درد معده باس مطبوخ
بدهند قرص دیگر اخلاط آن افسنتین و اصل السوس از هریک چهار درم اکلیل الملک
بابونه و داوخرطی از هریک شش درم جوشانیده صافی نموده قلقند آفتابی یک اوقیه
در آن حل کرده صافی نموده با قرص مذکور بنوشند از جهت اماس معده و کبد با عنب الثعلب
بدهند و از جهت تبهای بلغمی و اکفلکین با ماء الاصول بدهند اخلاط آن به نسخه میرزا
محمد باقر ابن حکیم عماد الدین محمود حسینی شیرازی در قرص گل سرخ شش مثقال سنبل الطیب
سه مثقال رب السوس چهار مثقال اکلیل الملک بابونه و داوخرطی از هریک سه
مثقال مصطکی رومی دو مثقال کهربا شمعی یک مثقال کوفته و بیخته به سنون مقرر اقراص سازند
شربتی یک مثقال بطبیخ افسنتین از برای وجع معده و با عنب الثعلب از برای ورم معده
قرص ورد دیگر منقول از خط میرزا محمد باقر حکیم باشی مقوی معده و کبد است از برای
اماس معده و جگر که قدیمی باشد و از برای ورم بارده معده و از برای تبهای
بلغمی و تبهای مرکب نسخه آن گل سرخ منزوع الاقماع سه درم عود قماری و
سنبل الطیب و مصطکی رومی و تسلنجه سعد و زرنباد و اذخر و داد چینی و افسنتین
رومی از هریک یک درم کوفته و بیخته به سنون مقرر اقراص سازند و در سایه
خشک نموده نگاه دارند شربتی یک مثقال قرص ورد دیگر درد معده و جگر و تبهای
بلغمی و یرقان سددی را نافع است و این نسخه نیز از بعض مجربات میرزا محمد باقر
بخطا [illegible]

نجیب منور الله است اخلاط آن گلسرخ منزوع الاقماع ده درم عصاره غافت
پنجدرم افسنتین رومی سه درم مصطکی رومی یکدرم و نیم سنبل الطیب و اسارون شامی
قفاح اذخر انیسون از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بدستور مقرر اقراص سازند هر قرصی
سه درم یکقرص را با این مطبوخ بخورند اخلاط مطبوخ پوست بیخ کبر و بیخ کرفس
و بیخ رازیانه از هر یک ده درم تخم کرفس و تخم رازیانه و نانخواه و انیسون و تخم کشوث
و شکاعی از هر یک پنجدرم در چهار رطل آب بجوشانند تا یک رطل بماند بپالایند
و نگاه دارند و در وقت حاجت در یک اوقیه از این مطبوخ یک اوقیه سکنجبین
ساذج بزوری داخل کرده یکقرص بیاشامند و در شب یکقرص را با دوا بزند
بخورند قرص ورد دیگر منقول از بیاض نجیب منور الله نافع از برای درد معده و جگر
و تبهای مرکب از بلغم و صفرا النسخه آن گلسرخ ده درم سنبل الطیب یکدرم رب السوس
و تخم خیار و تخم کاسنی از هر یک دو درم کوفته و بیخته بدستور مقرر اقراص سازند شربتی
یکمثقال تا سه درم و یکی از متاخرین این قرص را از برای حمی الغبالوس که یکی از
حمیات بلغم است آورده و گفته که چون خورده شود این قرص در حمی الغبالوس
یکمثقال تا یکمثقال قرص طباشیر با آب انار بعد از نضج بلغم به گلقند عسلی ده درم یا ده
درم سکنجبین با آب گرم بزوری یا گلقند با ماء الاصول که بعد از ظهور نضج ماده
حمی به تبرید کند و غاریقون از هر یک نیم درم مدبر دو درم شراب ورد ده درم
و قرص خیار سبز ده درم که حل کرده باشند در آب سه روز بعد از کمال تنقیه دو قرص
از این دستور مذکور باید داد اخلاط قرص طباشیر که این از اصل مستعمل است طباشیر
گلقند ده درم گلسرخ سه درم تخم کاهو مغز تخم خیارین مقشر تخم کدو مقشر از هر یک دو درم

رب السوس یکدرم نشاسته و کثیرا از هر یک نیم درم تخم خیار نیم درم تخم خرفه را در
لعاب بزرقطونا حل کرده صافی نموده اجزا را بان سرشته اقراص سازند صاحب
ذخیره خوارزمشاهی این قرص را در غب غیر خالص ذکر کرده و گفته که هرگاه صفرا و بلغم
در غب غیر خالص زیادتی کرده باشند این قرص نافع است و اجزا این متساوی هر دو
نسخه مسطور است و وزن بر اجزا تفاوت است وزن این نسخه گلسرخ ده درم
اصل السوس پنجدرم سنبل الطیب سه درم تخم کاسنی و تخم خیار از هر یک چهار درم کوفته
و بیخته بسکنجبین مستعمل اقراص سازند قرص ورد که بی بدل بود نافع است از برای
سده‌های کبد و طحال و معده و حمیات سوداوی و بلغمی اخلاط ان گل سرخ ده درم و عصاره غافث
کفقد درم رب السوس پنجدرم قفاح اذخر مکی و سنبل الطیب سلیخه سیاه مصطکی صافی
و زعفران مصطکی رومی از هر یک دو درم مر و زعفران را در شراب انگوری خیسانیده
بمالند و بپالایند و باقی ادویه را کوفته و بیخته بان سرشته اقراص سازند و از خواص
باشند ادویه را آب بسته وزن مجموع عسل مصفی سرشته معجون سازند قرص ورد دیگر
نافع است از برای تبهای گرم مرکب از صفرا و بلغم کهنه شده باشد و از برای درد
معده و کبد و تشنگی و یرقان را سودمند باشد اخلاط ان ورد گل سرخ
ششدرم رب السوس چهار درم سنبل الطیب یکدرم طباشیر کفقد دو درم عصاره
غافث چهار درم کوفته و بیخته بسکنجبین سرشته اقراص سازند شربتی از یکدرم
تا یکمثقال قرص ورد اخلاط ان بنسخه محمود بن الیاس که در حاوی صغیر ذکر کرده
گلسرخ عصاره غافث و طباشیر کفقد و سنبل الطیب هندی و رب السوس
از هر یک یکدرم و در اختیارات بدیعی وزن رب السوس چهار درم است و باقی

موافق نسخهٔ حاوی صغیر است اجزا را کوفته و بیخته بر شنبور منقر اقراص سازند شربتی از
یک درم تا یک مثقال صاحب اختیارات گفته که قوت این قرص تا شش ماه باقی
است قرص افلاطون بنسخهٔ میرزا محمد باقر که در رسالهٔ مجربات خود ذکر کرده
ورق گل سرخ پنج درم طباشیر یک نیم درم و سنبل الطیب از هر یک دو درم عصاره غافث یک درم
کوفته و بیخته بر شنبور منقر اقراص سازند شربتی از یک درم تا یک مثقال قرص که سدّهای
کبد بگشاید و از برای حمیات مرکبه از بلغم و صفرا و غب غیر خالص و شطر الغب نافع است
زمانی که صفرا و بلغم مساوی باشند افلاطون گل سرخ ده درم مصطکی رومی یک درم
سنبل الطیب دو درم تخم کاسنی پنج درم بر شنبور قرص سازند شربتی یک مثقال قرص نافع
از برای درد جگر و درد معده و اورام بلغمی معده و کبد و تب کهنه و جمیع حمیات
بلغمیه افلاطون گل سرخ منزوع الاقماع شش درم اصل السوس و سنبل الطیب
از هر یک چهار درم مصطکی رومی و کبابه از هر یک سه درم کوفته و بیخته بر شنبور
منقر اقراص سازند قرص ورد اطفاء حرارت کند و نافع است
وجع و مقوی معده است و منع ادرار و استفراغ شدید بعد الطعام مجرب و لغویان طعم معده
می‌کند و نافع است از برای حرارت و التهاب رطوبت و انقلاب معده
و از برای تپ‌های بلغمی و تبهای مرکب و التهاب احتراق قرص نحران گل سرخ شش
مثقال اصل السوس چهار مثقال سنبل الطیب دو مثقال کوفته و بیخته به میبختج سرشته
اقراص سازند هر قرصی یک درم شربتی تا دو قرص و در تذکره محمود بن الیاس در حاوی
صغیر از اسقلیبیادس نقل کرده وزن سنبل الطیب یک مثقال است قرص ورد
نافع است از برای حرارت و سددهای جگر و سوء القنیه و استسقا

وتپ بلغمی نافع است و سوء مزاج بارد معده و کبد اخلاط آن گل سرخ منزوع الاقماع

ده درم مصطکی رومی و سنبل الطیب و رازیانه و تخم کرفس کاسنی و عصاره

غافث و افسنتین رومی از هر یک یک درم طباشیر سفید پنج درم کوفته و بیخته به ...

سفرا اقراص سازند شربتی دو درم با آب رازیانه گلقند آفتابی از هر یک ...

و این نسخه مجرب است قرص ورد جالینوس که در منافع مذکوره از برای قرص

ورد نایب مناب است و استسهال بلغم کند و تنهای فرستد ... را

که منبع باشند به غایت سودمند است اخلاط آن نسخه گل سرخ منزوع الاقماع ده درم

افسنتین چهار درم ساذج هندی اسارون افسنتین رومی مغز بادام تلخ از

هر یک سه درم صبر سقوطری چهار درم عصاره غافث سه درم تخم کرفس یک درم

کوفته به آب کرفس سرشته اقراص سازند و با آب رازیانه و سکنجبین بدهند قرص ورد

بزرافیون نافع است از برای حمیات ملتهبه و اورام کبد و یرقان و حمیات

مرکبه از صفرا و بلغم اخلاط آن گل سرخ منزوع الاقماع شش درم سنبل الطیب

و زعفران از هر یک دو درم رب السوس مغز تخم خیار تخم کاسنی پاک کرده سه درم صمغ

عربی و کثیرا از هر یک یک درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی از یک مثقال تا دو

درم قرص ورد کافور حرارت بنشاند و استسهال مراری کند ... تپ حلقه

صفراوی را نافع باشد اخلاط آن گل سرخ منزوع الاقماع بیست درم صمغ عربی

و بزر الحماض و ربیع؟ الخیار از هر یک چهار درم نشاسته سه درم زرشک ...

تخم خرفه مقشر از هر یک دو درم کافور قیصوری دو دانگ کثیرا و زعفران و سنبل الطیب

دو دانگ از هر یک یک درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی یک مثقال و در نسخه ...

الاهم

ابراهیم کرد در منهاج ذکر کرده در شرط الغیث تیج انجبار داخل نیست و هذا ظاهر الغلط زود
درم داخل است و وزن کافور یک دانگ است قرص گل نافع است از برای
ضعف کبد و حمیات مرکب از صفرا و بلغم و این قرص انفع جمیع ادویه است
اخلاطه ورق گل سرخ ده درم طباشیر سفید و عصاره غافث و رب السوس و
سنبل الطیب از هر یک پنج درم زعفران و مصطکی رومی و تخم کاسنی و مغز تخم کدو
و مغز تخم خیارین از هر یک یک مثقال کوفته و بیخته بلعاب اسپغول سرشته اقراص سازند شربتی
دو درم با سکنجبین ساذج یا سکنجبین بزوری یا با آب معتدل یا با جلاب بیاشامند قرص گل
غافثی نافع است از برای حمیات زرد دست معده و کبد و سده ها بگشاید و استسقا
و یرقان را نافع بود و حمیات بلغمی را زمانی که معده لیا غلیظ باشد و [illegible] نهایت
نهایت سود دارد اخلاطه آن گل سرخ و عصاره افسنتین و تفاح اذخر در [illegible]
و قسط و اسارون و مصطکی رومی و زعفران و سنبل و سعد و سنبل الطیب از هر یک
یکدرم راوند و انیسون و تخم کرفس و تخم کشوث از هر یک سه درم عود و ختنک
و فقاح اذخر لوا از هر یک دو درم کوفته بدستور مقرر اقراص سازند شربتی از چهار دانگ
تا یک مثقال با ماء الاصول قرص گل حار که منافع قرص فیل دارد اخلاطه آن گل سرخ ده درم
و عصاره غافث شش درم عصاره افسنتین سه درم مصطکی رومی و اسارون
و سنبل الطیب و عود قماری خام و فقاح اذخر از هر یک یکدرم مجموع را کوفته و
بیخته بدستور مقرر اقراص سازند شربتی دو سه درم با ماء الاصول قرص گل کافوری
مسهل صفرا و مطفی حرارت حمیات اخلاطه آن گل سرخ منزوع الاقماع ده درم
مغز تخم خیار و مغز تخم کدو از هر یک پنج درم رب السوس دو درم سقمونیا مشوی نیم مثقال کافور

قیصوری ربع مثقال کوفته با خرفه تازه اقراص سازند شربتی یکمثقال با مثلث

بدهند در حمیات راو زیانبشان که قرص گل تقویت قلب تقویت فیلتب کند بلغم دفع

نماید نافع است از برای حمی غشیه اقلاطان گل سرخ گاوزبان تخم کاسنی از هر

یک شش درم عصاره غافث یکمثقال ریوند دو درم کوفته و بیخته اقراص سازند

شربتی از یکمثقال تا دو درم قرص گل نافع از برای اورام بارده کبد و معده و حمیات

بلغمی چون استعمال کرده با مطبوخ بعد از تنقیه بلغم اقلاطان ورق گل سرخ پاک کرده

ده درم عصاره غافث سنبل درم عصاره افسنتین سه درم مصطکی رومی یکدرم و نیم

سنبل الطیب اسارون وانیسون وقفاح اذخر از هریک یکدرم کوفته و بیخته بکشیوه هم

مفرکرده اقراص سازند شربتی از دو درم تا سه درم با مطبوخ اصول اقلاطان

پوست بیخ کبر و پوست بیخ کرفس و پوست بیخ بادیان و تخم کرفس و انیسون و ساکاعی

بادآورد از هریک پنج درم نیم کوفته با سه رطل آب بجوشانند چون یک رطل بماند

بپالایند و هر روزه پانزده درم سکنجبین آمیخته با اقراص مذکور بیاشامند قرص دیگر

این قرص را حکیم میرزا محمد باقر حکیم باشی در قرابادین خود ذکر کرده و اخفر از بیاض بخط مغفرانه

نقل کرده نوشته بود که این را بیخ زرنباد باسم قرص ورد ذکر کرده و گفته که بیخ زرنباد

کفته که در دیوان نسخه دیدم این قرص نافع است از برای حمیات مطبقه و

اورام کبد و حمیات مرکبه از صفرا و بلغم و ورم معده و رطوبت و دردان اقلاط

ان ورق گل سرخ ده درم سنبل الطیب و زعفران از هریک و نیم درم ریوند و تخم خیار

مقشر و تخم کاسنی از هریک سه درم صمغ عربی و کثیرا از هریک یکدرم کوفته با آب کاسنی سبز

اقراص سازند شربتی از یکمثقال تا دو درم منقول از خط ذخیره سید اسمعیل قرص الدم

جرجانی نافع از برای درد گرده وصعوبت قرحه گرده ومثانه واز برای حبس البول الدم **نسخه آن**
گل ارمنی وطین مختوم وطین فارسی وصمغ عربی ونشاسته بریان وطباشیر سفید وسماق
منقی زرشک گلسرخ مغز تخم الاقماع وصندل سفید از هریک یک درم ونیم گلنار فارسی
وتخم خرفه مغز بریان واز [illegible] اقاقیا از هریک دو درم کوفته وبیخته اقراص سازند هر قرصی
یک مثقال یک قرص را با آب بارتنگ ورب [illegible] بخورانند ودر نسخه دیگر سفید وزن مجموع ادویه
داخل است **قرص گل** که حکیم در شرح ذکر کرده وگفته که نافع است از برای امراض
کبد ومعده وحمیات بلغمی خالصه وحمیات مرکبه از بلغم واز بلغم سودا وگفته که بارها تجربه
کرده **نسخه آن** ورق گلسرخ شش مثقال گل [illegible] وعصاره غافث [illegible] وفستین
رومی ومصطکی رومی وتخم کاسنی از هریک دو مثقال اسارون وسنبل الطیب واذخر مکی
وافتیمون وراوند چینی وزرشک منقی وطباشیر سفید از هریک یک مثقال کوفته وبیخته
به سکنجبین مفرد اقراص سازند هر قرصی یک مثقال **قرص لک کافوری** نافع است از برای صلابت
طحال ومعده وقتی که با حرارت باشند وصلابت کبد را نافع است **نسخه آن** تخم خرفه مقشر
گلسرخ مغز تخم الاقماع طباشیر سفید مغز تخم خربزه ومغز تخم کدو شیرین ومغز تخم خیارین و
حب القلقل وکزمازج از هریک شش درم لک مغسول راوند چینی از هریک دو درم
کافور قیصوری نیم درم کوفته وبیخته با آب [illegible] اقراص سازند هر قرصی یک مثقال با
سکنجبین بزوری بارد **قرص جند** منقول از نجیب الدین سمرقندی نافع از برای صداع
بارد وشقیقه بارد واز برای درد گوش بارد **نسخه آن** جند بیدستر وفرفیون
وافیون ومیعه سایله وفلفل وبرگ سداب وفودنج وخردل اجزا مساوی کوفته وبیخته
به سکنجبین مفرد اقراص سازند ودر وقت حاجت یک قرص را در روغنی گرم حل [illegible]

حل کرده در کوبند و حکایت کنند از جانبی که رنج است تا میبد کنند سود دهد بیرانی و شقیقه طلا باید بکفند که این دوای مجربست نافع است از برای

نقیضا زعفان اکبر ... (red heading)

اسقاط جنین و او جامع زیاق را از هر رضی که باشد و نافع است نسخه آن افیون

چهار استار و چهار دانگ فرفیون بیست درم اقاقیا پنج استار و دو درم و دو ثلث درمی حماما و مصطکی رومی و زراوند مدحرج و سنادج هندی از هر یک

سه استار و چهار دانگ قسط تلخ و ابریشم خام و تخم کرفس و مقل ازرق و نمور ... حب

بلسان و قصب الذریره و سلیخه سوداء و زرنباد و ... و نانخواه غرلی و قرفه و سنبل هندی

از هر یک دو استار فلفل سیاه و بهمن سرخ و بهمن سفید از هر یک دو استار و چهار دانگ

عاقرقرحا و فقاح و محرق حب و شرع الاصابع و مشکطرامشیع ... کاکنج و دارچینی از هر یک

شش درم فاشرا و ان بزر خشخاش است و فاشرا سیس و ان سپید آن است

و تخم سداب و نانخواه و فقاح اذخر و فقاح کرم و خولنجان و بیخ لفاح از هر یک چهار درم

بزر انیسون سنفیده استار و دو درم ضفع عربی و پوست بیخ کرفس و بیخ سوسن آسمان

گونی از هر یک سه استار و دو درم بزر تفلفل الحمقا ده استار حب الغار و ...

هشت استار کبریت زرد و دو فلفل دراز و زنجبیل و فلفل سفید از هر یک پنج استار میعه سایله

شش استار و دو درم و چهار دانگ کندر زرد کر پنج استار و دو درم و چهار دانگ

...بلوط ... پنج استار و چهار دانگ ... شش استار فانیذ و ...

فرنفل ... سه استار اوفرفیون ... دو استار و دو درم ... از هر یک دو درم

... سفید دو استار و دو درم ... از هر یک دوازده درم ... باید

دو استار و دو درم و چهار دانگ زهره کرک و زهره خرگوش و زهره ... از هر

بلی بلکا

یک بلدرم از این ادویه آنچه کوفتنی است کوفته و بیخته و آنچه حل کردنی است در شراب انگوری بخیسانند و بعد از ان بمالانند و ادویه کوفته را در ان حل کرده مجموع را با سرشته بعسل کفک گرفته سه وزن ادویه و روغن بلسان سه استار و باید که بوده باشند مقدار شراب که مجموع را در ان می خیسانند انمقدار که بگردد بعد از داخل کردن ادویه در ان مانند نعوظ پس مجموع را در دیگ سنگین یا دیگ گلین کرده و پنج جوش داده از اتش فرود آورده سرد کرده در ظرف چینی یا زجاجی کنند و بعد از ان بگیرند کفک را بیاده پر چهار دست بالای ان را محکم به بندند بگذارند در دیگ مسی کرده بر برند بران از مس شامی و ثبت تا نی از برنگ کنی و اب جوش بقدر حاجت و سر دیگ را گرفته اطراف سرا را محکم کنند که در وقت طبخ بخار بیرون نرود در اتش ملایم بپزند تا مهرا شود و بعد از ان از اتش فرود آورده بمالانند و بگیرند جلد و عظم و ثفل از ادویه کنند و مرق انرا بار دیگر پاکیزه کرده با اتش ملایم بجوشانند تا ثلث ان بماند پس داخل کنند در ان عسل مرق و روغن را که باقی مانده است و بپزند تا غلیظ شود و بقوام عسل رسد پس داخل کنند در ان معجون موصوف را و بپزند و سرد کنند و در ظرف ابگینه نگاه دارند و شش ماه نگاه دارند و بعد از شش ماه استعمال نمایند و پس از شش ماه استعمال کنند که میباشد پس از ان سم قاتل است. **قفطار غان اکبر** بنسخه یحیی بن الیاس بن خرله کفته که این دوای بسیار نافع است از برای جمیع امراض بارده و از برای اوجاع زبانی و انقطاع حیض **نسخه ان** افیون بیست چهار درم فربیون شش درم اقاقیا بیست و دو مثقال حماما نوزده درم عفرجان شش درم ابهل جندبیدستر و فاوانیا از هر یکی چهار درم ابریشم مقرض بیست مثقال قند مکرر مثقال ... تخم سداب دانخواه دوقاح

کرفس از هر یک چهار درم غنچه گل سرخ مفرح الافراح و مشک بنفشه و تخم کاکنج از هر یک
شش درم تخم کرفس و مقل ازرق و حب بلسان و قصب الذریره و سلیخه سوداء و زرنباد
و درونج عقربی و سنبل الطیب هندی از هر یک هشت مثقال بزرالبنج سفید پنجاه و چهار درم پوست
بیخ کرفس نوزده درم تخم خرفه مقشر چهل مثقال حب الغار و مقشر سیسی دو مثقال کرنب
زرد هشت مثقال صمغ عربی و میوه ساذج از هر یک نوزده درم جند بیدستر پنجاه و سه
چهار درم دوقو بیست مثقال فرد ما نا بیست چهار مثقال ساذج هندی [illegible]
مثقال قاقله کبار صحیح بالعدد عدد قرنفل ذکر [illegible] مثقال قرنفل انثی ده مثقال
تخم ریحان سیزده درم و ثلث درمی فرفیر ده درم مروارید ناسفته پنجدرم بسبایج
دوازده درم و نیم زوفا و زهره گاو از هر یک دو درم زراوند طویل [illegible] مثقال زنجبیل
و فلفل سفید از هر یک بیست مثقال الحلوط و انی الکمال [illegible] دیوزیدان از هر یک
دوازده درم زهره گرگ و زهره خرس و زهره غراب از هر یک یکدرم ادویه
کوفتنی را کوفته و بیخته صمغها را در شراب چند هفت شبانه روز خیسانیده ادویه
کوفته را داخل آن در دیگ سنگین نموده چند جوش بدهند تا چون لعوق شود از
آتش برگرفته سرد نموده در ظرف چینی نگاه دارند پس مرفه بسوزند و در نسخه شیخ
رئیس داخل کرده معجون سازند نقطاریغان اصغر بنسخه شیخ الرئیس این
معجون نیز از اطبا [illegible] است و در منافع قریب بسبب اتقطاریغان اکبر
است اطلاطان به نسخه شیخ رئیس حب بلسان دو درم زعفران ده درم مشک
بنفشه دو و نیم درم انگ ابیض چهار درم افیون یازده درم کندس دو درم
فلفل سیاه ده درم ابریشم خام مقرض یکدرم بزرالبنج سفید ده درم فربیون نیم درم

حما

حماما و تفاح و پوست لفاح از هر یک دو درم ابهل سلیخه دارشیشعان و بهمن و بیخ کوکس

و عود بلسان و شحم حنظل و زرنباد و زرنجبیل و سکبینج و جاوشیر و دارچینی و جند بیدستر و بزر ار حشنان

و سنبلان و شیطرج هندی از هر یک دو درم قرنفل ساذج هندی و شبه کرکدن و مراره فیل

از هر یک چهار درم ذهب منحول و نقره منحول از هر یک یک دانگ زرنباد و درونج عقربی

و کافور قیصوری از هر یک سه درم و سنبل الطیب شش درم قسط تلخ چهار درم کرویا دو

درم زراوند مدحرج یک درم نانخواه و صعتر فارسی و اصل زنجبیل و حب کر از هر یک

یک درم فانیذ ابیه و شکر و حب النغار و دم الاخوین از هر یک دو درم نمک هندی و اشنان

ذکر از هر یک دو درم ترب زرد هندی یک درم سرطان کابلی و فلفل کفقد از هر یک دو درم خیار شنبر

پاک کرده از قصب و حب و فرولهای و طالیسفر و اصول شیطرانیج و دار زار هر یک درم

آنچه کوفتنی باشد کوفته و بیخته و آنچه خیساندنی باشد در شراب بخیسانید و مجموع را

یکجا کرده بعسل کف گرفته سرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند **نقطاریقان اصغر**

نسخه تجربه ابن العباس صفت آن حب بلسان و کندر و حماما و پوست بیخ لفاح و اشق

و سلیخه سوداء و دلبان ذکر و اصل السوسن خمرا شسته و عود بلسان شحم حنظل و زرنجبیل

و سکبینج و جاوشیر و دارچینی و جند بیدستر و برار جشنان و شسنکالی و شیطرج هندی

و درونج عقربی و قرنفل ذکر و زردچوبه و زراوند مدحرج و فانیذ ابیه و شکر و حب النغار و دم الاخوین

از هر یک دو درم زعفران و فلفل سیاه و بزر البنج سفید از هر یک ده درم فربیون نیم

درم سنبل رومی و قرنفل انثی و ساذج هندی و شبه کرکدن و غاریقون سفید و مراره فیل

و قسط تلخ از هر یک چهار درم ورق طلا و ورق نقره از هر یک یک دانگ زرنباد

و درونج عقربی حبشی و کافور قیصوری از هر یک سه درم سنبل الطیب شش درم زنجبیل

یعنی دو دانگ افیون پانزده درم ابریشم خام مقرض و تخم هندوبای بستانی و کزبره
زرد محرق شنجری از هریک یک اوقیه خیارشنبر از پوست و تخم پاک کرده و تخم
نول و طالیسفر پوست بسفایج دبرنج کابلی و بادرنجبویه و صمغ فارسی و حب کراز
هریک یکدرم کوفته و بیخته مجموع را در شراب کهنه خیسانند مجموع را سه برابر آن
عسل کف گرفته سرشته و در ظرف چینی نگاه دارند و بعد از شش ماه استعمال
نمایند نسخه قمیحه قمیحه منقول از خط محمد باقر نافع از برای نشف رطوبات و تحسین
لون و تقویت معده و هضم طعام اخلاط آن کنه یعنی مصطکی پنجدرم افتیمون ده درم
تخم رازیانه و تخم کرفس از هریک سه درم عود خام چهار درم زعفران یکدرم ماخوذ
و قرنفل از هریک یکدرم شکر طبرزد و پنجدرم کوفته و بیخته شربتی دو مثقال پیش
از طعام و بعد از طعام توان خورد نسخه قمیحه منقول از خط میرزا محمد باقر حکیم عمادالدین
محمود حسینی شیرازی که در بیاض مجربات خود نقل نموده نافع از برای تقویت معده
و هضم طعام و از برای نشف رطوبات و تحسین لون اخلاط آن کیه یعنی مصطکی
پنجدرم افتیمون نه درم تخم رازیانه و تخم کرفس از هریک سه درم عود قماری خام چهار درم
زعفران یکدرم عود و قرنفل از هریک شکر طبرزد سی و پنجدرم کوفته و بیخته شربتی دو
مثقال پیش از طعام و بعد از طعام توان خورد قمیحه دیگر از نظر نجان مرحوم که بسیار منافع
دارد نسخه آن ریوند چینی چهار مثقال هلیله پنج مثقال قرنفل نیم مثقال پوست بیرون
پسته دو مثقال عود قماری خام مصطکی گشنیز خشک از هریک یکمثقال همه را کوفته
و بیخته سفوف سازند شربتی یکمثقال باب ذرور و طیبها بدانکه در دستور عمل
قیروطی آنست که بازای هر ده درهم روغن از روغنی که مطلوب باشد دو درم
تا دو درم

تا دو درهم و نیم موم بگیرند پس بگدازند موم را در روغن و دردی که از آن انداخته برین
هر دو عصارات با ما الحبوبات آنچه مقصود باشد اندک اندک انداخته و بدسته
بر هم زنند و بکنند تا بگردد مثل لخلخه قیروطی که اورام معده و جگر که بسبب از حرارت
باشند نافع است اخلاط ان صندل سفید و ورق گل سرخ از هر یک چهار درم
اکلیل الملک چهار درم زعفران دو درم کافور قیصوری نیم درم موم سفید ده درم روغن گل سرخ
نیم رطل اجزا را سوای کافور و زعفران در آب بجوشانند و بالایند و موم را با روغن
گداخته پس آب مطبوخ را اندک اندک بر آن بپاشند و بر هم زنند تا یکدیگر
شود بعد از آن مطبوخ بکنند پس در آخر زعفران و کافور سوده را داخل کرده بکوبند بر هم زنند
تا چون لخلخه شود و در شیشه نگاه داشته بکار برند قیروطی دیگر که ملین طبیعت نماید
اخلاط ان موم زرد دو مثقال و ده مثقال روغن حب الخروع گداخته پس بگیرند
عصاره قثاء الحمار و سرشیر اندک اندک در آن داخل کرده در هاون بدسته بر هم زنند
انقدر که دیگر برنداشت بشرب از عصاره و سرشیر نداشته باشد پس تخم حنظل
سوده در آن داخل کرده قدری زهره گاو اضافه نموده بر هم زنند تا چون مرهم شود
بر ناف و شکم بمالند که موجب بلینت میشود قیروطی که اصلاح بوست زاج بران
نماید اخلاط ان روغن گل سرخ و پیه بط و روغن دنبه تازه و زفت رومی و افیون
و زعفران از مجموع سفید قیروطی مرتب نمایند حرف الکاف کاکنج این معجون از
اطبا فارس است از شیخ رئیس گفته که این معجون بزرگ است منافع از برای امراض
اطفال و صبیان عظیم است مثل صرع و لقوه و کزاز و فولنج البنات و بسیار منفعت است
از برای ارحام زنان بمعدل زیاده آمدن حیض است و ریاح رحم را ساکن گرداند

اخلاط ان

بنسخهٔ شیخ رئیس حفظ افزاید و بیخ سروج و سلیخهٔ سیاه و تخم حرمل و رازیانه
و حب بلسان و زراوند طویل و زراوند مدحرج مشک طرامشیع و جندبیدستر از هر یک چهار
درم عسل چهار ده درم و در نسخهٔ دیگر عسل لوا چهار درم افیون و قسط تلخ و جوز بوا و پوست
بلیله زرد از هر یک دوازده درم وج ترکی هشت درم فلفل بیست چهار درم قرفه
و معجون کسرها و درونج زرد و بزر انیسون از هر یک ده درم سکنجبین ده درم و مر و دارچینی زعفران
از هر یک شش درم با غیث داسیابه و سعد کوفی و زعفران از هر یک ده درم مغات بغدادی
پانزده درم مورد اسفرم و برگ مورد و جوز السرو و جوز الابل از هر یک سه درم کوفته و بیخته
بعسل سه وزن از عوره سرشته در ظرف چینی نگاه دارند و در وقت حاجت بکار برند
و قوتش تا پنج سال باقیست و در نسخهٔ دیگر مسطور است که دواهای خشک را کوفته و بیخته و آنچه
نتوان کوفت در میفختج خیسانیده و همه را با انگبین بقدر حاجت سرشته بعد از شش ماه
از یک درم تا دو مثقال و اجزای این نسخه سی و چهار جزو است سوای معجون کسرها
و عسل و میفختج و وزن ادویه بیست و پنج درم و مزاجش گرم است و در آخر درجه اول
و خشک است در درجه سوم معجون کرنا منفعتش در کاسکنج اخلاط ان قصب الذریره
و اظفار الطیب و کندر از هر یک چهار درم انیسون و قرفه و زعفران از هر یک یک درم تمر هندی
چهار درم مشک تبتی و عود هندی از هر یک پنج درم کوفته و بیخته بشراب ریحانی
کهنه سرشته بگذارند تا خمیر شود پس استعمال نمایند و بعضی در این نسخه بدل شراب
ریحانی ماء العسل آورده و این سیزده جزو است و وزن جمیع نیست درم است و مزاج
آن گرم است در آخر درجه دوم و خشک است در وسط درجه دوم کاسکنج
بنسخهٔ سید اسمعیل گرد ذریره آورده سلیخهٔ سیاه دارد حفظ افزاید و اصل بروج و رازیانه
و حب بلسان

حب بلسان و زر راوند طویل و زراوند مدحرج و مشک خالص و عنبر اشهب از هر یک چهار درم
ابهل لوا چهار درم تخم نرا... سفید و ابهل و تخم السرو از هر یک چهار درم افتیمون قسط و
جوز بوا و بلیله زرد و ... از هر یک ... ده درم قرنفل بسباسه چهار درم قرفه و معجون کبربا
و زرنباد ... و تخم سوسن از هر یک دو درم وج ترکی ... درم سکنجبین و ... عنبر ...
سنبل از هر یک ... درم ... بسباسه چهار درم ... سعد کوفی و دار مشک و زعفران
از هر یک ده درم ... پانزده درم ... استقرم چهار درم ادویه خشک را کوفته و بیخته
انجیره را ... در ... حل کرده و مجموع را بعسل مصفی بسرشته و بعد از شش ماه
استعمال نمایند شربتی از یک درم تا دو مثقال صفت ذنانه نسخه سید اسمعیل گرگانی ذخیره
قصب الذریره و اظفار الطیب و کندر و ... سنبل ... و سعد کوفی از هر یک چهار درم اسنه
و قرفه و قرنفل و زعفران از هر یک دو درم مشک ... و عود قماری خام از هر یک نیم درم
ادویه را کوفته و بیخته ... در شراب انگوری حل کرده ادویه را بان بسرشند و از و اقراص
ساخته در سایه خشک نمایند و نگاه دارند و در وقت حاجت بکار برند کحل لولوی
حضرت سید سند قدوة الحکماء و استاد الاطباء میر محمد هادی قدس سره والد ماجد
مالف ... مروارید ناسفته یاقوت رمانی از هر یک ... مثقال یاقوت
زرد ... شاذنج مغسول لوبیا ... در آب غوره پرورده اقاقیا حضض ... و
حضض هندی ... پوست بلیله زرد ... سفید ... کرده بکوب ...
بسیار ... نموده ... که ... ان ... کرده
... بکوب ... پوست ان ... کرده ... نموده ...
از هر یک چهار مثقال ... صمغ عربی ... کثیرا ...

ورق طلا را محلول غیر مشتهب برده نیشابوری از هر یک یک مثقال یاقوت زرد چهار
مثقال نشا گشته دو مثقال اثمد در جمله شش مثقال وزن برابر ثلث است که از آن زبره کرده
در پیه کرده بر پیچیده با آتش ملایم بسوزانند چنانکه نیم سوخته و بعد احتراق اثمد رسد چه
اگر اثمد نرسد چه اگر اثمد سوخته شود روشنی را باطل میگردد از آن را در صره کتان کرده پس روز
و افلتس یکهفته در کحال ظاهر ایام ذخیره بر قسمت از سنج گذارند و اگر بجای پیه زهره جربی
دنبه گوسفند باشد بهتر است پس از آن از کحال بر آورده مدتی بگلاب بر جری
سنگ سماق بسایند تا چون هبا گردد جواهر را نیز سائیده بحریر بیخته بر سنگ سماق
انداخته بگلاب بسایند تا چون هبا گردند پس ورق طلا را حل کرده در نبات نعوت
پس باقی اجزا را کوفته بحریر صفیق بیخته همه را یکجا کرده بر سنگ سماق انداخته بگلاب
بسایند که اجزا نیکو مخلوط شوند و قوت اجزا السبب گرمی بسحق زایل گردد پس ربع
مجموع دوده که ذکر میشود داخل کرده چندان بسایند که دوده با اجزا نیکو مخلوط گردد پس بچشم
کشند کحل الجواهر که درین کحل الجواهر داخل میشود اینست چنانچه بیان اینها کافوری روغن
زیتون روغن بلسان روغن بزرکتان را نسج نشاره آبنوس صندل سفید برگ مورد
و لبان جوز نسج را ... روغنها حل کرده در آتش ملایم بجوشانند پس بگیرند پارچه
کتانی که باب رازیانه تازه و آب برگ مورد و گلابی که در آن پوست بلیله
جوشانیده باشند و آب انار ترش و آب سماق و لیمو تازه یکبار تر کرده
خشک کرده باشند فتیلها ساخته در چراغ گذارند و ظرفی موم روغن بر روی آنها
کرده بسوزانند و چون روغن کم شود باز از آن موم روغن بر روی آن کرده دوده را
بگیرند چهار شوری که اندوه برای اجداد خاق روغن ها و گند ذکر شد کحل الجواهر نسخه دیگر

یاقوت

یاقوت رمانی یاقوت زرد مروارید ناسفته بسد ابریشم محرق کهربا درونج هندی زرنباد
کرمانی قرنفل زبد البحر از هر یکده مثقال مامیران چینی دارچینی فلفل قلمیاد نصبی از هر یک
پانزده مثقال زرنباد اخضر هندی بیست مثقال جوارش با گلاب رب سماق صندل کرده باقی
ادویه را کوفته و بیخته همه را یکجا کرده با عسل مخلوط نموده نگاه دارند کحل الجواهر لولوی به نسخه
عمده الاطبا میرزا محمد رضا جهان مولف اصلاحات مروارید ناسفته دو مثقال لعل بدخشی
فیروزه نیشابوری شادنج مغسول و مرقشیثا سفیدآب قلعی مغسول نشاسته از هر یک
یکدرم طباشیر سفید دهنه فرنگ از هر یک نیم مثقال بسد محرق مغسول یکدرم و نیم اقاقیا حضض
هندی انزروت از هر یک نیم درم انزروت پرورده سه درم و نیم توتیا هندی از هر یک دو درم کافور قیصوری
یک دانگ سرمه اصفهانی مدبر بآب غوره ده مثقال به دستور مقرر کحل ساخته در سرمه دان چینی
نگاه دارند و بچشم کشند به نسخه مکرر که سید اسمعیل که در ذخیره ذکر کرده قصب الذریره و
اظفار الطیب کندر و سنبل سعد کوفی از هر یک چهار درم اشنه قرنفل
زعفران از هر یک دو درم مشک تبتی و عود قماری خام از هر یک نیم درم ادویه را کوفته
و بیخته مویز در شراب انگوری حل کرده ادویه را بآن بسرشند و اقراص ساخته
در سایه خشک نمایند و نگاه دارند و در وقت حاجت بسوزند لخلخه الشعیر
فواید بسیار دارد و در ذخیره در اسهال کبدی ذکر کرده اصلاحات بگیرند یک رطل جو مقشر
و با بیست رطل آب بپزند تا بقدر سه رطل آب بماند پس از آتش فرو گیرند و اگر
دانند که هضم میکنند یک رطل جاورس مقشر اضافه نمایند و باز ده رطل آب نیز زیاده
کنند و اگر هاضمه بسیار ضعیف باشد تلطیف کرده بنوشند کباب الحبی از اقراباذین
حضرت علامی ... والد ماجد مولف قدس سره العزیز اصلاحات چوب چینی

چهار ده مثقال آرد گندم و آرد نخود از هر یک سه مثقال کشنیز خشک مغز تخم خرفه مغز تخم
خشخاش تخم کاهو از هر یک اوقیه مجموع را سوای حب صینی کوفته بیخته بروغن ربان کرده
شربت بنفشه پنج مثقال و شربت اسطوخودوس ده مثقال شیره زنجبیل مربا ده مثقال نبات
سفید بقدر ضرورت بعرق بید مشک و عرق گاوزبان حل کرده داخل نموده باتش ملایم بپزند
تا چون حریره شود حب صینی را با دارچینی و عود الصلیب و دانه هیل بوا از هر یک یک مثقال
زعفران یک دانگ کوفته و بیخته داخل کرده شربتی را اگر بدین نحوی که بخار ان بیرون نرود
پس فرو دآورده زمانی صبر کنند که حدت حرارت ان شکسته شود پس
مریض پروای بر سر گرفته دیگ را در زیر زده بر کرده سر دیگ را با سنا بپوشند و
صبر نمایند تا عرق آید پس ردا از خود دور کند زمانی صبر کنند تا عرق خشک
شود پس ان اب را در شیشه ها کرده در عرض سه روز هر روز یک کاسه را صبح و یکی شام
بخورد و ان ترات بارده در دماغ برد و ضعف دماغ و رطوبت ازا نافع
است **بلیلانج** معرب از لغت هندیست که بلیلانه باشد یک از دوا و معنی ان
فلفلی است و بعضی گفته اند که معرب بلیلانه است بتفتیح کرده تاویل لغت هندی
بمعنی میوه است و بلیلا بمعنی مرکب از میوه هاست **اطلادان** نسخه شیخ رئیس گفته
که معجون از ترکیب اطبای هند است کثیر النفع از برای استرخای معده و برودت ان
و ضعف معده از برودت و رطوبت و از برای سعفه بلغمی و بهقهای کهنه
و غیره و حبس بول و عسر البول و بهق و برص و مرض سهو و ضیق النفس و از برای
اصحاب سل هرگاه نموده باشد حمی و از برای کسر عظام و کسی که بدن او سرد شده
باشد و از برای لواسیر و اصحاب اورام طحال و قبض نموده باشد با ان سبب

وازان

و از برای دبیله و قولنج و اقسام استسقا و نیز برای زنانی که در ایام حمل مرض کنند
و از برای اختناق رحم و صرع و ریاح حادث در مفاصل و نقرس و درد زانو و درد عضل
اخلاط آن بلیله سیاه پوست بلیله آمله منقی و فلفل و زنجبیل و سطرج هندی و فلفلمویه
و نمک هندی سیاه و نمک سرخ نفطی و نمک زرد و نمک طعام و نمک دریای و لسان العصافیر
و سعد هندی و بلیل و نانخواه و دار فلفل و کابلی منقی و ضفر فارسی و گشنیز و حب الرشاد و زیره کرمانی
و ساذج هندی و تخم کرفس و گشنیز خشک از هر یک چهار درم و گفته که یافته ام در نسخه دیگر این
معجون این ادویه را اسفیقل و آن خشقیقل است و اطموط و آن کشته کشنت
است از هر یک چهار درم خیار شنبر هشت درم و نیم تربد رطل و چهار استار مویز دانه بیرون
آورده یکصد مثقال آمله منقی و دویست مثقال فانید شش رطل و نیم و روغن کنجد سه رطل
و در نسخه دیگر روغن کنجد یک رطل است ادویه را کوفته و بیخته مویز را علیحده در آب بخیسانند
بپالایند و خیار شنبر در آن بخیسانند و آمله را نیم کوفته در بیست و دو رطل آب یک شبانه روز
بخیسانند پس بجوشانند تا هشت رطل باقی بماند و بپالایند و مرتبه دوم پالوده را
در دیگ کرده و خیار شنبر خیسانیده را در آب مویز بمالند و بپالایند نیکو و بپالایند و
فانید را در آن حل کنند و بآتش ملایم بپزند تا فانید حل شود و مکرر در آن آب
بقوام عسل و بعد از آن روغن کنجد را در آن اندازند و حرکت دهند تا مخلوط شود
و روغن با آب بچسبد پس و چون بسیار از آتش فرود آورند ادویه را الو
بآن بسرشتند و استعمال نمایند شربتی از سه مثقال تا چهار مثقال بحسب ترکیب بقدر قوت
و سن الشخص و حسب مزاج الطبایع این نسخه را اندک تفاوتی ذکر کرده بعینه بجای
بلیله سیاه و بلیله کابلی و بجای آمله منقی و بجای قرنفل آورده و وزن بلیله

بلیله و امله را از یک هفت درم آورده و وزن باقی ادویه را با کشنیز خشک از یک پنج درم
و خشخاش و فلفل و قطر را ابنا آورده و وزن زبد را یکصد و نیم و وزن فلوس خیار شنبر را ده
درم و وزن موبز را نیم من آورده است و بجای امله که در اجزا است شیر امله را آورده و وزن
آن را یکمن ذکر کرده و گفته که شیر امله و موبز منقی را در ده من آب بریزند و ثلث آن
بماند پس بپالایند و خیار شنبر را در آن حل کنند و سه من و نیم شکر فانید چند در آن جوب
بگدازند و با آتش ملایم بجوشانند و نیم من روغن کنجد تازه با آن بیامیزند و بجوشانند دیگر بار
تا قوام گیرد پس ادویه را با آن بسرشند شربتی چهار درم و گفته که این ترکیب سی درم است
بعد فانید و روغن کنجد و مزاجش گرم است در آخر درجه اول و خشک است در آخر ربع
درجه اول و نسخه شفائی مساوی است با نسخه میزان الطبایع الا آنکه بلیله سیاه و فرفیون
را بجای دانسته توزن پنج پنج درم و بجای بسعد و فلفل و بجای صعتر فارسی صمغ الطم
آورده و گفته که موبز و شیر امله را در شش من آب بریزند تا بدو من رسد و وزن فانید
به سه من و نیم ذکر کرده و گفته که شربتی پنج درم است با شیر خشت یا با آب عنب الثعلب
و صاحب ذخیره این کلکلانج را با سیم کلکلانج مزوری ذکر کرده با عصا و گفته دانسته که این
ترکیب از اطبای مزور است یا باعتبار آنکه مرد این نسخه را از هندی ترجمه کرده اند در کتب
خود ذکر کرده اند و نسخه آن با نسخه میزان الطبایع مساوی است الا آنکه وزن خیار شنبر را شصت
درم است و وزن آبی که موبز و شیر امله را بجوشانند دوازده من و وزن روغن
کنجد سه من و زرنباد و فرفیون و فلفل داخل ندارد **اطریفل کنجد دیگر** بلیله سیاه پوست
بلیله و امله منقی از هر یک هفت درم فلفل و دار فلفل و فلفل مویه و زنجبیل و نمک سیاه
و نمک سنگ و نمک ... و نمک طبرزد و زبد القوارير و بستان العصافير و ... تلج
بلادی

هندی و جرلواذ و قرنفل و صعوفارسی در یک کیلی با لعقر و بنو نزر و حب الزلم کمون کرمانی
و ساذج هندی و تخم کرفس از یک پنجدرم زید کنفند مقشر روغن بادام شیرین بار و عسل
داخل کرده بقوام اورند باقی ادویه کوفته و بیخته با آن معجون سازند بر شکر شربتی پنج
درم با آب گرم با ماء الرحبت النعنع و آنچه مناسب باشد و تا ده درم جایز بود **مطبوخ**
نافع است از برای بوقت استسقا و اوجاع کبد و طحال و سده و اوداملیل و حمی لیست
در منافع مذکوره **اخلاط آن** بر نسخه شیخ رئیس پوست هلیله زرد بیست درم بلیله سیاه
پوست بلیله از هر یک پانزده درم املج منقی شش رطل تمر رانی پنجاه درم مویز برانجشنه
بیرون کرده یکرطل ادویه را منقع نموده شش رطل آب بر روی آنها کرده بجوشانند تا آنکه
ابشنت رطل آب باقی بماند پس ادویه آنکو بمالند و صاف کنند و بالا بند و بگیرند مغز فلوس
خیارشنبر که اشسته از او دور کرده باشند یکرطل و در آن آب مصفی داخل کرده بجوشانند
و بمالند تا آنکه بکوهضت کنند و بیالایند پس با ازغربال موی پس بگیرند پس داخل
کنند در آن سه روغن کنجد تازه یکرطل و در نسخه صاحب میزان الطبایع وزن روغن کنجد ثلث
اسفار است و صاف کنند و بر هم زنند تا مخلوط شکر شود و در هم شده بگوید دو جوش
دیگر داده از آتش فرود آورده بگیرند لک مغسول و کبابه الطیب و فو و فلنج
مقروع الاحماح و قسط اسطالبون و فوفو زنوند چینی از یک بندی و ترنج اسمالکولی
و نخار البقولی کفید هیش از یک شش درم کما دریوس و سنبل الطیب و زراوند طویل
واسارون و مصطکی و عود بلسان و حنظل از یک کابلی و بلیله سود از هر یک چهار درم
عصاره غافث افسنتین و کعد هندی و نقاح اذخر از یک پنجدرم تخم کشوث در پرسیوش
و اصل السوس و سقمونیا از یک ده درم تخم کرفس و قسط و جوز زیتی و کلراز باز و انیسون

تا آنکه بیشتر...رطل ... در ان داخل کرده ... از ... الحنظل ... را شیر تا آب بیرون آید
...دو اعتمال ... ...

از هر یک سه درم زیره سفید یکصد و پنجاه درم زیره کرمانی چهار درم مجموعه را کوفته و بیخته پس بگیرند
برگ مازریون بیست درم و داخل کنند در آن یک رطل آب و سه درم ... روغن کنجد و بادام
بادام شیرین و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند بپالایند و ادویه را با آن چرب کنند و در
آفتاب مطبوخ مذکور مخلوط سازند خلط معتدل گردد و در ظرف چینی نگاه دارند شربتی چهار درم با آب
کشنیز یا ماء الجبن یا با آب عنب الثعلب و بعضی گفته اند شربتی از چهار درم است تا پنج درم و این
و این نسخه جالینوس است جزو است بغیر فاینده و روغن و وزن ادویه یکهزار و نود و پنج درم است
و مزاج جنس گرم است و در آخر درجه اول و یک درجه و ربع درم و در نسخه ذخیره بجای کمادریوس
کمافیطوس است و این نسخه اصح از نسخه ذخیره است حلقلانج دیگر از ثابت بن
قره نسخه آن مازریون مدبر و غاریقون سفید و تربد سفید مدبر و پوست بلیله زرد از هر یک
پنج درم عصاره افسنتین سه درم غنچه گلسرخ منزوع الاقماع و تخم خیار مقشر تخم کاسنی از هر یک دو
درم رب السوس یک درم ترنجبین ده درم ادویه را کوفته و بیخته ترنجبین بقوام آورده بسرشند
شربتی سه درم حلقلانج نافع از برای استسقاء زقی حار و اوجاع کبد و معده و دماغ حمل
اخلاط آن نسخه ثابت ابن قره و ظاهرا اینست که بالیف آن نیز باشد غنچه
گلسرخ منزوع الاقماع و تخم کاسنی و تخم خیارین مقشر از هر یک دو درم رب السوس یکدرم مازریون
مدبر و غاریقون سفید و تربد سفید مدبر و پوست بلیله زرد و از هر یک پنج درم عصاره افسنتین
سه درم ترنجبین یکصد و ده درم ادویه را کوفته و بیخته ترنجبین را در آب چهل درم
بجوشانند و بپالایند و باز بجوشانند تا بقوام آید ادویه با آن بسرشند حلقلانج به نسخه
سعد اسمعیل که در ذخیره در استسقاء زقی بکار برند برگ مازریون که نیم کوفته در سرکه خیسانیده
و خشک کرده باشند و پوست بلیله زرد و غاریقون سفید از هر یک پنج درم

عصاره

عصاره افسنتین سه درم ابرسا وگل سرخ و تخم کاسنی مغز تخم خیارین هر دو رب السوس از هر یک ده

درم کوفته و بیخته ترنجبین منقی و فلوس خیارشنبر و فانید از هر یک پانزده درم سه رطل با

آب گداخته بقوام آورند و ادویه را بان بسرشند شربتی از دو درم تا چهار درم

کلکلانج ماذریون برگ ماذریون مدبر و غاریقون ابیض تربد سفید و پوست هلیله زرد

از هر یک پنج درم غنچه گل سرخ منزوع الاقماع و تخم کاسنی و تخم خیارین مقشر و عصاره

افسنتین از هر یک دو درم ترنجبین خراسانی و مغز فلوس خیارشنبر از هر یک شصت درم

این هر دو را در آب تحلیل کنند و بمالند و بپالایند و بقوام آورده باقی ادویه را کوفته و

بیخته بان معجون سازند شربتی از دو درم تا چهار درم با شیر خشت یا با خربزه دیگر مناسب

و با سه درم میتوان خورد **کلکلانج** نافع از برای امراضی که نافع است از برای

آنها کلکلانج بارد و مستعمل است در ان امراض و فیضی کم بوده باشند بسبب ربوبت

اصلاح آن ورق ماذریون مدبر و غاریقون ابیض تربد سفید و پوست هلیله زرد و سکنجبین

از هر یک پنج درم ابرسا سه درم ربوند چینی و عصاره غافث و افتیمون و سنبل الطیب

از هر یک پنج درم کوفته و بیخته با سه چندان عسل مصفی معجون سازند شربتی از سه درم تا چهار

درم با شیر خشت یا عرق آن از اثر مناسبه تا شش درم از آن میتوان خورد **کلکلانج**

ماذریون ابیض منقول از قرابادین قلانسی که نسخه ثابت بن قره **اصلاح آن** ورق

ماذریون که یکهفته در سرکه انگوری خیسانیده خشک کرده باشند و پوست هلیله زرد

و غاریقون ابیض تربد سفید از هر یک پنج درم عصاره افسنتین سه درم ابرسا و گل سرخ

منزوع الاقماع و مغز تخم خیارین و تخم کاسنی و رب السوس از هر یک دو درم ترنجبین

منقی و فلوس خیارشنبر و فانید از هر یک پانزده درم ترنجبین خیارشنبر و فانید را

با آب حل کرده بمالند و تربد تا غلیظ شود و باقی ادویه خشک را کوفته و بیخته با آن جمع
نمایند و معجون سازند شربتی از دو درم تا سه درم و این نسخه دوازده جزو است باقی الند
دوزن ادویه با قانید بعضا دو چند ادویه است و مزاجش چنانکه ثابت بن قره اشاره نموده
معتدل است در حرارت و برودت و خشک است در درجه دوم کلکلانج مازریون
مغلی نسخه دیگر اطریفل تربد سفید مدبر و پوست بلیله کابلی و مازریون مدبر و عصاره
افسنتین و زراوند چینی و غاریقون و سنبل سفید از هر یک پنج درم مغز تخم خیارین و تخم کاسنی
و کلکلانج و ابرسا و درونج انیسون از هر یک ده درم زنجبیل و نمک سفید و فلوس خیار شنبر از
هر یک پنجاه درم روغن بادام شیرین دوازده درم تربد و بلیله را کوفته و بیخته بروغن بادام
شیرین دوازده درم تربد و بلیله را کوفته و بیخته بروغن بادام چرب نموده با شکر و مغز معجون سازند
شربتی سه مثقال با شیر شتر یا عرق آن از انیسون و یا پنج مثقال جایز بود اطریفل بر
نسخه دیگر محمد بن زکریا کلکلانج مازریون مغلی مازریون مدبر و تربد سفید و پوست بلیله زرد
از هر یک پنج درم عصاره افسنتین سه درم کلکلانج تخم کاسنی از هر یک دو درم انیسون
دو درم بارزد حلبی منقی و فلوس خیار شنبر مغز معجون سازند شربتی یک درم تا هفت درم با طبیخ هلیله
زرد کلکلین مسهل که امراض بلغمی و امراض سوداوی که حادث شود از سودای محترق
یا از بلغم باشد نافع است اطریفل ورق کلکلانج یکمن عسل مصفی دو من اسفاناخ
فستقی دوازده درم تربد سفید پانزده درم زنجبیل دو درم ورق کلکلانج را در عسل بمالند
و باقی ادویه را کوفته و بیخته با آن سرشند و چهار روز در آفتاب گذارند و پس استعمال
نمایند و اگر این کلکلین ساخته نباشد کلکلین ساده باشد ده درم از آن اسفناخ
فستقی پنج درم تربد سفید چهار دانگ و زنجبیل نیم دانگ داخل کرده بخورند و شربتی

از کلکلین

ص از کبابه از دو درم تا دوازده درم آب سیب الا آنکه این مسهل بلغم است شربت ما بعد برگ لوف و طوطی
و طوطی نه ادویه است و سقمونیا یک حبه که زمهره زمه ربع درم است و گفته اند که ربع مثقال بست
پس سقمونیا را در شیر حل کرده بضعف آنرا با تمامند پس شیر تیپی که اسهال صفراوی کند و اگر بجای
سقمونیا مغز تخم قرطم در آن شیر داخل کرده اسهال خلط بلغمی بکنند و شربت شیر او اگر مخلوط
نمایند بشیر بسفایج با افتیمون پس ستی که این هر دو موجب سیلان شیر او آن شیر بیشتر
منحصر میگردد و بر سامند و طعم این هر دو تخفیف کند ما بنده طبیب ملحان بابن جبله در حق کسی که
شیر بسد از استفراغ دسل طبیع او اضطراب ادویه مسهله را نشسته باشند لطوخ که چون
بر معده لطوخ نمایند ملین بطن کند اخلاط ان بوره ارمنی در دهن منفح بحرکت در زهره گاو خشک
کرده اجزا مساوی بعسل سرشته بر معده لطوخ نمایند لطوخ که چون بر معده بمالند فی آورده
و چون بر ناف بمالند اسهال کند اخلاط بر نیح کابلی قشر عصاره قثاء الحمار از هر یک
سه درم مر دو سنگ خربق سفید از هر یک چهار درم زهره بزنجد درم عکر نیب
ده مثقال موم زرد پنج درم موم را در ... گداخته باقی ادویه را کوفته و بیخته با آن
بسرشته چنانکه در سرشته لطوخ نمایند لعوق البنفسج امراض بلغمی سینه و ریه را نافع ص
است و سرفه بلغمی و ربو و ضیق النفس را سود دارد و سینه را از اخلاط فاسده پاک
بسازد اخلاط ان نسخه سپید اسفیقل بر دارند و خرده کرده در سقیل ... سود و هر صبح بقدر بخورند
ایضا انوع از اول اخلاط ان بنفشه مشوی خشک کرده سه درم ابریشم دو درم ...
ده خشک از هر یک یک درم کوفته و بیخته بعسل مصفی سرشته لعوق بسازند و ... درم
از او هر صبح لعوق نمایند لعوق ابرسا مثل لعوق بنفشه ... است در منافع
اخلاط ان ابرسا نیم کوفته و بیخته وزن فا خشک از هر یک بیست درم ... رطل

آب بجوشانند چون یک رطل آب بماند صافی نموده با یک رطل قند بقوام آورند هر صبح ده درم

و شام ده درم لعق نمایند لعوق نفث الدم را نافع و لعاب بهدانه و چیزها را با صلاح آورده

و اسهال را سود دارد اقراص آب برگ خرفه بزرقطونا آب برگ لسان الحمل از هر یک

بیست درم مغز تخم خیار مغز تخم کدو ترش از هر یک ده درم طباشیر تخم خرفه مقشر از هر

یک ده درم نبات [illegible] درم [illegible] ترکیب نمایند [illegible] یک مثقال [illegible]

این لعق نمایند لعوق الفصل [illegible] سینه را از [illegible] پاک کند و سینه را نافع باشد اقراص

آن [illegible] بیارند [illegible] آب انار [illegible] رطل عسل مصفی داخل کرده بزنند

تا بقوام عسل بیاید در ظرف چینی نگاه دارند هر شبی یک اوقیه لعوق الفصل

به نسخه دیگر [illegible] از اول اقراص [illegible] بیارند یک جزو [illegible] دو جزو

جزو [illegible] یک جزو [illegible] ده جزو [illegible] یک اوقیه صبح و یک اوقیه شام

لعق نمایند نافع باشد لعوق زنجبیل [illegible] را [illegible] اضافه کنند

سده بگشاید سینه را از ریح و غلیظ پاک سازد اقراص تخم کتان بریان

کرده [illegible] از دانه [illegible] مغز [illegible] مغز بادام [illegible] بادام تلخ از هر یک

شش اوقیه و در نسخه دیگر از هر یک شش درم است مغز فندق بریان کرده علک البطم و

اصل السوس [illegible] از هر یک سه اوقیه فلفل [illegible] دارد [illegible] نخود و

[illegible] وزنا [illegible] حرف بابلی [illegible] از هر یک

یک اوقیه [illegible] زعفران از هر یک نیم اوقیه [illegible] اقراص

بسازند و در سایه خشک نمایند و هر روز صبح یک قرص و شام یک قرص [illegible]

[illegible] عسل [illegible] لعق نمایند لعوق [illegible] و اعراض حاره صدر و [illegible]

باید

نافع بود اخلاط‌دان بنفشه خشک ده درم فلوس خیار شنبر پنجاه درم مویز بر دانه بیرون کرده بیست
درم عناب ده دانه سپستان سی دانه جوشانیده بپالایند پس شکر طبرزد نیم من
اضافه کنند و در هفت آثار روغن بادام شیرین داخل کرده بجوشانند تا بقوام آید بس
هفت آثار گل بنفشه خشک داخل کرده بجوشانند تا بقوام آید پس هفت آثار گل
بنفشه خشک داخل کنند شربتی از پنج درم تا یک اوقیه بخورند طبع را نرم دارد لعوق ثوم
سرفه بلغمی را نافع بود ثوم باقی مقشر پاک کرده است دو باره از آب بپزند و هر روز یک هیچ داده
اخلاط‌دان بگیرند سیر پاک کرده و در نیم من روغن گاو بریزند تا مهرا شود تا یک من عسل
مصفی بقوام آورند شربتی از پنج درم لعق نمایند لعوق حب الصنوبر ضیق النفس سوداوی
و بلغمی و سرفه سوداوی و بلغمی و سایر امراض بارده سوداویه و بلغمیه صدر و ریه را نافع
باشد و سینه و ریه را از اخلاط غلیظ لزجه پاک گرداند اخلاط‌دان مغز جلغوزه
و مغز بادام شیرین مقشر و مغز پسته مقشر و انجیر زرد و خشک و زوفا خشک اجزا مساوی
کوفته و بیخته بگلاب کرامیل السوس در جعده و گاوزبان دو روان بخته باشند جا میزنند و بر آورده
دوا از ده درم از آن لعق نمایند لعوق حب صنوبر که همین منافع دارد اخلاط‌دان لب حب
صنوبر و صمغ عربی و رب السوس و کثیرا و بذر کتان بریان کرده اجزا مساوی کوفته و بیخته با سه
وزن مجموع ادویه عسل مصفی بسرشند و در ظرف چینی یا رچاجی نگاه دارند و صبح ده
درم لعق نمایند لعوق حب الصنوبر که اصحاب ذات الریه را نافع است
اخلاط‌دان لب حب الصنوبر الکبار المقشر ده درم کثیرا مغز تخم خیار و صمغ عربی و مغز بادام
تلخ مقشر و نشاسته و رب السوس و کثیرا و تخم خطمی بقدر از هر یک سه درم حلبه مقشول و
تخم کتان بریان و رب السوس و نشاسته و مغز بادام شیرین مقشر و مغز حب القطن مقشر از هر یک پنج درم

غرض ریوند و زرنباد اشنان خرما را از بیخ کافور روغن من بهم مصفی عسل و عود نیست خرما دو درم زرد باشد
کافور و عسل بزنند تا مهر اینشود آن ادویه کوفته و بیخته بان بسبر سنبندد در نسخه دیگر بسته درم زرادند
بد خروج اضافه ادویه بزرگ بیشتر بلغمی **لعوق حب القطن** از صناعت جالینوس
است و جلیل القدر و عظیم النفع است اعاده شهوت باه میکند لعوق زیادتی از آن
و صدا را صافی مینماید و مفتح سده ها است و نافع است از برای ضعف گرده و مثانه
زایل میکرداند و نافع است از برای ضیق النفس و ربو **اخلاط آن** حب القطن
بیست درم دارچینی و قرنفل و مغز جلغوزه و تخم الجزر از هر یک ده درم شقاقل مصری و
زنجبیل از هر یک ده درم و از شیشبان نخود درم قسط شیرین و تخم کتان بریان و مصطکی رومی
از هر یک چهار درم ادویه را کوفته و بیخته با سه وزن عسل مصفی سرشته در ظرف جاجی
نگاه دارند شربتی از آن دو مثقال تا دو سال باقی می ماند و باید دانست که این لعوق
را جالینوس باسم دواء القطن ذکر کرده و متاخرین از اطبا باسم معجون حب القطن آورده
اند و شیخ داود و جمل لعوق حب القطن ذکر کرده و بر روی او در آن باب ذکر
کردم **لعوق حب القطن** نسخه دیگر باه را قوت دهد و تحت النعوظ و رطوبت حنجره را نافع
است ذکر کرده و مثانه را نافع است **اخلاط آن** مغز جلغوزه مغز پسته دانه از هر یک
بیست مثقال حلبه و بذر کتان بریان از هر یک دو مثقال نرم کوبیده بعسل مصفی با دو شراب
انکوری سرشته لعوق سازند **لعوق خشک** در نهایت نفع است از برای
تقویت باه و نافع است از برای عسر البول و سنگ گرده و مثانه **اخلاط آن**
مشک تازه را کوفته و آب آن معتدل که از سر آن برگردد بر روی آن کرده بجوشانند
آن قدر که منشیخ شود و پس از فسرده صافی نمایند و در آن آب مربه باقی خشک
تازه ...

تازه داخل کرده باز بجوشانند و صافی نموده مرتبهٔ سیوم زنجبیل تازه داخل کرده بجوشانند
و بالایند بعد با عسل بیامیزند بقوام آورند و در هر یک اوقیه از آن زنجبیل و دار فلفل از
هر یک نیم درم داخل نمایند شربتی یک اوقیه **لعوق خشخاش** نافع از برای نزف الدم
و جمیع حادثه و سرفه و درد سینه **اخلاط آن** صمغ عربی و کلنج منزوع الاقماع از هر
یک چهار درم کتیرا و تخم خشخاش و کتیرا از هر یک ده درم طباشیر سفید نیم درم رب السوس دو درم
ادویه را کوفته و بیخته منسحق الفوام لعوق آورده ادویه را با آن سرشته با طبیخ رودفار
با زنجبیل محلول در آب بیاشامند **لعوق خطمی** که از برای جمیع امراض حادثه از
نزلات حاره باشند نافع است **اخلاط آن** تخم خطمی بیست مثقال اصل السوس
بیست مثقال و نیم همه را در یک شب در آب باران بخیسانند صبح بجوشانند بقدر آن
که نصف آب برود صافی نموده با عسل مصفی و یا قند سفید بقوام آورند کتیرا
سفید و صمغ از هر یک دو مثقال و نیم خشخاش سفید پنج مثقال رب السوس یک مثقال
کوفته و بیخته با آن سرشته شربتی پنج مثقال **لعوق خیارشنبر** ورم حلق و [illegible] و تشنگی و
خشونت زبان را نفع دهد و سرفه و امراض سینه را ادویه را زایل کند و طبع را نرم
دارد و اخلاط از سینه و ریه پاک کند و از برای ذات الجنب و ذات الریه
و ضیق النفس سود دهند بود **اخلاط آن** به نسخهٔ سید مظفر الدین کفای غیاث خراسانی
پنجاه دانه سپستان یکصد دانه تخم خطمی سفید ده درم کتیرا [illegible] درم و در نسخه
دیگر شاه [illegible] پانزده درم آن [illegible] بیست پنج درم گل بنفشه و اصل السوس از هر یک پانزده درم
و در نسخه دیگر از هر یک پانزده درم آب برز قطونا بیست درم مجموع را در یک رطل
آب بجوشانند تا ثلث بماند بماند باید و در نسخه دیگر بجای یک رطل آب یک من آسیا ر

اسغ و پنج درم خیار شنبر در آن بمالند و یکبار دیگر بپالایند و یکرطل منسخ و سه درم فانید
اضافه کنند و بقوام آورده روغن بنفشه یا بادام داخل کرده وقت حاجت بلعوق نمایند
لعوق خیار شنبر نسخه صاحب اختیارات بدیعی **اخلاط آن** گل بنفشه چهار مثقال
عناب جرجانی بیست دانه سپستان پنجاه دانه مویز طایفی منقی از حب سی
دانه خراشیده ده درم خطمی سفید نیم کوفته بیست مثقال زوفا خشک سه مثقال از انجبار
و کثیرا از هر یک سه مثقال انیسون نیم کوفته سه مثقال صمغ الو دو درم پرسیاوشان پنج مثقال
انجیر زرد بیست دانه مجموع را در یک جوشانند و بدست بمالند و بپالایند و قند سفید نیم من
اضافه کنند و باز بجوشانند و بدست بمالند و بپالایند و بقوام لعوق آید پس مغز
تخم خیارین سه درم مغز بادام شیرین مقشر پنج درم مغز پسته دانه و تخم خباری **کشمش** فصیح و امن
مهمد و کثیرا الدم و سکوهن سی از درهم هم زرد و معروف سیح حماض ترش و لفاح
بر شتبیک کوبند از هر یک سه درم مالا مقشر انتقال گل خطمی سفید پنج درم کوفته
ریخته با آن سرشته کنند و روغن بادام شیرین بیست مثقال اضافه کنند و بر هم زنند تا نیکو
مخلوط شود و نگاه دارند شربتی یک زوفیه **لعوق خیار شنبر** بزرگی و ملائی بگیرند خیار شنبر
و با آب گرم حل کرده بپالایند و بر آتش نهند ملایم بپزند تا بقوام آید و اگر در آن
قدری ترنجبین داخل نمایند صواب است و اگر بنفشه کوبیده داخل نمایند مناسب شد ملین آن
زیاده **لعوق خیار شنبر** که حکیم سید کارزانی مرحوم فرموده آورده و گفته که مسهل صفرا و بلغم
است خصوص از نواحی صدر و حلق و ریه **اخلاط آن** تلیس خیار شنبر گلقند آفتابی از
هر یک پانزده درم خمیره بنفشه ده درم شیرخشت خراسانی ده مثقال ترنجبین خراسانی
پانزده مثقال این همه را در آب گرم حل کرده بپالایند و تکیش آب کم باشد که

لعوق دیگر

عمده از صدریه بمودن بقوام لعوق باشد پس سه لوند بیخ هم مثقال سوده داخل نمایند و
روغن بادام شیرین یک درم اضافه نموده بکار برند و این مجموعه یک شربت است کامل و این
لعوق خیار شنبر ساده است و گاهی تقویت کرده میشود و بسقمونیای مشوی و تربد سفید به برو
غاریقون و تربد سفید بحسب مقتضای حال از هر یک آن مقداری که رای طبیب اقتضا کند
لعوق خیار شنبر که ذات الجنب و ذات الریه و اورام حلق و بحة الصوت را
نافع است نسخه آن فلوس خیار شنبر پنجاه مثقال در آب گرم حل کرده بمالانند
پس صاف کرده لعاب بادام دار و تا قله از هر یکی درم مغز بادام شیرین مقشر و نبات سفید
از هر یکی ده درم نرم کوفته زیر بخشند و مغز تخم خشخاش با روغن بادام شیرین بخانند
در برهم نهند شربتی یک اوقیه لعوق خیار شنبر که سبب اسهیل در ذخیره در ورم کلیه یاد کرده
کرده اطلاطان عسل خیار شنبر جز عسل انجره یک جز باهمه آمیخته مشمش کنند با قوام
آید شربتی یک کفچه لعوق انجره همین منفعت دارد و طبع را نرم کند و نضج ورم نماید بتحلیل
دهد اطلاطان بگیرند انجره ده درم در آب بجوشانند و بمالانند تا قدری انگبین مصفی
بجوشانند تا بقوام لعوق نماید عسل خیار شنبر اضافه کنند و بکار برند لعوق زنجبیل ضیق
صوت بلغمی را نافع بود و باه را قوت دهد نسخه آن بگیرند زنجبیل یکصد درم در شیر
یاره بجوشانند و هر روز شیر را تازه کنند تا نرم شود و پرورده کرده و نیز آن را نرم بکوبند
و پنجاه درم دار فلفل نرم بسایند و پانزده درم زعفران و یکصد و پنجاه درم
بیشاید عسل مصفی با شکر طبرزد سه وزن ادویه بقوام آورند در صبح یک کفچه بخورند
لعوق خشخاش سل و سرفه حار و حمیات حاده را که با سعال باشد سود دارد نسخه آن
...با شیر سفید چهار درم مغز تخم خیار مغز تخم کدو شیرین مغز چلغوزه و صمغ عربی و دانه بهل

از هر یک پنجدرم نشاسته و کتیرا از هر یک ده درم نبات سفید شصت مثقال عسل مصفی یکصد و بیست
مثقال نبات و عسل را بقوام آورده ادویه را کوفته و بیخته با بیست درم روغن بادام
شیرین با چرب نموده بآن بیامیزند و لعوق سازند شربتی از شش درم تا ده درم هر روز بلیعق نمایند
و اگر حرارت زیاده باشد عوض شهد ترنجبین کنند و یکدرم کافور قیصوری بیفزایند لعوق
خشخاش از تراکیب حکیم اشرف منقول از خط والد ارشد حکیم ابراهیم تلمی نموده که
بآن مرضای بسیار خلاصی یافته و کسانیکه سل کرده بودند از جمله ایشان بمقدمات سل
صمغ بان از بسباسه زعفران و اسطوخودوس از هر یک پنج مثقال رازیانه بذر السمک
از هر یک شش مثقال پرسیاوشان پنجمثقال گاوزبان هفت مثقال اصل السوس گل خطمی سفید
از هر یک شش مثقال تخم خشخاش بیست مثقال تخم اسفناج زوفای خشک از هر یک ده مثقال
پوست خشخاش پانزده مثقال مغز فندق خام مقشر سی مثقال عناب سی دانه کتیرا سفید
پنجاه مثقال فانید یکصد مثقال نبات سفید یکصد و پنجاه مثقال صنوبر مغز لعوق سازند
شربتی دو مثقال با آب گرم لعوق کرنب اخلاط و مواد غلیظ را از سینه پاک
کند سعال بلغمی و ربو و بحة الصوت بلغمی را نافع بود و بالجمله نافع است از برای جمیع
امراض بارده حادثه از مواد بارده در سینه اخلاط آن آب کلم بخته و فشرده
یکمن و نیم عسل نیم من ریزند بقوام آورند پس حب الصنوبر کبار و مغز پسته دانه از هر یک ده درم
تخم کتان بریان و حلبه از هر یک پنجدرم مغز پسته پانزده درم آرد باقلا ده درم کوفته و
بیخته بآن بسرشند لعوق سازند شربتی پنجدرم با شیر خر لعوق کلم نسخه شیخ ابو اسمعیل زرد خرم
آورده که نافع است از برای گرفتگی صدا اخلاط آن برگ و شاخ کلم را بپزند و صاف
و بمالایند و عسل با مصفی بقوام آورده و قند را بکوزه و در آن حل کرده بکار برند لعوق
منقی

منقول از بیاض بخط خود نواب میرزا محمد باقر حکیم باشی که در آنجا مجربات خود را ذکر نموده اند اسهال صفرا
کند و سرفه خشک را نافع بود نسخه آن انجیر زرد ده دانه گاوزبان شش درم عناب و سپستان از
هر یک ده دانه گل بنفشه پنج درم جوشانیده باشد بالا بند فلوس خیارشنبر شش درم ترنجبین خراسانی
پانزده درم در آن حل کرده صافی نموده روغن بادام شیرین یک درم داخل کرده بنوشند مولف گوید
که صورت نسخه آنکه این دوا از مطبوخات بدرکرد شود و با اسم مطبوخ مسهل مسمی باشد لعوق لبوب
تفریح آورد و از برای تقویت باه و ابدال بسیار نافع است صفت آن تخم خشخاش
سفید و مغز بادام شیرین و مغز پسته و مغز فندق و مغز جلغوزه و مغز نارجیل تازه و مغز ارجان و مغز
حبة الخضرا و مغز حب الصنوبر و مغز تخم القطن و مغز حب البطیخ و مغز تخم خیارین از هر یک چهار مثقال مجموع را
در هاون سنگ با شیره گاو صلایه کرده تا چون مرهم شود و تخم بنگ خشخاش سفید بریان کرده شش مثقال
بزرالبنج سفید و مغز ناشته تمر هندی از هر یک دو مثقال تخم تفاح و تخم سوسه؟ از هر یک سه مثقال
خارخسک چهار مثقال و در دو من شیر گاو یا گاومیش بجوشانند تا به ثلث برسد پس بمالند
و بیالایند و نبات سفید یک رطل در آن حل کرده بقوام لعوق آورند پس ادویه سحوق/مسحوق را داخل کرده
برهم زنند تا نیکو مخلوط شود از آتش فرود آورده شقاقل مصری و دارچینی و بهمن سفید و
بهمن سرخ از هر یک دو مثقال خصیة الثعلب مصری شش مثقال زعفران و عنبر اشهب از
هر یک نیم مثقال کوفته بیخته با آن بیامیزند هر روز صبح یک مثقال و عصر یک مثقال از این لعوق تناول نمایند
لعوق مسیح جهت جنبات حاره و حبس قی و ذات الجنب و موی ... و سل و
سرفه مفید است اخلاط آن گل سرخ منزوع الاقماع بیست مثقال صمغ عربی کثیرا نشاسته
تخم خشخاش سفید از هر یک سه مثقال رب السوس محکوک و اسپغول ... از هر یک چهار
مثقال همه را کوفته و بیخته با دوشاب انگوری لعوق سازند لعوق خشخاش

از هر یک چهار مثقال ادویه را کوفته و بیخته با دوشاب انگوری که در امراض ربی قائم مقام شراب
خشخاش است صفت آن خشخاش نیم کرده با پوست و تخم پنجاه عدد و در یک من آب
بجوشانند تا به نصف رسد صافی نموده قند سفید و عسل مصفی از هر یک پاو سیر داخل کرده
بقوام آورند پس شیره مغز چلغوزه و شیره خشخاش و شیره حب القطن و نشاسته از هر یک
چهار تولہ داخل کرده باز بجوشانند تا بقوام آید بکار برند و اگر دانه بهیدانه و صمغ عربی و
رب السوس از هر یک دو تولہ زعفران شش ماشه کوفته و بیخته ممزوج کنند بهتر است در ظرف
چینی نگاهدارند شربتی یک اوقیه لعوق خشخاش دیگر که امراض ربی حاره مزمنه را نافع
است صفت آن مغز خیارین پنج درم مغز بادام مقشر شش درم صمغ عربی رب السوس
درم زعفران یک درم نرم کوبیده پسته شش دانه اصل السوس پوست خشخاش
نیم کرده از هر یک هفت درم در آب جوشانیده چون به ثلث رسد بمالند و صاف نموده
درم و شکر طبرزد یک رطل داخل کرده بقوام لعوق آورند و ادویه کوبیده داخل کرده نگهدارند
و در ظرف چینی نگاهدارند شربتی یک اوقیه و بعضی در حین پختن فلوس خیار شنبر ده درم
و گل بنفشه خشک پنج درم و عناب و سپستان جرجانی بزرگ بیست دانه داخل نموده اند و در وقت
سرشتن اجزا با آرد باقلا ده درم و روغن بادام شیرین سی درم داخل نموده اند

حرف المیم ماء الاصول نافع بسیاری در ذرب و عرق النسا است و مقوی معده حار است
نافع است از برای اسهال مراری اطلاق آن هر پنج کند مگر شسته و کشنیز خشک
و سماق و صمغ از حب الآس از هر یک پنجاه مثقال در شش رطل مجموعه آدویه را ... پنج
مثقال از آن بجوشانند اگر در اسهال ... بعد از شستن ... بهتر است

ماء الاجاص

ماء الاصول بدانکه ماء الاصول طبخی است اگر بشربتی بقوام آورند آنرا شراب اصول گویند والا
آن طبخ را ماء الاصول گویند ماء الاصول که اصل جمیع ماء الاصول است نقل کرده شده از
قرابادین یونانی اما مولف آن برا حقر معلوم نشده و این ماء الاصول نافع است از برای
استسقا و سردی معده و جگر و طحال و جمیع امراض بلغمی اخلاط آن پوست بیخ کبر و بیخ کرفس
از هر یک ده درم تخم کرفس و رازیانه و انیسون از هر یک پنج درم جوشانیده بپالایند و بیاشامند
و در نسخه دیگر آورده که انگبین داخل کرده بیاشامند و از برای استسقا قفاح اذخر و سنبل الطیب
و غافث و افسنتین رومی و کمافیطوس و کمادریوس از هر یک سه درم اضافه نمایند
ماء الاصول منقول از قانون شیخ رئیس نافع است از برای تفتیح سده‌ها و از برای عسر البول
و وجع کبد و معده و استعمال کرده میشود در بادیان و بعد از آن اخلاط آن پوست بیخ کبر و بیخ اذخر
و بیخ رازیانه و بیخ کرفس و تخم رازیانه و انیسون و سنبل الطیب و ریوند چینی و
سنبل رومی و مویز منقی مصطکی رومی از هر یک بقدر حاجت جوشانیده بپالایند
و بیاشامند و از آن بقدر حاجت ماء الاصول منقول از تذکره شیخ داود انطاکی
منافعست از برای حمیات بارده که بطول انجامیده باشد و مطلقا سده‌ها بگشاید و ضعف
کبد و معده را نیکو میکند است و هضم را نیکو گرداند و دفع حصاة کلیه و مثانه نماید
اخلاط آن پوست بیخ رازیانه و پوست بیخ کبر و بیخ کاسنی و بیخ کرفس و اذخر مکی و
انیسون و تخم کشوث و سنبل الطیب از هر یک سه درم فوه الصباغین مصطکی رومی از هر یک
یک درم و نیم نانخواه یک درم پس اگر علاج برای ضعف در معده و جگر باشد ریوند چینی و اگر
ضعف در دماغ باشد پوست بلیله کابلی اضافه نمایند و اگر ضعف در طحال باشد و از بلغم
باشد افسنتین اضافه نمایند و الا طرح و بادآورد اضافه نمایند از هر یک آنچه مذکور شد

سه درم و مویز منقی بی دانه بقدر نیم مجموع ادویه جمله ادویه را با مثل مجموع ادویه آب
بجوشانند تا آنکه ثلث آب بماند بپالایند و بعد آنکه این ماء الاصول به فتح سده ها میکند
در اسهال زنان و یرقان را زایل میکنند آنچه مخرق شده باشد از اخلاط باد و بان الله تعالی
مجربست ماء الاصول تالیف حسین منقول از کفایة الطب سده های جگر و طحال
بگشاید و فساد مزاج که از برودت باشد باصلاح آورد و بیماری کهنه و استسقا را زایل
گرداند اخلاط آن پوست بیخ کبر بیخ کرفس و بیخ رازیانه از هر یک نیم مثقال فقاح
اذخر بیخ اذخر از هر یک پنج مثقال مصطکی سنبل الطیب فوه الصباغین و لک و عود بلسان
از هر یکی دو درم بادآورد و بادیان و بسفایج و پوست بیخ کبر و کمافیطوس و افسنتین رومی
و کلنج از هر یک سه درم انجره ده دانه مویز منقی بیست درم ادویه نیم کوفته را در
سنگی کنند و چهار رطل آب بر روی آن ریزند و بپزند تا ربع بماند بپالایند و چهار اوقیه
از آن بگیرند با یک درم روغن بادام شیرین و یک درم روغن بادام تلخ داخل کنند و هر روز همین
قدر از آن با دو ازلکرم والتشایل این بیاشامند ماء الاصول منقول از قرابادین قلانسی
مفتح اخلاط چاره است نسخه آن پوست بیخ کاسنی نیم درم تخم کشوث شش درم عناب
بیست عدد سپستان شانزده عدد و در نسخه دوم شانزده درم است ادویه را با چهار
رطل آب بجوشانند تا بنصف رسد پس بپالایند و در سه رطل و ربع بیاشامند تا ده
درم باقیست درم سکنجبین ساده سرد کرده با ترف ماء الاصول نافع از
برای نفس و درد ورک و قولنج و ... و استسقای حار که از برودت
باشد اخلاط آن پوست بیخ کرفس و بیخ رازیانه از هر یکده مثقالی پوست
بیخ حنظل و قنطوریون و فیقی و نانخواه و انیسون و شیطرج هندی و بوزیدان

دهان هر صبح از هر یک هفت مثقال در ۳ رطل آب بجوشانند تا بیک رطل رسد و در یک نوبت را اوقیه
از آن به یک درم روغن حب الخروع بیاشامند ماء الاصول نافع است برای استسقاء
زقی مائی و از برای فالج و لقوه و استرخاء نسخه آن پوست بیخ رازیانه و بیخ کرفس و
اذخر مکی از هر یک ده درم تخم کرفس و انیسون و رازیانه از هر یک چهار درم مصطکی رومی
و سنبل الطیب و قفاح اذخر و حسک با از هر یک دو درم و نیم حب بلسان و اسارون از هر
یک درم عود بلسان نانخواه بوزیدان تخم حرمل و بسفایج از هر یک سه درم مویز منقی بیست
درم مجموع را در چهار رطل آب بجوشانند تا بیک رطل رسد پالایند و هر روز چهار اوقیه از آن
با دو درم روغن بادام شیرین در روغن بید انجیر و معاجین که بجهت امراض مذکوره مناسب باشد
بیاشامند ماء الاصول که دفع امراض ریحی نماید و قولنج ریحی و استسقاء طبلی را نهایت نافع
است اخلاط آن پوست بیخ کرفس پوست بیخ رازیانه از هر یک ده درم تخم کرفس و تخم رازیانه
و انیسون و دوقو و فطراسالیون و زیره کرمانی از هر یک سه درم جعده و بیخ اذخر و قفاح اذخر
از هر یک چهار درم تخم سداب و کمون کوفی از هر یک دو درم سنبل الطیب و مصطکی رومی از هر یک
یک درم و نیم و قسط تلخ و بسفایج و حب بلسان و عود بلسان از هر یک دو درم و نیم سکنجبین یک درم و نیم
مویز منقی بیست درم اجزا را نیم کوفته در چهار رطل آب خالص بجوشانند تا یک رطل باقی مانده
پس بگیرند از آن چهار اوقیه و حل کنند در آن قند العون با نیم مثقال معجون بیاشامند و چند
روز پیاپی مداومت نمایند ماء الاصول که در امراض بلغمی و خصوص تبهای بلغمی بعد از نضج باده
بجهت ادرار مستعمل شد اخلاط آن بیخ کرفس بیخ رازیانه بیخ اذخر سیاه و شکاعی رتبعول از
هر یک نیم مصطکی رومی و تخم کرفس از هر یک دو درم جمله را در یک من آب بجوشانند تا نصف
رسد پس صافی نموده بر بالایند از چهل درم آن و ده درم گلقند آفتابی بر آن حل کرده یا می

نموده بیاشامند ماء الاصول بجهت نضج مواد بلغمیه غلیظ افلاطان بیخ کرفس رازیانه
پوست بیخ کبر از هر یک ده درم انیسون و تخم کرفس از هر یک ده درم بادیان و اسارون و
گاوزبان بادآورد و از هر یک پنج درم فطراسالیون سه درم در ده من آب بجوشانند تا بنصف
رسد صافی نموده بر صبح سه درم از آن با یازده درم گلقند بیاشامند و اگر سه درم مصطکی
سوده در این ماء الاصول داخل نمایند بهتر است ماء الاصول که جمیع امراض ریحی که سبب
ریاح معده باشند نافع است و صداع ریحی معده را به نهایت سود مند است
نسخه پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس از هر یک ده درم بیخ بادیان خرد انیسون
از هر یک پنج درم مصطکی و نانخواه و تخم بادیان و پودینه کوهی از هر یک سه درم افتیمون
پنج درم جوشانیده صافی نموده بر صبح سی درم از آن ده گلنگبین عسلی پنج درم در آن
حل کرده مرتبه دیگر صافی نموده چهار درم روغن بادام تلخ اضافه نموده بیاشامند و
اگر صبر اسقوطری ده درم داخل کنند و سه روز در آفتاب گذارند و هر روز دوازده
درم با دو مثقال روغن بیدانجیر بیاشامند خوب است ماء الاصول سدها بگشاید و
نفخهای بلغمی را نافع بود و سوء مزاج بارد جگر را که از بلغم باشد سود دارد و قبض
بیاشامند بعد از استفراغ ماده و فساد مزاج را که از برودت باشند باصلاح آورد و
استسقا را سود دارد افلاطان پوست بیخ کرفس و بیخ رازیانه از هر یک پنج درم
نانخواه و انیسون از هر یک چهار درم سنبل الطیب و اذخر و گلبرگ شکوفه الاحمر از هر یک
سه درم مجموع را در ده من آب بپزند تا به نصف رسد صاف کرده سی درم با چهل درم
با سه درم روغن بادام شیرین و تلخ بالمناصفه بیاشامند نافع باد ماء الاصول قوی
تر از نسخه اول افلاطان بیخ ده از هر یک پانزده درم تخمها از هر یک پنج درم فطراسالیون

دفها

دقیق و ... فوه و جادو ... از هر یک سه درم قسط تلخ و نانخواه و زراوند طویل از هر یک چهار
درم سورنجان تخم سداب و فودنج ... و شیح هندی از هر یک پنج درم ... از هر یک دو درم در
سه من آب بجوشانند تا ثلث بماند پس بپالایند و بیاشامند و در بعضی نسخ سنبل
سیاه و انیسون از هر یک ... درم و مصطکی رومی و ... از هر یک پنج درم ... بدان
افزوده است و در نسخه دیگر ... ترکی و ... از هر یک ده درم پوست بیخ کبر و ... دو درم
اضافه شده ماء الاصول که صفت از برای تفتیح سده ها و از برای تفتیح سده مجری کبد
نهایت مشهور شده است و نیکو در مزاج حرارت بسیار باشد صفت آن پوست
بیخ کرفس و بیخ رازیانه و پوست بیخ کبر و اصل السوس و بیخ اذخر از هر یک ده مثقال
مصطکی رومی و انیسون و زراوند چینی و قسط تلخ و فوه الصباغین از هر یک پنج درم ... پانزده
درم مویز دانه بیرون آورده چهل درم انجیر زرد پانزده عدد ... جوشانیده و
صافی نموده شکر سفید چهل درم ... درم روغن بادام تلخ و ... با ... اخلاط
غلیظ کند و عسر البول که سبب مواد غلیظ باشد که در مثانه جمع شده باشد مواد دارد
صفت آن رازیانه انیسون تخم کرفس و بیخ رازیانه ... تخم کشوث و نانخواه
از هر یک یک مثقال ... فوه الصبغ و سنبل الطیب بیخ ... از هر یک سه درم
مویز طایفی دانه بیرون کرده بیست درم انجیر زرد پنج عدد در ... من آب بجوشانند
تا نصف بماند ... چهار درم روغن حب الخروع ... بیاشامند
... القوی است ماء الجبن نافع است از برای ... که ماده آن
مرکب از صفرا و دم غلیظ باشد و نیز نافع است از صداعی که ... است آنچه صفرا
و دم که از کبد بسر رود ... کرده ... این ماء الاصول ... قصد الکحل ...

اگر قوت قصد باشد و بالجمله از آن چاشند از برای نضج ماده اطلاطان تخم کاسنی کوفته
شش درم بیخ کاسنی نیم کوفته پنج درم بیخ بنفشه دو درم گلسرخ چهار درم در یک رطل و نیم آب
چون ثلث آب بماند صافی نموده و پنج مثقال گلقند آفتابی در آن حل کرده باز صاف
نموده چاشنی سازند چند روز بعد از ماء الاصول مداومت نمایند ماء الابرد نافع از برای امراض
طحال و از برای صداعی که بمشارکت طحال باشد از برای نضج ماده چون استعمال کرده شود
چند روز بعد از فصد باسلیق آنچه اسلم الیسر اطلاطان را از بادیان و انیسون و تخم کرفس از
هر یک دو درم اصل السوس و پرسیاوشان و اذخر بنفشه و اسارون از هر یک یک درم و نیم و بیخ
کرفس از هر یک مثقال پوست بیخ بادیان و پوست بیخ کبر از هر یک دو مثقال پرسیاوشان
شش درم مجموع را نیم کوفته در یک رطل و نیم آب بجوشانند چون نیم رطل آب بماند صافی
نموده بیست مثقال گلقند آفتابی در آب حل کرده بنوشند و غذا نخود آب ماء البقول
منقول از قرابادین قلانسی نافع از برای حرارت کبد و یرقان اطلاطان بگیرند
کشوث تازه و برگ کاسنی تازه و برگ کاهو و برگ عنب الثعلب تازه و برگ
لبلاب و از بادیان و همه را بکوبند و بفشارند و آب را بگیرند و صافی کرده مروق نمایند و
بیاشامند از آن قدحی دیگر بعید ماء البقول به نسخه دیگر خراجه که سده جگر و سپرز بگشاید
اطلاطان کاسنی تازه و کشوث و عنب الثعلب بکوبند و آب از آن بگیرند و با آتش
ملایم بجوشانند و کف از آن بگیرند و بگذارند تا ته نشیند و از آب صافی آن یک ... درم با
دو اوقیه سکنجبین بخورند ماء الجبن نافع است از برای جمیع امراض حادثه
از صفرای محترق از برای جمیع امراض حادثه از سودای محترقه اما دستور اتخاذ
بعنوان حضرت سید سند قدوة الاطبا ... مرقوم است که هرگاه برای

امراض صفراوی باشد باید که بوزن نیم من سنگ تبریز بگیرند نیز بر سرخ چشم چران که زیاده
بزرد بچه نر ایلکه باشد ده ده بیت چهل روز از زایدن او گذشته باشند گرفته در دیگ
سنگی یا سفالی کرده بجوش آورند و بچوب انجیر پوست جدا کرده خراشیده برهم زنند و مقدار ده
درم سکنجبین ساده صادق الحموضه و یک من سرکه انگوری حاذق در آن انداخته برهم زنند
و از آتش فرود آورده دیگ را زنند تا سرد شود پس از آن در پارچه کرباس دو تهی انداخته بیفشارند
تا تمام آب چکیده شود پس از آن باز در دیگ سفالی کرده بجوشانند تا کف می آورد کف
از آن بگیرند چون دیگر کف نیاورد صافی نموده مقدار سه اوقیه شربت از آن وزن کرده شربت
نیلوفر پنج مثقال داخل کرده شربت یابند هر هفته یک اوقیه و بعد دفعه نوشتن چنانکه فاصله
دو دفعه یک ساعت نجومی باشد و هر دفعه که بنوشند بگرم نموده بنوشند و بعد از نوشیدن هر دفعه
ده پانزده قدم راه بروند و چهل روز بنوشند و هر هفته یکبار مسهل بنوشند یا پس شود از شیرخشت
خراسانی ده مثقال ترنجبین خراسانی پانزده مثقال فلوس خیار شنبر پانزده مثقال گلقند
ده مثقال در تمام ماء الجبن یعنی سه اوقیه حل کرده صافی نموده روغن بادام شیرین داخل
کرده بیاشامند و احتیاج به تکرار دفعات و ... روز نیست چنانکه مسهل در ایام نوشیدن
ماء الجبن بنوشند و استعمال کم یا زیاد بر رای طبیب است و اگر معده ضعیف باشند و در معده
ضعف باشد شیرخشت یا سنائی مسهل سه مثقال حب ... فرو برند بعد از آن شیرخشت ...
گلقند آفتابی از هر یک ده مثقال در زن حل کرده صافی نموده بنوشند و اگر ماء الجبن برای
امراض سوداوی نوشیده شود هر روز سه اوقیه از آن بگیرند در آن ده مثقال سکنجبین
افتیمونی که در نسخه بعض در باب سکنجبینات ذکر کرده شد داخل کرده سه حصه نموده بنوشند
و در امراض صفراوی سه دفعه بنوشند و هفته یکبار مسهل بخورانند چنانکه مسهل باشد گفت

مسهلی برای طبیب اقتضا کند میتوان دادن و ماء الجبن را از چهل روز زیاده میتوان داد و بعد از مسهل
امراض سوداوی این باشد لاجورد دو مثقال سوده بروغن بادام مربی یک مثقال چرب نموده
بمعجون نجاح دو مثقال سرشته حب ساخته و بورق نقره یا ورق طلا پیچیده وقت خواب حب
فرو برند بعد از ان پیاله آب گرم بنوشند و صبح بر ناشتا اسانی فلوس خیار شنبر سکنجبین
افتیمون از هر یک ده مثقال در سیصد و اوقیه ماء الجبن حل کرده صاف نموده با روغن بادام مربی
یک مثقال داخل کرده بیاشامند و غذا نخود آب گوشت جوجه مرغ بخورند و بسا باشد
که شب معجون را ابد بندند و صبح دو مثقال سفوف سودا با ماء الجبن داده شود و اگر فصد ضرور
باشد اول فصد کرده بعد ازان مسهل داده شود و غذا در ایام نوشیدن ماء الجبن نخود آب جوان مرغ
و قیمه شوربا و قلیه مرغ و بره که تنگ باشد و بعد از امراض سوداوی مثل اکل بیاره
و اسفاناخ و کاهو عنب الثعلب داخل نمایند و در امراض سوداوی مثل کشوث و بادرنجبویه
و گاوزبان و شاهتره داخل نمایند ماء الجبن نسخه میرزا محمد باقر حکیم باشی ولد حکیم عماد الدین
محمود حسینی شیرازی که در بیاضی که مجرب بات خود بخط خود درج نموده بگیرند یک بز و در سرخ
و علفهای یا نبره مثل کاهو و کاسنی و شاهتره و گاوزبان بان بخورانند و صبح یک بار بگیرند و بز
شیر از آن بدوشند و بجوشانند آنقدر که خوب بجوش آید بعد از ان سکنجبین قندی که در برابر
سرکه و یک برابر قند داشته باشد ده مثقال داخل کرده بجوشانند آنقدر که خوب ببرد و بعد ازان
بپالایند و زرد آب ازان اعتبین بخورد و شیر ازان نمیتواند خورد و اگر دیگری بخورد و نمیتواند خورد دو
دفعه میباید که این زرد آب را بیاشامند و فاصله میانه هر دو قریب به ربع ساعت باشد
و اگر در اثنای خوردن سرد شود میباید که دیگر باره اندکی گرم کرده بیاشامند یعنی لوده باشد و قند
آشامیدن جایز و غذا در ایام ماء الجبن از گوشتهای نازک مثل گوشت بره
و ازان

وزغال و خروس بچه تنوری و نشدر و لیمو تنوری و پلاو و امثال اینها ساخته بخورند و طعامهای
تنوری و بخاردار نشاید خورد و گرم ضرر دارد ماء الجبن نافع از برای اصحاب سودا بگیرند
شیر بز سرخ و در دیگ سنگی با مثقالی کرده با آتش ملایم بجوشانند و مقدار دو مثقال سرکه
انگوری بر آن ریزند تا بریده شود مجموع را در پارچه کرباس دوتهی انداخته بچکانند و چون
تمام آب چکیده شود مقدار ده مثقال از آن آب چکیده را گرفته دیگر باره بجوشانند و کف
از آن بگیرند و پانزده مثقال سکنجبین افتیمونی داخل نموده ناشتا بیاشامند چنانکه فاصله میان
هر دو دفعه دو ساعت نجومی باشد و روی شکم را از روغن گل سرخ و زهره گاو چرب نمایند
ماء الجبن نافع است از برای امراض سوداوی خصوص وقتی با افتیمون بنوشند نسخه آن
بگیرند شیر بز سرخ و یکمن و نیم طلی و با آتش ملایم بجوشانند پس بیست درم سکنجبین با ده درم سرکه
انگوری با پنجه درم آب لیمون هر کدام که باشد از آن بگیرند و در آن داخل کرده بر هم زنند تا شیر
بریده شود پس در کرباس انداخته آب آن را بگیرند و صافی نموده مرتبه دیگر آن را بجوشانند
و کف آن را بگیرند و [illegible] طریق داخل نمودن افتیمون در آن [illegible] اختیار [illegible] آن
افتیمون مانند است که بگیرند [illegible] درم افتیمون و در خرقه [illegible] نموده در یکمن طلی ماء الجبن
[illegible] چندانکه قوت افتیمون تمام در ماء الجبن آید پس بیاشامند و باید که بزی که [illegible]
ماء الجبن اختیار کرده میشود صحیح البدن باشد و عیبی نداشته باشد و مزاج [illegible] باشد
و زیاده از یک [illegible] باشد و [illegible] آن [illegible] نشده باشد
و رنگ آن سرخ باشد و [illegible] و اسفناج [illegible] بخورانند
و [illegible] اول روز [illegible] نمایند [illegible] وقت عصر [illegible] ماء الجبن [illegible]
ماء الجبن به نسخه حکیم عماد الدین محمود حسینی شیرازی در تجربات خود قلمی فرموده اند

صفت این بگیرند تیر ترنج بعد از وقت عصر مقدار یکچهار دانگ تبریز و زرد یک سنگ با اسفانی
بجوشانند و کف آنرا بگیرند چون دیگر کف نیاورد دو اوقیه طلی مثلجین افتیمون داخل
کرده تا حصه نموده سه دفعه بنوشند چنانکه فاصله میان هر دو دفعه هم ساعت نجومی باشد
و هر چهار روز در میان بکر و زان مسهل بنوشند پوست هلیله زرد و پوست هلیله کابلی و
هلیله سیاه سرنوف شاهتره چهار از هر یک سه مثقال گل سرخ تمر هندی الاتحاج سپستان از
هر یک دو مثقال عناب ده دانه تخم کشوث و افتیمون از هر یک ده مثقال آب نجسانند و
صبح بپالایند و فلوس خیارشنبر و ترنجبین از هر یک ده مثقال در آن حل کرده مرتبه دیگر بپالایند
و بیاشامند و اگر حرارت در مزاج غالب نباشد ادویه مذکوره را با بسفایج
فستقی و اسطوخودوس از هر یک سه مثقال گاوزبان با درنجویه از هر یک دو مثقال
بجوشانند و بپالایند و نمک هندی یکمثقال سوده داخل نموده بیاشامند و در روز مسهل احتیاج
باشامیدن ماء الجبن نیست و در ایام آشامیدن ماء الجبن غذا اسفاناخ بخود آب غذا میان روز نخود آب
بلدرچین و تیهو باشد که مصالح آن نمایند و از خیار اجتناب کنند و اگر خواسته باشند مرغ بلدرچین و
گوشت تذرو خوب نیست و در روز مسهل غذا نخود آب باشد و غذای دیگر
تناول نمایند و اگر خواسته باشند آخر روز شربت قند و تخم بالنگو و گلاب و عرق بید
مشک بیاشامند صفت حب که با ماء الجبن داده میشود و هی در مزاج حرارت نباشد
صفت این افتیمون و بسفایج فستقی از هر یک مثقال احرق سیاه یکمثقال
را بکوبند یک شبانه روز در شیره انگوری بخیسانند پس آب در آن داخل کرده بجوشانند
و در وقت جوشانیدن بسفایج را کوفته در کیسه کتانی کرده و در آن آویزند و مصفا
کنند روان نمایند چون مقدار آب بسوزد افتیمون را در کیسه کتانی کرده در آن اندازند

ولکن

و بفشارند و کیسه بسفایج را فشرده بدور اندازند و سکر صافی نموده بمقدار پنجاه مثقال شکر
سفید داخل کرده بقوام سکنجبین آورند و بر روی چهار مثقال از آن در شب پنج مثقال ماء الجبن
اندازند بیاشامند یمن مشتمل با ماء الجبن در یک مرتبه چاره اطلاطران افتیمون بسفایج
فستقی و تخم کاسنی از هر یک هفت مثقال تخم کشوث مقشر تخم خیارین مکوفته پنج مثقال گل
بنفشه کاسنی و سنبل را بپزند از هر یک ده مثقال ادویه را در سی رطل آب بجوشانند و افتیمون را
در کیسه کتانی بسته در آخر در آن اندازند و بجوشند و بگذارند تا بدو ثلث آید فرو آرند و قنی که بمقدار
نمک مانده باشد که کیسه افتیمون را بمالند و بفشارند و دور کنند و مطبوخ را صافی نموده قند سفید
داخل کرده بقوام سکنجبین آورند شربتی از چهار مثقال تا شش مثقال یمن که ماء الجبن چهل درم تا شش بیاشامند
نافع جمیع امراض سوداوی و وسواس را مفید باشد صفت دیگر افتیمون ده تخم کشوث و تخم کاسنی
و سنبل هندی از هر یک پانزده درم بسفایج فستقی و زرنب سفید پیر از هر یک شش درم برسیاوشان
پنج درم گاوزبان پانزده درم حاشا [illegible] و فاختنک و کافیطوس از هر یک چهار درم تخم بادرنجبویه
و تخم بخمسک و بزرهار و درونج جنبی عقربی و بسفایج هندی و بهمن سرخ و بهمن سفید سنبل الطیب
و فلفل و صیوار از هر یک شش درم هلیله و شکر سفید از هر یک بیست درم ادویه را بسوای هلیله
و شکر کوفته یک شبانه روز بیر انگوری بخیسانند و روز دیگر بقیه هلیله و دیگر ادویه مانده
اندازند با آتش نرم بجوشانند بمقدار سه رطل انگوری باقی ماند صافی نموده هلیله افتیمون
و شکر را در آن داخل کرده صافی با آتش ملایم بقوام آورند بمقدار مستعمل از آن بیاشامند ده
درم یمن که با ماء الجبن داده میشود نسخه ارن پوست هلیله سیاه از هر یک پنج مثقال عاقرقرحا
بس سفید شش مثقال هلیله کابلی فستقی و افتیمون و حلزنج و گل گاوزبان و اسطوخودوس
از هر یک چهار مثقال نمک طعام و لاجورد مغسول و خربق سیاه از هر یک شش مثقال کوفته بیخته

اسطاطران

سفوف بسازند تیز بینی دو مثقال با ماء الجبن بیاشامند **بلغم** که با ماء الجبن داده میشود **لسیح ارن** (؟)
زفیمولا ده درم هلیله سیاه غاریقون کتان و سنا مکی و بر نوید ولسفایج فستقی از هر یک دو درم
کوفته و بیخته سفوف سازند و مقدار مستعمل از ان با ماء الجبن از سه درم تا چهار درم **ماء الجبن**
به نسخه شیخ اسمعیل که در کتاب ذخیره در معالجه بیماء ذکر کرده **اخلاط ان** بگیرند شیر بز تازه دوشیده
که علف از شاهتره و کاسنی و کاهو ریان خورده باشد صبح در دیگ سنگی یا گلی کنند و با تش
ملایم بجوش نهند و چون بجوش آید چهار اوقیه سکنجبین سکری و یک درم سرکه انگوری دران ریزند
چون شیر بریده شود از اتش برگیرند و لحظه بگذارند پس صافی نمایند و اب صافی را بجوشانند
و کف انرا بگیرند و چون دیگر کف نیاورد از اتش برگیرند و در قدح شیشه کنند و در میان
اب سرد نهند و بگردانند تا سرد شود **ماء الجبن** نافع از برای کسی که صفرا در معده او تولد
کند و از معده بسوی کبد و جمیع بدن رود **اخلاط ان** شیر بز تازه صاف مذکوره که علف
انرا کاسنی و کاهو و تخم خرفه و برگ بید و برگ کنار و شاهتره داده باشند و بجوشانند و سکنجبین
ساده شکری و اسفناج بران ریزند و از اتش برگرفته سرانرا پوشیده بگذارند تا سرد شود پس
صافی نموده در یک رطل از ان سکنجبین منقوع دو دانگ و نمک هندی یک دانگ و پوست هلیله زرد
نیم مثقال ساییده اول مرتبه بیست درم ترنجبین خراسانی منقع دران حل کرده صافی نموده پس ادویه
دارو را حل کرده بیاشامند پیش ازانکه دانه مسهل تناول نمایند سفوف بیست و به
ماء الجبن از شیر بز بسیار بیارند چنانکه ذکر شد باید که معالج اطراف سکنجبین منقوع
و جوب ان بکند و همیشه از ملاحظه معده غافل نباشد **ماء الجبن** بهترین اقسام ماء الجبن
است از برای بیهوشی و استسقا **اخلاط ان** بگیرند شیر بز تازه یک رطل و نیم در دیگ سنگی
بجوش آورند و یک نیم اوقیه سکنجبین عنصلی یا سکنجبین بزوری هر یک جداگانه

سکنجبین

مزاج بنا شد بهتر آنکه چوب الجز از چوب جدا کرده خراشیده بجوشانند و از آتش فرود
آورده یکدو روز بنهند تا سرد شود پس در پارچه کرباس کرده درم نمی انداخته آب را بگیرند و در یک رطل
آب آن یک درم نمک و یک دانگ پنجدرم شیر بز تازه بجوشانند و داخل کرده بجوشانند و کف
آن را بگیرند چون دیگر کف برنیاید صافی نموده ثلث رطلی از آن از آن بیاشامند پس
بر روی آن دیگ اندک اندک بیفزایند تا آنکه بیک رطل رسد پس بدرستی که این ماء الجبن دفع
رطوبت را بسبب حلق و سینه بدون آنکه زحمی کند و از اقسام ماء الجبن
البته آنکه از شیر خرفه را اکثر باشد و اصلح ماء الجبن از برای محرورین ~~...~~
گرفته اند بهتر است جلیل تنگی نفس ... بود و سرفه بلغمی را ... اشود دارد و چون چهار
اوقیه ... یک درم روغن بادام بهتر آن خورند اطلاطان انجیر زرد ده دانه مویز طائفی
منقی از لوی بازده درم عناب و سپستان از هر یک بیست دانه پرسیاوشان شش درم
اصل السوس خراشیده ... بنفشه ... درم زوفا خشک پنج درم ... بنفشه ... درم
تخم خطمی و تخم خباری از هر یک دو درم همه را در دو رطل آب بجوشانند تا بیک رطل رسد بمالند
و صافی نموده بکار برند ماء الشعیر نسخه قلانسی نافع است خلفه مراری و تبهای گرم و
بسیار تشنگی اطلاطان بگیرند سبوس شعیر و بقدار آب ... داخل نمایند که از روی
سبوس برگردد پس بجوشانند تا غلیظ شود پس پالایند و بیاشامند از آن وزن
چهل درم با سه درم ... شکر و سه درم صمغ عربی و ثلث اوقیه رب به بهتر است ماء الشعیر که در
بسیاری از امراض مستعمل است و در امراض دیگر هر مرض که مستعمل است ذکر کرده مشهور
اطلاطان بگیرند جو جید و از آن قشر بیابند و مقشر آن را در ... جوش دهند ... بقدار
که جو نادین و اکنند پس پالایند و بیاشامند ماء الشعیر نسخه ابن جزله که در منهاج البیان

ذکر کرده گفته و نیکوترین آن بود که از جو مقشر بزند و آن سرد و تر است و حدت اخلاط را
بشکند و بول براند و تبهای حاده و جگر گرم را سود دارد و از آن خون صالح معتدل متولد
شود و تشنگی بنشاند و زود باعضا برسد و زود گذارد و معده و امعا را و لین باد انگیز
بود و دفع مضرت آن بالکلیه باشکر **ماء الشعیر** بگیرند جو مقشر آنچه مقشر رسیده و از او
نیکو کوفته یک کیله از او چهارده کیله آب داخل کنند و بجوشانند و نصف از آن بگیرند چون
پخته شود از آتش بردارند و صافی نموده سرد کرده نگاه دارند و بکار برند **ماء العسل**
معده ~~[illegible]~~ را قوت دهد و اشتها طعام آورد و بول براند و مفاصل را سودمند باشد
و بالجمله جمیع امراض بلغمی را نافع بود **و اخلاط آن** بگیرند عسل سفید مصفی دو من و در چهار
من بجوشانند و کف از آن تا چهار من از مجموع بماند پس نگاه دارند آهسته بکار برند و
این ماء العسل ساده است و اگر معطر خواهند دارچینی شش مثقال زعفران و خولنجان
و زنجبیل و جوز بوا و بسباسه از هر یک چهار مثقال قاقله و مصطکی رومی از هر یک شش
نیکو کوفته در کیسه کتانی کرده در وقت طبخ در دیگ اندازند و متصل کیسه را بدست یا
به پشت کفچه بمالند تا قوت ادویه بماء العسل باز آید و چون بچهار من رسد کیسه را
نیکو بمالند و بفشارند و بیرون کنند و ماء العسل مضر است باصحاب امزجه حاره و
صفراوی مزاج و مصلح آن رب فواکه حامضه است و گفته که اگر ماء العسل را
سرد کرده نگاه دارند و ابن جزله در منهاج الادویه آورده که اگر ماء العسل را مصطکی رومی
و زعفران و زنجبیل و قرنفل و دارفلفل کوفته و پخته داخل کنند گرمی وی زیاده
شود **ماء القرع** مستعمل در بسیاری امراض حاره و در هر مرض که مستعمل است
در ذکر معالجه آن مذکور خواهد شد **صفت آن** بگیرند یک کدوی شیرین و از اندرون [illegible]

با خمیر آرد جو بگیرند و ببندند از زیر تا به بالا بر اجزای و تنوری که گرمی آن فرو نشسته باشد
دیگ نشیب در آن تنور نهند تا مشوی گردد و پس از تنور بیرون آورده گل با خمیر را
از آن جدا کنند و سر آن را بریده نقش باز نهند و آب آنرا اگر بارد و صافی نموده با برف
یا یخ سرد کرده با آب انار و سویق شعیر یا تنها با شکر سفید بیاشامند بدن را قوت دهد
و باقیش از امراض را نافع باشد و از برای استسقاء و وقتی که مزاج حار باشد بغایت
مفید باشد نار الحم گوشت بزغاله شش ماهه یکمن شش سیر مرغ جوان و کبک جوان از هر یک
چهار قطعه دراج و طیهوج از هر یک سه قطعه سنگخوار پنج قطعه مجموع را از استخوان و چربی
دور کنند و رق نموده صندل سرخ و صندل سفید و غنچه گل سرخ و گشنیز خشک و طباشیر سفید
از هر یک پنج مثقال گل گاوزبان سه مثقال بسباسه و بسفایج هندی و دارچینی و دانه
هیل از هر یک دو مثقال بادرنجبویه و عود هندی از هر یک یک مثقال کوفته بیان باشند و آب
سیب شیرین از هر یک چهار یکمن تبریز گلاب نیم من آب جداوان یک من عرق
بیدمشک بیست مثقال بدستور در بیستون(?) عرق کنند و در وقت عرق کشیدن با عنبر اشهب
چهار دانگ و مشک تبتی دو دانگ بر دهان انبیق ببندند و در نسخه دیگر گل نیلوفر سه
مثقال و آب امرود چهار یکمن تبریز داخل است نار الحم که همین منافع دارد و مقوی باه است
اطلاطران گوشت بره نیم من شاه تبریز گوشت مرغ جوان دو قطعه دراج چهار قطعه
طیهوج شش قطعه مجموعه را از استخوان و چربی جدا کرده و رق نموده طباشیر سفید
و گشنیز خشک و گل سرخ مربی و دارچینی و قرنفل مصری یا همین سرخ و صندل سفید بسفایج
هندی یک مثقال گل گاوزبانی سه مثقال کوفته بیان با شیره یک شب بگذارند و صبح با آب
جداوان و گلاب و عرق بیدمشک و آب زرشک و آب سیب شیرین

واب امرود و انجیر زرد و خشک از هر یکچهار یکن تبریزی در قرع و انبیق عرق کشند
و مشک و زعفران از هر یک یک دانگ بر دهان انبیق بندند و هر صبح سه پیاله قهوه خوری
از ان بیاشامند ماء اللحم تالیف مولف مشترک است در نفع از برای منافع از قسمه
قبل که ان نیز تالیف مولف است اخلاطان گوشت حلوان فربه یکمن نیم گوشت مرغ
فربه دو قطعه گوشت لوه هفت قطعه گوشت دراج دو قطعه گوشتها را تمام از استخوان
و چربی جدا کرده ریزه ریزه نموده در دیگ نقره با آتش ملایم بود داده چهار آب بس دهد
در ظرف [illegible] و بسپار حب و صندل سفید و بهمن سرخ بهمن سفید تتنعا قلمعری

بهمن سفید سقاقل مصری

خولنجان بسفایج هندی کشنیز خشک [illegible] از هر یک ده درم گل گاوزبان و ابریشم خام از
هر یک سی درم کوفته بران باشند و گلاب و اب [illegible] دیگ و عرق بید مشک و آب
انجیر و اب ناسپاتی و آب [illegible] از هر یک یک رطل و اب جدا دان بقدر
ضرور بر روی ان کرده در قرع و انبیق نموده عرق کشند و در وقت عرق کشیدن
عنبر اشهب و مشک تبتی و زعفران از هر یک نیم مثقال بر دهان انبیق بندند
و یکمن و نیم طبی عرق از ان بر آورند و هر روز پانزده مثقال صبح و پانزده مثقال شام بیاشامند
ماء اللحم نافع از برای حمی یوم و استفراغی و غشی خوابی و از برای دق و نقیله با ان [illegible] باشد
اخلاطان یک من گوشت بز تازه بره و از چربی و استخوان جدا کرده و ورق نموده
کباب نیم پخته کنند و انرا در دیگ سنگی نمایند و گلاب سیب ترش و آب
[illegible] بران باشند و عصاره سیب و به برابر ان نهند و چندان با آتش ملایم
بگذارند که گرم شود و آب خود بگذارد و پس انرا بکفچه بردارند تا انقدر که روغن
از گوشت گرفته پس جمله گوشتها در دیگ کنند پس قدری کشنیز و آب لیمو تر

وانرا

واندکی نمک داخل کنند و دو سه جوش داده تا پخته شود و اگر طبع نرم باشد قدری صمغ
عربی و نشاسته بریان کرده و طباشیر سفید سوده با آن اضافه کنند و اگر قوت بسیار ضعیف گردد
مخصوص در وقت خوابانیدن بعوض آب میوه با شراب ریحانی کنند ماء اللحم که مقوی بدن
و ارواح است در وقت خوابانیدن قدری بوم استفراغی را نافع است اخلاط آن گوشت
بیست تا زه بزغاله شش ماهه فربه را از چربی و استخوان جدا کرده آب سیب شیرین
و آب به شیرین و گلاب بر روی آن کرده و زعفران و دارچینی بدستور عرق کشند
ماء اللحم از افراح مولف تقویت بدن و جمع قوتها نماید خصوص قوت باه که
بنهایت مقوی قوت باه است و باقیش از امراض را باصلاح آورد و بدن را
فربه کند و رنگ رخسار را نیکو گرداند اخلاط آن گوشت بزغاله شش ماهه یکمن سرخ
فربه قطعه قطعه سه قطعه گوشت پانزده قطعه از چربی و استخوان جدا ساخته
ورق کرده صندل سفید کشنیز خشک دانه هیل غنچه گل سرخ دارچینی از هر یک مثقال
کوفته بر آن پاشیده در پاتیل کباب کرده گلاب عرق بید مشک
آب آنار شیرین از هر یک دو من آب سیب شیرین دو من آب به
شیرین آب گشنیز عرق گاوزبان از هر یک یکمن داخل کرده عرق کشند
پس در آن عرق یکصد عدد سرخ سفید مصری از هر یک
بیست مثقال گل گاوزبان
از هر یک ده مثقال گل سرخ یکمن خطای از هر یک مثقال
ابریشم خام بیست مثقال دارچینی گذاشته بار دیگر عرق کشند و در
عنبر اشهب و مشک تبتی و زعفران از هر یک مثقال بر دامان نیند و آن

ماء اللحم مجرب است ماء اللحم نافع است برای ضعف بدن و ضعف قوی خصوص ضعف
قلب و از برای ورم رحم و عسر طمث و وجع رحم و در دفع آمدن حیض و این ماء الجبن
از مجربات سرکار نواب امیر الامرا بهادر به تجربه حضرت ظل الهی حضرت خاقان اعظم و
سلطان الاکرم محمد شاه گورکانی خلد الله ملکه و سلطانه بالیقین به تجربه رسیده نفع
بنهایت نموده از زنهای چندین ساله مرض را دفع نموده اخلاط آن گوشت
بزغاله فربه یکمن و چهار دانگ سیری مرغ جوان فربه دو دراج و پنجکو از هر پنج قطعه
مجموع گوشتها را از چربی و استخوان جدا کرده و رق نموده در دیگ نقره کباب نیم
خام نموده طباشیر سفید و کشنیز خشک یک دانگ خارخسک از هر یک دو مثقال و نیم توده الضنا عس دو
مثقال غنچه گل سرخ و گاوزبان از هر یک ده مثقال دارچینی دانه بس از هر یک
یکمثقال و دو دانگ کوفته داخل کرده عرق گاوزبان عرق بیدمشک عرق عنب الثعلب
عرق نیلوفر و عرق خارخسک و آب انگور از هر یک دو رطل و آب خالص بقدر ضروری
بر روی آن کرده عرق کشند پس برای عرق عنب الثعلب گل بنفشه از هر یک پنج مثقال
و نیم گل گاوزبان پنجاه مثقال گل سرخ تازه دو رطل و در وجینی بزر البقارس گل نسرین و
دربندی سوزنی کوبیده بکرات داخل کرده مرتبه ثانی عرق کشند و در وقت عرق
کشیدن عنبر اشهب و مشک تبتی و زعفران از هر یک یکمثقال در کیسه کتانی کرده
در ظرفی که عرق در آن میچکد یا عرق بران بچکد نافع باد ماء اللحم نافع از برای تقویت
معده اصحاب دق و حمی یوم استسقاء و نافعست از امراض حاره و قبلکه معده ایشان
ضعیف باشد گوشت بزغاله شش ماهه فربه یکمن طی جوجه مرغ و دراج از یک
یکقطعه همه گوشتها را از چربی و استخوان جدا کرده در دیگ نقره با آتش ملایم

لازم

زرشک
برگ گل سرخ وصل بید
لباب بستان تمام کرده سیب ترش عرعری و به ترش و گلاب و [illegible] برگ گل سرخ وصل بید
و گل سرخ از هر یک پنج من بغایت تازه و برگ تر نجمشک از هر یک چهار رطل شیر مجموع را
پاره کرده در [illegible] داخل کرده با [illegible] و عرق بید مشک و آب هندبا داخل
و آب طلا با اشتها بقدر ضرور [illegible] عرق کنند و هر روز [illegible] درم از آن بخورند
که مجموع را قوت دهد و بدن را غذا دهد و اگر حرارت غالب باشد و اسهال باشد
کافور قیصوری یک مثقال و طباشیر سفید و کشنیز خشک از هر یک پنج مثقال داخل کنند ماء اللحم بدن را
قوت دهد و رنگ را نیکو و فربه سازد و بدن را فربه گرداند و اصلاح ابدال آن تا معین
نمایند اخلاط آن حمل بره فربه چهار ماهه [illegible] تمام اجزا از چربی و
استخوان پاک سازند و ورق نموده در ده آب [illegible] از هر یک طعام و [illegible] از هر
یک [illegible] درم و [illegible] بادام [illegible] پنج مثقال همه را کوفته در آن اندازند و بجوشانند
و چون ثلث آب بماند دار چینی دو درم قرنفل یک درم [illegible] ده درم [illegible] و زیره [illegible]
از هر یک دو مثقال کشنیز خشک چهار مثقال داخل نموده مقطر نمایند و بعضی [illegible]
آب گوشت را بجوشانند تا یکمن بماند پس آن را پالوده بقدر ضرور از آن می [illegible]
و طریق اول از متاخرین [illegible] باشد [illegible]
اول خوبست زیرا که طریق دویم روز دویم فاسد میشود و طریق اول [illegible]
مانده فاسد میشود و لکن طریق دویم اولیست در منافع [illegible] پس بهتر است
که هر روز بعد از خوراک [illegible] از آن [illegible] بیاشامند و بعضی یک رطل سیب ترش
اصفهانی و یک رطل [illegible] را ریزه ریزه کرده [illegible] مقطر با [illegible] ملیح گوشت در ابدار
داخل میکنند و اگر یک رطل زردک را نیز ریزه کرده داخل نمایند بهتر است خصوص

از برای تقویت باه و اگر قدری عنبر در وقت عرق کشیدن بر دهان انبیق ببندند بهتر گردد

اقوی ماء اللحم که مقوی بدن و قوی بغایت خصوص قوت باه و این ماء اللحم بر ما بطریق مؤلف است که از اختراعات است که جمع نموده میان دستور فقرما و منافع حسن

افعلا ها ان بگیرند مرغ جوان فربه قطعه و دراج دو قطعه و از چرم و استخوان جدا کرده ورق نموده دارچینی و قرنفل و غنچه گل سرخ و زنجبیل و دانه هیل و فلفل از هر یک دو دانگ کوفته و زیره کرمانی و چای خطائی بر دو درست از هر یک دو دانگ کوفته و بدین طول بقلاب نموده بعد آنکه همه را بر ان پاشیده و دو یک تنه کرده کباب نیم خام نموده کبابها را در بالش مسی یا ارزینلقی ما یاس نقره کرده بالای آن سر طاس گذاشته طاس در میان دیگ کلان بیاورند پس در دیگ چو بخشی سه مثقال و جو نیم خال و بهمن سرخ و بهمن سفید و تفاح از هر یک یک مثقال و بر قلاب عرق بید مشک عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه از هر یک نیم من و نیم است خسانیده پاشیده زده بلمس طلی زرد دیگ رسیده از بری دو استخوان میان پاک کرده زیره نموده همه را در ان دیگ کنند و یک رطل گوشت بز خاله چهار ماهه آن بر زیره کرده در آن دیگ اندازند و در دیگ طاس عنبر اشهب تبتی از هر یک یک مثقال و مصطکی رومی یک دانگ که با پنج مثقال نبات سفید همه را بسا کرده پاشند بباشد و سر دیگ را بسر پوش قلعی یا ارزینه نموده بپوشند و اطراف آن را با خمیر بگیرند که بخار آن بیرون نرود و با آتش ملایم عرق کشند و چون دانند که طاس بر شد سر دیگ را برگرفته آنچه از عرق در طاس جمع شده باشد بگیرند و سرد کرده در شیشه کنند و کبابها را ابدا بیدار زند و پاره کباب تازه بیدستور بد کور در آن با آتش گداز زند و بدستور همه را عرق بکشند در عرق یک شبانه روز

افعال

عرق ها را بجای قهوه و آب بنوشند و از آن کباب ها کباب بلاد ساخته با دو پاره نان

همان کباب ها را برشته کرده با چلاو و نانها بخورند **ماء اللحم** از اختراع مولف بجهت

راجه شمبهل زیوان [?] که بهایت مقوی است و تجربه شده **افلاطان** یک چند گوشت

بزغاله چهار ماهه یکرطل و دراج جوان و فربه چهار قطعه کلاوک سه قطعه همه از چربی و استخوان

جدا کرده وزن نموده و دانه هیل صندل سفید و طباشیر سفید و غنچه گل سرخ از هر یکده مثقال

کوفته بر آن پاشیده و در یک تغاره کباب نیم خام نموده بحدی که گوشت رطوبت

پس دهد و رطوبت آن خشک نشود پس گلشکر تازه دو رطل گلشکر تازه نیم رطل

از نیم خام ربع رطلی صندل سفید بیست مثقال بهمن سرخ بهمن سفید مثقال مصری از هر

یکده مثقال گل تیکی و دارچینی که از بفارس گل مشکی و بنفشه گل سیوتی کوبند از

هر یک پنجاه مثقال دارچینی و دانه هیل لوا ساوج هندی از هر یکده مثقال گل گاوزبان

گیلانی بمن رطلی گل نیلوفر نیم رطلی خولنجان ده مثقال گل بید مشک تازه نیم رطل با دانه

ربع رطلی گلاب و آب نیشکر و آب انگور و عرق بید مشک و آب سیب

شیرین از هر یک یکرطل و آب به شیرین و آب امرود و آب انار شیرین و آب انجیر

ناب از هر یکده رطل ادویه را در این ابهاء تمام بخیسانند یک شب و روز دیگر

با گوشت زردک ریزه کرده در دیگ داخل نموده بر سر تنور مقرر عرق کشند و در وقت

عرق کشیدن عنبر اشهب مشک تبتی زعفران از هر یک یک مثقال سوده در ظرفی که عرق

در آن میچکد گذارند و هر دو پیاله بر سر خوردن از آن در دو پیاله تمام بنوشند **ماء اللحم**

از اختراع مولف **افلاطان** گوشت بزغاله فربه یکرطل مرغ جوان قطعه دراج

دو قطعه همه را از چربی و استخوان جدا کرده کباب نیم خام نموده گل گاوزبان گیلانی طباشیر

بنفشه گل سرخ از هر یکی ده مثقال گل نیلوفر تازه سی عدد و اگر تازه ان نباشد گل نیلوفر خشک
بمن رطلی بعوض ان کنند کاسنی تازه نصف رطلی صندل سفید سوده بمن رطلی
گل بید مشک یا بمن رطلی سیب ترش ریزه کرده یک رطل آب انار ترش دو وزن گلاب — گل بید مشک بمن
خوشبوی تازه رنگ منیا عرق بید مشک یکمن با دستور عرق کشند و در وقت عرق کشیدن هم مثقال
عنبر اشهب در ظرفی کرده در ان عرق کشیده شود و نگاه دارند یا عرق در ان چکیده بر ان که اخته شود
ماء اللحم دیگر — تا قریح برای نقصان باه و ضعف بدن و قوتها و تقویت معده اعضا ان
جوز بوا ~~...~~ ده مثقال قرنفل و دارچینی قاقله کبار و جوز بوا و بسباسه
و بادیان ختائی و گل سرخ و بهمن سفید و عشبه مغربی و صندل سفید و مصطکی رومی و زعفران
و کبابه چینی و اشنه و بهمن سرخ و زرنباد و سلیخه سیاه و شقاقل و خرفه و تخم کشنک و عود
هندی و تخم بالنگو از هر یک ده مثقال بوزیدان عنبر اشهب از هر یک مثقال مشک خالص
دو مثقال گوشت بره و گوشت مرغ فربه و گوشت کبوتر بچه آمده همه را از استخوان
جدا کرده از هر یک یکمن تخم گنجشک پنجاه قطعه عرق بادیان عرق بادرنجبویه
عرق بید مشک گلاب عرق گاوزبان و عرق بهار نارنج از هر یک دو من و آب بقدر
کفایت تمام این ادویه را در عرقها و آب بکشند بخیسانند و مشک و عنبر و مصطکی
و زعفران در پارچه کتانی بسته در جائی که عرق میچکد بگذارند و بدستور عرق کشند و چون
کشیده شود سرد کرده در شیشه کنند و در جای سرد نگاه دارند و هر روز سه پیاله بر سر خوردنی
از ان به ناشتا بیاشامند و در نسخه دیگر چنین آورده که اول همه لحوم را در عرقها عرق
کشند پس ادویه را در ان عرق خیسانیده مرتبه ثانی عرق کشند و در این مرتبه مشک و
عنبر و زعفران بر دهان پنجه ببندند یا در جائی که عرق در ان میچکد بگذارند ماء اللحم دیگر
زبیبی

که همین منافع دارد و سرد مزاجان را نافع است اطریفل مرغ جوان فربه دو
قطعه یکمن تبریز همه را از استخوان و چربی جدا ساخته و باید که گوشت بره نیز
استخوان و چربی یکمن باشند مجموع را سرد نموده دارچینی سیلانی و صعتر فارسی و عود هندی و سنبل
سیاه و عود الصلیب و قرنفل و مصطکی رومی و نانخواه و صندل سفید و خولنجان و زرنباد و جوز
بوا و بسباسه و دانه هیل کلان و زرنجس و سنبل الطیب و ساذج هندی از هر یک دو مثقال کوفته
بیخته باشند و یکمن نبات یکدانه زعفران و زرنجس با سه من تبریز گلاب و یکمن عرق بید مشک
و آب لیمو در باتیل بلا م عرق کشند عنبر اشهب نیم مثقال در جایی که عرق
میچکد گذارند و هر صبح ناشتا ... بعد از آن خوردن باشد اطریفل که علاج
مصلح مزاج ناقهین از امراض بارده است و خفقان و غشی سست رود مزاج را
... و زنگ را سرخ و نیکو گرداند و تقویت قوتها نماید و مقوی باه است و دراز
نماید امراض رحم زنان موافق است و این نسخه از افراح محمد بن زکریا رازی است
اطریفل گل بابونه و پوست ... سنبل الطیب و ابریشم سرخ و بهمن که
دارچینی سیلانی و شقاقل مصری خولنجان و درونج و زرکی و خرفه و بقله و زرنجس و مشک
طرا شیع و سورنجان و ... و کشنیز خشک ... سفید و فوه الصباغین ... زربانی
از هر یک استار گاوزبان و بادرنجبویه و فرنجمشک و ... و گل سرخ و بادر ... و مسک
و ساذج هندی حشیشه الثعلب و صندل سفید و عود قماری خام و ... بادیان
خطائی و پوست اترج و انیسون و تخم ... و خار خسک از هر یک دو استار ابریشم
خام و بلیله کابلی منقی از هلیله و بلیله سیاه از هر یک پنج استار و بعضی از اطبا
ماء اللحم پانزده استار چوب چینی نیز داخل نموده اجزا را ... نیم شبانه روز ...

که مثل تسبیح نشود و با بیت بخیسانند بعد از آن عرق کشند پس بگیرند مغز بادام مغز مقشر و مغز فندق
مقشر و مغز پسته مقشر دانه ابو مقشر و مغز فندق مقشر و مغز حب الخضرا و مغز بادام جبلی مقشر و مغز
تخم هندوانه و مغز کدو و مغز تخم خربزه گردگان و انجدان و مغز پنبه دانه و حب الرشاد و
مغز حب الصنوبر و مغز دانه مقلی که حلی بهندی قیس گویند و کتیلی نیز گویند و تخم خشخاش و
حب الفلفل از هر یک ده و استار سفید را کوبیده نرم صلایه نموده سر جوش سهم شود خرما
منقی از نوی و موز منقی از حب گشنیز و انجیر زرد و خوبانی منقی از نوی از هر یک ده و
دستار کیرنت نر خرمه دو راس بر عنابه نیست تیح راس هر عضو دو راس
ابهت جوان بکر اس کوشناس فربه بی عیب بکر اس بازان فربه قطعه گوشت
دیگر لج یکصد قطعه سنگخوار و سمانی و سلوی از هر یک یکصد قطعه کبوتر نو به پرواز آمده و
ماخی یکصد قطعه تیهو کنجشک ترحالی ترا رفطو ماهی پاره سه من شاه که نیم من شاه جهانی شش من
سیر نیز باشد بز گاو و باره دو سفید و یا بز گاو میش هر کدام که باشد شش من شاه که تخمین
شاه جهانی باشند گل مشکی که آن در دهلی حرف ورد انقض گویند و بهندی
سیوتی نامند شش من شاه خوبی که بابتقیه گویند و از میوه ترخون سیب و شفتالو حل
و انار و امرود باشند از هر یک یکصد عدد نیز است میوه‌ها را پاک نموده از
پوست و دانه و گوشتها از احشا و امعا و پاچه و از چربی و استخوان پاک نموده
ورق کرده میوه‌ها را ریزه نموده و گوشتها را در زر دل را از ریشی و استخوان آنچه در
وسط آنست پاک کرده همه را بریزند با گوشتها مهر اشوبند بعد از آن عرق کشند و
آن عرق را با عرق اول ممزوج کرده نگاه دارند و در وقت حفظ آن در مرتبه دوم الفقر
جزو و طلا داخل نمایند و مشک و عنبر پنجه به هر بیند ماء اللحم زردک که بهاییات

نوبی

بقوت باه است و بدن را قوت دهد و فربه گرداند و رنگ را سرخ و نیکو سازد اخلاط ان

وزن ده سیر شتابجهانی دارچینی گل سرخ گاوزبان بهمن سرخ گوزبوی شقاقل مصری زنجبیل

از هر یک توله بهم کوفته گلاب عرق بیدمشک عرق گاو و از هر یک دو سیر آب ...

نیم من شتابجهانی بر روی ان کرده عرق کشند پس حب جینی اعلی چهل توله گل سرخ و دارچینی

و حضیض الشعیب مصری شقاقل و قرنفل و بسباسه و ابریشم خام و تخم کدر از هر یک دو توله

گل گاوزبان سه توله و صندل سفید عود قماری و ماهی‌شیر اعرابی و اشنه و بهمن سرخ

بهمن سفید از هر یک یک توله مصطکی رومی پنج ماشه جدوار خطائی یک توله و سه ماشه مشک تبتی

خالص و عنبر اشهب از هر یک شش ماشه ادویه را بهم کوفته سوای مشک و عنبر و زعفران در

دیگ کرده ظرف مذکور را بر روی ان کرده گوشت بز مسمن گوشت بزغاله بیست

از هر یک یازده استار شتابجهانی مرغ جوان فربه پنج قطعه کبوتر نو پرواز آمده پنج قطعه

گنجشک نر جای پنجاه قطعه دراج و سنگخوار از هر یک پاره قطعه همه را از چربی و استخوانی جدا

کرده و رشته نموده دران اندازند و عرق بهار نارنج و عرق گاوزبان و عرق بادرنجبویه

از هر یک پنج سیر شتابجهانی داخل کرده عرق کشند و بعد رفت مشک و عنبر و زعفران را در

پارچه کتانی بسته در دهان نیچه یا در جائی که عرق در ان میچکد ارند مقدار شربت عظیم المنافع

است تفریح اورد و نشاط افزاید و تقویت قوتها نماید خصوص قوت باه

را بنهایت نافع است و رنگ را نیکو و سرخ گرداند اخلاط ان قند سیاه بیست

استار شتابجهانی دار خود است باشند عوض قند سیاه خرما یا مویز گیرند پوست

درخت مغیلان پنج سیر همه را در خم کرده بقدر ضرورت آب بر روی ان کرده خم را در

سرگین اسپ در جای گرم دفن کنند دیگر اندازند که جوش خورده و از جوش فرود

صح در نسخه اصل [illegible]

نشسته بنشیند پس از صافی نموده عرق کشند و آن عرق را با نه سیر گلاب و از هر یک از عرق
بید مشک عرق گاوزبان پنج سیر در دیگ کرده گوشت بره یا چهار بزغاله بیست
بره کلان کباب نشده ده سیر مرغ فربه بیست قطعه و کبوتر سیر و از آن جمله پنج قطعه و گنجشک زرد الکی
یکصد پنجاه قطعه پاک کرده از رگ و اعصاب و چربی و استخوان همه را جدا کرده گوشتها را ورق
کرده کباب نیم خام نموده در عرق با که در دیگ کرده داخل نموده عرق کشند و در آن عرق
چوب چینی ابطی بقدر ده مثقال گل گاوزبان و بادرنجبویه از هر یک پنجاه مثقال دارچینی
سنبل الطیب ~~عود~~ زرنباد بسباسه قاقله کبار و بهمن و بادیان خطائی و صندل
سرخ و صندل سفید و زعفران و جوزبوا و کبابه چینی و عود الصلیب و اشنه و سلیخه سیاه
سیاه و شقاقل مصری و زرورد و زرشک فرنگمشک از هر یک ده مثقال تخم کشوث پنج مثقال
عنبر اشهب مشک تبتی از هر یک چهار مثقال ادویه را سوای عنبر و مشک و زعفران نیم کوفته
در عرق مذکور یک شبانه روز خیسانیده روز دیگر عرق کشند و در وقت عرق کشیدن
عنبر و مشک و زعفران در پارچه کتانی بسته بر دهان نیچه بندند و یا در یک طاس که عرق
در آن میچکد اندازند و پیش از طعام سه تا لیقه قهوه خوری از آن بیاشامند و اگر خواسته
باشند صبح بر ناشتا بیاشامند و بعد از طعام شام بیاشامند ماء اللحم از اقراح مؤلف تفریح
تمام آورد و مقوی بدن و اعضا است و امراض بارده را نافع است و سرد مزاجان
را بنهایت نافع است چنانکه از شاهزاده ها بسبب سوء مزاج بارد و امراض بارد
منعقده عارض گردیده بود و مدتی ... فاروق به شدگان ... اصلاح
مزاج ... ماء اللحم ... چندروزی که نوشیدند
مزاج بمرتبه تبدیل یافت که دیگر محتاج به تسخین نشدند بلکه احتیاج به تبریدی شد ماء اللحم

مزاج

هویج سرخ ده سیر قند سیاه یکمن و نیم پوست درخت مغیلان بیست سیر لوف هلیله کابلی
یک سیر املهٔ منقی و بادیان از هر یک نیم سیر برگ تنبول و کبابه چینی از هر یک بالصد عدد و خولنجان
مصری و دارچینی از هر یک نیم توله تفاح و بذر رازیانج سفید و لفت زردی از هر یک دو توله بهمن سفید
زرد ناریج پوست زرد ترنج درونباد و انیسون از هر یک پنج توله گل سرخ بیست
توله نانخواه دو توله ملح هندی دو توله همه را نیم کوفته یکجا کرده در خم نموده بقدر ضرورت آب
بر روی آن کرده خم را در سرگین اسب دفن کنند و در جای گرم بگذارند که خوب جوش خورده
و از جوش فرونشسته برسد پس از انبیق عرق کنند پس این گوشت [illegible] لو
برچهار ماهه یا بزغاله فربه هرکدام که باشد ده سیر مرغ فربه دو قطعه دراج مسمن
قطعه کبک جوان هفت قطعه سنگخوار که ترا هندی لوه گویند پانزده قطعه کبوتر نو پرواز
آمده و کروانک از هر دو قطعه کنجشک نر جاکی پنجاه قطعه همه را از احشا و امعا پاک
کرده و چربی و استخوان همه را دور کرده گوشتهای خالص را فرق نموده دارچینی و بسباسه
و کشنیز خشک و صندل سفید و قرنفل و عود قماری خام و عود الصلیب و صعتر و گل سرخ و زیره کرمانی
و جوز بوا و نانخواه از هر یک توله کوفته بر آن پاشیده در دیگ نقره کباب نیم خام
نمایند پس آن کباب را در دیگ کرده عرق مذکور را بر روی آن نموده گلاب
و عرق بهار نارنج و زردک زبره کرده و سیب شیرین ریزه نموده و سفرجل شیرین
پاک کرده از هر یک پنج سیر داخل کرده بجوشانند تا مهرا شود پس بخور آن را
عرق کنند پس آن عرق را بر روی دارچینی و کشنیز خشک و ساذج هندی و بسباسه و
جوز بوا و پسته و سنبل الطیب و بهمن سفید و بهمن سرخ و صندل سفید و دانه هیل بوا
و صعتر و گل سرخ و قاقله و خولنجان و گل سرخ و زیره کرمانی و نانخواه و برگ فرنجمشک اذفر

یک بیضه توله نیم کوفته یک شب در عرق نیلوفر خیسانند و روز دیگر عرق کشند عنبر اشهب مشک و

و زعفران از هر یک تولهٔ سوده در پارچهٔ کتانی بسته بر دهان انبیق بندند یا در یک

جا به عرق در آن بپیچد گذارند دوا المسک از افراج کمترین حکیم معتمد الملوک علی نقی خان

محمد شاهی عظیم المنافع است از امراض بارده و مقوی قلب و جمیع اعضای

رئیسه و گرده است و خفقان و غش بارده و ضعف باه از برودت رافع نهایت

مفید است و مجرب است اعمالش گوشت بره ملک چهار ماهه یا گوشت بزغاله

فربه از استخوان و چربی جدا کرده یکمن بوزن شرع فربه سه قطعه دراج چند قطعه سنگخوار

که از اندرون لوده و لعوی فسطاها کوبند یک قطعه مرغ خانگی و یک قطعه کبوتر

خانگی بپرواز آمده یک قطعه سیمرغ از چربی و استخوان جدا کرده ورق نموده در پاتیل لغره

کباب نیم خام نموده بس دارچینی سیلانی و سلیخه سیاه و عود هندی و عود الصلیب

و رازیانه و دس و قرنفل و مصطکی رومی و خولنجان و زرنباد و سنبل الطیب و جوز بوا و بسباسه

و بسفایج فستقی از هر یک یک مثقال اجزا را نیمکوفته در دل اضل کرده بقدر احتیاج آب

بر روی آن کرده عرق کشند و در قیت عرق کشیدن عنبر اشهب دو مثقال مشک تبتی

یک مثقال بر دهان انبیق بندند دوا المسک از افراج علامة العلما السید واحد ماجد مؤلف

میر محمد هادی قدس سره نافع از جمیع امراض بارده خصوص امراض بارده اعضا و رئیسه

و خفقان و غش بسبب برودت اعمالش گوشت بره چهار ماهه فربه از چربی و استخوان

جدا کرده یکمن بوزن شرع مسمن و کبک جوان از پر کنده و قطعه سنگخوار جانی نیست تیهو

قطعه کبوتر بچه پرواز آمده سه قطعه سیمرغ را از چربی و استخوان جدا کرده نیم کوفته دارچینی

و سلیخه سیاه و عود هندی عود الصلیب و صمغ فارس و قرنفل و مصطکی رومی و بادنجویه

و انیسون

وصندل سفید و خولنجان و زرنباد و جوز بوا و سنبل الطیب و سلیخه و دارچینی و بسباسه و
هندی از هر یک یک مثقال و در نسخه دیگر از هر یک دو مثقال است و زنجبیل دو مثقال نیز داخل است
و مشک داخل است نیم کوفته بر کوبیده بیاشند و یک شب بگذارند باشند
نیز در گلاب و یکمن بید مشک که گاه گل دور کرده در اینها خیسانیده باشند و آب بقدر
ضرور عرق کشند و در دست عرق کشیدن عنبر اشهب و مشک خالص از هر یک دو دانگ بر
دهان شیشه بندند ماء اللحم از افراح مولف که عظیم المنفعه است در قوت اعضاء
رئیسه و قوتها خصوصا قوتهای قلب و قوت باه اخلاط ان گوشت بزغاله چهار ماهه
سیر نشده دو رطل ربع در نسخه دیگر راح چهار قطعه سنبلحو است قطعه هر یک از بز جدا و
استخوان جدا کرده و ورق نموده گشنیز خشک غنچه گل سرخ از هر یک دو اوقیه بهمن تخم
اوقیه صندل سفید دو اوقیه بر آن پاشیده در دیگ نقره کباب نیم خام نموده
در گلاب و عرق بید مشک و عرق گاوزبان و عرق صندل از هر یک دو رطل
آب سیب تبرزد آب بادیانی از هر یک یک رطل آب زردک و آب شنبلیله
از هر یک پنج رطل داخل کرده عرق کشند پس بر آن عرق گل گاوزبان و گل سرخ و
ابریشم خام از هر یک ربع رطل و صندل سفید و دارچینی و دارچینی گشنیز خشک
از هر یک دو اوقیه نیم حل کرده یک شب بگذارند و روز دیگر عرق کشند و در دست عرق کشیدن
عنبر اشهب و زعفران از هر یک یک مثقال مشک تبتی نیم مثقال بر دهان شیشه بندند ماء اللحم
عظیم المنافع از برای منافع نسخه قبل داروی از آن بیشتر است در ادویه اخلاط ان گوشت
بزغاله چهار ماهه با زغاله سیر نشده هر کدام که باشد خالص از استخوان و چربی دو رطل مرغ مسمن
و قطعه سنقو از هفت قطعه دراج چهار قطعه مجموع را از چربی و استخوان پاک کرده و

ورق نموده و ابریشم و صندل سفید و بهمن سرخ و بهمن سفید و شقاقل مصری و خولنجان و
زنجبیل و ساذج هندی و کشنیز خشک و غنچه گل سرخ از هر یک سه درم گل گاوزبان پانزده
درم پران باشیده در دیک نقره نیم بریان کرده پس گلاب و آب زردک و عرق
بیدمشک و آب سیب شیرین و آب ناسپاتی و شیشه شکر از هر یک یک رطل بر روی
آن کرده عرق کشند عنبر اشهب خالص و زعفران از هر یک چهار دانگ صرفی در پارچه کتانی
بسته با در طاس که عرق در آن میچکد بگذارند و چهار رطل عرق بگیرند و دو اوقیه و نیم
صبح ~~...~~ اوقیه و نیم شام بیاشامند نافع باشد ماء اللحم که در امراض اقوی از هر دو نسخه
قبل است اخلاط آن گوشت بره برغاله فربه دو رطل ثمن دو قطعه قنطار که آنرا
بفارسی سنگچوره و بهندی لوه گویند هفت قطعه دراج فربه چهار قطعه گنجشک
خانگی پنجاه قطعه همه را از استخوان و چربی جدا کرده و ورق نموده پس ابریشم و صندل
سفید و بهمن سرخ و بهمن سفید و شقاقل مصری و ساذج هندی و کشنیز خشک و گل سرخ از
هر یک دو مثقال و نیم گاوزبان هفت مثقال و نیم کوفته پران باشیده یک شب بگذارند
و روز دیگر با آب این ناب و گلاب و عرق بیدمشک و آب زردک و
و آب سیب شیرین و آب امرود و آب شیشه شکر از هر یک یک رطل عرق کشند و
دفعت عرق کشیدن عنبر اشهب و مشک تبتی و زعفران از هر یک یک مثقال
در پارچه کتانی بسته بر دهان بنجه بندند یا در طاسی که عرق در آن میچکد بگذارند
دو دفعات از آن صبح و دو دفعات شام بیاشامند ماء اللحم ضعف و خفقان
و ضیق النفس و سهر را سودمند است اخلاط آن گوشت خروس فحل
گوشت کبک هفت قطعه در دیک نقره کباب هم سرشته بجدی که

باب کبیر دادن و آن خشک نکرده پس گلاب عرق گاوزبان و عرق
دارچینی از هر یک پاو سیر آن نموده عرق کشند پس عرق را بر روی گل گاوزبان
گیلانی دو پاو در بخچه از هر یک دو مثقال دانه هیل و رازیانه و اصل السوس و تخم کرفس
جوز الطیب و قرنفل و دوغا خشک و گل غافث و سنبل الطیب از هر یک یک مثقال کرده
یک شبانه روز بخیسانند و روز دیگر عرق کشند و در وقت عرق کشیدن عنبر اشهب
و مشک تبتی از هر یکچهار دانگ بر دهان نیچه بندند یا در رطبانیر یا در ظاس اگر
عنبر بوکس و طاس عرق کشند شربتی ده درم باب الحمار ... حکمت
شما را ده عالی بیمار نالیدند شفا شدند و مجرب است نهایت مقوی قلب و
جمیع اعضاء رئیسه ذکر کرده است خفقان بارد را نافع است ...
گوشت بزغاله یا بزغاله فربه که از چربی و استخوان جدا کرده باشند ده سیر نیم چهار پای
گوشت مرغ فربه و گوشت دراج از هر یک و قطعه گوشت سنگخوار که آنرا
بهندی لوه گویند پنج قطعه گوشت کنجشک بیست قطعه کبوتر نو پر دوازده
پنج قطعه همه گوشتها را از چربی و استخوان جدا کرده ورق نموده در ... بقره
کباب نیم برشته نموده آنقدر که آبی پس نماند خشک شود پس دارچینی
و سلیخه و مساوه و عود هندی و عود الصلیب و اسطوخودوس و قرنفل و مصطکی و نانخواه
و خولنجان و زرنباد و جوز بوا و سنبل الطیب و بسباسه و دانه هیل و ساذج هندی از هر
یک نیم دام شه همه را نیم کوفته داخل کرده آب بقدر حاجت بر روی کرده عرق
کشند و در وقت عرق کشیدن عنبر اشهب بکتوله و مشک تبتی بقدر ماشه شد و در زمان
نیچه بندند مرقیه ... الطبع ... فقط و ... اوقیة واحده تلخ

با عندلك وقد لم من الجاي ويبرين الشبث البطيخ الى ان يعلى ويجرح
الزيدبم يطرح عليه لب حب القرطم المدقوق قدر او فيه يحسى فانها نلين الطبع اقرص
اخرى يوخذ بسفايج اربعة مثاقيل ويسحق ما عماد بيرعلي مرقبة وحاجبت الى ديكرم
ويبرب بسهل خلطا سوداويا ولا ينبغي ان يعرض السقمونيا في المرقبة والا ان
يطرح منه فيها لسبب وقد جربت فوجدت جبارا في الغاية فلدين صفيف
مداه المرقد نسخة اخرى يوخذ بسفايج محكول برصوص سه دراهم والفرفي جرقبة يتال
لطيفة مبحلة السرم البقري وتكرم حدا اعدالبعاد بسفط ويدبج ويحوو
كرفسا رطبا وسدا انا ويخالطه ويطرح في القدر بع السفايج ويطرح ظما
شعا جبث السهري ويحسى المرقد فانه يلين البطن السوداوي وينفع من الربع
والماليخوليا والامراض السوداوية فصل در معاجين بدانكه حكيم مومن كفته كه هرچه
متضمن تعديل وتلطيف وتقطيع وتفتيح وتسمين وجلا وحفظ صحت وتحليل باشد
انرا معجون نامند وهرچه ازانجمله مشتمل بر ادویه كسر و والي جنه باشند ودت
مديدا از مزاج تنقيه انرا كبير گويند وعكس انرا صغير وانچه موجب انعاكس حرارت
غريزي وتفريح وتقويت ويوران قوى وارواح باشد كه باعث سرور ارد
انرا مفرح گويند ونيز در تركيب معاجين تنبيهي است كه در زبان مذكور شد بايدكه
بعسل سرشته شود ودر فصل زمستان عسل سه وزن ادويه ودر تابستان
دو وزن ادويه گفته اند كمتر ازان جايز نداشته اند وبعضي عسل را بوزن ادويه
در بعض تراكيب داخل كرده اند واكثر اطبا در همه وصول سه وزن ادويه عسل قايل
اند خصوصا در معاجين كبار چه غلبه عسل مانع تعفن وموجب امتزاج ونفوذ قوتهاي

ادویه است در اعتبار و قبول طبیعت مر او را در حافظ قوت روان است و سبب آنکه کیفیت
عقل را در مزاج معاجین اعتبار کرده آمد که ظاهر است و نزد حکما اولی است که در مزاج
ادویه اعتبار کرده شود و صاحب تذکره گوید معاجین اعظم مرکبات است بحسب قدر و منزلت
داخل مقویات بحسب نفع و صحت و زیاده بر همه مرکبات است تدخل اینها در مداوای
و اصبر از همه مرکبات بر مرور زمان چه مشتمل است بر چیزی که حافظ قوتهای ادویه است
و اول معجونی که اختراع شده مشهور آنست که از یونان است و نام کتاب اول مثرودیطوس
است یا صنوطرا یا مولف دیگر که بسبب عدم استیفا از آن افزوده آمد درین ادویه دیگر
چنانکه مشهور است که با فنفسا حب الغار و زراوند را از تریاق و معجون ساختند پس زیاده کردند
در آن مانند مرصافی و خیطانا را از برای سموم من میگویم او خبر اقوال منقول است که
دو بیده شده در کتب یونانی که ارسن مر انسیه مر با فلن را بادروج و طین ارمنی معجون
ساخته داو یکسی را از جانوری سمی گزیده باشد و ارسطو مر امیه احدی که از حکمای یونان
آقدم است پس آگاه این معجون را ساخته باشد چه تحواد علا انیتون گر دیگر غیر این معجون زا اول
مرکبی باشد و بدانکه باشد که حاصل شود دگفاءت معاجین از عوارضها از مرکبات
دیگر چه معاجین است یا مقطع و منضج و عالی مفتح و حادث اخلاط انداز اعماق
و مخرج آنچه در عرق است و این مسهلات است با سر حرارت غریزی و منعش قوتها
و حامل ارواح آید و رسانید کمال ثابته از جهت امداد روح و کس اینها مانند نطق و
حفظ و فهم و فکر و وهم با تعدیل قلب و دلاوران آن تا احداث سرور روح و المفرحات
آید یا متضمن فایده تعدیل اندرا الفاصحت است با دو صحت را ایله بسبب
انجری که لازم دارد حفظ صحت را و ازاله مرض را انضم و تحلیل و تعدیل و تلطیف

و تفریح طبیعت و تمریح و تفسیح و نسیان و جلاد و تصفیه و امثال و غیره اینها که از خواص در یک
میشود و این معجون با و بار اند و هر معجونی که مسمی مشهور است با آن اسم در موضعش یاد کرده
ایم و آنچه بلفظ معجون نیست در اینجا ذکر کرده میشود و بدانکه جامع از برای بسیار معاجین
نیست که جامع اینها عسل باشد چه با دو عسل کلهای مختلف مشتمل بر منافع بسیار است و هر سه
یکی را انکبوسه که در اظهار چنانکه منافع است مضار نیز میباشد زیرا که هیچ دوائی نیست
که در وی نفع و ضرر نباشد مگر عدو لو لو و طلا پس اگر منافع از نیز با عسل باشد مضار از نار
با آن نیز خواهد بود چه تحلیل با مرارت نیز رعی النفع بدایت باشد و دیگر حق تعالی فرموده که
فیه شفاء للناس پس ورود بیت است تنقیص کردن اقدمیت این زعفران و بودن جام
این در معاجین کبار و باید که وزن عسل سه برابر مجموعه ادویه باشد خصوصا در معاجین
کبار و اجبا اغشا مفردات از اجود و تفریح آن باید کرد و ضبط صالح جیده نقده باشد
بر نسبت مطلوب چنانکه در مفردات تفصیل ذکر شد پس اگر در اینها مراعات مناسب
کواکب نیز کرده باشد پس اهم است و اما مسهلات مخصوص آن پس باید که مراعات
کرده شود در اینها اختلاف جنس و بلاد مراکج و زمان و نوبت و غیره اینها که تفصیل
در باب استفراغ مسهلات ذکر کرده ایم و اما مفرحات پس گاهی زیاده کرده میشود
در اینها آنچه ذکر شده و اکثر دواهای محلول معدنی و اگر ممکن نباشد حل کردن اینها
باید که سحق بلیغ نمایند و آنچه مسحوق باشد محلول باید کرد و باید اخلاق دوائی با مسهل
در وقت لذاختن ممزوج نباید کرد مفرحات را بمسهلی خصوصا مسهلی قوی و بجز آنکه
بحرکت می آورد سودا را اگرچه از برای دفع سودا باشد زیرا که بجا رصد تفریح ا
پس باطل میگرداند فعل مفرح را آنکه مفرح نیز معنی اطلاق کرده میشود و اشرف اند

الکن

رازیانه از هر یک یکدرم و نیم رب خیارشنبر تخم کشوث مصری یعنی سنا مکی از هر یک هفت مثقال اگر خواهد در باده
اختراق مثل مداء الثعلب و الداء الخبیث مثقال کنجد مقشر سقمونیا از هر یک چهار مثقال خرد کنند
گل سرخ سپست مثقال و در نسخه دیگر زنجبیل چهار درم داخل است کوفته و بیخته روغن بادام
شیرین چرب کرده بعسل مصفی سرشته نافع من اوجاع النقرس و المفاصل
و الاوجاع مراض البلغمیه سفوف ترمسان ابیض مصری سنبه دراهم لوز بدان و ما سرخ و فسود
اصل الاذخر و کمون کرمانی و شیطرج من کل واحد درهم و نصف بلیله اصفر سنبه
دراهیم و برر الکرفس و برر الرزیانج و صمغ فارسی و ملح هندی و فلفل ابیض و سقمونیا
مستوی من کل واحد بلعاب دراهم ابیض سکر خمسه عشر دراهم تنخل علی الدکند الشربه مثاقیل
نماید مسهل صفرا و بلغم باشد زرد هلیله چرا شیده بروغن بادام سرشته سرخ خربق سیاه دو درم
گل بنفشه شش درم نمک هندی رب السوس از هر یک هفت درم رازیانه افتیمون
مصطکی رومی از هر یک پنج درم سقمونیای مشوی ده درم عسل خیارشنبر یکصد درم قند سیاه
و عسل را در هم گداخته صاف نموده خیارشنبر در آن داخل کرده باقی ادویه را
کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کرده بشیره شکر معجون سازند شربتی از پنج مثقال تا
هفت مثقال نافع باد مسهل صفرا است مغز خربزه مغز بادام مقشر قند سفید از
هر یک سی درم سقمونیا مشوی دو مثقال و نیم فانید بیاز در آب حل کنند و ادویه را
کوفته و بیخته با آن سرشته نسخه دیگر اسهال و بلغم کند تخم حنظل چهار درم مغز حب القرطم
مغز بادام شیرین از هر یک پنج درم سقمونیا سه درم مصطکی حب النیل از هر یک یکدرم کثیرا
دو درم با عسل معجون شربتی یک مثقال زرد هلیله بدر بنفشه ده درم و چهار دانگ
غاریقون سفید هفت درم مصطکی رومی گل سرخ اسطوخودوس افتیمون گل بنفشه

خشک از هر یک ده درم و نیم پوست هلیله کابلی از هر یک پنج درم بسفایج انگور ریاد برنجویه
تربد سفید بی کنار زعفران سقمونیا از هر یک ده درم و چهار دانگ همه را کوفته و بیخته
بحلاب سکری بسرشند شربتی پنج درم نافع باد هلیله سیاه پوست هلیله زرد
منقی از هر یک ده درم تربد سفید مجوف سه درم غاریقون حرق سیاه از هر یک
مثقالی بسفایج فستق افتیمون اسطوخودوس از هر یک پنج درم سقمونیا پنج درم عسل
مصفی سه وزن ادویه بسرشند معجون نسا نهد صفرا و بلغم دور کند مغزیادام مقشر
مغز حب القرطم قند سفید از هر یک ده درم سقمونیا مشوی چهار درم قند را در جلاب
بپزند و مغزها را نرم بسایند سقمونیا را نرم کوفته بیخته همه را با هم بسرشند معجون
بلند سبح نهانی کاتبی یسهل البلغم والصفرا و یحل القولنج سکر ابیض و ترنجبین منقی
دقلوس خیارشنبر من کل واحد وزن خمسین درهما فسیح عشرة دراهم مصطکی خمسة دراهم
تربد ابیض وزن عشرین درهما لباب و برلود تقشیر عشرة دراهم رب السوس خمسة
دراهم الشربة اربعة مثاقیل الی عشرة دراهم معجون مسهل یسهل الصفرا والبلغم
نسخه تربد ابیض مدبر وزن عشرین درهما سقمونیا دراهم لباب القرطم وزن
عشرة دراهم سمسم مقشر و نورجیل مقشر من کل واحد ثلثة دراهم سکر سلیمانی عشرة
دراهم یدق الجمیع باعماد یعجن بعسل منزوع الرغوه و یلقی فیه الزعفران و ابن
الشربة خمسة دراهم الی ستة دراهم فی السحر نافع معجون مسهل یخرج الرطوبات
من المفاصل والبلغم من المعده و بعض الاعضا من الاخلاط نسخه ایارج
فیقرا و افتیمون من کل واحد اوقیه غاریقون ابیض نصف اوقیه شحم الحنظل دراهم
و نصف یجمع هذه الادویه منخولة و یعجن منزوع الرغوه و یرفع فی اناء الشربة

وزن درهمی

وزن درهمين نمارجا معجون السفرجل المسهل الصحيح يصلح المحرورين في الصيف نسخة
سقمونيا درهمان ونصف تربد ابيض مثقوب بدهن اللوز عشرة دراهم لب حب الخيار
ولب بزر القرع الحلو من كل واحد خمسة دراهم ورد احمر وطباشير ابيض من كل واحد
درهمان ونصف ترنجبين ومنقى حسنون درهما عصارة السفرجل قدر ما يحل فيه الترنجبين
يوما وتعجن فيه الادوية بعده عشرة شربات اذا اريد به القبض الطبيعة انما تلين الطبيعة
بمقدار اخراج الثفل فتلك الشربة او ربعها يسهل الصفرا والبلغم معا ويلين الالية ويصلح
لمن يصعب عليه شرب الادوية الكريهة معجون سقمونيا مشوي بسمسم مقشر مشوي لب اللوز
١٠ الحلو المقشر لب القرطم من كل واحد ثلثة مثاقيل سكر طبرزد عشرون مثقالا زعفران
درهمان يجمع هذه الادوية مدقوقة منخولة وتعجن بالعسل الشربة منه درهم الى ثلثة دراهم
معجون يسهل طبخت الراحة عكر به الطعم نسخة تربد ابيض مدبر بسمسم مقشر وسكر سليماني
من كل واحد جزء يجمع بالعسل مدقوقة الشربة خمسة دراهم معجون الخسيس يسهل الصفرا
والبلغم ويحل القولنج نسخة ربع عسيح اربعون درهمان سقمونيا عشرون درهما اصل السوس
المقشر عشرون درهما ورد احمر منزوع الاقماع كثيرا خمسة دراهم بزر الرازيانج خمسة
دراهم عشرة دراهم زعفران درهمان ونصف سكر طبرزد ماية درهم عسل مصفى
ماية درهم يطبخ السكر حتى يقوم ثم يصب عليه العسل وتخلط به الادوية مدقوقة
منخولة الشربة اربعة دراهم الى خمسة دراهم معجون الفسيح يسهل الصفرا والبلغم
ويحل القولنج نسخة تربد ابيض اربعون درهما سقمونيا سبعة دراهم بزر الفسيح ثلثون
درهما ورد احمر منزوع الاقماع عشرة دراهم بزر الرازيانج بزر الانيسون من كل واحد خمسة دراهم
زعفران درهما ونصف سكر طبرزد وعسل من كل واحد ماية دراهم يذاب السكر ويقوم

و تخلط به العسل و الادویه السریا جمیعه دراهم معجون ملین فی کل وقت بحجم المصحح
نسخه لب القرطم ثمانیه دراهم افتیمون درهم حب النیل المقشر ثمانیه دراهم بدرق ماعما
و یعجن بعسل معجون نفیع من النقرس و وجع المفاصل من البرودت نسخه بزر البنج
و فانا عما ما خنی لصبر کابل الهیم و یعجن به لباب القرطم بالجمله موکل منه کل غدوه
قدر بندقه فلادن معجون جاوید الحیات اعضای رئیسه را قوت دهد و حرارت
غریزی را برافروزد و بلغم را تحلیل دهد و ریاح را بشکند و در معده اثر نافع بود
و هضم طعام نماید صفت آن پوست هلیله کابلی دارچینی جوزبوا سازج هندی از هر
یک یک جزو فلفل دو جزو دار فلفل چهار جزو زنجبیل هشت جزو پوست هلیله زرد
شانزده جزو پوست بلیله سی و دو جزو امله شصت و چهار جزو نانخواه دو چند امله
کمون کرمانی دو چند سونیز دو چند کمون کرمانی بر دو جزو اجزا را که شبانه روز در خل
نفت ترکرده بگذارند پس خشک نموده چنانچه ملایم بود دهند و مجموع را کوفته
بیخته با سه وزن مجموع عسل مصفی معجون سازند و بعد از پانزده روز استعمال نماید
شربتش از درمی تا چهار درم باشند معجون ابو الطیف برای تضعیف خون و
امراض دموی و قوت معده انهار نافع بود و قبض بگشاید صفت آن
زرشک منقی و الوغدات تمام و کشنیز خشک و سرکه انگوری از هر یک
سی درم مرجان شش درم و تخم کشنیز و هلیله سیاه و تخم خرفه مقشر و کیک
شعر از هر یک چهار درم بنفشه و تخم کاهو و تخم گل سنبل صندل سفید سوده و طباشیر
از هر یک سه درم مصطکی شکر بالا از هر یک یک درم و نیم نبات سفید یکصد و شش
درم سبح دوای اول را مو سرکه انگوری در چهار رطل آب یک شب بخیسانند و

صبح

صبح بخورند تا شانند و چون ثلث آب بماند صاف نموده همه را با آن بسرشند و معجون نمایند
قدر شربتش از دو درم تا چهار درم با آب گرم معجون فایق منقول از شفائی این معجون
از جالینوس است و نزد ایشان عظیم حمید الفعل است و صالح است از برای کسی که نتواند
ادویه مسهله را خوردن و اسهال بلغم و اخلاط لزجه و اخلاط محترق از سودا و صفرا کند
و صداع و خفقان و مالیخولیا و وسواس سوداوی و اوجاع صدر و معده را
دور کند و ریاح غلیظه را ببرد و آن معتدل است و ناگرم است در اول و قوت
آن تا یکسال بماند و حفظ صحت کند و شربتی از آن تا چهار مثقال است صفت آن
زبد سفید نه درم بادام شیرین سنبل الطیب از هر یک پنج درم سقمونیا چهار درم قرنفل
مصطکی رومی عود هندی جوز بوا دارچینی و زنجبیل از هر یک یک درم شربت سیب
اسارون دو درم ادویه را کوفته بیخته شربت سیب را بقوام آورده ادویه را با آن بسرشند
معجون سازند و قومی زیاده میکنند درین معجون مغز حب القرطم پنج درم پس میباید
بعینه معجونی که در اکثر کتب باسم معجون نوری مسطور است نسخه او و گفته که یکی
نیست اگر زیاده کرده شود و درین معجون افتیمون سه درم و فاقله دو درم و طباشیر
سفید دو مثقال معجون نوری از مخترعات است و معلوم نیست صاحب آن
و این معجون دوای ملوکی است و کراهت طبعی برد و اسهال بلغم و صفرا کند
و تلطیف اخلاط است و نافع است از برای ... سوداوی و ریاح و غلیظ و سعال
صفت آن سکر سفید پنج درم بادام شیرین مقشر ده درم ... پنج درم ... زعفران
بکدازند مغز حب القرطم سقمونیا مستوی از هر یک ده درم مرتب نموده بکار برند شربتی تا یک مثقال
معجون تمر هندی و از امعجون خیارشنبر گویند که مغنی خیارشنبر است این معجون را اسم هندی

معجون فایق برای مسهل

... از ادویه ... از اصل ...

ذکر کرده و مولف ان معلوم نیست لیکن معجونیست نیکو از برای امراض صفراوی و بلغمی و
استعمال این صالح است از برای مرطوبین اصالةً و از برای محرورین بالعرض بسبب آنکه
دفع میکند خلط حاد را و نافع است از برای کوفتهای حار و دفع میکند درد کام و سقف و نزلات
و از برای اوجاع صدر و لیکن این معجون کرانست بر معده و میکذرد از معده و مضراست
بمعده های سرد و سزاوار است که استعمال کرده شود و بعد از ان سکنجبین حل کرده با آب کرم
جوشانیده باشند و در ان خطمی و رازیانه و بسبب آنکه و زبان بمشهور شده نزد اطبا مصر معجون
لوزی و این معجون بهتر است از ان و خوردنش کمتر است و قوت این معجون
تا ده و بسیار باقی می ماند شربتی از ان از نیم درم تا ده درم است صفت آن حلوس
خیار شنبر بلبله ده درم حل کرده شیر نیلوفر و زبد بنفشه از هر یک چهل درم سقمونیا پانزده درم رب السوس
پانزده درم و نیم نمک هندی شش درم و نیم انیسون مصطکی رازیانه از هر یک ده درم این
نسخه سمرقندیست نسخه داود و گفته که این نسخه صحیح است هرگاه که بوده باشند طفلان
و یا لبر و بلغم در ماده مزاج اهل مصر و اما در بلاد مزاج اهل بلاد سقمونیا را و چند
این وزن کنند و از برای مانند مزاج اهل جنبه یا کلیه سقمونیا را حذف کنند و بنفشه
را زیره کنند و از برای مردم اندلس و الطاکیه تربد را بیست درم
و سقمونیا را بیست درم کنند و از برای مردم عراق سقمونیا را ده درم کنند و بنفشه ده درم
تربد و اگر باج بار ده بیار باشند داخل کنند تا این معجون از هر یک از بلیل بوا
زنجبیل بوزن مصطکی این بود کلام شیخ داود و معلوم است که نیست از کلام
او فایده بجز سوای اظهار غرض و بالجمله او به را کوفته بیخته خیار شنبر را در آب
کرم خیسانیده بمالند و بیالایند پس بگیرند عسل یکصد درم شکر بوزن آن و هر دو را

نمر ... کرده بقوام آورند قوامی بسیار غلیظ پس چهار برابر آن را داخل کرده اندکی دیگر بجوشانند
و با شمس بگذارند که قوت آن زایل نشود و دوا دو به زا بان سرشته نگاه دارند معجون
که تقطیع اخلاط بارده و فضلات بلغمیه کنند و رنگ بشره را صاف کند و نیکو
گردانند و صاحب ارشاد گفته که مجربست از برای انواع برص و گمان این است که
از ترکیب ابن ماسویه باشند و جنس المفرد است و مستعمل از آن تا پنج درم است ۳
و زر متوالی پس بعد از ترک خوردن باید نمود پس عود کرده در مرتبه دیگر تا برا نیست که ابتدا
کرده شود تا استعمال آن وقتی که باه در نقصان باشد صفت آن بلیله کابلی امله
منقی افتیمون دو دو از هر یک پنج درم فرفیون دارفلفل از هر یک چهار درم جوز بوا عاقرقرحا شیطرج
هندی از هر یک دو درم عسل ثلثه وزن ادویه دستور معجون سازند معجون نسبه الکند نافع
است از برای جمیع امراض بدن و وجع ظهر و کبد و هضم میکند غذا را و نافع است
از برای کسانی که مرض ایشان از طول انجا مبرده باشد و در رنگ ایشان تغیر یافته باشند و از برای
استسقا و علتهای مفاصل و رعشه و ثقل پای و در جمیع فصل استعمال میتوان نمود صفت آن
اسطوخودوس ... او فیه غاریقون چهار مثقال زعفران و سلیخه و زراوند و مصطکی رومی
و ریوند چینی و اسارون و فنطوریون دقیق و عود بلسان از هر یک دو مثقال ربعی سنبل هندی
دو مثقال کوفته بیخته بعسل مصفی سه وزن ادویه سرشته معجون سازند معجون شیخ داود
گوید که این معجون موجب استغنا از فصد است و نافع است از برای هیجان
دم و انتشار او در عروق و کسالت و ثقل بدن از زیادتی خون و شدت حمره بشره
و میگشاید منی محتبس را و نافع است از برای جمیع امراض دموی و صالح از برای کسی که
عمر او از ده گذشته باشد تا چهل سال و موافق آن نسبت نمود و احوالات نشود

بپزند و شربت آن سه مثقال است و قوت آن تا هفت سال می ماند و آن بارد است در درجه
دوم معتدل است در رطوبت و یبوست ولیکن مهیج زکام میکند بسیار خوردن
آن و مصلح آن عسل است صفت آن عناب زرشک منقی سپستان از هر یک یک رطل
سماق نیم رطل همه را در پنج رطل آب و دو رطل سرکه انگوری بجوشانند تا بربع رسد پس صاف
کرده و شکر داخل نموده بجوشانند تا بقوام آید پس از آتش برگرفته کشنیز خشک
طباشیر سفید صندل سفید تخم کاهو گل بنفشه گلسرخ هلیله سیاه از هر یک نیم اوقیه مصطکی
کهربا از هر یک سه درم کوفته و بیخته بآن سرشته در ظرف چینی نگاه دارند معجون دیگر
منقول از قرابادین شیخ داود گوید که این معجون را تجربه کرده ام و یافته ام جلیل القدر
و عظیم النفع در اسهال اخلاط محترقه از اقسام صفراوی کند و قطع حکه جرب و صداع
و سعفه و بثور و سرسام و اورام حاره و یرقان و خفقان میکند نافع است
برای سقوط شهوت و باه را افراط میکند بسبب آنکه حفظ حرارت در باطن
بدن و نافع است از برای انواع حمیات و عطش و التهاب است و دفع اکله و بثور حاد
سینه و جرب آنها میکند و نافع است از برای مبادی جذام و هر علتی که از صفرا باشد در
صالح بجهت علت از برای کسانی که عمر ایشان از بیست گذشته باشد تا به پنجاه سالگی
و نافع سرعت انزال است و این معجون بارد است در اول درجه سوم رطب است
در درجه دوم صفت آن صبر سقوطری سقمونیا از هر یک شش درم گل بنفشه سنا مکی
رب السوس از هر یک ده درم گلسرخ تخم کاسنی تخم خرفه مقشر فنطوریون دقیق از
هر یک ده درم هلیله زرد هلیله سیاه هلیله چینی سنبل الطیب از هر یک شش درم غاریقون
درونج عقربی بهمن سرخ مرجان حجر مخرق از هر یک چهار درم ادویه را سوای صبر و سقمونیا
کوفته بیخته

کوفته و بیخته صبر و سقمونیا را در یک رطل آب سیب و آب سفرجل و آب انار و گلاب حل کرده
پس بگیرند شکر پنج من مجموع در پاتیل پاکیزه کرده بر آتش ملایم نهند و حرکت دهند
و اندک اندک این آبها را بر روی ریزند تا قریب بانعقاد رسد پس ادویه کوفته بان بسرشته
نگاه دارند و شربتی در تابستان یکمثقال و در زمستان دو مثقال و در هند نصف مثقال مطلقا
و در روم جایز است تا سه مثقال و قوت آن تا یکصد سال باقی می ماند معجون دیگر از
شیخ داود که گوید که تا بیست سال در تجربه که این معجون را تجربه کرده ام که این معجون جامع
اسرار و جلیل المقدار است خلاصی میدهد بدن را از زیادتی بلغم و امراض بلغمی مانند
لقوه و فالج و کزاز و رعشه و نقرس و عرق النسا و مفاصل و بردی معده و کلیه و استسقا
و جذام و خراج و ریاح و مغص و فسا و غیر آن از شهوت طعام و شهوت باه و سموم قتاله
نباید از استعمال بکنند این معجون را کسانی که عمر ایشان بیست سالگی از برای مردم
در زمستان و این معجون گرم است در آخر درجه سوم خشک است در آخر درجه
دوم و قوت آن تا بیست سال میماند و شربتی از آن از برای پیران در زمستان
دو مثقال است و از برای عکس این هم مثقال است و در ربیع یکمثقال و در حر نیم
یکمثقال و نیم و نفع میدهد طلا کردن آن پس تحلیل میدهد زبل و ورم و خربانی و مانع
روز معده است صفت آن ریوند سفید غاریقون اصل السوس تربد از هر یک سه اوقیه
زنجبیل عاقرقرحا از هر یک یک اوقیه و نیم سورنجان تخم کرفس تخم جرجیر دارچینی مقل سنبله
خولنجان افتیمون برگ سنا از هر یک یک اوقیه زعفران فلفل سفید حب الصنوبر
دار فلفل زرنباد قسط ابیض لک مصطکی از هر یک نیم اوقیه جندبیدستر جوز بوا عود هندی
قاقله کبار سعد کوفی کندر بالنبر اسفند بسباسه تخم شبت دار از هر یک سه درم کوفته بیخته

عسل مصفی سه وزن ادویه در یابیس با کنیره برانش ملایم بنهند تا سیقه آن بکشند بعد از اب فرو برکند بس با اب آرنش گرم حل کرده باشند در آن تسم ادویه تنهو نیا و بجوشیدبا نیلا تا بقوام آید بس از آتش برگرفته سرد کرده ادویه را بان بسرشند بعد از آنکه ادویه را بمسکه گاو خالص چرب کرده در ظرف چینی یا ... نند و بعد از شش ماه استعمال نمایند نیز است که بوده باشد عمل آن در اول سرطان معجون دیگر از شیخ داود گویند از برای دفع سودا و آنچه حادث میشود از سودا از امراض مانند مالیخولیا و سوداکس و ماننبا و سبابات و جنون و صرع و ... و قرانیطس و جذام و سعفه و جذام و سعفه و ریختن موی و داء الثعلب و داء الحیه و بهق و کلف و ... و نفس و سنفاق و امراض طحال و بواسیر و سکافه نیز و فساد شهوت و سرطان و حسا ... خوردن آن و مانند نافع دیابیطس استعمال کنند این معجون را که مانی زعفران آن از حد بسالای منیجا و باشند و مصر مطلقا و مقدار ... درم بنده حبشه بات بوزن درم درم و تخم یا مار العسل و درجلب آن نیز بار داز برای جذام آن نیز باید ... بوده باشد با آن سرفا نیند و وقت ترید این عوارض باماء العسل و روغن بادام شیرین و این معجون گرم است در اول درجه دوم رطب است در آخر سیوم و قوت آن تا ملکت سال باقی میماند پس ناقص میشود قوت آن با آنکه حافظ شود قوت آن و شربت آن دو مثقال است از برای کهول و قصل ... در مرور ربیع در مصر یا وزن باید که استعمال کرده شود و قیاس کنی ... آن به فصول سنه آنچه سابق ذکر شد صفت آن افتیمون افریطی بسفایج ... شربت شاملی از هر یک ... درم حب البان فیق حب الصنوبر حب تنبا ... از هر یک یازده درم غاریقون ورق گلسرخ صندل سرخ تخم ختمی ... قنطوریون

فیطوریون هلیله نفشه از هر یک نیم درم افتیمون بادیانه مصطکی صمغ صنوبر کندر اسفید نشاسته
از هر یکی نیم درم زرنباد چهار درم لاجورد و حجر ارمنی باهم باید که هر یکی از این دو شسته باشند ضعف وزن
ان دیگری خاک لکوی که مغسول باشند عود الصلیب مرجان زراوند کبر یاسمین از هر یک
سه درم کوفته بیخته هفت مرتبه در گلاب و عرق بید مشک عرق بید ساده خیسانیده
خشک کرده پس بیارند سه وزن ادویه نبات سفید و حل کنند بمیل آن شیر تازه گاو
در ماتیل پاکیزه کرده بقوام آورند پس از آتش فرود آورده تصفیه آن کنند باد در هر گلاب
حل کرده هشت قیراط ... ادویه را بان سرشته در ظرف چینی نگاه دارند و بعد از
شش ماه استعمال نمایند و گفته که این چهار معجون کافیست در باب قطع اخلاط از
برای غالب آنچه ذکر شد و فضله سبب یک خلط باشند پس هر جا که وارد شود
بدن اگر کسی که بوده باشد مرض او از دو خلط و زیاده از دو خلط تا انتهای ترکیب
اخلاط پس باید که مراقبت از این چهار معجون هر یک که وفا کند بانچه حادث باشند
از امراض بحسب درجه و زمان و مکان **معجون برکی** نافع از برای بواسیر و ضیق النفس و
درد بواسیر و درد حلق و فالج حب القرع و مخرج ان است **صفت آن** زنجبیل
سفید محکوک سه درم بلیله کابلی املهٔ منقی ترنجبین کابلی از هر یک یکدرم فانید بوزن
مجموع ادویه فانیذ را در آب انداخته ادویه را نرم کوفته بان سرشته معجون
سازند شربتی از چهار درم تا ده درم با آب ... این ترکیب ... جزو است
و وزن ... مزاجش گرم است ... خشک است در دو درجه
معجون جوزی نافع از برای مره سودا و مره صفرا و بلغم و جمله اخلاط بارده و مقوی
معده است و نافع است از برای قولنج و ریاح و اشتهای طعام آورده قوت

دهد بر جماع صفت آن بسفایج بسفنج سقمونیا زنجبیل سفید خراشیده از دو جنس ده درم جوز

کرده دار فلفل از هر یک شش درم عاقرقرحا تخم انجره تخم اقش یا تخم اسپست هر یک ده درم زرنباد از هر یک بیست درم

از هر یک یک درم قرنفل جوزبوا زرنب از هر یک دو درم فلنجه یک مثقال حب المحلب مقشر دو درم

نبات سفید زعفران و سقمونیا از هر یک شش درم ادویه را جدا جدا کوفته سوای زعفران

و سقمونیا و نبات سفید را و زعفران را انجیره مخلوط کنند در هم خلطی و محکم و سرشته باید و درین

ونیم ادویه عسل مصفی همه را در ظرف چینی نگاه دارند شربتی قلیلی دو درم و نیم تا نیم

درم این نسخه چهار ده جزو است و فراخیش گرم و خشک است در درجه دوم معجون

که منقی بدن است از رطوبات و رعشه و فالج و جمیع امراض را که از مواد بلغمی

و رطوبات غلیظ باشند نفع دهد صفت آن فلفل قرنفل سنبل رومی سعد کوفی

زنجبیل کابلی بقدر جوزبوا از هر یک یک مثقال حب النیل شش مثقال تربد دو درم

بسیار طریز از هر یک بیست چهار مثقال عسل مصفی بقدر کفایت بدستور معجون سازند

شربت آن بجهت صاحب رعشه و فالج یک مثقال در آب گرم و بجهت استفراغ

رطوبات پنج درم با یکصد درم و در نسخه صاحب دخیره دار فلفل و دار چینی از هر یک

یک مثقال داخل است این پانزده جزو است مزاج گرم است و خشک و اوایل

درجه سوم معجون طلا حکیم الملک اوستادی بجهت حضرت ظل الهی اورنگ

زیب عالمگیر ترتیب داده حضرت میخوردند صفت آن منقول از خط حکیم

الملک مرحوم عنبر اشهب و مشک تبتی و مروارید ناسفته از هر یک یکتوله بعد

بیخ و یاقوت رمانی و زمرد از هر یک یکتوله و شش ماشه ورق طلا

محلول و آنچه شربت فواکه در شربت سیب و شربت انار شیرین از هر یک

بیخ اطلی

ربع رطلی نبات سفید یک رطل زعفران دو مثقال عسل سفید مصفی دو تولچه عرق بید یک
یک من نار حلاب آشنا روغن گل [illegible] گاوزبان یک من اجزا را صلایه کرده عسل و ربوب را
با عرقها بقوام آورده بدستور معجون سازند خوراک یک مثقال معجون طلا حکیم ابو ریحان بر
حکیم داود ذکر کرده حضرت اشرفی [illegible] شاهجهان ترتیب داده و حضرت منجور [illegible] منقول
از خط حکیم مغفور صفت [illegible] ورق طلا محلول یک تولچه و ششماشه عنبر اشهب یک تولچه و
سه ماشه نبات سفید [illegible] دو دام مشک خالص چهار ماشه عسل مصفی نیم دام [illegible] سیب
چهار دام گلاب یک آثار و نیم بطریق مقرر معجون سازند خوراک نیم مثقال تا دو
مثقال میتوان خورد و گفته اند عظیم النفعت معجون که نافع از برای سلس البول
و از برای سیلان ارحام و ضعف قلب و دماغ و ضعف گرده و مانع کثرت
انزال منی و ودی و مذی مردان و زنان است باذن الله عزوجل صفت آن
از کهربا شمعی دو مثقال پوست بلیله کابلی و بلیله سیاه و کافور [illegible] از هر یک دو مثقال
و نیم [illegible] بلوط چهار دانگ [illegible] چهار دانگ زر الفقد حب الآس از
هر یک مثقال در گلاب جوشانده با تو ده عسل مصفی بیست مثقال داخل کرده بقوام
آورده [illegible] معجون سازند شربتی یک مثقال تا دو درم معجون طلا حکیم
عماد الدین محمود حسنی شیرازی افلاطون عود قماری دو مثقال سنبل الطیب و
سعد کوفی از هر یک دوازده مثقال عنبر اشهب دو مثقال مشک تبتی یک مثقال ورق
طلا و ورق نقره از هر یک سی عدد بدستور مقرر معجون سازند و بعد از دو ماه که مزاج
گرفته باشد شربتی یک مثقال تا دو درم تناول نمایند معجون [illegible] نفعت تسکین
وجع مفاصل و نقرس و تسکین دردها و جهت منع حادث شدن درد مفاصل

و نقرس و از برای تبهای کهنه و وجع طحال و ریاح غلیظ و قولنج و لقوه و سکته و
حصاة کرده و مثانه و عسر نفس و سرفه و قروح امعاء و بادیکه بسیم و اوجاع عصبی و خنق
هرگاه دو روز بخورند حفظ بدن میکند هرگاه تناول کنند از زهرها و امراض
صفت انقرواساغیت بنسخه تخم سداب بری و فراسیون و اسقوردیون و کمافیطوس
و جاوشیر و حسطالهای رومی و اسطوخودوس و فودنج از هریک پنج مثقال
مرصافی زعفران و قسط تلخ و فلفل سفید و اذخر مکی و سنبل الطیب و فرفیون و زوفا
بیخ لفاح و زراوند و فوذنج کوهی تخم رازیانه تخم کرفس تازه و افلیطن و سنبل
رومی و گل سرخ خشک مقروع و لذ و حب بلسان از هریک سه مثقال دارچینی
شش مثقال سلیخه یک اوقیه عصاره غافث و کاشم و بزر خندقوقی و صمغ عربی
از هریک چهار مثقال افیون و بزر البنج سفید از هریک شش مثقال ادویه را کوفته
بیخته آنچه حسابی بوزنی باشد بجشانند بشراب سفید صاف و ان اصلی است
یا مجموع با عسل یا ... عسل مصفی مجموع را بعسل کف گرفته سرشته
در ظرف چینی کرده نگاه دارند صاحب الطبایع گفته که این ترکیب بیست و دو عدد
جزو است مزاج گرم است در آخر درجه اول و خشک است در آخر درجه دوم
و در منهاج الادویه چهار مثقال اضافه نموده و در نسخه دیگر مثقال سفید صاف
منهاج اضافه کرده و در نسخه حکیم مومن در کجه افیون یک مثقال نسخه صاحب منهاج
اضافه کرده و وزن سلیخه را شش مثقال آورده و گفته که بعد از شش ماه
در وقت حاجت استعمال نمایند شربتی یکدرهم با آب گرم و بخته سنک کرده و با
آب گرم و رازیانه بخته در معده کند بکار الاصول و بخته در مفاصل و نقرس

بلند را یک جو

بقدر نخودی بعد از قبل از طعام با آب گرم معجون قدرت منقول از خط میرزا نور الدین
بن میرزا محمد رضا ولد حکیم سلیمان موسوی در اکثر امراض بلغمی کثیر النفع است نسخهٔ آن
فلفل سفید بیست و دو مثقال زرانبیج سفید قردمانا کندر از هر یک دوازده مثقال سلیخه
رومی برگ سداب از هر یک بیست مثقال دار فلفل قسط تلخ زراوند مدحرج فرفیون
پوست بیخ لفاح از هر یک سه مثقال ادویه را با اطریلون معجون مسازند هر شب بقدر نخودی
و بحسب مزاج تناول نمایند طریق ساختن نوعی کرفت بجهت معجون قدرت بکار برند
کرفت را قدری که خواهند ظرف مس را از آن پر کرده و پارچه کرباسی که تو تابند
بر سر آن ظرف بندند و کرفت را در میان آن پارچه ریخته ظرف مس دیگر را
پر از آتش کرده بر روی کرفت بگذارند که آنچه لطیف باشد آب شده داخل
ظرف کرده بعد از اتمام بردارند که پارچه نسوزد آنگاه داخل معجون قدرت نمایند
معجون فودنج منقول از خط سلیمانی موسوی صفت آن فلفل سنبل الطیب
فودنج کاشم نانخواه افتیمون سونیز از هر یک سه درم کندر کفنار فارسی از هر یک
شش مثقال عسل مصفی دو وزن ادویه ترکیب نمایند معجون فلاسفه از آن
بجهت الحیوة نامند صاحب تذکره گفته که در اصل تألیف سه ماجیس صاحب
تریاق کبیر است و فلاسفه اطبای متأخر از افزوده اند بعضی ادویه دیگر
پس نیکوتر کرده و تألیف است از حکیم موسی گفته که مولف این آن زرو حسین قدیم است
نافع است از برای امراض بارده چون فالج و لقوه و درد مفاصل و جمیع امراض حادثه
از بلغم و برودت و نافع است از برای ضعف باه می افزاید در منی و مهیج باه است
نافع است از برای وصول بلغمی و چون قریب بهضم غذا خورده شود قوت میدهد

معده را بر دفع فضول و مسکن و محلل ریاح و فضول غلیظه است از برای ضعف معده و هاضم و مقوی
و مشهی و مقوی ماده است و زایل میکند قولنج را و مفرح و نشاط می آورد و مقوی نفس است و
دور میکند تشنگی و بیرون میکند بخار را از آنکه موجب دفن آنها بخار بارد و رطوبت متعفنه شده
باشد و مقوی باه و ادراک و حفظ و فهم است و زیاده میکند و زیاده میکند حفظ و ذکر
را موجب ذکاء و عقلست و نافع است از برای ضعف کبد و ازاله یرقان سددی و
استسقا میکند و گرم میکند گرده و مثانه را و دل را قوت میدهد و درد گرده را
زایل میکند و سنگ را روا میکند و مقعدت حصاة گرده و مثانه و بول و تقطیر البول و
سلس البول است و جمود و لزوجت اینها باشد موجب حصو آنها میشود و دفع آن بار را
دایم میکند و نفع میدهد از برای بخر و موجب الطلاق و فصاحت لسان میگردد و صاف
میکند صوت را و تفتیح سده های مصفات میکند و باین سبب موجب تقویت قوه
سامعه میگردد و مزاد و جلا طلو حاضره و حفظ را از رجوع آن و منع شیب میکند
و ظاهر میگردد فعل آن از برای کسی که مداومت میکند و آن حار است در اول درجه
سیوم یابس است در آخر درجه سیوم و نیست از برای مشایخ ساکنین نواحی صقالبه و
کسانی که در مزاج ایشان بلغم بسیار باشد بمزاج معجون ترکیبی است چنانکه صاحب
در جامع الجوامع تصریح نموده بان و این معجون اشتغال معده رطوبت و بلغم میکند
و حفظ ابدان از آفات سرما میکند و بیرون شان متغیر است محرورین و صداع می
آورد و محرق اخلاط است و مصلح آن ترنج تازه و دوشیده است و سکنجبین سکنجبین
شربتی از آن دو مثقال تا چهار مثقال است بر اختلاف توفیر اسباب برود.
شیخ رئیس گفته که شربتی از آن بر بر حال مثل جوزه صغیره است و در نسخه دیگر آورده
که شربتی

که تیزهنی از ان دو درم است و قوتش تا چهار سال باقی می ماند صفت این نسخه
قلقل دار فلفل زنجبیل
و دارچینی و کندر و بلیله و آمله و حب الصنوبر و سطرح و بابونه این دو جزو اصل است
که مدار آن از عهد سوماچس بر ان بوده تا آنکه تصرف کرده اند در ان اطبای
عرب و عجم پس رازی پوست نارنج بران افزوده از برای آنکه گرداند نفع ان
در تسکین سوء هضم و تحلیل ریاح اعظم و شیخ حب البلبل افزوده نفع عظیم کرده نفع
ان از برای خفقان و استسقا و زرداب شیخ زیاده کرده اند جمعی زراوند
مدحرج و حصیة الثعلب این همه بملاحظه زیاده شدن نفع ان از برای الحافظ و
زیادتی منی و حرکت ان و مرزانجر از برای تصفیه منی و تهییج ان و کنند مقشر از
برای ازال کلف و بسیاسه و جوزبوا از برای خوشبو ساختن نکهه و قطع رطوبات
سایله و با لجمله اجزای اصولی و فروع همه سیاه دی باشند کوفته بیخته عسل منزوع شده
وزن ادویه سرشته معجون سازند و گویند که شیخ رئیس در قانون زیاده کرده است
و بعضی از سراج طعن نموده اند برای سبب آنچه در قواعد ذکر شد صفت این
معجون نسخه قانون شیخ رئیس فلفل و دار فلفل زنجبیل و دارچینی و امله و بلیله
و سطرح هندی و زراوند مدحرج و عود و بابونه و مغز حب الصنوبر کبار در نسخه دیگر
مغز نارجیل و سورنجان یعنی حصیة الثعلب نیز داخل است از هر یک اوقیه تخم بابونه
نیم اوقیه مویز سرخ است بیرون آورده ۱۲ اوقیه مجموع را کوفته بوزن مجموع عسل
یخته صاف کرده بقوام آورده عقاقیر را بان بسرشند در نسخه دیگر عسل
دو وزن ادویه است صاحب اختیارات گوید که بعضی تخم رازیانه نیم اوقیه اضافه

کرده باشد **معجون نرجس** نافع است از برای زحیر خون آشامیده شود از این وزن
دو ثلث درمی با آب سرد و از برای وجع کبد با کلف و از برای حمی با آب نیم گرم
و از برای درد معده سرکه ممزوج با آب و از برای درد گرده بحجر ممزوج و از برای
سایر اوجاع و خناق با آب نیمگرم و اگر با اینها تب باشد با طلای ممزوج و از برای
نزف الدم تقدیم با طلای سرکه کهنه ممزوج و از برای وجع خاصره مثل این و در اعتقال
امعا و ریاح با طلای عسل ممزوج و از برای درد سر … و جنون چون در شب
بخورند بعد در استعمال با … بیاشامند با شراب ممزوج و از برای گزیدن
مار با آب ترنجبین بیاشامند و ضماد کنند بر آن موضع بسیع و نافع است از
برای سموم قاتله هر گاه با آب … بنوشند و بچه گزیدن سگ دیوانه چون
با شیر و بو دار بنوشند در حال و اضع این ترکیب نیست که تجربه است منافع آن
صفت آن فلفل سفید و بزر البنج از هر یک پنج استار زعفران و افیون از
هر یک ده استار فرفیون و ساذج و عاقر قرحا و کوت پنج لفاح و فحم … سندان
و سلیخه و سنبل الطیب و تخم کرفس از هر یک شش استار عود بلسان سه استار
عسل بکف گرفته بقدر کفایت معجون ساخته استعمال نمایند چنانکه
وصف شد این نسخه چهارده جزو است و گرم است در سیم درجه و خشک است
در دوم جزو نیم **معجون طین رومی** این تلمید گفته که بعضی گفته اند این ترکیب جالینوس
است و ثابت چنین پس … از من … این … دیده ام که استاد
ابن الفراط است شیخ داود گفته که من ندیده ام این معجون را در قرابادین
رومی و نزد من آنست که ندیده باشد از الفراط طبیب و تا جمله نافع است
از برای

از برای سدام و جماعت و ضعف کرده هرگاه از حرارت باشند و قوت ان دو سال میماند

و شربتی از ان با مثقال است صفت ان الفنجه طی هشت درم الفنجه ازبیت چهار درم

طین رومی حب النغار از هریکدو درم سیطانا زراوند خرج تخم سداب مر بسیانی از هر یک

[illegible] از هریکدرم کوفته و بیخته بعسل مصفی سه وزن ادویه سرشته معجون سازند

معجون قسط نافع از برای صداع و شقیقه و نزلات و اوجاع صدر و ضعف معده و بسیار

امراض بارده و قوت ان دو سال باقی میماند شربتی از ان با مثقال است

و از برای تحلیل ریاح و تفتیح سده ها باید که با ماء العسل بیاشامند صفت ان

انیسون تخم کرفس مر صاف اسارون از هریک بیست چهار درم اذخر سی و شش درم

زراوند بلند بیست درم قسط سنبله ریوند چینی از هریک پانزده درم زعفران

چهار درم کوفته و بیخته بعسل مصفی سه وزن ادویه سرشته سازند معجون قسط بنحو [illegible]

این معجون را دوای قسط نیز نامند گفته که این معجون [illegible] نافع است از برای

معده و کبد صفت ان انیسون و تخم کرفس از هریک ده درم اسارون بیست درم

دارچینی و سنبله و قسط از هریک [illegible] درم فقاح اذخر مرصافی از هریک بیست چهار درم

ریوند چینی ده درم زعفران هشت درم [illegible] شراب بجوشانند و

صاف کنند و باقی ادویه را کوفته بیخته معجون را بعسل مصفی سه وزن ادویه

سرشته معجون سازند این نسخه دو بجزو [illegible] و وزن ان دو بیست و پنج درم

دارچینی کرم و خشک است دراز [illegible] نسخه دیگر قانون ریوند چینی داخل

[illegible] صفت این معجون بنسخه منهاج الادویه انیسون تخم کرفس اسارون

از هریک [illegible] درم دارچینی پوست سلیخه از هریک پنج درم فقاح اذخر

مرصافی از هر یک سی درم عیدان سلیخه زعفران زراوند مدحرج راوند چینی از هر یک
بیست درم عسل سه وزن ادویه سرشته معجون سازند **صفت معجون قسط نسخه صاحب**
غادی صغیر دارچینی قسط تلخ از هر یک نیم درم افسنتین تخم کرفس اسارون از هر
یک سه و سه درم کوفته بیخته بعسل صاف کف گرفته سه وزن ادویه سرشته شربتی یک مثقال **صفت**
معجون نسخه منهاج الادویه قسط تلخ مرصافی لفاح اذخر اصل اذخر از
هر یک سه درم دارچینی سنبل سلیخه از هر یک نیم درم افسنتین تخم کرفس اسارون
از هر یک سه درم عیدان سلیخه زراوند مدحرج هر یک بیست درم مر را در شراب
حل کرده باقی ادویه را کوفته بیخته و همه را با سه وزن ادویه عسل مصفی سرشته **معجون**
منقول از منهاج البیان که از اوستاد الفراط است نافع است از برای فالج
و لقوه و خدر و استرخا و دافع رطوبات غریبه است و صالح است از برای مبرودین
و مشایخ و مردمان فربه صلاحی عظیم و محلل ریاح است و مجفف قروح است و ازاله
میکند جرب و قوبا و نمش و اوجاع مفاصل و ظهر را هرگاه از رطوبت باشد و نافع است
از برای جمیع استسقا و از برای ضعف باه و از برای سموم و قطع میکند صداع قدیم را
خوردن آن و طلا کردن بآن هر که در روغن بسط سر بعد از تراشیدن سر و از برای کری
و درد و بای گوش چکانیدن آن در گوش با روغن بادام نافع از برای کری و درد بای
گوش مانند روغن بلسان و از برای درد دندان مالیدن آن بر دندان و از
برای دمه باد و غی که در آن شب قی نجمت باشد و باید که استعمال کرده شود و بعد از آن
روغن گاو و نیز برای طحال امراض کلیه با آب زر نخته باشند و در این نسخ کرده قرحا
در امراض طحال و با آب زنجبیله باشند بوده بیدی در امراض کلیه و از برای انواع
اوجاع

گرم با باب بوشب ایارج بیری داز برای بواسیر با حم عسی واز برای ضعف کبد و معده و امراض
این دو عضو با ماء العسل در بار رود و با ماء الجبن در حار و این معجون مضر است با صحاب
حرارت و مصلح ان شیرابست و باید که در تابستان استعمال نکنند این معجون را
مگر کسانی که استیلا داشته باشند بر مزاج ایشان برودت وقتی که بوده باشند مقدار شربتی
از ان دو مثقال است وقتیکه اسباب برودت وفور داشته باشند بجهة انکه این معجون
گرم و خشک است. در درجه ثالثه و بکمال است در غایت عدم وفور اسباب حاره و
قوت ان تا ده سال باقیست و بعد از شش ماه استعمال باید کرد **صفت ان** دار فلفل
بذر البنج از هر یکده درم فرفیون زعفران سلیخه حماما افیون اقاقیا قسط تلخ سنبل الطیب
صمغ عربی تخم خیار تخم الحره مغز حب الخروع مقل ازرق کندر سماق دلوکریت زرد زرنیخ
فلفل سفید ورق گل زرد عاقرقرحا تخم عرلیما تخم کرفس از هر یک چهار درم مغز حنق دانه زنجبیل از
هر یک شش درم نانخواه تخم حسبوق از هر یکده درم تخم بادروج یکدرم ادویه را السرکه شستار
نا مفتوح باسد که از اقوامی باشند پس بسر شند بعسل کف گرفته کفایت و داخل کنند روغن
بلسان انچه میسر اید و اندکی جوشش داده در شیشه نگاهدارند **معجون دیگر** منقول از صالح
رهبان و نافع از برای سرسام و سایر امراض حاره و سرفه و خفاف و خشونت
حلق و بحه صوت و حرقت بول شربتی از ان تا چهار درم است و قوت ان تا
چهار ماه باقی می ماند **صفت ان** بزر قطونا را در اب بپزند تا بجسبانند پس بجوشانند
و کف از ان بگیرند تا دو بار کف نیلوفر و صاف کرده دو نبات انگوری بقدر
حاجت در ان داخل کرده بجوشانند تا بقوام آید پس کتیرا و صمغ عربی و مغز تخم
خربزه و تخم خیارزی و مغز تخم خیار بن و مغز شهدانه و مغز تخم کدو و تخم خرفه مقشر و نشاسته و

صندل سفید و تخم خطمی سفید از هریک جزوی نرم کوبیده با آب برشته گولکا بدارند

معجون عجیب النفع در قطع سحار و بدبوی دهان و معده و دندان‌ها و خلاصی صوت و هضم طعام و تقویت معده و خوشبو کردن نکهه و سرخ کردن لبها و محکم نمودن دندان‌ها و لثه‌ها بالجمله منافع این معجون در امراض معده و دهان بسیار است و قوت این مدتی دیده و باقی میماند و مقدار شربت آن یا مثقال است و گاهی اجزای این معجون را بیش از سرشتن بعسل حب ساخته نگاه دارند صفت آن پوست بلیله زرد و پوست بلیله کابلی بلیله سیاه حبنی برگ مورد قرفه املیه منقی عود قرحی سنبل الطیب پوست اترج قفاح اذخر مصطکی از هریک جزوی سک قرنفل جوز بوا کبابه قاقله کبار زنجبیل از هریک نیم جزو ابشون عود هندی ورق گلسرخ صندل سفید رانک اسید مازو صمغ عربی برگ اترج کندر صدف محرق اظفار الطیب فلفل سماق طباشیر سفید گل ارمنی مرو ازید لفته استه ارسا جعده تخم کرفس میوه بانسه سیاه دج هندی نعناع تمام کافور از هریک ربع جزوی کوفته و بیخته بگلاب و آب سیب و شراب ریحانی خوشبو سه مرتبه ترکرده خشک کنند پس عسل دران داخل کنند و بر آتش ملایم حرکت دهند تا منعقد شود و در ظرف چینی نگاه دارند معجون توم بسیار مشهور است در قرابادینات و کتابهای قدیم و مولفش بذکور نیست و ظاهر این است که از نسخ باشد چه در کتب مولف پیش از و رسیده و بالجمله معجونی است جلیل المقدار کثیر المنافع استیصال بلغم و رطوبات میکند و نجات دهنده از هر مرض بارد و ترکیب آن مالبدانست از برای تهییج باه و العاط است پس بدرستی که اعاده باه میکند بعد از یأس از آن زیاده از ستقنقور و نافع

است با انزالیه برای فالج و نسیان و سکته و رعشه و ضیق نفس و استرخای زبان
و سعال رطب و فساد صوت و بحوحه و ریاح و سده‌ها و ضعف ماده و کبد
و امراض معده و جمیع انواع انها و از برای جمیع امراض رحم سوای اختناق
رحم و ادرار بول کند و رنگ روی را بسیار سرخ گرداند اگر این خواص از این نسخه به
رسیده و زن بفرست از برای نسیان و صاحبان اخراف و اکثار ان مولد
حرع است و مصلح ان سکنجبین و شراب غاب است و ان گرم است در دوم و خشک
است در اول و چون طلا کنند روغن ان را بر بدن منع ضرر سرما و شقاق از
عصب میکند و قلع اثار میکند و چون بر انثیین بمالند تهیج باه میکند و قوت ان
تا چهار سال باقی میماند و مقدار شربتی در نهایت سرما در بلاد بارده از برای
سرد مزاجان تا دو مثقال است صنعت ان باید یک رطل ثوم پاک کرده بکوبند
و به پزند با یک رطل و نیم شیر تازه با تمام شیر را بخود کشند پس ان را با یک رطل روغن گاو
به پزند تا تمام آب ... زنجبیل و فلفل و دار فلفل و دارچینی و کبابه و جوز بوا و عاقرقرحا
و خولنجان از هر یک دو مثقال زعفران یک مثقال و نیم روغن گل اندکی و کسی که اراده
داشته نفع روغن از برای طلا کردن بهتر است زعفران باید که بگیرد و روغن ان را
پیش از داخل کردن عسل معجون ثوم به نسخه شفائی گوید که لقوه و فالج و رعشه
و بهق و برص و بواسیر را نافع باشد و معده را قوت دهد و اشتها آورد و بلغم را دفع
کند و قوت باه بیفزاید و رنگ را سرخ گرداند و حرارت غریزی دهد و اثر از
بهایت مقصود و موافق باشد صفت آن سیر پاک کرده یک من و نیم در شیر گاو به پزند
تا مهرا شود و سه چهار یک عسل صاف کرده و سی درم روغن گاو بر سر آن ریزند و با لذلک

مغز و برنج سازند پس قرنفل و جوز بوا و بسباسه و فلفل و مصطکی و دارفلفل کبابه از هر یک ضعف و بلدر
کابلی و دارچینی و زنجبیل از هر یک ده درم عود خام زعفران از هر یک پنج درم کوفته بیخته
با آن سرشته شربتی مقابل گردکانی و حکیم معصوم وزن ثوم را درین نسخه بقدر حاجت
دو وزن عسل و روغن را با هم بیشتر چهار دانگ آورده و باقی مساوی نسخه شفای است

معجون ثوم به نسخه شیخ رئیس گفته که معجون نافع است از برای بهق و سردی باد و بلغم
خام و قوت باه را زیاده میکند و رنگ رو را نیکو میگرداند و کسی که معجون را بخورد
بسیار و مثل جوانان و نافع است از برای هر مرض و چون در زمستان خورده شود
مثل پوستینی است از برای بدن و تخفیف رطوبات غریبه میکند و طبیعت را
درست میکند بر حال طبیعی **صفت آن** بگیرند یک قفیز نخود سیاهی و یک [illegible] در آب عذب
بخیسانند پس روز دیگر با آتش ملایم بپزند تا آن آب سیاه شود و نخودها منفتح
نشود پس آب را صاف کنند پس بگیرند [illegible] یک یک دانه را پاک کنند پس [illegible]
آن سیرها را در آب نخود ملایم بپزند تا پخته شود و نضج یابد سیرها دیگر [illegible]
داخل کنند در آن سیرها تازه [illegible] انقدار که چهار انگشت از روی سیر برگردد
پس با آتش ملایم چون چراغ بجوشانند تمام سیرها [illegible] پس داخل کنند در آن
روغن گاو تازه و بپزند بر آتش ملایم چون چراغ تا آنکه روغن را بخود کشد پس
خمیر کنند سیرها را در دیگ سنگین تا گردد مثل [illegible] پس عسل کفگیر صاف از روی
آن کنند انقدار که چهار انگشت از روی آن برگردد و با آتش ملایم بجوشانند تا
بحد انعقاد نزدیک بانعقاد رسد پس [illegible] از ثوم [illegible] از ده مثقال [illegible]
[illegible] زنجبیل [illegible] مثقال و دارفلفل کوفته و بیخته داخل کنند [illegible]

فلفل سیاه و فلفل دراز [illegible]
دارچینی [illegible] مثقال

نخود

مخلوط شود و در سبوی سبز آنی کرده نگاه دارند و در هر حال بقدر خوری از آن بکار دارند
و بعضی گفته اند که بعد از شش ماه استعمال باید کرد و این نسخه سیزده ترکیب است و مزاج آن
گرم است در اول درجه سیوم و خشک است در آخر درجه دوم معجونی که ریاح غلیظ را
تحلیل دهد و قولنج بارد را بگشاید و سده را بگشاید و مفتح سده ها است و نفخه و ریاح
و صداع را بشکند و اشتها آورد و مدر فضلات است و حرقت البول و نزف الدم
و امراض معده را نافع است سودا را برد گرم و خشک در دوم و ضرر آن
از آن معده مصلحش صفت آن سنبل الطیب شش درم تخم کرفس شش درم
فلفل دار فلفل از هر یک ده درم زعفران پنج درم خمیر از هر یکی از
هر یک چهار درم و گاهی زیاده از این شود در این اجزا افیون و بعضی زیاده کرده اند
مرصافی و عاقرقرحا و کندر و زرنباد و فو و اسارون و فوه و جاوشیر دوچ و
قسط معجون عنابی نافع است در زیر کنده را چون شراب ممزوج با عسل و آب
گرم بنوشند و کسی را صرع بوده باشد چون از آن بنوشند نفع باشد و همچنین نافع
است از برای یرقان و ورم صلب و قطع فصولی که موجب حمی باشد سکنه و جمیع
امراض بلغمی را سود دارد و سرفه بلغمی و ضیق النفس و اسهال کهنه را نافع
باشد و قطع فصول غلیظه از جهت سده و گشودن کبد و معده فایده دهد صفت آن
نسخه ... مرصافی سلیخه دارچینی دار فلفل ... حماما خشک شده
از هر یک چهار درم سنبل الطیب فقاح اذخر از هر یک ده درم زعفران پنج درم افیون
تخم کرفس از هر یک بیست درم فلفل ... هشت درم یعنی قسط فو و اسارون
از هر یک یک درم عسل بقدر حاجت اجزا را کوفته باشند کوفته بیخته کنند

در تب این بخیسانند وحل سازند و همه را بعسل کف گرفته سرشته وزن ادویه سه شربتی یکدرم
با آب نیمگرم بیاشامند این نسخه سیزده جزو است و وزن یکصد و شصت و ده درم است و
مزاجش گرم است در ثلث درجه اول و خشک است در آخر درجه سیوم و بعضی گفته
اند که شربتی ازین معجون از یکدانگ تا نیم درم است معجون خبث الحدید نافع است از
برای فساد مزاج و ورم کبد و مقوی معده و رنگ روی را صاف کند صفت او
بنسخه شیخ رئیس پوست هلیله مصطکی رومی زنجبیل دارچینی از هر یک شش
چهار درم طالیسفر سه درم خولنجان ده درم مازریون نیم درم کمافیطوس
پنج درم بسفایج و ملیوس بمقداری که ادویه را با آن لتر کنند ادویه را کوفته بیخته منفح و ملیوس با
سرشته چون سازند برحی چون فلفل شربتی بوزن دو درم با آب نیمگرم و اگرچه حق
این دوا آن بود که در حبوب ذکر کنند بسبب آن در معاجین ذکر کردیم لیکن چون
شیخ رئیس در معاجین ذکر کرده بود بسبب آن در معاجین ذکر کردیم این نسخه نه جزو است
و وزن یکصد و شصت درم مزاجش گرم و خشک است در اول درجه سیوم معجون سعد
نافع است صلابت سپرز و معده را صفت او سنبل الطیب قسط تلخ فقاح
اذخر قصب الذریره مویز دانه بیرون کرده از هر یک چهار درم زعفران مرصافی انیسون
فلفل از هر یک یکدرم مقل ازرق دو درم سلیخه سوداینی درم ادویه را کوفته و بیخته
مقل را و مویز را در مثلث بجوشانند و مجموع را در عسل کف گرفته بقدر کفایت
معجون سازند این نسخه یازده جزو است وزن آن سی و یکدرم مزاج گرم است و
خشک در اول درجه سیوم معجون انیسون منقول از قرابادین قلانسی نافع است
سردی معده را و مفتح سده جگر و سپرز است و ادرار بول بکند و در دحار را
برازبرد

که از سردی باشند زایل کند و استسقا را نافع باشند صفت آن انیسون تخم کرفس
اسارون افسنتین رومی مغز بادام مقشر اجزا مساوی مجموع کوفته و بیخته
بعسل کف گرفته سه وزن ادویه معجون سازند شربتی دو درم این نسخه
پنج جزو است مزاج جنس گرم است و سه ربع درجه خشک است در اول درجه سوم
معجون هندی قریب تیز در منافع نانخواه باشد دارو هندی رنگ روی را نیکو
گرداند و جسم را قوت دهد و نفخه معده کند و طبیعت را نرم دارد و نافع است از برای
بواسیر صفت آن نسخه پنج زر فلفل دار فلفل بلیله سیاه املج منقی قنطوریون دقیق
از هر یک چهار استار کوفته بیخته روغن گاو چرب کرده بعسل کف گرفته سرشته معجون سازند
شربتی یک مثقال با زیاده از هر کسی بعید نیست التشخص و بعضی گفته اند نهایت شربتش
تا دو مثقال است و این معجون سوای روغن گاو و عسل شش جزو است
مزاج جنس گرم است در آخر درجه دوم خشک است در اول درجه سوم معجونی که نافع است
از برای ضعف جگر و نفث الدم صفت آن گلنار فارسی دم الاخوین
ورق الصعف ثبیت یمانی اجزا مساوی کوفته بیخته بعسل سرشته شربتی از آن
یک مثقال با آب بکرم این نسخه چهار جزو است طبیعت مزاج گرم است در اول درجه دوم
خشک است در آخر درجه دوم معجون فقاح اذخر سودمند بود جهت سرفه و درد جگر
و سینه و معده و اورا از صاف کند و بول براند و درد سپرز را نافع باشند دقیق را
نهایت سودمند است صفت آن مویز منقی بالتشمش هر کدام که باشند
بیست و پنج درم سنبل الطیب زعفران سلیخه رومی دارچینی دانه شیبان از
هر یک یک درم قصب الذریره فقاح اذخر مصطکی از هر یک سه ثلث الطم از هر یک

دو درم و نیم مرصافی چهار درم صمغ عربی مویز منقی را و ثلث بجوشانند و باقی ادویه
را کوفته و بیخته با بسته درن دو به عسل مصفی بسرشند شربتی یکدرم با مثقال **معجون**
نعی ازاوجی انبر کویند نافع است از برای سعال و اوجاع صدر و اکباد و صلابه و صلابت
کبد و منفعتست از برای آلات نفس و معده و خشونت صوت را صاف میکند
و ادرار بول میکند و نافع است از برای اوجاع طحال **صفت آن** مرصافی چهار
درم علک البطم چهار درم و در نسخه دیگر دو درم سنبل الطیب زعفران دار چینی
سلیخه از هر یک یکدرم و در نسخه دیگر بجای سلیخه دارشیشعان آب تفاح
اذخر قصب الذریره مقل ازرق از هر دو درم و نیم در نسخه دیگر بدل مقل [illegible]
مویز بزرگ دانه که استه و پوست از او دور کرده باشند بیست یکدرم عسل مصفی بقدر
کفایت و در بعض نسخه با عسل بیست درم است و در دیگر نسخه پانزده درم صموغ
را با مویز در شراب ریحانی کهنه بخیسانند و ادویه خشک کوفته و بیخته علک البطم را
در عسل حل کرده همه را در هم بسرشند معجون شمارند و بعد از دو ماه استعمال نمایند شربتی
درن یکدرم با طبیخ زوفا بنوشند **معجون نودنج** نافع است از برای اوجاع
معده و طحال و کبد که از برودت باشند و از برای قشعریره و سدد و حمیات دایره
بارده **صفت آن به نسخه شیخ رئیس** بوده به نهی بوده کوی فطراسالیون سیسالیوس
از هر یک بیست درم تخم کرفس بابونه جاوشیر از هر یک چهار درم کاشم پانزده درم فلفل
چهار و چهار درم است کوفته و بیخته با عسل بسرشند و در ظرف چینی نگاه دارند و
در وقت حاجت استعمال نمایند این نسخه مجرب است و وزن از آن یکمثقال
یکدرم است بنابر نسخه اصل [illegible] و یکدرم است و [illegible]

لحم

نسخه اصل دیگر و نیاز نسخه دیگر گرم و خشک است در دو درجه و نیم معجون [illegible] این
معجون جمله از مفرحات است و از معاجین کبار است و بعضی از اطبا این
معجون را از تریاقات شمرده اند صفت آن قرنفل زرنجبیل فوفل سنبل الطیب
دار فلفل بهمن [illegible] جوزبوا قاقله [illegible] شیطرج هندی دارچینی لسان العصافیر سادج
هندی درونج عقرابی بادرنجبویه لسان الثور مصطکی خولنجان فرنجمشک مروارید
ناسفته صندل سفید زراوند مدحرج سلیخه یاقوت رمانی [illegible] از هر یک دو درم
نشاسته تخم [illegible] درم پوست اترج [illegible] درم زعفران پوست هلیله از هر یک
یک درم بهمن سرخ نیم درم [illegible] مشک ترکی از هر یک نیم دانگ مجموع ادویه را [illegible]
در نهایت سحق کرده بعسل مصفی دو وزن ادویه سرشته شربتی یک مثقال این سی و
یک جزو است و وزن پنجاه و نه درم است و چهار دانگ مزاج گرم و خشک است
در دو درجه و بعضی گفته اند که شربتی از این معجون از یک درم است تا دو مثقال [illegible]
اعضاء رئیسه را قوت دهد [illegible] و درد معده را قوی گرداند و دافع
ریاح [illegible] سازد و طعام هضم کند صفت آن دارچینی سنبل الطیب پوست
بیرون پسته جوز مغاث [illegible] خولنجان بهمن سرخ بهمن سفید [illegible]
پوست هلیله بادرنجبویه گاوزبان از هر یک [illegible] درم مصطکی زرنب پوست
اترج درونج عقربی زرنباد صندل سفید حب الفلفل نعناع خشک انیسون
بسباسه هلیله [illegible] زعفران جدوار خطائی کهربا مروارید ناسفته
مرجان [illegible] از هر یک دو درم سعد کوفی غنچه گلسرخ از هر یک چهار درم ماهی [illegible]
خصیة الثعلب [illegible] از هر یک [illegible] درم مشک [illegible] نیم مثقال عنبر اشهب

یک مثقال و ورق طلا و ورق نقره از هر یک پنجاه عدد و قند سفید عسل مصفی بالمناصفه
سه وزن ادویه بدستور معجون سازند شربتی یک مثقال معجون [illegible]
[illegible] نافع از برای نزف الدم از بردت و نفوذ [illegible] و رطوبت مزاج
و برودت کبد و از برای ضعف قلب و معده و فساد و عرق و از برای اسهال و قی
[illegible] قسط تلخ سلیخه زرنباد سنبل قصب ذریره قرنفل از هر یک دو وقیه سنبل ملح
رومی از هر یک سه وقیه [illegible] اقاقیا گل سرخ طباشیر سفید قوفل کندر
از هر یک نیم وقیه کوفته بیخته برب [illegible] سرشته معجون سازند شربتی بمقدار
جوز فارس معجون مقوی قلب و معده بالیف حکیم [illegible] صفت آن طباشیر سفید
پوست سنگدان خروس از هر یک دو درم گل سرخ نعناع خشک سیب [illegible]
پیه پوست [illegible] ترنج پوست [illegible] از هر یک یک درم بهمن سفید بهمن سرخ صندل
سرخ و صندل سفید صمغ کتیرا کشنیز خشک ریباس تخم [illegible] از هر یک یک درم و نیم کوفته بیخته
با شربت فواکه شیرین معجون سازند معجون [illegible] منقول از خط میرزا محمد باقر
غفر الله له مقوی اعضای رئیسه است حتی انثیین مقوی باه است و ایمن میگرداند
مستعمل خود را از امراض عصبی و [illegible] و فواید بسیار دارد و شربتش
از سه درم تا سه مثقال است اجزای آن [illegible] مغز [illegible] و [illegible]
مصری بهمن سرخ و بهمن سفید و لسان العصافیر و [illegible] و حب بلسان و حب [illegible]
و فلفل سفید و مغز تخم خربزه و تخم خیار و تخم خرفه و تخم گزر و تخم پیاز و تخم شلغم و تخم
اسپست و تخم [illegible] و مغز [illegible] دانه و [illegible] تخم [illegible] و [illegible]
[illegible] از هر یک چهار مثقال مغز [illegible] مغز بادام [illegible] زعفران [illegible]
[illegible]

دانه جلغوزه و حبه الخضرا و حب الصنوبر و کنجد مقشر از هر یک هفت مثقال دارچینی و قرنفل

و سنبل الطیب و اسارون و بسباسه و کبابه چینی و سعد کوفی و قرفه و دار فلفل و جوزبوا

و بادرنجبویه و عود قماری و عنبر اشهب و زعفران از هر یک یک مثقال مشک تبتی نیم مثقال

زنجبیل بوزیدان و قسط تلخ و درونج چینی و تخم حب الرشاد از هر یک دو مثقال عسل

مصفی بقدر حاجت بدستور مرتب نمایند معجون لولو بالذهب منقول از خط حکیم عماد الدین

محمود تبریزی که در رساله مجربات خود آورده نافع است برای منافع مذکوره و معجون

اسرار الاطبا و زیادتی لذت شهوت اخلاط آن مروارید ناسفته و بسد

مرجان و ابریشم و بهمن سفید و کل انجبار از هر یک نیم مثقال تخم بلادر نیم مثقال

تفاح اذخر مکی و سعد کوفی و زرنباد از هر یک نیم مثقال سلیخه و دارچینی و اسارون و

مصطکی رومی از هر یک یک دانگ نیم صمغ عربی و کتیرا اسفید از هر یک یک دانگ

ادویه را کوفته و بیخته با هم چند ادویه عسل مصفی بسرشند و در ظرف چینی نگاه دارند

و وقت هنگام مجامعت یک بندق با آب بخورند معجون [illegible]

بیماریهای سودا و بلغم را مفید باشد و رنگ روی زرد را روشن کند و بوی دهان خوش

کند و سردی گرده و مثانه را نافع بود و اندامها را قوت دهد و بادهای غلیظه را

بشکند و بسیاری ادرار بول را نافع بود و بالجمله معجونی مبارکست اخلاط آن قاقله

کبار ده عدد و خولنجان و جوزبوا و قرنفل و سنبل الطیب و بسباسه و بدرانبج از هر یک

دو استار و افیون و عاقرقرحا و حرلو دو استار کلنج مشرفیح الانجاح و عنبر اشهب

و مشک تبتی از هر یک یک مثقال طلا ده استار عسل مصفی دو من بدستور مرتب

سازند شربت یک مثقال بدستور بجا آرند زیاده و کم کرده صفت آن جوارشی

... سنا مکی از مثقال سورنجان شش درم ماسریره بوزیدان پوست بیخ کبر سطوخودوس
از هر یک دو درم پوست هلیله زرد پنج درم تخم کرفس رازیانه فلفل دارفلفل از هر یک
یک درم و نیم نمک هندی یک درم دارچینی افتیمون ورق [illegible] بیخ زنجبیل قاقله قرنفل از
هر یک سه درم زنجبیل مصطکی زعفران از هر یک دو درم اجزا را کوفته بیخته به روغن
بادام شیرین چرب نموده با سه وزن ادویه عسل مصفی معجون سازند هر صبح مثقال
تناول نمایند درد نقرس و عرق النسا و وجع مفاصل و وجع در کمر و درد
اعضا را نافع و مرض نسیان را اگر مزمن شده باشد نیز سودمند است معجون
حب [illegible] بجهت درد اعضا نفخ معده باد بواسیر و جمیع امراض سوداوی
و بلغمی را نافع است صفت آن پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه
املج مقشر بسفایج [illegible] افتیمون تربد سفید زنجبیل قرنفل دارچینی جوزبوا قاقله کبار
از هر یک سه درم ماسریره غاریقون سفید رازیانه پوست بیخ کبر سورنجان
بوزیدان از هر یک دو درم دارفلفل [illegible] اصل السوس از هر یک سه
درم فلفل زرنباد نانخواه نمک هندی [illegible] از هر یک یک درم سنا مکی پنج درم سطوخو
دوس از هر یک شش درم [illegible] پنجاه مثقال مجموع کوفته بیخته با سه وزن
عسل مصفی سرشته بدستور شش درم معجون [illegible] بجهت نزله [illegible] صفت آن [illegible]
اصل السوس مقشر از هر یک سه درم [illegible] ده درم سنا مکی یک درم کوفته و بیخته
به سه وزن ادویه عسل سرشته هر صبح مثقال از آن با آب گرم [illegible] معجون
[illegible] حضرت استادی میرزا افضل الله حکیم [illegible] جمیع امراض عصبانی
[illegible] است خصوص دماغ و قلب را [illegible] تصفیه التنقیه [illegible]

[illegible]

و زنجبیل از هر یک شش مثقال کبابه چینی و خولنجان و دارچینی و دارفلفل از هر یک مثقال
مغز پسته و مغز بادام مقشر و مغز فندق و مغز نارجیل مقشر از هر یک ده مثقال ابریشم خام
مقرض دارشیشعان زنجبیل دمامه شقاقل اعرابی تخم رشاد و تخم اسپست و تخم پیاز و تخم
هلیون و تخم انجره و تخم کرنب نبطی و تخم شلغم و تخم جرجیر و بوزیدان و حب دانه و
حب الصنوبر صغار و تخم ترب و خولنجان و نوذری ... بهمن سرخ و قرفه و بهمن
سرخ و بهمن سفید و قرنفل و مغز تخم خربزه و حب القلقل و حبة الخضراء و لسان العصافیر و بیاز
عنصل و ... و خصیة الثعلب ... از هر یک یک مثقال فرصافی دو مثقال
کوفته و بیخته با عسل مصفی سه چند وزن ادویه معجون بسازند معجون ... منقول از
خط حکیم محمد باقر اطریفل فلفل و دارفلفل و زنجبیل و دارچینی و زراوند مدحرج و
مغز نارجیل از هر یک ده مثقال پوست بلیله و امله منقی و شیطرج هندی و بیخ بابونه و مغز
چلغوزه از هر یک یک اوقیه گل بابونه پنج مثقال مویز منقی سی مثقال عسل مصفی سه وزن
ادویه ... معجون سازند شربتی یک مثقال معجون ... پوست هلیله زرد و پوست
پوست بلیله کابلی پوست بلیله هلیله سیاه امله منقی از هر یک ... سفید هفت مثقال ...
گلسرخ غاریقون سفید بسفایج فستق از هر یک پنج مثقال اسطوخودوس دو مثقال
رب السوس مصطکی از هر یک ... مثقال ... وزن ادویه معجون سازند ...
خوانند دو مثقال و سه مثقال ... با آب گرم معجون ... سورنجان
مصطکی و پوست هلیله زرد از هر یک هفت مثقال لوزبدان پوست ...
بیخ کبر و زیره کرمانی و شیطرج هندی از هر یک یک اوقیه تخم کرفس تخم رازیانه دارفلفل
سفید و صعتر زرنباد ... زبده البحر از هر یک یک مثقال ... نمک هندی دو درم گلسرخ

شونیز و اخراج و کنجد مقشر و زنجبیل و محموده مشوی از هر یک سه مثقال تربد سفید پانزده مثقال
کوفته و بیخته با سه وزن ادویه عسل مصفی سرشته و بر روغن پنج مثقال اخراج تناول نمایند
و بعد از آن هر دو روز یک بار و مثقال و نیم بعضی گفته‌اند **معجون** نافع از برای نفخه و قولنج و
جمیع علل حادثه از بلغم و ملین طبیعت است **اخلاط ان** بسفایج هندی قرفه و
زنجبیل و فلفل سفید و فلفل سیاه و دارچینی و صعتر و دفراد و بلیلج کابلی از هر یک
پنج مثقال تربد سفید مجوف محکوک پنج ... پنج مثقال اجزا را کوفته بروغن بادام چرب
بسته پنج مثقال چرب کرده بعسل مصفی سه وزن ادویه سرشته شربتی ... مثقال
معجون اصطفا مخرج بلغم و مره سودا و قاسید؟ ... است **اخلاط ان** بر آنچه
وصف کرده محمد زکریای رازی در کتاب الکبیر **بگیرند** ایارج فیقرا و افتیمون از هر
یک ... درم غاریقون و حجر ارمنی از هر یک یک درم سقمونیا ... پنج درم کوفته و بیخته بگلاب
سرشته بردارند و نگاه دارند شربتی از ده درم تا سه درم با آب گرم ... و بعد از
پرهیز از این معجون و بعد از آن شستن ... **معجون افتیمون** منقول از الکبیر
محمد زکریا نافع از برای اخراج بلغم و این معجون در همه ادویه صالح است **اخلاط**
ان ایارج فیقرا و تربد سفید از هر یک پانزده درم افتیمون و بلیله زرد و سعد کوفی و
غاریقون سفید از هر یکی ده درم نمک هندی و زرنباد و شحم حنظل از هر یکی ده درم
کوفته و بیخته با ... عسل سرشته شربتی دو درم تا سه درم با آب گرم **معجون مقوی** مقوی
معده و مشهی و مقوی باه است **اخلاط ان** جوز بوا و قرنفل و دار فلفل و ... العصافیر و پنج اذخر
و زنجبیل و دارچینی و مصطکی و عود هندی و زعفران از هر یک سه مثقال فادزهر و کندر از
هر یک یک مثقال ... دو مثقال و نیم قند سفید ... از هر یکی ده مثقال عسل بقدر
کفایت

کفایت قند را بگلاب حل کرده در عسل داخل نموده بقوام آورند و ادویه را کوفته بیخته با
رشته معجون سازند شربتی یک مثقال معجون نوری اسهال صفرا و بلغم کند اخلاط آن
سقمونیا ده درم مغز حب القرطم ده درم مغز بادام شیرین مقشر پنج درم شکر طبرزد بیست و پنج درم
زعفران یک درم شربت یک مثقال معجون آخر طیب الاستفراغ المواد الردیة المودیة واللزوجات
وهو من ادا اجرائه اخلاطه زنجبیل ابیض درهمان قرنفل و جوزبوا و عود قماری و زعفران من
کل واحد و انق سقمونیا مشوی قیراط سکر طبرزد ثلثه دراهم ملح نفطی و القاقلی مدو یحل و یعجن بالعسل
منزوع الرغوة مصفی و یحبب و نصفه شربت واحد علی الریق سماه فایز معجون … ینقی المعده
من الرطوبات و ینفع من البرص والفالج و سائر الامراض البلغمیة اخلاطه فلفل اسود و دار فلفل
و دار فلفل و قرنفل و سلیخه سعد کوفی و زرنباد کابلی مقشر و جوزبوا من کل واحد وزن مثقال
حب النیل وزن ستة مثاقیل زنجبیل ابیض و سکر ابیض من کل واحد وزن سبعة و عشرون درهما
یعجن والشربة منه لصاحب البرص والفالج مثقال فی الماء الحار ولاجل الاستفراغ خمسة
الی سته دراهم معجون … دفع ریاح کند خصوص از معده و امعاء و رحم اخلاط آن اهل
و نانخواه و کندر و دار چینی اجزا مساوی کوفته و بیخته و بعسل سه وزن مجموع ادویه سرشته معجون
سازند شربت از یک مثقال تا دو درم معجون … این معجون را فریادرس گویند و بعربی حیات
و مشهور معجون ابی سلیم است و بعضی معجون ابی مسلم گفته‌اند و اول صحیح است و این معجون مخدر
و مسکن دردهاست از هر بادی که باشد و جمیع اوجاع جدا نافع است و فرو چیزی ندارد هر مرضی
که غالب بود و نیز نافع است از برای وسواس اخلاط آن افیون و بذر البنج سفید از هر یک
دو مثقال فرفیون و زعفران و سنبل الطیب و عاقرقرحا و سورنجان و قاقله و دار فلفل از هر
یک پنج مثقال کوفته بیخته بعسل مصفی سه وزن ادویه بسرشتند شربت بحجمه … افیون …

نیم مثقال و برای ضعیف المزاج و کودک یکدانگ و این نسخه جزویست و وزن آن پنجاه

و پنج مثقال و مزاجش معتدل است در گرمی و سردی و خشکست در دوم درجه و نیم [illegible]

و آنرا معجون ارسطاطالیس نیز گویند عجیب الفعل است از برای سعال و قذف الدم و

قرحه ریه و معده و ممعوه و درد سپرز و درد گرده و ورم ریه و حرق عضلات و فی طعام و حرقه و علل

مثانه و اختناق رحم و حمیات کهنه و در حمام مانده باید که خورده شود پیش از وقت نوبت

بیکساعت و از برای زردات مرخه و سموم خروبه و ملسوعه [illegible] دار چینی و قسط تلخ

و بازرد و جند بیدستر و افیون و فلفل سیاه و دار فلفل و میعه سایله از هر یک یک اوقیه

میعه و بازرد را در عسل حل کرده صافی نمود بقوام آورند و باقی ادویه را کوفته بیخته با آن سرشته

و در ظرف چینی یا نقره یا طلا نگاه دارند شربت بمقدار باقلای مصری با ماء العسل و دو فواسوس

که با کلست جکانیده باشند و در سه قطره روغن ... و این معجون بیست جزو است و آن بیست

جزو بیست اوقیه است و مزاجش گرم است در نیم درجه و نیم [illegible] این معجون منسوب

است بسید اسمعیل جرجانی بیماری ها سود او بلغم را مفید باشد و رنگ روی را روشن کند و بوی دهان

را خوش گرداند و سردی گرده و مثانه را نافع بود و در تقویت باه بی نظیر است و اندام ها را

قوت دهد و بادهای غلیظ را بشکند و بسیاری ادرار بول را مفید بود و بالجمله معجونی مبارک و

کثیر المنافع است [illegible] قاقله بزرگ ده عدد خولنجان و جوز بوا و قرنفل و سنبل الطیب

و بسباسه و افیون کارزانی و عاقرقرحا و خرنوا از هر یک استار مصطکی رومی و زعفران

و زنجبیل و بدر البنج از هر یک دو استار گل سرخ منزوع الاقماع و عنبر اشهب و مشک تبتی

از هر یک مثقال گلاب دو استار عسل مصفی دو من بدستور مقرر معجون سازند شربت یکمثقال

پیش از طعام و بعد از طعام توان خورد معجون ملک [illegible] دیگر که مقوی ... بارد

و انعصابست و باه را قوی کرداند و لعوق آورد اطریفل طلائی چند بهد بشنزد و فلفل

و حلبت و خشک مربا و غیر شبت اجزا مساوی کوفته عسل وزن بوزن ادویه

داخل کرده بقوام آورند و ادویه را بان بسرشتند و بمقدار یکدرم از آن حبها ساخته

بورق طلا پیچیده همراه زرده تخم مرغ نیم برشت فرو برند معجون اکبر این معجون

بالیقه منقذمن است و از معاجین کبار است بلکه بعضی این را از تریاق

شمرده اند فواید بسیار دارد در درد سر و درد دندان و فتق فرباج معده و جمیع امراض بلغمی

را نافع است و معتبر است از برای سموم و مانع شدن موی است مستعمل این معجون

از درد چشم ایمن گردد و در تقویت باه خاصیت هرکه در هر سالی این معجون

را یکهفته بخورد و اگر چه عمر وی بصد سال رسیده باشد ده زن را نماید بمیر را

خونش کند اطریفل طلائی تخم گزر و حب الرشاد و تخم ترتیزک و نانخواه و تخم ریحان و تخم

بیادسیاه و دانه و تخم بلبون این هشت اجزا را بریان نمایند و مثقال بهری و زنجبیل

دارچینی و ان العصافیر و شیله و باه و کندر سفید و بدر حرمل و عود قماری و فلفل سفید و عود الصلیب

و زرنباد سنبل الطیب و عاقرقرحا و بهمن سفید و بهمن سرخ مجموع اجزا دوازده اند مساوی گرفته

بلیلا دوارا علیحده علیحده کوفته و بیخته یکمثقال صبح و یکمثقال شام بخورند

معجون بدل افیون که حکیم عماد الدین محمود حسینی شیرازی بجهت شخصی که معتاد بافیون

بود و مستسقی بود و به استسقا ساخته اطریفل فلفل شش یا بیست مثقال قرنفل

و تخم کرفس و فوج زرگ از هر یک ده مثقال مغز تخم خربزه و کاشم و بدر بسیا لیوس و بدر البنج

سفید از هر یک پنج مثقال حب النجار و برگ سداب و رب السوس از هر یک ده مثقال زعفران

پنج مثقال ربوند چینی یک مثقال افیون پانزده مثقال کوفته بیخته بعسل منزوع سه وزن ادویه معجون

سازند شربت بقدر مثقال از افیون **اطلاط** این معجون نسخه بزرگ است معروف

حکیم محمد باقر حکیم باشی و والد حکیم عماد الدین محمود مرج ترکی و اسارون و کمافیطوس و فوه الصباغین

و دار چینی و فرنفل و تخم کرفس از هر یک ده مثقال فلفل سیاه زنجبیل مثقال قشر خربزه و ککاشیم

و بدر سنبل بوس و بزر انیسون نیم بقدر وزعفران از هر یک پنج مثقال حب الغار و برگ

سداب ورب السوس از هر یک ده مثقال ربوند چینی یک مثقال افیون که در آب پانزده

مثقال بعسل سه وزن مجموع ادویه سرشته ترکیب نمایند **معجون زرد** نافع است از

برای اوجاع کبد و طحال و معده و ریاح متولده در آن **اطلاطان** به نسخه شیخ سلیخه

و مدر [illegible] و تخم کرفس و انیسون و بدر سنبل بوس و تخم سیب و نانخواه و حماما

سنبل الطیب و جند بیدستر و زراوند طویل و مصطکی رومی و اسارون از هر کدام

اجزاء مساوی کوفته بیخته بعسل مصفی بقدر کفایت معجون نمایند و این معجون

سوای عسل چهارده جزو است و در گرم و خشک است در اول درجه سوم و

در نسخه دیگر زیره کرمانی هم بر اجزاء افزوده **معجون سفید** خون آمدن از هر عضو که باشد

مفید است و از برای افراط طمث که بسبب کثرت خون در بدن باشد بعد

از فصد و در کاصفراوی باشد بعد از استفراغ صفرا بطبیخ هلیله زرد و مطبوخ

و اگر خون بلغمی باشد بعد از استفراغ بلغم و استفراغ بحب ایارج و حب منتن و

اگر سوداوی باشد بعد از استفراغ بمطبوخ افتیمون و حب لاجورد و حب اصطمخیقون

استعمال کرده شود **اطلاطان** بسد محرق مغسول کهربا صمغ زنجبیل نار سیاه و نخ [illegible]

[illegible]

ودم ماء الجبن گل ارمنی و گل ختمی تخم خطمی رازیانه کوفته و بیخته رب سیب شش درم ادویه
به شکر سفید معجون سازند شربت دو درم تا پنج درم با آب سماق یا آب خرفه بدهند معجون
لوم تالیف بنده بر منهج حق ثابت و لازم سید محمد ناظم مخاطب بخطاب مستطاب حکیم الملک
معتمد الملوک سید عنوبخان حفظه الله العالی بین الانام والعدو والاخ بخشه حمید الدین خان بهادر
که یکی از امرای عظام بادشاه خلد مکانی حضرت اورنگ زیب عالمگیر غازی بود بسیار
نفع کرده بود و بنده بشر [illegible] جهانگیرآبادی [illegible] مثبوت رسانیده و این معجون نافع است
از برای جمیع امراض سوداوی و بلغمی و از برای جمیع سموم بود اخلاطان گل گاو زبان
کبلدی زرگ با در بحبوبه از هر یک بیست و پنج مثقال بسفایج فستقی هلیله سیاه پوست هلیله کابلی
عنب الثعلب از هر یک و از ده مثقال همه مجموع را و از ده رطل آب عذب بجوشانند
تا چهار رطل بماند پس بگیرند شیر تازه پاک کرده یک رطل و در آن مطبوخ داخل کرده باتش
ملایم بپزند تا نیم آنشود پس دو رطل شیر گاو تازه دوشیده در آن داخل کرده القدر که
در آن شیر برود پس یک رطل روغن گاو داخل کرده بجوشانند تا روغن را جذب کند
پس عسل مصفی دو رطل داخل کرده باتش ملایم بقوام آورند و زنجبیل و فلفل سیاه و فلفل
سفید و دار فلفل و قرنفل و سنبل و کبابه چینی و خولنجان و بهمن سرخ و بهمن سفید و تنقافل
و گل بابونه و مرزنجوش از هر یک پنج مثقال عنبر اشهب و زعفران از هر یک یک مثقال کوفته و
بیخته بان سرشته بد شوربا معجون سازند و در ظرف چینی کرده در جو نگاه دارند و بعد
از [illegible] روز شربت یک مثقال بکار برند معجون لوم به نسخه صاحب ریاض الفواید که در طب
ثبت کرده و گفته که این معجون انواع مبرودین و مرطوبین و اصحاب سل و مجنونین را نافع است
چون استعمال کرده شود و بود از نفعه فرو بعده به نسخه سید مظفر الدین ثقاب اطریفلان سهل استعمالا

کرده با منی دریکمن شیر گاو و دو شبدره به پزند تا مهرا شود و بعد از ان عسل مصفی یکمن با قوام آرند

ده درم روغن گاو داخل کرده به پزند تا رطوبت شیر فانی شود پس از اتش فرود آورده

بگذارند تا سرد شود ادویه را کوفته و بیخته داخل نمایند دارچینی و فاقله کبار زرنباد جوز بوا و بسباسه

و قرنفل و سنبل الطیب سه درم دج بندی و فاقله صغار و جوز بوا و بسباسه کبابه چینی و مصطکی از

هر یکی ده درم زعفران عود هندی از هر یک چند درم و بدانکه اصل معجون تویم از معاجین سماوی

که حضرت جبرئیل علیه السلام از برای حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم آورد معجون

جالینوس نافع از برای امراض بلغمی و سوداوی و ریاح و تسددها و درد جگر و برودت

گرده و مثانه و اصلاح حال بدن اخلاط ان دار فلفل زنجبیل بوا و قسط بحری و سنبل الطیب

و عود بلسان و قصب الذریره و حب البلسان فو و تخم حب کوفی و خولنجان دار فلفل و دار فلفل

و دارچینی و سلیخه و اسارون و زعفران و مصطکی اجزا مساوی بعسل مصفی سه وزن ادویه

بدستور معهود معجون سازند معجون جالینوس نافع از برای وجع کبد و فساد اندامی خون

اخلاط ان زعفران و دارچینی از هر یک یکدرم فلفل ازرق چهار درم [illegible]

چهار دانگ اذخر مکی سه درم قصب الذریره دو درم سلیخه و ناردین و مرصافی از

هر یکی دو درم صمغ سرد سه استار عسل مصفی سه اوقیه موم زرد اینه بیرون آورده و شش

درم طلا حسب القدر کفایت بدستور معهود معجون سازند معجون جالینوس نافع از برای

نزف الدم از برودت و تغیر رنگ و برودت و رطوبت معده و کبد و ضعف

قلب و معده و اسهال و قی و شربت اند [illegible] اخلاط ان قسط و شش دج

بندی و قصب الذریره و قرنفل از هر یک دو اوقیه سلیخه و بلح رومی از هر یک یک اوقیه و [illegible]

داقاقیا دکل شرح من شرح الافاع و [illegible] فوفل و کتیبی و [illegible] از هر یک نیم

اوقیه

اوقیه کوفته و بیخته رب مثل عسل سه وزن ادویه بسرشند و در ظرف چینی نگاه دارند

معجون جدوار منافع بسیار دارد و در زیان سموم است و در نفع از برای استسقاء زقی بی نظیر است اخلاط آن جدوار خطایی کمافیطوس تخم کرفس جبلی تخم مجلست زیره خرمن مغز تخم خیارین اسقولوفندریون تخم کندنا تخم جاونس ریوند تخم کرفس بوت زنجبیل کبر لک مقل زراوند فلفل تخم کرفس [illegible] تخم جرجیر تخم خرفه [illegible] جعده اسارون شنایی عصاره غافت مصطکی رومی از هر یک یک مثقال [illegible] معدنی نیم مثقال افیون زعفران جندبیدستر از هر یک یک دانگ کوفته و بیخته بعسل مصفی سه وزن ادویه معجون سازند و هر روز یک درم از العرق [illegible] تناول نمایند

معجون جلالی منی را زیاده کند و باه را قوت دهد و [illegible] از کثرت مجامعت [illegible] ضعیف گرده و مثانه و معده را سودمند است و اشتهاء طعام آورد اخلاط آن فلفل سنبل الطیب قرنفل از هر یک دو مثقال افیون و تخم کرفس از هر یک یک مثقال زیره کرمانی [illegible] مصطکی رومی و نعناع خشک و عود هندی از هر یک نیم مثقال فلفل دو مثقال کوفته و بیخته بعسل مصفی سه وزن ادویه بسرشند شربت دو مثقال

معجون خبطابا نافع از برای صلابت و سده ها و اوجاع کبد و معده و طحال و حمیات عتیقه اخلاط آن به نسخه شیخ رئیس خبطابا و فلفل از هر یک ده درم قسط تلخ و ساذج هندی و سنبل الطیب و راوند چینی از هر یک یک اوقیه کوفته و بیخته بعسل [illegible] معجون سازند شربت یکدرم [illegible] سداب این نسخه [illegible] و این مجموع شصت و سه درم مزاجش گرم و خشک است در اول درجه سوم

معجون جلالی که [illegible] امساک منی و دفع [illegible] نافع است [illegible] را محکم کند [illegible] آورد [illegible] تمام دهد

و مقوی اعضای رئیسه است و گرده و مثانه و نشاط آورد و مجرب است اطریفل دارچینی
و قرنفل الطیب و مصطکی رومی از هر یک دو مثقال مشک تبتی دو دانگ جوز بوا هفت مثقال بلیله
چینی سنبل الطیب عود هندی از هر یک دو مثقال حب الفیل سفید چهار دانگ عود بادرنجبویه سفید دو
مثقال پوست حبشی کشنیز پنج مثقال لسان العصافیر سه مثقال پسته و خصیة الثعلب مصری چادر
سر گنجشک نر گزر و قسط انیسون گرفته باشند و خشک کرده باشند و ماهیه شیر اعرابی
از هر یک چهار مثقال زعفران دو مثقال عنبر اشهب یک مثقال نبات سفید چهار صد مثقال
ادویه را کوفته و بیخته با نبات چندان عسل سفید مصفی و قدری روغن مغز بادام
بادام سرشته نگاه دارند شربت از یک مثقال تا دو مثقال زعفران مقوی مشک و زعفران
و اندک دارچینی و زیره کرمانی معجون خبث حبشی تالیف حکیم عماد الدین محمود حسینی
شیرازی نافع از برای مالیخولیا و بواسیر و جذام و انتشار و قروح سوداوی و وسواس
و جمیع امراض سوداوی اطریفل زنیاد و از خطایی مجرب زراوند مدحرج
و خولنجان و افتیمون و ماهی زهره و ریوند چینی و پوست هلیله سیاه و لاجورد مغسول و زبد
سفید خراشیده به روغن بادام تربیت حرب نموده و دارچینی و سنبل الطیب و مصطکی رومی
و جوز بوا و بسباسه و زعفران و قرنفل و دار فلفل از هر یک دو مثقال خربق حبشی اغلیقون
نصف وزن مجموع ادویه یعنی شانزده مثقال ادویه را کوفته بیخته با سه وزن ادویه
معجون سازند شربت هر صبح یک مثقال اطریفل معجون به نسخه حکیم محمد باقر ولد ارشد
حکیم عماد الدین محمود حسینی شیرازی منقول از خط غفرالله و قلمی نموده که این معجون تقویت
معده و دل و دماغ و جگر و گرده و مثانه و انثیین و تمام اعضای بدن است مقوی
معده باد است و رنگ روی را سرخ کند و بدن را فربه کند و فرح آورد و بیخ

جوز بوا

چوب چینی پنجاه مثقال ورق طلا وعنبر اشهب و بخفضة الثعلب مقشر و بهمن سرخ و بهمن سفید
از هر یک پنج مثقال مروارید ناسفته وبسد یعنی مرجان مقشر و زرنباد چینی وافتیمون مقشر
وسنبل الطیب و دارفلفل و مصطکی رومی و عود قماری و زعفران و ماهی شیر از هر یکی
واسارون شامی و صندل سرخ و دارچینی و قرنفل و زنجبیل و تودریان و سورنجان و کبابه
جوز بوا و خولنجان و قسط شیرین و تودری سرخ و تودری زرد و بهمن کوفی از هر یک
یک درم و نیم مشک تبتی و گل مختوم و صندل سفید و شکر سفید و ماهی روبیان بحرین و درونج
عقربی و زرنباد و تخم جرجیر و کندر و تخم شلغم و تخم زردک و تخم ترب و خشک مویز از
هر یک سه مثقال املہ در شیر پرورده و خرمای رطب و لسان و شقاقل مقشر از هر یک ده مثقال
اجزا را کوفته و بیخته گل گاوزبان گل ... یا در آب جوشانیده از هر یک ... و غنچه گل سرخ
شروع الامعاء و ... از هر یک ده مثقال در آب بجوشانند و صافی نموده
تخم خشخاش سفید و مغز تخم خربوزه و مغز تخم خیارین و تخم کاسنی و تخم خرفه مقشر از هر یک ده
مثقال نرم نرم بکوبند و شیره گرفته اضافه مطبوخ نمایند و آب به شیرین و آب انار
شیرین و گلاب اضافه آن نموده با قند سفید و عسل مصفی سه وزن ادویه بقوام
آورند پس مغز فندق مقشر و مغز بادام شیرین و مغز ... و مغز چلغوزه از هر یک ده درم
نرم بکوبند و بعسل مذکور سرشند و بعد از آن ادویه ... مقشر ... سرشند و اگر خواهند
... اعظم ... اجزا داخل کرده در ظرف چینی نگاه دارند معجون چوب
چینی نافع ... از خلط ... نافع از برای اوجاع مفاصل
و تقویت باه ... مجرب است اجزاء آن دارچینی
و سورنجان ... و شقاقل مقشر ... العصافیر و عود هندی

و مصطکی رومی و زعفران از هر یک سه مثقال نوادیه بسباسه و دار فلفل کبابه خولنجان و قرنفل و

کبابه چینی و مشک تبتی و بوزیدان و زرنجبیل و سنبل الطیب و زرنباد و درونج و بسباسه و دج

دار فلفل و عنبر اشهب و عود و اسطوخودوس مجرب از هر یک دو مثقال مغز حب السمنه و مغز حب الفلفل

و مغز بادام و مغز فندق از هر یک پنج مثقال و مغز چلغوزه و مغز نارجیل و مغز پسته از هر یک ده مثقال چوب چینی

از ورق کرده یک شبانه روز بخیسانند پس تا چهار من شاه آب ده دیگ بار ترکیب کرده سر آن را

محکم نموده بتدریج با آتش ملایم بپزند تا بربع رسد ترکیب بپالایند پس صافی نموده با

عسل یکصد مثقال و یکصد و پنجاه مثقال شکر سفید و ترنجبین که از خار و خاشاک پاک کرده باشند

یکصد و پنجاه مثقال شکر داخل کرده بجوشانند و کف از آن بگیرند و باز صافی نموده بقوام

دارو و بعد بمغز بادام سرشته معجون سازند و طریق ساختن این معجون این است

که هر یک از اجزای خشک را سوای مشک و زعفران و عنبر و مغزها علیحده علیحده کوفته

و بیخته وزن نموده در هم کرده مرتبه دیگر با هم بیخته عنبر را و مغزها را هر جدا نرم ملایم کرده

و ترنجبین و عسل و آب چوب چینی را با هم بقوام آورده الحال عنبر را در آن حل کرده

پس زعفران را در گلاب سوده داخل نمایند و بعد از آن مغزها را داخل کرده سر به مهر کنند

که خوب مخلوط شود پس در ظرف چینی کرده نگاه دارند و مقدار شربت از معجون مذکور

حکیم عماد الدین محمود ... داده است که هر گاه در هر یک از معاجین و حلواها و حریرها مقدار

چوب چینی ... مثل آنچه گفته شد کنند و ... مذکور را جوشانیده تا بربع بماند و با عسل و شیره

معجونها و حلواها و حریرها بقوام آورده باقی ادویه را بآن سرشته ترکیب نمایند ... نافع

است معجون چوب چینی دیگر بالعنف حکیم عماد الدین محمود حسینی شیرازی که در اکثر امراض نافع

است و درد اعضا و اعصاب ... ضعف و رطوبت از اثر ... ایل کند و ...

ایز

و پرهیز بسیار چنانکه مطبوخ چوبچینی دارد نهار را اخلاط آن چوب چینی عرقی اعلی یک مثقال
جدوار خطائی حب محلب بهمن بسفایج بندی زرنباد درونج عقربی چینی زنجبیل عاقرقرحا
مشک تبتی از هر یک دو مثقال بهمن سرخ و بهمن سفید پودنه کوهی پلپل و تخم تنب و
دارچینی مصطکی رومی قرنفل دار فلفل جوز بوا بسباسه عود قماری خصیة الثعلب
مصری زعفران از هر یک سه مثقال مغز بادام مغز پسته مغز تخم خربزه مغز فندق لسان العصافیر
از هر یک شش مثقال مغز لبه مغز نارجیل مقشر از هر یک ده مثقال بدستور معمول معجون سازند شربت
در ایام متوسطه دو مثقال و در امزجه قویه سه مثقال و در امزجه ضعیف یک مثقال معجون
چوب چینی بنده درگاه شاه علویان معتمد الملوک محمد شاهی این معجون را عزیزی
که در بیست سال بود که العزیز را ورم و وجع مفاصل و ضعیف باه و ضعف جمیع
قوت های نفسانی و طبیعی و کم شهوت طعام بود فقیر این معجون را تالیف نموده با قهوه
چوب چینی بدست نیت پرورزنا دخورانیده بنهایت منفعت کرده امراض
امراض او بصحت مبدل شده و قوتهای او قوی کرده و شهوت طعام به نیکو پیدا کرد
اخلاط آن چوب چینی اعلی پنج مثقال صبر سقوطری عشبه مغربی هفت مثقال و نیم
چوب چینی را بریده نرم نموده عشبه را اندام تنقیه بخاری زیره نموده و گل گاوزبان
و بسفایج فستقی و بادرنجبویه از هر یک مثقال هیرفی مویز منقی از هر یک پنجاه مثقال صبری
مجموع ادویه که بزرگ کرده ده من شیر تازه آب ریزی کرده شیر از الخلیق
مثالی بوشیانند ده اطراف آن را بخمیر و گل حکمت محکم کرده بر آتش بار کرده
در
بزرگی بر روی سیر پوشش بگذارند و مقدار ده من شیر بهمه قلم با یک باتیس ملایم
زیر آن بسوزانند تا شیره با تمام رسد پس فرو آورده شیر از آن گرفته بالا بندیس

نبات سفید و عسل مصفی سفید از هر یک نیم من تبریز داخل کرده بقوام آورند پس چوب چینی
اعلی نقده مثقال زعفران چهار دانگ دارچینی بهمن سرخ بهمن سفید سه مثقال
مصری خولنجان سلیخه دانه هیل بوا از هر یک نیم مثقال بوزیدان کابلی نیم مثقال
و نیم کوفته و بیخته معجون سازند و هر روز دو مثقال صبح و دو مثقال شام با آب قهوه چوب
چینی بخورند یا آب دیگر که دو مثقال چوب چینی را در یک من آب طبخ چوب چینی
یا یک من و نیم طبخ نمایند و چون نیمه تمام شود فرود آورده صاف کرده نگاه دارند نصف
صبح با معجون بخورند و نصف دیگر را شام با معجون بخورند و از برای دیگری این اجزا
را با اجزای معجون باید ترتیب فرود نموده گل گاوزبان گیلانی در و نج عقربی
با درنجبویه علک البطم از هر یک نیم مثقال وزن چوب چینی سرب را فرود نموده لاجورد
مغسول و حجر ارمنی مغسول از هر یک یک مثقال نیز داخل کرد اخلاط این معجون به نسخه دیگر
که از برای شخصی شکوه بسیار از ضعف باه و اعضا داشت بنهایت منفعت کرد چوب
چینی اعلی کوفته مغربی از هر یک چهار ده مثقال حاز خطای و بادیان خطای از هر یک
سه مثقال دارچینی چهار مثقال گاوزبان و انیسون و بسفایج فستقی و بادرنجبویه
از هر یک نیم مثقال بهمن سرخ دانه هیل کرده و زرک ورق کرده از هر یک پنجاه
مثقال چوب چینی کوفته را بجوشانند زبره کرده مجموع را با ده من شراب در
دیگ بزرگ کرده شراب را بجوشانند و رو پوش نماینده مقدار ده من شیره بهمه قلم با یک
دو ششدانگ را با آتش در زیر آن بجوشانند تا بهمه یا تمام رسد از آتش فرود آورده
صاف نموده نبات و عسل از هر یک نیم من تبریز داخل کرده بقوام آورند
پس دارچینی و شقاقل و خولنجان و سلیخه و بوزیدان و دانه هیل و مصطکی

دارچینی

بسباسه از هر یک دو مثقال ابریشم مقرض سه مثقال چوب چینی هفت مثقال عنبر اشهب
دو دانگ زعفران نیم مثقال پوست بلیله کابلی سه مثقال مغز بادام شیرین و مغز الکلک
دلسته و مغز حبة الخضرا و مغز چلغوزه از هر یک چهار مثقال به دستور معجون بسازند هر روز صبح
دو مثقال و شام دو مثقال با مطبوخ چوب چینی مذکور بخورند و اگر خواسته باشند فقوه
ابا نبات یک قند یک مثقال شیرین کرده بخورند مناسب است در امراض سوداوی
اگر بر اجزای نسخه این معجون درونج عقربی و گل گاوزبان و بادرنجبویه و علک البطم
از هر یک دو مثقال لاجورد مغسول و حجر ارمنی مغسول و مروارید و گل شقایق از هر یک
یک مثقال بیفزایند بهتر است معجون با چوب چینی دیگر تالیف صدر الشریعه گیلانی آتشک کهنه
درد مفاصل و نفخ معده و ضعف باه و امراض گرده و مثانه را نافع است اخلاط آن
چوب چینی اعلی هشتاد مثقال سلیخه کبابه چینی بهمن سرخ بهمن سفید دارچینی سادران
عود هندی سنبل الطیب مصطکی رومی قرنفل ساذج هندی از هر یک سه مثقال
فلفل و دارفلفل و زنجبیل و زعفران از هر یک دو مثقال مشک تبتی خالص عنبر اشهب از
هر یک یک درم عسل مصفی سه وزن مجموع ادویه دستور شهر معجون بسازند شربت هر صبح مقدار
سه مثقال تناول نمایند معجون چوب چینی دیگر که نسخه نفیس یکو بند که در تقویت باه و اعصاب
رئیسه و دفع امراض سوداوی بی نظیر است اخلاط آن پوست هلیله کابلی پوست
بلیله زرد هلیله سیاه املج منقی از هر یک سه درم افتیمون بسفایج فستقی از هر یک دو درم لاجورد
مغسول حجر ارمنی مغسول از هر یک دو درم زرد سفید چرا شیده بروغن بادام شیرین چرب
نموده اسطوخودوس بهمن سفید بهمن سرخ زرنب و بادرنجبویه از هر یک سه درم درونج
عقربی و جدوار خطائی خصیة الثعلب مصری سنبل الطیب قاقله مصری بوزیدان مصری

از هر یک ده درم بوزیدان دارچینی قرنفل جوزبوا دارفلفل گلسرخ عود هندی ابریشم مقرض از هر یک پنج درم
ونیم چوب چینی اعلی بوزن مجموع ادویه عسل مصفی سه وزن ادویه بدستور معجون شربت از یک مثقال تا
از روز چهار مثقال **معجون چوب چینی** دیگر غریب است نسخه که مذکور شده و نقش بر معجون
سورنجان چوب چینی افزوده و زیادتی دیگر هم جز جزای نموده نام از معجون چوب چینی
نهاده و فضایحی کرده است ارکش نسخه کسی نیست و گفته که مستعمل این معجون را ملاحظه اخلاط
و غذاهای غلیظه لازم است و اگر در ایام خوردن این معجون قیمه سورنا با نخود اب بخورد
بهتر است **اخلاط آن** چوب چینی اعلی شش مثقال سورنجان مصری زعفران مصطکی
رومی دارچینی از هر یک سه مثقال اصول فارسی یا هبرره بوزیدان پوست بیخ کبر سطح
هندی راز یانه فلفل ایاه غنچه گلسرخ قرنفل و قاقله چار از هر یک دو مثقال لوت بیلیه
رزد زرد بلیله سیاه از هر یک هفت مثقال نمک هندی زنجبیل از هر یک یک مثقال ادویه را
کوفته و بیخته بروغن بادام شیرین چرب نموده با یکصد و شصت مثقال عسل مصفی بدستور معجون
معجون سازند شربت سه مثقال بیندریج تا چهار مثقال در امزجه قویه و اما در امزجه ضعیفه
یک مثقال بیندریج تا دو مثقال در امزجه معتدله از دو مثقال تا چهار مثقال و اگر بیخ شش
روز اول یکمرتبه قی کرده اکتفا بضعف بسازند که مواد سر دفع شود بهتر خواهد بود
و غذا در این روز نخود آب گوشت جوان مرغ و مصالح و بیلیه و دارچینی و زعفران
باشد **معجون چوب چینی** دیگر که در اکثر امزجه بکار ده و او جامع اعضا خصوص وقتی که سبب
آتشک باشد نافع است **اخلاط آن** چوب چینی اعلی یک مثقال قرنفل جوزبوا بسباسه
گلسرخ زعفران زرنباد خولنجان سعد کوفی از هر یک سه مثقال دارچینی قاقله فلفل سیاه
سنا مکی مصطکی رومی سورنجان مصری بوزیدان نانخواه العصافیر از هر یک پنج مثقال زنجبیل

دارفلفل

دارفلفل عاقرقرحا جدوار خطائی از هر یک دو مثقال عسل مصفی سه وزن ادویه بدستور معهود

معجون بسازند مقدار شربت در امزجه متوسطه دو مثقال و در امزجه قویه سه مثقال و در

امزجه ضعیفه یکمثقال است معجون چوب چینی دیگر طعام هضم کند و باه را قوت دهد و

اشتهای طعام آورد اخلاط آن پوست بلیله زرد پوست بلیله کابلی بلیله سیاه آمله

زنجبیل پوست بلیله دارچینی لسان العصافیر کردن قرنفل الطیب سنبل الطیب زعفران سورنجان

خولنجان عود قرنفل کندر دارفلفل زنجبیل رازیانه انیسون نانخواه تخم کرفس تخم لوز

مثقال مصطکی جوز بوا عود قماری اجزای مساوی چوب چینی اعلی مساوی مجموع

ادویه عسل مصفی سه وزن ادویه بدستور معهود معجون بسازند شربت سه مثقال معجون

چوب چینی دیگر بو نفس گوید که این معجون جمیع امراض بارده را نافع است و بدن

را فربه کند و نضج افزاید و رعنایت و سرور افزاید اخلاط آن چوب چینی که پوست

از آن تراشیده باشند مقدار یکصد و شصت مثقال مستکی دوازده مثقال زعفران

زنجبیل مصطکی درونج دارچینی قرنفل فلفل سیاه دارفلفل عاقرقرحا شطرج هندی تخم

بلیله سیاه تخم ازرق سنبل الطیب خولنجان وج نانخواه رازیانه سورنجان انیسون

از هر یک سه مثقال موز منقی روغن گاو از هر یک سی و سه مثقال موز را نرم کوبیده

با باقی ادویه کوفته بیخته در روغن گاو چرب نموده با سه وزن مجموع ادویه عسل مصفی

معجون بسازند شربت دو مثقال و نیم معجون حافظ صحة الاطفال بنده بر شکسته

عبودیت با بیت و لازم محمد اسم المی سید علوی خان حکیم معتمد الملوک محمدشاهی

این معجون را از برای تشخیص اطفال از وقت ساقط منتشر بند اگر احتیاج با

طفلی در خدمت متولد نشده زیاده بر دو سال زنده نمی ماند و بمرض ام الصبیان وفات

بسیار و این معجون را تألیف نموده و در ایام حمل جنین از آنکه به ماه ششم رسد ساقط شدی حمل
او چهل روز دیگر خورانیدند بعون الله تعالی آن فرزند زنده متولد شد و بعد از تولد
نیز آفتی بآن طفل نرسید و بحد کمال رسید و در حمل بهمین دستور حمل اطفال او
زنده ماندند و بعضی این معجون را که باین علت مبتلا بودند این را بعضی تمام
حمل و دیگر و بعضی را تا شش ماه و بعضی را تا چهار ماه خورانیدند و همگی منتفع گردید اطفال
زنده ماند اخلاط آن مروارید ناسفته کهربا بسدی بسد محرق مغسول صندل سفید صندل
سرخ طباشیر سفید عفص اخضر درونج عقربی عود الصلیب از هر یک دو مثقال و نیم تخم
تخم بنج دانه تخم خرفه از هر یک یک مثقال ورق طلا ورق نقره از هر یک بیست عدد ابریشم
مقرض سحق الجبار گل ارمنی از هر یک دو مثقال و نیم عنبر اشهب دو قیراط شراب
غوره سفته دو یک مثقال عسل مصفی پنجاه مثقال بدستور معجون مرتب نمایند شربت یک مثقال تا دو
سازند معجون حب الغار تالیف محمد بن زکریا برازی قولنج بلغمی را بدو استسقاء
طبلی و جمیع امراض ریحی که باینها حرارت نباشد نافع باشد اخلاط آن سعد اسب
بابونه پنج درم نانخواه و زیره کرمانی بذر رازیانه کاشم و شونیز و صعتر و فطراسالیون و مغز بادام
تلخ مقشر و کردمانا و فلفل سیاه و فوج بزرگ و زنجبیل فارسی خشک و حب الغار و جند بیدستر از هر یک دو
درم و جاوشیر سه درم سکبینج چهار درم صمغ بادام زراوند در شراب کهنه حل کرده باقی ادویه
را کوفته بیخته با سه وزن ادویه عسل مصفی بدستور معجون سازند شربت دو مثقال
معجون حب الغار به نسخه علاء تبریزی گفته که این معجون با دوای غلیظه را تحلیل دهد و نافع از
از برای استسقاء طبلی و قولنج ریحی و جمیع علل بادی را فایده دهد و درد پهلو
و مغص را و ... را اگر در شکم باشد سود دارد اخلاط آن حب الغار سفید درم کاشم
و فطراسالیون

و فطراسالیون و زیره مقشر و مغز بادام تلخ مقشر و دار فلفل و وج زرد و فو بیخ از هر یک سه درم
جند بیدستر و جاوشیر و سکبینج از هر یک دو درم با عسل معجون سازند شربت یک مثقال تا سه درم
باید بکرم دارند این معجون یازده جزو است و وزن این یک لیله هفت درم است مزاج او
گرم است در اول و اخر درجه سیوم و خشکیست در دوم درجه بس بعد از **معجون حب الغار** نسخه صاحب
اختیارات بدیعی **اخلاط آن** حب الغار مقشر شش درم ورق سداب خشک پنج درم
نانخواه زیره کرمانی شونیز صعتر فارسی کاشم کرفس فطراسالیون مغز بادام تلخ وج زرد فلفل
دار فلفل فو دو بیخ از هر یک سه درم جند بیدستر سکبینج جاوشیر از هر یک ده درم عسل مصفی سه چندانکه
وزن مجموع ادویه بیشتر مغز معجون سازند شربت از یک مثقال تا دو درم و این نسخه
سید اسمعیل در ذخیره ریاح معده و امعا آورده و گفته که این معجون را بعد حقنه میدهند
معجون حب الصنوبر از جالینوس است عظیم القدر و عظیم النفع است اعاده شهوت
باه میکند بعد از یاس و ادرار صافی منکر دانند و تفتیح سده میکند و ضعف گرده و مثانه را و
مثانه را نافع باشد **اخلاط آن** مغز حب القطن بیست مثقال دارچینی فلفل مغز حب الصنوبر
تخم انجره از هر یک پنج مثقال قاقله مصری از هر یک ده مثقال دارشیشعان هفت مثقال قسط تلخ
مصطکی رومی تخم کتان ریانی از هر یک چهار مثقال ادویه را بکوبند و بیخته با سه وزن ادویه عسل
مصفی معجون سازند **معجون حب الصنوبر** درد گرده و مثانه بول الدم را نافع باشد **اخلاط آن**
تخم کرفس رازیانه از هر یک ده درم مغز تخم خیار دو درم سبوس تخم حماض رب السوس افیون مغز
حب الصنوبر بریان زعفران مغز فندق بریان مغز بادام تلخ از هر یک سه درم حب الکاکنج
و بیخ دانه کوفته و بیخته بعسل سرشند و بعد از شش ماه استعمال کنند شربت یک درم تا اگر
قرص کنند شاید **معجون حجر الیهود** و سید اسمعیل جرجانی در ذخیره در حصات گرده و مثانه

ذکر کرده اخلاطان مغز تخم خیارین ده مثقال مغز تخم کدو پنج مثقال حب الآس سه مثقال حجر الیهود
سلایه کرده پنجاه مثقال عسل منزوع سه وزن ادویه معجون سازند شربتی دو درم
تا سه درم معجون حجر الیهود دیگر اخلاطان انگشت عقرب سوخته خاکستر کرده
بلطی خاکستر خرگوش سنگ اسفنج خون خشک کرده خاکستر پوست تخم مرغ بیرون
آورده با سنگ الیهود وصمغ کرکمان ... اجزا مساوی ... اسقیلون ...
طرا تبسیع صمغ جاوشیر تخم خطمی فلفل از هر یک یک جزو نرم کوفته بیخته با عسل منزوع سه وزن مجموع
ادویه معجون سازند شربت از یک درم تا یک مثقال با آب خنک یا آب نخود سیاه معجون
حفظ اخلاطان به نسخه حکیم ... پوست هلیله کابلی پوست هلیله سیاه املج
منقی دارچینی وج ... از هر یک درم زنجبیل فلفل دار فلفل کندر از هر یک ... درم
پوست هلیله ... از هر یک چهار درم ... سفید مغز ... بیرون
آورده پنجاه درم ادویه را کوفته بیخته ... نرم کوبنده ادویه را با آن معجون
سازند معجون حلتیت از صناعت جالینوس است در دوای بسیار نیکو است
از برای ازاله تب ربع و فتی که ماده آن نضج یافته باشند و از برای جمیع حمیات
و غیره که از برودت باشند و از برای ازاله نافض حمیات منفع بعد است
و نافع است از برای ریاح غلیظه و اوجاع ... و درد پهلو که از ریاح دارد
پهلو که از ریاح و برودت باشد و نافع است از برای سموم تمام حتی آنکه چون
طلا کنند بر ... رفع سمیت بکنند ... آنکه تریاق است ... گفته اند
که چون با شراب ... ممیده شود معادل تریاق فاروق است ... کفته که
نافع است از برای ضرر ... خصوص عقرب ... و باب ... نافع

است از برای ربو و سعال و عسر النفس و ... برای لعب حصاة و رجال مشغول شوند شیخ داود
گفته که من تجربه کردم این معجون را از برای هیجان باه بعد از یأس از آن و از برای آنکه
سیلان میکند از قضیب از بول و ودی و مذی و مده و غیره و از برای قروح و اوجاع مفاصل
بارده و عرق النسا و دفع ریح و قولنج ... و قتیکه از این جار باشند خواه بخورند و خواه
طلا کنند و ادرار حیض میکند و اهل جنس را پایان معجون رغبت تمام است و مزاج جنس حار و
یابس است در دو درجه یا به محمود بن الیاس در حاوی صغیر گفته که این معجون مصلح سوداست
بحسب طبع گفته که این مفرح است لکن مصلح آن کثیرا است اطریفلان به نسخه
شیخ دارد ده جلبت و مصطکی و سنبل یابسه و فلفل سیاه از هر یک یک جزو و دارشیشعان
و طین مختوم و سعد کوفی و حب الغار از هر یک نیم جزو و صمغ عربی در آب حل کرده
با تمامی ادویه را کوفته بیخته با عسل مصفی سه وزن ادویه را معجون سازند و بعد از شش ماه
استعمال نمایند شربت یک درم تا یک مثقال معجون جلبت به نسخه شیخ رئیس این نسخه
به نسخه اصل جالینوس و نسخه جمهور است اطریفلان جلبت و فلفل و مصطکی و زنجبیل
اجزای مساوی کوفته و بیخته به عسل مصفی سه وزن مجموع ادویه سرشته مفرح معجون سازند
شربت یک درم در سکنجبین یا با آب گرم و عفارن و شربت سوم با شراب و با ماء العسل و در
حمیات با سکنجبین ... از وقت نوبت ... صاحب میزان الطبایع
گفته که این نسخه چهار جزو است و مزاج جنس گرم است در دو درجه و نیم و ربع درجه
و در موضع دیگر از همین کتاب همین معجون را عنبیه ذکر کرده و گفته که گرم است و خشک
در آخر درجه سوم محمود بن الیاس گفته که شربت این معجون یک مثقال است و صاحب اختیارات
بدیعی گفته که شربت این معجون یک درم است تا نیم مثقال و قلادی گفته که شربت از آن

یکدرم است **معجون حلتیت** به نسخه ابن جوله در منهاج البیان که بر باقی جمیع سموم است

اخلاط آن مرصافی فستق تلخ برگ سداب یابس فودنج فلفل عاقرقرحا فردمانا از هر

یک جزو حلتیت بوزن مجموع ادویه کوفته و بیخته بعسل مصفی سه وزن ادویه بدستور

مقرر معجون سازند شربت یکدرم در طبیخ جرماده درم روغن گاو و نافع باد **معجون**

حلتیت به نسخه سید اسمعیل که در ذخیره در حمی ربع ذکر کرده **اخلاط آن** برگ سداب

یابس فلفل سیاه حلتیت اخراجی بساوی کوفته و بیخته بعسل مصفی سه وزن ادویه

معجون سازند شربت نیم مثقال در ربع مزمن در زمستان بکار برند تا بجن فره

و محمد ذکر میگوید که اگر در روز نوبت یکمثقال ازین معجون بخورند و خویشتن را گرم بپوشند

تا عرق آید نفع تمام دهد **معجون الجواهر** این معجون بادهای زنان حامله را دفع کند

و حفظ جنین نماید **اخلاط آن** زرنباد و درونج عقربی از هر یک دو درم کهربا مروارید

ناسفته دارشیشعان و سنبل و جند بیدستر از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بعسل صافی معجون

سازند شربت یکمثقال **معجون حب الفقد** منفعت این معجون از ترکیب قدیمه معلوم

نیست که از صنعت کیست و بعضی از ترکیب جدید است مالعمت از برای

قطع رطوبت از منی و نقرس و خون اسهال و مانع حدت است از برای رقت

انزال بسبب رطوبت و ضعف آلت بول و نافع است آلت تناسل را و نافع

الشناء از برای بول در فراش و مجرب است باصحاب تقطیر ... خفقان است و مصلح

آن روغن بادام شیرین و شربت از آن سه درم است **اخلاط آن** حب الحدید

حست بنده در سرکه انگوری یکهفته پس بریان کرده صد درم بلیله سیاه کوب بلیله

ابله منقی فلفل دارفلفل سعد سنبل نجمه سنبل الطیب زنجبیل شیطرج از هر یک ده درم تخم گندنا

حب النور

تخم شبت از هر یک نیم درم کوفته و بیخته با دام شیرین چرب نموده بعسل کف گرفته
سه چندان ادویه معجون سازند و دو درم مشک یعنی مشک طیب سازند شربت از یک درم
تا یک مثقال معجون خبث الحدید از برای بسیاری بول که از سردی باشد برطرف کند و معده
را قوت دهد و نشف رطوبات معده کند و این ادویه از دواهای خشک کرده
باشند اخلاط دوائی خبث الحدید بدبر بیست درم فسار کنند که بگردد در سرکه انگوری
خسانیده خشک کرده باشند نیم درم ظاهر سفید جهاربی؟ سبوکران دو درم کشنیز
خشک سه درم کوفته و بیخته با سه چندان معجون سازند و در نسخه دیگر بجای سه
مصحح است شربت با مداد سه درم با شراب سه معجون خبث الحدید نسخه دیگر که
سید اسمعیل جرجانی در ذخیره در علاج حبس خون بواسیر آورده اخلاط دوائی خبث الحدید
بدبر یازده درم هلیله سیاه پوست ابخر بنفشه کرمارج از هر یک یازده درم سنبل الطیب
ادخر مقل سعد کوفی زنجبیل فلفل کندر از هر یک سه درم کوفته و بیخته بعسل املج با سه وزن
مجموع ادویه بنور مغز معجون سازند شربت بقدر یک جوز بزرگ معجون خبث الحدید
حائض نافع از برای اسهال بواسیر و بسیاری ادرار بول و دفع سرعت انزال نهایت
مفید است و تقویت معده است اخلاط دوائی خبث الحدید مدبر املج منقی هلیله سیاه
بدرو روغن گاو بریان کرده تخم حماض برای بریان نموده حب الآس کوفته هلیله در روغن
گاو بریان کرده اجزای مساوی کوفته و بیخته با رب عنب و عسل مساوی از هر دو وزن
ادویه بنور مغز معجون سازند شربت دو مثقال معجون ... نافع از برای
ضعف دل که از سردی باشد و خفقان که در دل حبس را سودمند است و سودا
و مالیخولیا خصوص مراقی را نهایت مفید است و دل را قوت دهد و نشاط آورد معجون

ورق حلیسنج قرنفل وسعد کوفی از هر یکی درم سپاسه تودری سج فرنجمشک
قرفه از هر یکی سه درم مشک خالص یکدانگ کوفته و بیخته با شراب سیب سرشته وزنی
بدو شود مفرح معجون سازند اطریفل ان بسنخه محمد بن زکریا ماء رازی این نسخه اسمعیل
در ذخیره در اسهال معده رطوبت که واسطه شود متایل عدو و معده بایدراستعمال
کرده شود و بعلاوه فی و اسهال نافع باشد اطلاطان دانه املوار سر بیرون آورده
با شود و نرم کوفته بیست درم حب الاس سه درم خروب بنطی گلنار فارس
بارد سرازیر ده درم کندر بانخواه سعد کوفی مصطکی رومی سنبل الطیب از هر یکی درم
کوفته بیخته بشکر سفید بقوام آورده با عسل منزع بقوام آورده بدو مفرح معجون از
شربت از سه درم تا چهار درم معجون خوزی نسخه علی بن عیسی صهار بخت اطلاطان
وفه الطیب حب بلسان سنبل هندی سلیخه شود از هر یکی ده درم زنجبیل ده درم
خولنجان عدد فاقله قرنفل و بیشوتین و اکلیل الملک شیطرج هندی از هر یکی
درم ریوند چینی بیست درم ماء مشک چهار درم قصب الذریره فلفل دار فلفل
از هر یکی درم پوست بلیله کابلی ده استار پوست بلیله ده عدد حب الاس
بوزن گل و درونج نسخه زنجبیل ده درم اسارون سعد کوفی ده استار کوفته بیخته با
شکر بقوام آورده معجون سازند معجون زاری مداومت بان منفعت و نافع است
وحافظ از امراض بارده بلغمیه چون بشکند و در قلب تونیت صحیح بود
نفقه از هر مقدار جوری بخورند صحیح شود از ان نفقه توبت بلند و توبینده اکوفته بیت تو
صحیح بکار بیخته انند سر کافی بود اطلاطان اقسمون ماء افریطی اسطوخودوس بسفایج
فستق عاقر قرحا اجزای متساوی کوفته بیخته با سکنجبین عسل با موز سرخ دانه
اون

وزن در دو درم نانخواه درزان مخمور زانی مغوفه نافع است از
و زن در ایام اسهال مخمورانی باز و دیر مشتمله

بیرون آورده و ادام کرباب شده گرم و این مجموع بکوبند و معجون سازند معجون برای اسهال
که صاحب ریاض الفواید نسخه از دو درم سوداوی که بیدر ذکر کرده اطلاطان ریوند
چینی زراوند طویل زنجبیل اشترغار از هر یک چهار درم تخم کرفس رازیانه انیسون و نانخواه
از هر یک دو درم مجموع را کوفته و بیخته با سه چندان مجموع ادویه عسل منزوع بکوبند
مغرز معجون سازند شربتی سه درم با سکنجبین یا ماء الاصول و این معجون ادرار مدره
را نیز با نفعست معجون ریوند چینی اما کس معده و جگر او را در جگر که از حرارت و حمیت مبرا بود
مفید باشد و معده را نافع باشد اطلاطان ریوند چینی زنجبیل نانخواه ...
... ان از هر یک ... تخم کرفس رازیانه انیسون نانخواه از هر یک نیم ...
اجزا را کوفته و بیخته با سه وزن مجموع ادویه عسل منزوع باید مغرز معجون سازند
شربت یک مثقال با ماء العسل و در نسخه دیگر مجموع ادویه را اجزای مساوی آورده
... عسل ... مغرز معجون سازند شربت ... مثقال و در نسخه دیگر این معجون ... اجزا
مساوی آورده و در نسخه دیگر بجای ... معجون ... که ...
در ذخیره ... ذکر کرده اطلاطان ... و
... از هر یک ده درم ... از هر یک ... درم ... بادام تلخ مقشر
... تخم ... از هر یک ... درم و در بعض نسخه ... و حرف ... از هر یک ... درم
... اجزا را کوفته و بیخته ... منزوع با عسل منزوع ... وزن ادویه معجون سازند
شربت یک مثقال معجون ... منسوب ... از برای منع تقطیر
بول ... انزال ... عظیم دارد اطلاطان کتابه چینی ... و
... مصطکی رومی و نانخواه از هر یک ... درم عسل منزوع ... وزن

مجموع ادویه بکوبند و بعسل مصفی معجون سازند شربت از یکمثقال تا دو درم معجون اذخر مقوی
دماغ و امراض دماغی خصوص صرع را نهایت مفید است اخلاط پوست بلیله زرد
پوست بلیله کابلی و بلیله سیاه و آمله منقی از هر یک ده مثقال عود الصلیب پنج مثقال عاقرقرحا
بسفایج دو درم کوفته و بیخته با مغز بادام شیرین سرشته بعد از ده کوبند و یک رطل عراقی انگبین مغز
معجون بسازند شربت پنج درم معجون زردفا که سید اسمعیل زر د خیره در ذکر کام و نزله
نافع بود ذکر کرده اخلاط آن ذکر کرده همان رب السوس است که در سعال ذکر نموده
شد معجون ارد مشهی دماضم و مسهل و مفرح و مقوی احشا است و تجربه الکندی
منعش و سرور و تقویت قلب نافع است و در اوائل درجه دویم گرم و مایل به یبوست
است اخلاط آن جوز بوا و سنبل از هر یک شش مثقال این هر دو را با هم کوفته
و با روغن بادام شیرین دو مثقال چرب نموده زنجبیل کوفته و روغن بادام چرب
کرده یکمثقال زرنباد و اسارون و کف العصافیر از هر یک دو مثقال عود قماری
و قرنفل و فوتنج و بهمن سرخ و بهمن سفید و ابنوس از هر یک یکمثقال حصی البلوط
مصری نیست مثقال مغز پسته بست و پنج مثقال و اگر میسر باشد بهتر است کشمش سفید
بی دانه خشک از هر یک ده مثقال عسل مصفی و دو شراب زرد که بقدر نیمه
مثقال و اگر دو شراب زرد که نباشد باید گرفت دو شراب سیب و بعد از آن
معجون بسازند شربت یکمثقال معجون بقراط حکیم این معجون را مفرح قلب محزون
نامیده حنین بن اسحق این معجون را از یونانی بعربی ترجمه کرده پیش مامون رشید علیه
فرستاد و این معجون را خواص بسیار دارد و نافع است از برای جمیع امراض
سودایی و بلغمی و از برای صداع و ضعف دماغ و ضعف جگر و دل و تمام بدن را
ودولوالی

و وسواس و الم فاسده و مالیخولیا و جنون و نسیان و سل و رحم و جراحات و ثالول و
درد سر قدیم و دق و صرع و بهق و برص و درد معده و جگر و طحال و یرقان و درد باسلیق و وجع
مفاصل و ذات الجنب و داء الثعلب و داء الفیل و داء الحیه و حمی غب و ربع و از برای
تقویت باه و دفع زهر مار و کژدم را از این [illegible] نافع و عسر البول را نافع بود و سنگ گرده و
مثانه بریزاند و فرود آورد و سده طحال بگشاید و دافع جمیع سموم است و دیدان و حیات
را بکشد و قی را دفع کند و حیض را براند و بوی دهان خوش کند و اثر زبان را ببرد
و حسن تاثیر در افعال و خواص این معجون بسیار نوشته‌اند ما مختصر کردیم اخلاط آن جنطیانا
دوقو و ماهودانه و فنجنکشت و فرنجمشک است و در نسخهٔ دیگر بجای فنجنکشت فرنجمشک
و این بهتر است حب الغار و زراوند طویل از هر یک دو درم و در نسخهٔ دیگر از هر یک یک درم است و
افتیمون و قسط و حب بلسان و اسارون و سنبل از هر یک یک مثقال و دو دانگ
و زنجبیل یک مثقال و چهار دانگ و درونج عقربی و فلفل و تخم کرفس از هر یک یک مثقال و چهار
دانگ و زعفران و دارچینی و لک مغسول و صبر اسقوطری و زرنباد و عود هندی
و جوز بوا و قرنفل و دارچینی و قاقله و [illegible] و بسباسه و سنبل الطیب و ورق گل سرخ و
سعد کوفی و حب المحلب و بهمن سفید و پوست [illegible] از هر یک چهار مثقال و یک دانگ
و تخم خرفه و تخم [illegible] از هر یک یک مثقال و دو دانگ و ریوند و شیطرج هندی و مر و عسل
مستوی و فلنجه از هر یک دو مثقال ادویه را کوفته بیخته بروغن بادام چرب نموده
با سه وزن ادویه عسل مصفی بسرشند و بعد از [illegible] معجون بسازند و [illegible] از
شش ماه بکار برند شربتی از دو مثقال تا چهار مثقال معجون شفا در نسخه صاحب
میزان الطبایع اخلاط آن جنطیانا رومی فودنج [illegible] و تخم فرنجمشک و

حب الغار و زرآوند طویل از هر یک یکدرم افتیمون و جند بیدستر و حب بلسان و عود بلسان
و اسارون و سلیخه و مصطکی از هر یک یکدرم و نیم مرمکی صافی و فرنجمشک و زرنباد و
درونج عقربی و تخم کرفس از هر یک دو درم و جوزبوا و دار فلفل و ریوند چینی از هر یک سه درم
و بادرنجبویه پنج درم سعد کوفی کوفته و حب المحلب مقشر از هر یک چهار درم بلیله سیاه و آمله منقی
و پوست بلیله از هر یک شش درم تخم جرجیر و تخم جزر و تخم پیاز از هر یک ده درم زرنب
و شیطرج هندی و فلنجه و سقنقور مشوی از هر یک سه درم مجموع را کوفته و بیخته روغن بادام
تلخ چرب نموده با سه وزن مجموع ادویه عسل مصفی بدستور معهود معجون بسازند و در
چینی یا زجاجی کرده شش ماه در جو گذارند و بعد از آن استعمال نمایند و هر چند کهنه شود
بهتر گردد شربت از دو درم تا پنج درم و این معجون چهل و پنج جزو است و وزن
معجون ادویه یکصد و پنجاه و نه درم است و مزاجش گرم است در اواخر درجه سوم و
خشک است و در قرابادین اختیارات بدیعی بجای تخم فرنجمشک تخم فنجنکشت
معجون سقنقور منقول از تذکره شیخ داود انطاکی نهایت مقوی باه است و مجرب
غلیظ و مسکن مغص و محرک غیض معلوم صفت اخلاطش کل کلا و زبان گنجشک و تخم جرجیر از
هر یک یک جزو و نیم شیره سقنقور و اگر نباشد بدل آن ماهی روبیان باید و سنبل اعرابی
هر کدام که باشد یک جزو و دیگر شیء جزو و خصیه الثعلب مصری و زنجبیل و فلفل و مغز فندق
و مغز جلغوزه و تخم ترب و شقاقل مصری و تخم شلغم از هر یک یک جزو و تخم انجره و دارچینی و
نخود کفیده و خشخاش سفید و مغز بادام مقشر با وزن مجموع ادویه با عسل مصفی بوزن مجموع
ادویه بدستور معهود معجون سازند شربت یک مثقال معجون سقنقور دیگر در تقویت
باه عظیم نافع است و عمل آن عظیم است و در او روغن نعوظ و مقوی کرده و عطر است
و در نعوظ

دید تقویت را آوردن نشاط و سرور بغایت سودمند است و گفته اند که از معاجین
که از برای تقویت باه تألیف شده بهترین این ترکیب است اخلاطان بهمن سرخ
و بهمن سفید و شقاقل مصری و لوزبیدان و شاه سفرم و کبابه چینی و خولنجان و لسان العصافیر
و دارفلفل صغار و فاقله کبار و سنبل الطیب و تخم نجمسک و قرنفل و مار مشک و مصطکی و ساذج هندی
و عنبر اشهب و مروارید ناسفته از هر یک شش درم و خصیه الثعلب ده درم سقنقور دوازده درم
فضه و محققه سوزان کرده پنج درم عود هندی و تخم ابلیون و زعفران از هر یک چهار درم
و در نسخه دیگر از هر یک پنج درم است و سعد کوفی و اسد محرق و کلیه باهتی از هر یک ده درم مشک
چینی نیم درم و در نسخه دیگر نیم مثقال است لال بدخشی نیم یاقوت رمانی و یاقوت
زرد از هر یک یکدرم ورق طلا و ورق نقره از هر یک نیم مثقال است تخم خشخاش
سفید روغن بادام شیرین از هر یک ده درم ورق الخیال بریان کرده شش درم و در نسخه دیگر
بجای ورق الخیال شعره قنب است که از ان عطر کوبند بوزن تخم خشخاش ادویه را کوفته
بخته عسل مصفی و قند سفید برابر قوام آورده ادویه را بروغن بادام شیرین چرب کرده
بدستور معجون سازند شربت از یکدرم تا دو درم معجون سقنقور دیگر منقول از
نصایح رهبان نافع از برای ضعف باه و مثانه و سنگ [illegible] کرده و مثانه ریزاند و ادرار
بول و منی بیفزاید اخلاطان مغز چلغوزه پسته اوقیه مغز تخم خربزه و مغز خیارین بهمن سرخ
و بهمن سفید کنجد مقشر زنجبیل و خولنجان را شقاقل مصری تخم اسپست تر و سقنقور ضلعی در
فارس خوشبا [illegible] را کوبیده و فایده این از فایده و نفع زیاده است و عملش از ان
اقوی سعلی منضج صفرا اخلاطان آلو ده سپستان بیست دانه تمر هندی منقی ده درم
سر نفشه گل نیلوفر از هر یک پنج درم تخم کاسنی رازیانه از هر یک یکدرم و نیم به سرته شب در یک رطل

ونیم آب بجوشانند وصبح ناشتا ملایم بجوشانند چون ثلث آب بماند صاف نموده
بنوشند چون ده درم تمر هندی منقع و شش درم پوست هلیله زرد افزایند در دو رطل
آب بجوشانند و بعد از بقای یک ثلث صاف نموده پانزده درم گلقند و پنج درم
شیرخشت خراسانی با فلوس خیارشنبر در آن حل کرده باز صاف نموده یک مثقال
روغن بادام شیرین داخل کرده بگرم بنوشند استفراغ صفرا کند اگر به پنج درم سقمونیا موی
ساییده در حل [illegible] و چون در حبات استعمال نمایند برگ هلیله بمانند بجای
سقمونیا یک درم ریوند خطائی سه دار و ساییده با از فلق و سده گیرا [illegible] منضج
دیگر موی مزاجانی را موافق بود صفت ان عناب ده دانه سپستان بیست دانه
آلو بخارا هفت دانه زرشک منقع از هر یک ده درم شاهتره شش درم بنفشه پر سیاوشان
از هر یک چهار درم بشکوفه در آب معهود جوشانیده صاف نموده گلقند با نبات [illegible]
بنفشه درم در آن حل کرده صاف نموده بگرم بنوشند و اگر ده درم سنای مکی در
مطبوخ بیفزایند و بیست درم فلوس خیارشنبر روغن بادام شیرین چرب کرده بنوشند
مسهل اخلاط مرکب باشد و اگر یک درم ریوند چینی ساییده دار و ساییده قوی تر گردد و
خلط سوخته براند مطبوخ منضج بلغم که منضج خلط بلغم کند و امراض بلغمی را مفید بود صفت
ان رازیانه تخم کاسنی از هر یک دو درم مویز منقع بیست دانه انجیر زرد هفت دانه [illegible]
بابونه پرسیاوشان از هر یک دو درم افتیمون یک مثقال [illegible] دو درم [illegible]
بجوشانند و صاف نموده گلقند ده درم در آن حل کرده صاف نموده بگرم بنوشند
و چون عارضه شش و سینه بود اصل السوس و [illegible] از هر یک دو درم اضافه
نمایند در امراض دماغی اسطوخودوس دو درم [illegible] چون خواهند اسهال
بلغم

بلغم کنند ده درم سنای مکی و بنفشه درم بسفایج و شنبلید درم ریزند بر آنها نیم آثار آب
جوشانند و مسهل بازد و باب بجوشانند و ده درم خلنجبین عسلی و ده درم فلوس خیار
شنبر در آن حل کرده صاف نموده یک درم روغن بادام شیرین داخل کرده بکار برند نیم گرم بنوشند
والا نیم مثقال حب النیل سوده بر آن پاشیده بخورند سریع العمل بود و اگر دو مثقال بید و غاریقون
سفید ابخره تواصل سازند اقوی باشند و حافظ اصول مطبوخ منضج امراض سوداوی
و حکه و جرب و جذام و بهق سوداوی ... ورم باطنی و صلابت طحال
را فایده عظیم بخشد ... بادرنجبویه اصل السوس از هر یک ده درم رازیانه
تخم کاسنی عنب الثعلب از هر یک یک مثقال و نیم پرسیاوشان شاهتره از هر یک دو مثقال
عناب و مویز منقی از هر یک دانه افتیمون عروق بابونه از هر یک یک درم لوبیت
بیخ کبر بنفشه از هر یک دو درم و نیم ... بجوشانند و صاف نموده ده درم ...
حل کرده نیم گرم بنوشند و جوز باخوانند که استعمال سودا کنند ... هلیله کابلی هلیله سیاه
افتیمون و غنچه گل سرخ شروع الاقماع از هر یک ... درم سنای مکی ده درم اضافه نمایند
بازد و باب بنوشند مطبوخ مسهل صاف نموده فلوس خیار شنبر پانزده درم و دو مثقال
حل کرده نیم گرم بنوشند و اگر یک درم لاجورد مغسول سوده ... اقوی گردد منضج بلغم
حلل در دوایع باشند ... دانا ... باید افزود وقتی که رطوبات
قلب منظور باشد گاو زبان و بادرنجبویه افزایند و اگر سعال باشند ... را
سازند و اگر اوجاع مفاصل باشند سورنجان افزایند و بر این قیاس در هر مرض آنچه
مخصوص باشند باید افزود مطبوخ منضج ذات الجنب و ذات الصدر و نزلات
حاره و حصبات گرم را نافع بود. عناب سپستان ... ده دانه بنفشه گل ختمی

تخم خیاری از هر یک ده درم گل بنفشه اصل السوس از هر یک هفت درم و نیم سپستان شصت عدد همه را
در یک رطل و نیم آب بجوشانند چندان که ثلث بماند صاف نموده ترنجبین ده درم در وی
داخل کرده باز صاف کرده بگرم بنوشند و گاهی بجای عنب الثعلب بزر رازیانه
مویز منقی و انجیر زرده مثال اینها داخل کرده می شود و گاهی عوض گل ختمی ریشه ختمی
داخل کرده بجهت ازلاق یا ده حاوده نقل نسخه منضج اعراض صدری چون
یرقان سوء القنیه و استسقا را نافع بود و اوجاع مفاصل و حمیات
مرکبه را نیز سود مند بود صفت تخم کاسنی رازیانه از هر یک ده درم پوست
بیخ رازیانه سه درم پوست بیخ کاسنی چهار درم اصل السوس عنب الثعلب
بفنجه گل سرخ برگ گفته از هر یک ده مثقال سورنجان مصری دو درم عناب ده دانه
بدستور معهود بجوشانند صاف نموده گلقند ده درم داخل کرده صاف نموده
بگرم بنوشند و اگر بلغم غالب باشد تخم کرفس و پوست بیخ کرفس از هر یک ده درم
نیز داخل نمایند و اگر خواهند که اخراج شود زوفای خشک کنند سنا مکی ده درم بسفایج
فستقی هشت درم داخل نمایند و [illegible] خیارشنبر یازده درم و گلقند ده درم
در وی حل کرده صاف نموده روغن بادام شیرین یک مثقال داخل کرده بگرم بنوشند
و اگر چهار درم روغن بید انجیر اضافه کنند در اثر قوی تر گردد نقل نسخه منضج در ادرار
بول و حیض نماید و اورام کلیه و مثانه و رحم را سود مند باشد صفت آن
تخم خیارین شصت درم تخم کرفس ده درم برگ گفته بریان و [illegible] از هر یک ده درم
اذخر مکی افسنتین از هر یک مثقال خشک اسطوخودوس از هر یک ده درم بدستور
جوشانیده گلقند ده درم ترنجبین با شربت بنفشه در وی حل کرده صاف نموده
بنوشند.

بنوشند و اگر چون خواهند ملین طبع کند فلوس خیار شنبر بقدر حاجت بیفزایند و گاهی
بواسطه ازالهٔ ماده بقدر درم ریشهٔ خطمی سفید نیز داخل نمایند خصوص وقتی که خوف فرحه
مثانه باشد بجهت میرزا عبد الغفار نسخه اصل عنبه مغربی گل گاوزبان جوز جبی
بسفایج فستق مویز بی تخم بادرنجبویه در ده استار ابریشم تخت ... صبح
جوشانیده چون به ثلث رسد صاف کرده نبات بقدر عسل مصفی داخل کرده بقوام آورند
دارچینی بهمن سرخ بهمن سفید تشقاقل ... خولنجان دانه ... مصطکی از هر یک دو تولهٔ چوب چینی بعفت
توله ... دو ماشه زعفران ... بوست ... کاهی بعد ... معجون سازند و اضافه
اجزا اضافه کرد ... عنبر ... عقربی دو توله بادرنجبویه علک البطم گل گاوزبان جوز جبی
لاجورد مغسول معجون نوری صفرا و بلغم دفع کند صفت آن ... مقوی حب الوطم مغز بادام
تبرین سقمونیا مشوی از هر یک ده درم زعفران یک درم نبات سفید در ماء الکلاب بگذارند
و بقوام آورند و ادویه را کوفته بیخته با آن بسرشند و معجون سازند شربتی ... مثقال
... صفرا و بلغم است یا هم که اینی بدارد و بنا کوست بجهت شخصی که ادویه
کریهه نتوان اسامیدند صفت آن سقمونیا مشوی بجد مقشر مشوی مغز بادام تبرین مقوی حب الوطم
از هر یک سه مثقال شا... بیست مثقال زعفران دو درم جمیع ادویه را کوفته و بیخته
بعسل مصفی معجون سازند شربتی از یک درم تا یک مثقال این نسخه ... خرد است باسکر
و مزاج گرمست در دو درجه و ثلث و درآخر درجه خشک است در آخر درجه معجون ...
است از رطوبات و برص و فالج و لقوه و جمیع امراض را که از سودا و بلغم و رطوبات
غلیظ باشند نفع دهد صفت آن فلفل قرنفل سلیخه رومی سعد کوفی برنگ کابلی مقشر
جوز بوا یک مثقال حب الشنبل شش مثقال زنجبیل سفید ... از هر یک چهار مثقال

عسل مصفی بقدر انضاج بپزند و معجون سازند شربت ان یکجه صاحب مرض فالج
یک مثقال در آب گرم و یکجه استسقا از رطوبات پنج درم تا پنج درم این نسخه
پانزده جزو است مزاج گرم است و خشک است در اول درجه سوم **معجون دیگر** که
مسهل و بلغمست **صفت آن** تربد سفید تراشیده بدوغن بادام چرب کرده کوفته بیست
درم سقمونیا مشوی پنج درم مغز فستق دانه ده درم کثیرا مغز بادام شیرین از هر یک سه درم
شکر سلیمانی ده درم اجزا را نرم کوفته بعسل کف گرفته معجون سازند و زعفران دو
دانگ در آن ریزند ازین شربتی پنج درم تا شش درم وقت سحر با آب گرم این نسخه
هفت جزو است با شکر و مزاجش گرم است در آخر درجه دوم و خشکست در اول درجه
سوم **معجون سائلین طبیعت است** در وقت حاجت اصحاب میکند **صفت آن** مغز
حب القرطم هفت درم اسبغول یکدرم مغز بادام شیرین سه مثقال اجزا را بعسل معجون
سازند معجون یکشربت با آب گرم و این نسخه سه جزو است مزاجش گرمست در آخر درجه
اولی خشکست در وسط درجه باشد **معجون** مسهل صحیح تربد سفید مدبر شانزده درم و
چهار دانگ غاریقون سفید نیم درم مصطکی رومی بلیلج اسطوخودوس افتیمون کل کوفته از
خشک از هر یک دو درم و نیم پوست هلیله زرد و پوست هلیله کابلی از هر یک پنج درم
لسان الثور بادرنجبویه فرنجمشک کتیرا جلاب شکری ابر ... شربتی شش درم
معجون ملیح هندی تنقیه معده کند و حبس ریح بلغمی کند و سوداوی نیز و منفعت است از
برای دوار حادث از بلغم و سودا صفت آن هلیله سیاه پوست بلیله املج
منقی پوست هلیله کابلی اسطوخودوس از هر یک سه درم افتیمون چهار درم
کلکلیدی دو درم ایارج فیقرا پنج درم غاریقون سفید چهار درم کوفته بیخته
بسنگلین

بسلیخه بهم سرشته معجون سازند شربتی سه درم تا شش با آب گرم این نسخه به جز و ابدست
زراجیل ایام سیست دیگر نه جو ربع در خم چشکنت در اول درجه سوم معجون
مبارک مسهل اخلاط غیر کثیره بود و بدان را از مواد فاسده پاک سازد و مسهل البلغم
بود در صفت آن پوست هلیله زرد و هلیله سیاه تربد سفید سنا مکی بسفایج فستقی ترنک
کابلی حب النیل افتیمون سقمونیای مشوی مصطکی املج بلیله کابلی حجر لاجورد مغسول از هر
یک هشت درم زنجبیل فلفل قرنفل دارچینی کبابه چینی قاقله کبار دانه صغار سعد کوفی
سنبل الطیب زرنباد کتیرا از هر یک دو درم زعفران نمک هندی نه درم همه را جدا جدا
کوفته بیخته وزن همه بلیلجات تربد را با روغن بادام شیرین چرب کرده وزن مجموع
ادویه عسل معجون سازند و مشک و زعفران در آخر پس از همه ادویه داخل نمایند و بعض
متاخرین گفته که اگر درین معجون بعوض عسل رب ورد مکرر کنند اقوی میگردد قدر شربت
از آن چهار درم تا هشت درم با جلاب ساده یا ماء العسل یا ترنجبین محلول در ماء الورد نیم گرم
نموده بحسب مزاج بنوشند و هرگاه بخواهند تفتیح سده باشد ریوند چینی غاریقون سفید از
هر یک هشت درم تخم کرفس انیسون از هر یک چهار درم افزایند معجون مسهل تربد ابیض مجوف
وزن عشرین درهما سقمونیا خمسة دراهم بابونج القرطم وزن عشر دراهم سمسم مقشر و
لوز حلو مقشرین قشرة من کل واحد ثلثة دراهم سکر سلیمانی عشرة دراهم یدق الجمیع
ناعما ویعجن بعسل منزوع الرغوة ویرفع یلقی افید الزعفران والفین الشربة خمسة
دراهم فی السحر بماء فاتر معجون مسهل یخرج الرطوبات من المفاصل والبلغم من المعدة وینقی
الاعضاء من الاخلاط نسخه ایارج فیقرا افتیمون من کل واحد غاریقون ابیض بصف
شحم الحنظل درهم ونصف یجمع الادویة منخولة ویعجن بعسل منزوع الرغوة یرفع الشربة

منه وزن ذوزیمین بجار حارا معجون طبیعت الرابع عرکبه الاعظم کبیر بنفشه

مدبر و سپستان و بنفشه و سکر سلیمانی من کل واحد جزء یجمع بالعسل یؤخذ منه وقت الحاجه در اسم معجون

لبوب فی کل وقت و یحفظ الصحة نسخه لب القرطم ثمانیه دراهم افتیمون دراهم

اللوز المقشر ثمانیه دراهم زنجبیل درهم یدق ناعما و یعجن بعسل معجون نافع من القولنج

و وجع المفاصل من البرد نسخه تدق الجمیع ناعما و یعجن بالمراحم و یعجن

لباب القرطم ما یحمله و کل منه بر کل غدوة منقول

است از لطف مولف این ذکر شد و این معجون است عجیب وضع کرده شده

از برای ملوک و اصحاب رفاهیت که بخوانند از دو به پرهیز از انچه بخورند

این معجون زایل میکند از هر مرضی که بسبب اخلاط باردی باشد و نافع

از برای امراض معده و فساد هضم و انواع قولنج و فواق و دافع فضول غلیظ لزجه

است صفت سقمونیا بیست چهار درهم تربد بیست درهم قرنفل دارچینی سنبل الطیب

سعد کوفی زرنب بسباسه قرفه از هر یک ده درهم فلفل زرد شش درم عود هندی جوز بوا

از هر یک پنج درم قاقله کبار و قاقله صغار جوزبوا مصطکی از هر یک چهار درم شکر یک رطل ادویه را

را کوفته و بیخته با روغن بادام شیرین چرب کرده آب انار ترش آب انار

شیرین آب سیب آب به شیرین گرفته تازه از هر یک یک رطل عسل دو وزن

مجموع ادویه همه را یکجا کرده بجوشانند تا بقوام آید ادویه را با آن بیامیزند

شربتی از یک مثقال تا چهار مثقال معجون ملوکی مقوی معده و مشهی و مقوی باه است

جوز بوا قرنفل بسباسه لسان العصافیر زنجبیل اذخر دارچینی مصطکی و عود هندی

دار فلفل از هر یک سه مثقال قاقله کبار از هر یک یک مثقال دو مثقال فلفل سیاه

دو قلب

وجلاب یکی ده مثقال عسل بقدر کفایت قند را بالجلاب حل کرده در عسل داخل
کرده بقوام آورده ادویه را کوفته بیخته بان سرشته معجون سازند شربتی یک مثقال معجون مسهل
که صاحب این تصنیف بر آن درجوامع نبات ذکر کرده و این معجون مستعمل است
از برای کسانیکه خواهند که مواد ایشان بد طعم بد بو بخورند چون بادشاهان اخراج خلط
وحصول حار محترقه از خلط سودا و صفرا و مواد جذام و عطش التهاب و حمیات
میکنند صفت آن آلو سیاه شمر طلا تمر هندی نیم رطل عناب سپستان هو نیم رطل الف از یکی چهار
اوقیه پیه بیرزد سی درم تخم کشوت افسنتین رومی کوفته از هر یک پانزده درم تخم
خطمی سفید تخم خیار بادرنگ از هر یک بادیان کثیرا صمغ عربی بنفشه بادیان کشته صندل از هر یک
پنج درم ادویه را سوای بنفشه و صمغ و بادیان بجوشانند تا مهرا شود و نیم کشته داخل
کنند در آب صافی آن ترنجبین چهار اوقیه اگر آلوده باشد زیادی حاجت نسوی
اسهال داخل کنند در آن خیار شنبر و صاف کنند مرتبه دوم و بجوشانند با سکر بقوام
آید و ادویه باقی را در آن داخل کرده معجون سازند شربتی یک مثقال درم و گاهی قرص سازند
این را در میان اوراق نارنج و گاهی زیاده کرده میشود و درین معجون بقوام مقشر تا مکنید
مقشر و در ضعف معده اب مفرح و در خفقان اب سیب و در استدا و حکه مانند
آن بشاهتره معجون معتدل منقول از قرابادین کوکوالی ذبلها و بقره که بر اعضا ابتدا
آید فرو نشاند و خون را صاف کند و جگر را تازه دارد و فراج را الصلاح آورد
و طبع را محتت دارد و نفخ را بشکند صفت آن عناب پنج استار آلو سیاه
هفت استار تخم کاسنی تخم خیار و بادرنگ کوفته از هر یک پنج درم سنا مکی چهار درم
شاهتره بقدر یکم کشنیز مثقال تربد سفید درم بادیان چهار درم ریوند چینی

بکوفته در پارچهٔ کتانی بسته دو درم [illegible] انگور سه درم جمله را در روغن آب بجوشانند تا آنکه
روغن بماند صاف کنند و پنجاه درم فلوس خیار شنبر سوده [illegible] خالص
کرده را در گلاب حل کرده بالا [illegible] ده دانه مصطکی [illegible] زرد و [illegible] زرم
بجوشانند تا بقوام آید و این ادویه را کوفته و بیخته بدان بیامیزند **معجون منقول از قرابادین**
قلانسی که مسهل رطوبات است از مفاصل و بلغم از معده پاک کند و اعضا را از ردیهٔ
اخلاط **صفت آن** ایارج فیقرا افتیمون [illegible] از هر یک [illegible] ادویه غاریقون
سفید نیم ادویه تخم حنظل [illegible] درم و نیم مجموع [illegible] ادویه کوفته بعسل کف گرفته معجون سازند
شربتی دو درم با آب گرم این [illegible] چهار جزو است و وزن [illegible] است هفت و نیم درم
و پنج نخود و نیم از هفت نخود [illegible] مزاج گرم است [illegible] در درجهٔ دوم خشک است در اول
درجهٔ سوم **معجون مشک** نافع است از برای درد جگر و معده و محلل ریاح و مفتح سده ها
و معده و ضعف دل **صفت آن** [illegible] مشک خالص دو درم سنبل الطیب
سلیخه بسفایج هندی لک مغسول ریوند چینی از هر یک دو درم [illegible] رومی دو درم زعفران
نانخواه تخم کرفس مصطکی رومی از هر یک چهار درم دارچینی زراوند مدحرج از هر یک
سه درم عود هندی قرنفل مرصافی از هر یک درم و نیم ادویه را کوفته بیخته بعسل کف گرفته
سه وزن ادویه سرشته در ظرف چینی نگاه دارند شربتی ازان یک مثقال [illegible]
با آب گرم **معجون [illegible] منقول** در درد جگر و ضعف معده را نافع
باشد و معده بگشاید [illegible] چنین دهد **صفت آن** مشک خالص سلیخه
[illegible] سنبل الطیب بسفایج ریوند چینی [illegible] از هر یک درم زعفران
نانخواه تخم کرفس مصطکی از هر یک سه درم عود هندی مرصافی قرنفل از هر یک درم و نیم
[illegible]

کوفته و بیخته با سه وزن ادویه عسل معجون سازند شربتی یکدرم با آب گرم **معجون**
مسهل اخلاط بلغمی خداوند سهو مرض لقوه و فالج و رعشه و برص و جذام
را نافع باشد **صفت آن** زنجبیل عاقرقرحا و کندر قسط فلفل وج ازرقا عسل بلادر
از هر یکده درم سنبل الطیب خشک حب النیل حلتیت زراوند مدحرج اسطوخودوس بندی
جند بیدستر خردل از هر یک پنج درم کوفته بیخته بعسل صاف سه وزن ادویه معجون
سازند شربتی یک مثقال و در نسخه دیگر صندل سفید زیره کرمانی و سنبل و تخم خربزه و تخم
کاسنی و تخم خشخاش ... عاقرقرحا و سیسالیوس و کچله داخل ندارد و بجای عسل بلادر
زیره کرمانی بریان کرده است و وزن فولاد مکلس ده یک اجزا است و باقی مساوی
معجون مقوی معده تصنیف حکیم الممالک عرف حکیم با و طباشیر سفید پوست سیلدان
درونج از هر یکده درم گلسرخ نعناع پوست بیرون پسته پوست اترج پوست
هلیله زرد از هر یک دو درم بهمن سرخ بهمن سفید صندل سرخ و صندل سفید کشنیز خشک
... تخم مورد از هر یک یکدرم و نیم کوفته بیخته با شربت فواکه شیرین معجون سازند
معجون نجاح مسهل سودا و اخلاط غلیظ است **صفت آن** هلیله سیاه پوست بلیله
املج منقی از هر یکده درم اسطوخودوس تربد سفید از هر یک پنج درم کوفته بیخته با انگبین
سرشته **معجون نجاح** نوعی دیگر پوست هلیله کابلی هلیله سیاه پوست بلیله املج منقی
افتیمون از هر یکده درم تربد سفید مجوف بسفایج فستقی اسطوخودوس از
هر یک پنج درم غاریقون سفید سه درم حجر لاجورد حجر ارمنی مغسول از هر یک دو درم و نیم
سقمونیا مشوی سه درم دوا را کوفته بیخته با صد و پنجاه درم عسل منقی سرشته
نجاح ... این معجون صناعت ... اصحوا است و در کتاب ... منقول

و از چنین دیده شد که از جالینوس است شیخ داود گفته که من دیدم در کتاب
تصحیح الابدان و نصایح از اوستاد ابقراط عبارتی که ترجمه معنی این است
که تحقیق که هرگاه منحو استم که بردم به بیمارستان یعنی محلی که در محاتین را محافظت
میکنند یعنی جائی باز دار الشفا که مکان لکاینشین مجانین است منجور دیدم
دو مثقال معجون نجاح تا نجا ماند عقلمش بالجمله این معجون گرم است در اولی و
قوت آن تا یکسال باقی میماند و بهترین آن انست که در ایلول ساخته شده باشد
سامری در شرح قانون گفته که معجون نجاح ترکیب [illegible] بغایت نیکوست
و بالجمله این معجون نافع است از برای استطلاق و زحیر و از برای اوجاع
معده و دماغ و شقیقه و دوار و جمیع امراض سوداوی خصوص مالیخولیا و صرع
و بجهت اختناق رحم بخاصیه سود مند است صفت نسخه شیخ داود مولف
هلیله سیاه بلیله از هر یکده درم افتیمون اسطوخودوس بسفایج از هر یک
پنج درم غاریقون حشیش بغیده حجر ارمنی مرجان کهربا مروارید ناخنه از هر یک نیم درم
زرنب کلنج خشک کرده بادرنجبویه خصیص ملکی دم الاخوین از هر یک درم
و نیم ریوند ۳ درم طباشیر سفید این نسخه اورده و این نیکوست اگر
بوده باشد باب شیخ داود گفته که اعتقاد من انست که بیفزایند در این
معجون کندر مصطکی و زرنجوش و هلیله کابلی از هر یک ۳ درم کوفته بیخته
با سه وزن ادویه عسل کف گرفته سرشته معجون بسازند و نیز شیخ داود
گفته که این معجون یابس است در درجه سیوم و حار است در اولی معتدل
با گرم و اطبا هند را رغبت باین معجون بسیار است و این معجون در نوشدارو
و در حقیقت

و در حقیقت فرزنج اطریفل اند و هرکه طبیعت عاصی باشد حذف کرده میشود از آن
طبائیه و حد شربت این ماده منفعل از قوت آنست اینها بیفکنند و سزاوار نیست
که صاحب فرزنج از آن بسیار خورد [illegible] نافع است از برای نقرس
بسیار و از برای اوجاع مفاصل و اوجاع کلیه و مثانه و ریاح و قروح امعاء و استسقا
و از برای [illegible] و اوجاع خاصه اهل مفاصل و نقرس زیاده است و از
برای ضعف فالج و لقوه و [illegible] بلغمی و ریحی و تشنج و استرخاء اعصاب سود دارد و فضلهای
که در گرده و مثانه باشند فرود آورد و حقنه بگشاید و شربتی از آن یک درم تا یک مثقال
صفت آن غاریقون اسارون و ج فرد مانا زرنباد فرفیون فو و ماش
از هر یک اوقیه زراوند طویل بیخ حنظل سنا از هر یک دو اوقیه بابونه قرنفل از هر یک
دو اوقیه حسطا نار رومی [illegible] اوقیه حاشا بزر کرفس از هر یک دو اوقیه سنبل الطیب
بوزیدان کوهی [illegible] از هر یک دو اوقیه [illegible] از هر یک [illegible] اوقیه ادویه
را کوفته و بیخته بعسل کف گرفته سرشته در ظرف چینی نگاه دارند و در ایام ربیع استعمال
نمایند معجون [illegible] صفت آن پوست بلیله کابلی پوست بلیله منقی بلیله سیاه
از هر یک [illegible] درم ترنجبین سفید بسفایج [illegible] افتیمون اسطوخودوس از هر یک پنج درم
عسل بقدر کفایت این نسخه هشت جزو است و مزاجش گرم در نیم درجه خشک است
اول درجه سیوم در نسخه حاوی صبر پوست بلیله کابلی و بسفایج داخل نبود و بس آن
شش جزو باشد و در نسخه دیگر غاریقون [illegible] درم و ثلث درم [illegible] انیسون
لاجورد مغسول از هر یک ده درم و نیم [illegible] دو درم اضافه نسخه جمهور شده و این
نسخه دوازده جزو است و مزاجش گرم است در [illegible] ربع درجه خشک است در اول [illegible]

درجه سیوم بود در نسخه دیگر در وج عقربی نارمشک سنبل الطیب خرنوا لسان الثور مصطکی رومی پوست اترج از هر یکی ده درم زرنباد سفید بهمن سرخ و سپید و دوا بنار در نسخه قیل قرنفل ده بسنده و این نسخه نبست بکمتر و است و نبراخش گرم است در یکدرجه و ربع درجه و خشک است و در اول درجه سیوم معجون کلوخ ماوی صغیر بسهیل اخلاط غلیظ است و بیخو سودا و بلغم مسخج و صفرا محرقه صفت آن هلیله سیاه پوست هلیله کابلی پوست هلیله امله مقشر از هر یکی ده درم افتیمون اسطوخودوس بسفایج سفید مجوف حر انشسته بروغن بادام شیرین چرب کرده بسفایج فستقی از هر یک شش درم عرا کوفته بیخته بعسل کف گرفته بسرشند و آن ادویه بسرشند شربتی از آن یک مثقال تا یک مثقال و نیم بنسخه جمیله است و در دیگر غاریقون سعد هر یک سه درم خربق سیاه چهار دانگ حجر ارمنی مغسول حجر لاجورد مغسول از هر یکی دو درم معجون نانخواه معده را قوت دهد و بلغم را ببرد و بوی دهان خوش کند و آب رفتن از دهان باز دارد و شنبه ناشتا بدو گرم را اگر در شکم باشند بکشد و باد را بشکند و گرده را قوت دهد و ریک از گرده و مثانه پاک کند و ناگواریدن طعام را ببرد و بادهای سرد مخالف را ببرد و شهوت را بیفزاید و جگر را قوت دهد و شهوت طعام آورد و باه بیفزاید و قوت دهد و البقرا کوبد که اگر کسی در سالی یک مثقال هر روز سه درم ازین معجون بخورد در مرادی که از شهوت طلب کند برآید صفت آن تخم کرفس نانخواه زنجبیل از هر یکی ده درم زعفران یک درم بیخ کرفس پنج درم مصطکی دو درم و نیم عود قماری دو درم عاقرقرحا یکدرم و نیم بسفایج فستقی یکدرم کوفته بیخته با مثل وزن ادویه عسل کف گرفته بسرشند شربتی سه درم معجون نانخواه به نسخه دیگر نانخواه صعتر فارسی ازو فا خشک زیره کرمانی شونیز از هر یک

از هر یک پنج مثقال وج ترکی بسباسه رازیانه زنجبیل جوز بوا تخم کرفس از هر یک ۳ مثقال ساسا
دو مثقال عسل مصفی سه چندان وزن ادویه معجون سازند شربتی دو مثقال معجون نانخواه
بنسخه مولف نانخواه و زنجبیل از هر یک دو درم تخم کرفس پنج درم مصطکی دو درم و نیم
عود خام دو درم زرنباد درونج از هر یک درم و نیم بسفایج فستق یکدرم زعفران یکدرم عسل
مصفی پنجاه درم بدستور معهود معجون سازند معجون نانخواه نوع دیگر که همین خاصیت
دارد صفت آن تخم سداب تخم کرفس نانخواه از هر یک ده درم مصطکی رومی عاقرقرحا
اسارون عود خام سنبل الطیب فلفل زعفران از هر یک دو درم مشک خالص نیم درم
مجموعه را کوفته بیخته با سه وزن ادویه عسل سرشته بدارند شربتی ۳ درم معجون دیگر معده را
از بلغم پاک دارد و اشتها طعام آورد و باه را قوت دهد و نعوظ تمام دارد
صفت آن سعتر جبلی و زوفا و نانخواه و نعناع خشک شونیز سوخته کرمانی از هر
یک پنج مثقال بسباسه رازیانه زنجبیل و وج ترکی جوز بوا تخم کرفس از هر
یک ۳ مثقال جمله را کوفته و بیخته با سه وزن ادویه عسل مصفی سرشته شربتی ۳ درم
معجون عرس کبیر از قرابادین غاریقون وج ترکی اسارون قردمانا زرنباد سعد فرفیون
فوذنج و فاسالیوس از هر یک یک اوقیه نانخواه فلفل از هر یک دو اوقیه قنطوریون دقیق
که آنرا [illegible] گویند نیم اوقیه سلیخه قسط زراوند طویل از هر یک ۳ اوقیه [illegible] سنبل
بودنه جبلی فطراسالیون از هر یک دو اوقیه جعده فراسیون از هر یک ۳ اوقیه کمافیطوس
کمادریوس اسقولوفندریون از هر یک نیم اوقیه عسل کف گرفته بقدر حاجت شربتی
از یکدرم تا دو درم با یک مثقال زیره و سه بریج [illegible]
غاریقون سقمونیا اسارون وج ترکی قردمانا تخم سداب فرفیون فوذنج فاسالیوس از هر یک

یک اوقیه ریوند اوند طویل اصل عرطنیثا اندر هر یکی دو اوقیه نانخواه قرنفل از هر یکی دو اوقیه
جنطیانا رومی شش اوقیه قنطوریون باریک شش اوقیه جعده تخم کرفس از هر یکی دو
اوقیه کمادریوس کمافیطوس اسقوردیون سلیخه سودا قسط تلخ از هر یک سه اوقیه
سنبل الطیب فودنج جبلی فطراسالیون از هر یک دو اوقیه همه را کوفته و بیخته و با انگبین
صافی بسرشند و اندر ایام ربیع بکار برند از نیم مثقال تا دو درم آن نسخه نسبت
و هفت جزو است و وزن آن هفتاد و نه اوقیه است مزاج او گرم است و خشک
در درجه دوم معجون [illegible] غاریقون سفید اسارون با وج از هر یکی
فردمانا تخم سداب افرفیون زوفای خشک از هر یک یک اوقیه جنطیانا رومی
شش اوقیه قنطوریون دقیق سنبل الطیب فودنه کوهی فطراسالیون کمادریوس کمافیطوس
اسقوردیون از هر یک شش اوقیه سلیخه رومی قسط تلخ از هر یک سه اوقیه کوفته بیخته
با انگبین مصفی بسرشند و در ایام ربیع بکار برند از نیم مثقال تا دو درم معجون با
نسخه دیگر از شریف [illegible] غاریقون وج زنجبیل اسارون فردمانا تخم سداب فرفیون
زوفا خشک از هر یک یک اوقیه نانخواه قرنفل حاشا تخم کرفس فرسیون فودنه کوهی
فطراسالیون از هر یکی دو اوقیه قنطوریون باریک اسقوردیون کمافیطوس از هر یک
شش اوقیه جنطیانا شش اوقیه قسط سلیخه زراوند طویل فو فراسیون جعده
از هر یک سه اوقیه همه را کوفته بیخته با عسل صافی معجون کنند و بکار برند معجون عبدالله
منسوبست که ترکیب از آن شیخ رئیس است شیخ او را گفته که دیدم در طبقات
در ترجمه جبرئیل بن بختیشوع [illegible] حسن آنچه دلالت دارد بر آنکه از ترکیب او باشد
بهر نقد مرکبی است ترکیب بسیار منفعت دارد و غریب الاحوال که اکثر منافع آن بکار جمع است

الفوائد

که حق تعالی اراده نماید نافع است از برای امراض کبد و معده و دماغ و قلب و قطع اسهال و کلیه و نقرس
و مفاصل و اعیا و سنگ گرده و امراض حادثه از عقب امراض طویله و از برای استسقا
و ذات الجنب و وجع ظهر و شکستگی بدن صفت آن صبر سقوطری پانزده مثقال غاریقون
چهار درم زعفران سلیخه مصطکی زراوند دارچینی از هر یک دو درم و ربع درم سنبل الطیب ا
دو درم اسارون و عود بلسان قنطوریون دقیق از هر یک یک درم این نسخه ایست
که نقل کرده از این جمیع در ارشاد شیخ رئیس گفته که خلل رسیده باشد باین معجون در آنکه
حذف کرده از آن بعضی از اجزاء او و آنچه تصحیح آن کرده‌ام از قرابادین رومی
ربیت افتیمون چند بیدستر فسنط عنبر اشهب مر و اربد [illegible] دارچینی سفید بلیله کابلی
از هر یک یک درم و نیم قنطوریون دقیق غاریقون از هر یک [illegible] درم [illegible] ده درم
ستور نجان بوست پنج گز از هر یک نیم درم ادویه را کوفته بیخته از روغن بادام [illegible]
چرب کرده بگذارند پس بریزند بر سه وزن عسل از هر یک از آب سیب و
گلاب و آب انار و آب ریباس ده چندان بقوام آرند و از آتش فرود آورده
ادویه کوفته را بآن بسرشتند تا نیکو ممزوج شود و در ظرف چینی نگاه دارند و گفته
که من واقف نشده‌ام همچنین در شربت این معجون لکن کیفیت مرا استاد من که
عثمان [illegible] از این معجون بر لقمان مقدار چهار مثقال و نزد من آنچه مقدار مناسب
شناسیست از برای [illegible] مزاج بلغمی و باید که داده شود این معجون یکسانی
اصحاب المزاج باشند از این معجون زیاده از یک مثقال و اگرچه این معجون [illegible] بسیار جاز
من میگویم که نسخه این جمیع آورده غرابین نسخه [illegible] نسخه تمام است [illegible] و نیز
نکرده از جزوی از ادویه و این نسخه که شیخ ذکر کرده از قرابادین رومی ذکر کرده [illegible] این نسخه

است و این نسخه را با ان نقادی فاحش است وانکه گفته که از دشمن نیست که شربت
این معجون از برای محرور المزاج یک مثقال است چه محرور المزاج را اگر مناسب باشد
از برای این معجون مطلق نباید داد و اگر حرارت بمرتبه نباشد که مانع از استعمال این
باشد بهتر است شربت تمام که ان چهار مثقال است باید داد چه کمتر از ان تحریک
خلط میکند و قادر نیست بر دفع پس می افزاید بر حرارت و مرض و چون شربت
تمام ان استعمال شود دفع خلطها محترقه را از مره صفرا و السلیخ میکند حرارت را
پس معلوم شد که در اکثر نسخ داده صحیح نیست و این معجون را استادان بجای آ
معجون دیگر که نفع کند در برص و جذام و داء الفیل و بیماریهای بلغمی و سوداوی را
سود دارند صفت ان پوست بلیله کابلی پوست بلیله املج منقی افتیمون
نسا اشترغار غاریقون اسطوخودوس صبر سقوطری ایارج فیقرا از هر یکده درم بسفایج
فستقی سنا مکی از هر یک پنجدرم تربد سفید مجوف خراشیده بروغن بادام
بادام شیرین چرب نموده یازده درم نمک هندی پنجدرم حاشا سه درم
اسطوخودوس پنجدرم عسل مصفی سه وزن ادویه بسرشند معجون سازند معجون
دیگر که سودا و رطوبت براند و معده و دماغ را پاک کند و قوت دهد درد
مفاصل را سود دارد صفت ان پوست بلیله کابلی بلیله سیاه املج منقی
از هر یک پنجدرم تربد سفید پنجدرم افتیمون اسطوخودوس بسفایج فستقی از هر یک
برنگ کابلی تخم فرنجمشک از هر یک سه درم مصطکی رومی انیسون تخم کاسنی قنطوریون
دقیق از هر یکده درم سورنجان مصری دو مثقال زنجبیل ماهی زهره سقمونیا
سبوی از هر یک یک مثقال زنبوید خرچ پنجدرم ... ادویه بسرشند شربتی

پنجدرم باشند روم معجونی که از ترکیب حکمای متقدمین است و بعضی گمان برده است که
مروی بمعبری از پیغمبران است مثل ارسطو و افلاطون و بقراط و جالینوس
و محمد بن زکریای رازی این معجون را از کبار آورده شمرده اند و مسمی بمعجون اکبر نهاده
اند و نافع است از برای درد سر و درد زانو و درد پشت و درد دندان و از برای
باد فتق و درد معده و مانع سفیدی موی است از سفید شدن و در تقویت باه خاصیت است
که هر که هر سالی یک هفته ازین معجون بخورد اگر عمرش بصد سال رسد و ده زن در خانه
داشته باشد همه را خوش میکند صفت آن تخم گزر و حب الرشاد و تخم افسنتین و نانخواه
و تخم ریحان و تخم بادروج و شونیز و تخم بلبوس این هشت جزو برابر کنند چنانچه بسوزد و سنبل
و زنجبیل و لسان العصافیر و فلفل سیاه و کندر سفید و عود الصلیب و سنبل الطیب و عاقر قرحا و بهمن
سرخ و بهمن سفید این دوازده جزو اجزا را برابر وزن کرده علیحده هر یک را کوفته و بیخته
و باز وزن کرده و بعسل سه وزن آن داده معجون سازند شربتی یک مثقال صبح و یک مثقال
شام بخورده باشند مجربست معجون املج مخترع آن جالینوس است از برای
ملک صقلیه که مرض نقرس داشت و از خوردن این معجون شفا یافت و این دوا است
نیکو از برای حفظ صحت و این مرض و قوت آن هفت سال باقی میماند و بعد از
شش سال که ساخته اند لکن زود استعمال کردن نمود و مقدار شربتی از آن یک مثقال
تا سه مثقال است اسحق گفته که مضر است بمعده و مصلح آن عناب است و این معجون
بالغ النفع است از برای جمیع امراض بارده بجهت آنکه حرارت و یبوست آن در درجه
سیوم است و نافع است از برای اوجاع حلق و صدر و طحال و جمیع ریاح بارده و
سنگ و مثانه و حصاة اهلیله صفت آن بستانند شانزده درم دارچینی هشت درم انیسون

ودر امراض ... نافع است
و ممار ان ... از ... در ...

بزر البنج سفید انیسون مقل از هر یک شش درم سنبل ری فربیون تخم کرفس قنطوریون جاوشیر
خطمی اسطوخودوس فودنج مامیثا ساذج از هر یک پنج درم عصاره غافث کاشم زرنبد
فوفل صمغ عربی مغز بادام از هر یک چهار درم زعفران و قسط تلخ فلفل سفید اذخر سنبل الطیب
فربیون پوست بیخ لفاح و انیسون دو بوزنه کوی و رب از زیانه ... گزر بری و کلی بیخ بادیان
حب بلسان از هر یک سه درم و هر دو با فلفل کبیر از جالینوس افسنتین غاریقون
و سقمونیا از هر یک دو درم داخلیست و با حاریست و از این دو دانگ تا یک درم
استعداد دوا اشته باشد و هر گاه وجع در زیر و زانو باشد والا سقمونیا را
حذف باید کرد و اگر بلغم قوی باشد خصوصا بلغم خام باید که زیاده شود در اجزای مسطور
تربد سفید و زنجبیل بوزن غاریقون و در بعضی از نسخ الکی زیاده کرده شود کندر
بریان کرده و مرزنجوش از هر یک شش درم و این همه کوفته در اصلاح اگر
قوی باشد باید که زیاده کرده شود و بسل مرزنجوش ... سفید ... شراب ...
ناعم شود و باقی ادویه را کوفته و بیخته بهم آمیخته ... ادویه ... در کام الفضا
آورده که شربت از آن یک درم است و باید که بآب گرم بخورند معجون فولاد و این
ترکیب از حکمای هند است خواص بسیار دارد در فالج و لقوه و صرع و رعشه و نسیان
و عرق النسا و مفاصل بلغمی و جمیع امراض بارده را نافع است و حفظ را زیاده کند و معده
را قوت دهد و باه را برانگیزد و سرعت انزال و سلسل البول را نافع باشد و پیران
را موافق باشد صفت آن زعفران دارفلفل فلفل سیاه سفید ... البعوق
بادیان ... مصطکی رومی ... سنبل الطیب بسباسه
قرنفل دارچینی صندل ... تخم خربزه تخم ... تخم ... عاقرقرحا بهمن
ان

سورنجان بهمن سفید بلیله سیاه پوست بلیله امله منقی کهربا شمعی مرجان مرو آکریه منقی
لسان العصافیر تخم ترنج ابریشم مصری دانه تخم دانه نوره زرنباد فرفته بریان کرده خطیا یا مامیثا
ابرایی زنجبیل امیلیه مبرا کیتبک برخشک کرده مغز خرنوس کندر با بونه جوز بوا دارفلفل
شیطرج هندی بابونه افتیمون رجل سنبل الطیب سنبل ابهل از هر یکی ده مثقال اسارون
هلیله زرد هلیله سیاه بریان کرده حب آنیسون حضبیة التیس مصری زرنباد درونج عسل بلادر کجیلی
بریان کرده افتیمون زراوند طویل سادج هندی مستوی زراوند مدحرج شیاتره از هر یک پنج مثقال ورق
طلا ورق نقره از هر یک پنجاه عدد قند سفید ربع اجزا عسل صاف دو مثقال اجزا فولاد مکلس
سه صد مثقال بدستور معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند و طریق تکلیس فولاد
در مفردات بیان شد معجون کندر تنیخ رئیس گفته که این معجون بسیاری نفیس است
صفت آن زعفران دو مثقال مصطکی اسارون فوفل دو هیل از هر یک چهار مثقال سنبل رومی قسط سلیخه قاقله از هر یک پنج مثقال حب بلسان
سه مثقال و نیم عود الصلیب بسبابه مثقال رب السوس انیسون قند زرنباد جعده خیار
عاقرقرحا از هر یک شش مثقال روغن بلسان شش مثقال افراص اندر شحم خوردل
پنج مثقال عسل بقدر کفایت بدستور معجون سازند شربتی مقدار فندقی یا جلنجبین عسل
یک اوقیه این نسخه بسیار خوبست با افراص اندر خوردن و وزن شربتی مثقال و پنج
مثقال و نیم است و مزاج او گرم و خشک است در آخر درجه دوم نسخه صاحب ذخیره
معجون ابو ذر بهری دکوبی فطراسالیون سنبل الطیب از هر یک ده درم تخم
بادیان از هر یک چهار درم کاشم پنج درم فلفل جوز بوا چهار درم عسل سه چندان
بدستور معجون سازند شربتی یک درم با آب گرم و نسخه شفای کبیر حرف فا باسم فوتنجی دار

کرده موافق نسخه است با نسخه صاحب حاوی صغیر الا آنکه وزن [illegible] پانزده درم است

معجون [illegible] غلیظ را تحلیل دهد و ایلاوس و قولنج بارد را نافع است و نفخ

سدد ها بگشاید دماغ و سینه است و اشتهای طعام آورد و مدر [illegible] فضلات است و حرقت

بول را و آمدن خون بسیار و جمیع امراض مقعده سوداوی نیز را نافع است و حرارت

و یبوست در حد وی در درجه ثانیه است و قدر اوزان معلوم کنند صفتش [illegible] ده درم

تخم کرفس فلفل دارفلفل از هر یک یازده درم بزر البنج [illegible] زعفران [illegible] از هر

از هر یک چهار درم با سه وزن ادویه عسل مصفی معجون سازند و گاهی زیاده کرده می‌شود در اجزای

معجون مذکور افیون و گاهی زیاده کرده می‌شود مرضات و [illegible] دفع کند [illegible]

و بسیار [illegible] قوه الهضم و [illegible] مرهمی از ادویه سابقه است و

بعضی گفته‌اند که ترکیبی ازین سبقت ندارد و [illegible] معجونات گفته‌اند که مخترع آن

بقراط است و [illegible] و برین قرار گرفته [illegible] در اندمال جراحت

از قطع لحم [illegible] که قاطع [illegible] باشند [illegible] بالید [illegible]

که دوای اکال قاطع لحم [illegible] عضو مجروح را [illegible] اختیار کرد استعمال

دوای اکال قاطع لحم [illegible] دوای مغری از برای [illegible] اول

چیزی که اختیار کرده از برای قروح [illegible] بود [illegible] کردند در آن

اطبا بعد از بقراط در قروح و [illegible] در تراکیب مرهم است

که موم زیاده [illegible] اختلاط آن [illegible] مغری دیگر [illegible] و الا المغری

دیگر [illegible] ان باشد [illegible] و غیر آن [illegible] باشد [illegible]

کوبند در [illegible] و [illegible] زیتون خام که [illegible] الفلفل کوبند در [illegible]

ادویه

بر ددين و ريح كرد روغن كنجد بهتر است در مواد بارده و در زمستان بگذارند و نصف باشد و لهذا تصريح
نموده اند كه اكثر مراهم مدتها باقى مى ماند چه مزاجهاى مختلفه بسيار دارند شسته باشند بالنسبة سيال
قوت آن باقى مى ماند خصوص آنچه در آن سركه باشند و بعض را اعتقاد آنست
كه بر مرهمى كه بماند خصوص آنچه در آن سركه از روغن ساخته شده باشد قوتش
ساقط نمى شود اما آنچه در آن شحوم باشد بعد از يك سال استعمال نبايد
كرد و اين قوست راجح بسبب سرعت فساد شحوم حكيم مؤمن در تحفه گفته كه مراهم
شرطش آنست كه موم زياده از نصف باشد و كمتر از ربع آن نباشد بلكه مى بايد كه
نصف جزو روغن و ربع موم و ربع اجزا باشد و صمادها هم از مراهم است و فرق مراهم
مخصوص بجراحات است و قانون ترتيب آن آنست كه موم را اول در روغن و شحوم بگذارند
و از سر آتش بر دارند و ادويه صمغيه را اولا در آن حل كنند بعد ادويه مسحوقه را مخلوط سازند
و طريق حل صمغ و مصطكى و علك الانباط و مقل و كندر و سكبينج و امثال اينها
چنان است كه در قدر مضاعف آن ماء العسل را آب كرده بر آتش نهند تا حل شود
آيد و ظرف كوچكى را روغن كرده در ميان آب ظرف اول بگذارند تا روغن
از حرارت آب گرم شود پس موم و امثال آن را در آن روغن بريزند تا حل شود
بعد از آن ساير ادويه را مخلوط سازند عمل المراهم المعمول بالشمع والدهن احود الادهان
دهن الورد و ينبغي ان يلقى في الشتاء على كل عشرة دراهم من دهن الورد درهمان
شمعا و في الصيف ثلاثة دراهم ثم يذاب الشمع في الدهن و يترك حتى يبرد ثم يلقى
عليه الادوية مسحوقة ناعما فيلا و الضرب حتى يستوي مرهم اسفيداج از زر الكبت
بقراط حكيم است و در استعمال بسيار مى گردد و مرهم مى گردد باستعمال آن نافع از براى

هر مرضی که عارض شود در مقعده خصوصاً آنچه بوده باشد از حرارت و از برای بواسیر و حکّه ایشان
و شقاق و گزیدن جانوران سمّی و سقوط بواسیر میکنند هرگاه مکرر کنند استعمال آن را صفت آن
مرداسنگ اسفیداب از هر یک ده درم موم سفید زنگار از هر یک ... درم دم الاخوین
و مرهم ... درم زیت یک رطل موم ... اوقیه زیت یک اوقیه آنچه که بداند ... در
زیت بگدازند و باقی ادویه را کوفته و بیخته در ... نگاه دارند تا مخلوط
شود مرهم اسفیداج ینبت اللحم وینفع من ... یستعمل فی الصیف
وفی الامراض الحارة نسخته مرداسنج مسحوق خمسة دراهم ... بالخل
ویحل ... علیه دهن الورد ویطبخ حتی یغلظ ... کالمرهم ثم یلقی علیه اسفیداج
الرصاص خمسة دراهم وقلیل من الکافور ... ویستعمل فانه جید ... مرهم مسود
یعنی مرهم ... ... مرداسنگ یک اوقیه ... اوقیه زیت
دو اوقیه مجموع ... تا منعقد شود ... در تحریک آن نمایند که دایم از آن
حرکت ... مرداسنگ ... شود ... از آتش بر گرفته باز دایم از آن حرکت
دهند که مرداسنگ جهت حرق نار و التهاب جراحات ... و ورم مقعده حار و حمرت
و شقاق که از قبیل حرارت باشند نافع است صفت آن موم سفید ده درم روغن
گل ... ... درم موم را با روغن بگدازند و از آتش بر گرفته بگذارند
تا حرارتش ... سفیده تخم مرغ ... اگر زبد ... خواهند بجای زیت روغن
گل ... کنند و حصص ... سفیده تخم مرغ اضافه نمایند ... تسکین درد ... حصص افیون
کنند مرهم ابیض نافع از برای احتراق و حرارت مفرط و وجع مقعده و قروح ...
جانوران ... صفت آن مرداسنگ یک درم اسفیداب رصاص ... درم ... را نرم
سحق نمایند

سحق نمایند پس موم مصفی را بروغن گلسرخ بقدر حاجت بگدازند و ادویه را داخل کرده
برهم زنند تا مستوی گردد پس چون سرد شوند دو عدد سفیده تخم مرغ داخل کرده بمالند
تا مستوی گردد و استعمال نمایند مرهم الاسود منسوب بالفلاسفی نیز نافع جرب و علک
انباط و زفت اجزا را بسوده بگدازند و استعمال مرهم عسل

صفت ... مرهم ... مرداسنگ ثلثین کوفته و بیخته ده درم دو رطل روغن
زیتون و ده رطل سرکه داخل کرده بر آتش نهند و بعد از انعقاد از آتش
برگرفته یک رطل عروق الصباغین کوفته و بیخته داخل نموده برهم زنند تا مخلوط شود
پس بکار برند صفت ... مرداسنگ و زرد چوبه از هر یک
دو جزو نرم بکوبند و بیخته و بروغن گلسرخ بسرشند و مرهم سازند

مرهم ... مرداسنگ ده درم کوفته و بیخته با چهل درم سرکه بزنند تا حل
شود بعد چهل درم زیت در آن داخل کنند و مبالغه نمایند در سحق تا یکی حل
شود دو درم زرد چوبه کوفته بیخته اضافه نمایند و بغایت سحق کنند

مرهم باسلیقون مجذب الکفع است در نفع جروح و قروح و اورام بارده و در
خواص قریب است بمرهم نخل بلعس مرهم فلفلیس و آن از مشاهیر مراهم
است در قرابادین یونانی صاحب حاوی صغیر گفته که مرهم باسلیقون
مرهم ... صفت آن بنسخه ... زفت رومی را تنبیح
موم ... اجزا متساوی عنبر ربع جزوی زیت دو مثل مجموع ادویه را
بطبخ مخلوط بکنند تا بگدازد و از آتش برگرفته برهم زنند تا سرد شود ...
تنبیح دارد و گفته که اگر پاره ارمنی در این مرهم داخل کنند از آن مرهم جاذب تر شود

مرهم باسلیقون دیگر اورام صلبه را نرم کند و پزاند و قروح را و اورام را از ریم
پاک کند و گوشت برویاند صفت آن زیت سی درم موم سفید بیست و نه مثقال
قنه چهار درم موم را در روغن بگدازند و قنه را در آن حل کرده مرهم سازند
مرهم باسلیقون دیگر همین منفعت دارد صفت آن زیت رومی موم سفید
کتیرا از هر یک شش درم راتینج چهار درم زرنیخ بکنجد بیست [illegible] درم پیه گاو مرهم
سازند مرهم الباسلیقون بنسخة العلایی و هو [illegible] راتینج و زفت و شمع و زیت
بدات الشمع بالزیت و یعجن به الراتینج والزفت . و فی بعض النسخ شحم العقد
مکان الشمع دیاخ الادرم یسمی الضماد الاربعة وهو ملین محلل قوی التحلیل یعقد الادویة
نجع الضا بالدق النسخ مرهم حواریین از ادرم رسل گویند و ترجمه کرده شد
از عرابادین رومی مرهم رسلیخا و معروفست بمرهم زهره و گفته اند این مرهم دوازده
دوایست از دوا دوازده حواری حضرت عیسی علیه السلام که هر یک یک دوا
را اختیار کرده ترکیب نموده اند و این بهترین مرهمهاست منضج [illegible] صفته است
[illegible] و منضج جراحات [illegible] دوای مثل آن در فعل و تنقیه جراحات
[illegible] و محلل صلبه است از گوشت مرده و ریم و موجب اندمال جراحات
است و [illegible] و جلا میدهد حکه و جرب را نیز [illegible] است و از برای
بسعفه و کرمها را میکشد و نافع است از برای طاعون و سرطانات و [illegible]
و قروح و گوشت [illegible] صفت آن به امنخ شیخ زیت موم سفید و راتینج جاوشیر و [illegible] از و
[illegible] از هر یک چهار درم اشق چهار ده درم زراوند طویل و کندر و [illegible]
مثل زنگار [illegible] درم مرداسنگ نه درم زیت [illegible] دو
رطل

رطل و در منهاج سه رطل و باقی ساختن ان انکه صموغ را در سرکه حل کنند و ادویه
کوفته و بیخته موم و صموغ محلول را در زیت بگدازند و ادویه را بالتمام داخل کرده در دیگ
سرسته بمالند تا مخلوط شود و استعمال نمایند و این نسخه دوازده جزو است بعدد دوازده
حواریین حضرت عیسی علیه السلام و نسخه دیگر [illegible] موم منعقد و
صمغ البطم از هر یک چهارده درم زنگار محلول به سرکه نه درم نمک ازرق مرداسنگ از
هر یک چهار درم [illegible] طویل [illegible] دیگر از هر یک شش درم جاوشیر [illegible] قنه از هر یک دو
درم سکبینج یک درم زیت یک رطل اول مرداسنگ مسحوق را با زیت بجوشانند تا مرداسنگ
حل شود پس زنگار محلول و صموغ محلول و سرکه را داخل ان کنند و بپزند تا هموار شود
استعمال نمایند و این سوای زیت دوازده جزو است و نسخه که میرزا ابراهیم در
منهاج ذکر کرده موافقست با این نسخه سوای انکه بجای علک البطم راسنج است و وزن
نمک شش درم و مرداسنگ چهار درم و نیمست و نسخه صاحب حاوی صغیر است و نسخه
میرزا ابراهیم موافق سوای وزن نمک چهار درم است و وزن زیت در [illegible]
[illegible] رطل است و در منهاج یک رطل و نیم و دیگر در قرابادین ها نسخه های مختلف ذکر شده و انچه
معتبر دانست ذکر کرد مرهم داخلیون لفظ داخلیون سریانیست و معنی ان لعاب
است و بعضی گفته که از صنعت [illegible] است و این غلط است در قرابادین رومی
دیده شد که از طبیب است نافع است برای اورام و اوجاع شدیده و تعقد عصب
و خنازیر و صلابات [illegible] صنعت ان [illegible] خطمی بنفشه [illegible] و
کتان [illegible] [illegible] [illegible] صوف [illegible] کنند و
از [illegible] چهار [illegible] چهار [illegible] کرده و یک رطل و نیم [illegible]

مخلوط شده تا منحل شود پس اندک اندک لعاب بران بریزند و بجوشانند تا لعاب بتمام
بجوشانند تا منعقد شود و از آتش فرود آورده داخل کنند دو اوقیه دهن الآس و چوب
بزر از برکه مسحوق زعفران الحدید مثقال برهم زنند تا مخلوط شود و نگاه دارند مرهم ازا
مرهم است گویند عجیب الفعل است در شقاق و حکه حادث از رطوبات و نافع
است و گوشت بر وید و ریش را خشک گرداند و بواسیر و قروح الرطبه نافع
صفت آن سرکه خمر زیت مساوی مرداسنگ ربع یکی از آن مرده مرداسنگ را
سرکه سوده در زیت داخل کرده بر آتش نهند و دایم برهم زنند تا مرداسنگ نشین
نشود و منعقد گردد و از آتش بر گرفته نگاه دارند مرهم [illegible] حلبه
و تخم کتان و خطمی و خطمی سفید از هر یک یک پیاله برنگ علیحده در آب نقع کنند
بجوشانند پس بگیرند لعاب کل واحد از آنها یک رطل و ربع رطلی و از مرداسنگ
یک رطل و نیم و از زیت دو رطل لعابها را بگذارند داده از آتش برگرفته با پارچه صوفی
صاف کنند پس مرداسنگ را صلایه کرده با زیت بجوشانند تا منعقد گردد
و متغیر شود رنگ آن پس اندک اندک لعابها را بران بریزند و بآتش ملایم
بجوشانند تا منعقد شود پس از آتش بر گرفته نگاه دارند و بکار برند صفت باد
المرهم الحجر نسخه [illegible] مرداسنگ خمسة دراهم سبع احمر دفعه و کندر ذکر و اشق
من کل واحد عشره دراهم علک البطم ربع جزء اسفیداج بسحق من لا دالاویه بسحق
و یذاب منها ما یذوب بالزیت و دهن بنفسج نصف رطل و یخلط الجمیع و
یستعمل مرهم الانجار صناعت بقراط است و عجیب الفعل و کثیر النفع است
[illegible] ضابط میکرداند و بواسیر را و مجفف قروح و مدمل و خورنده گوشت زاید و

توبان

متعفن باشد و مفید است ... و در قروح باقی نمی‌گذارد و ماده فاسد را بیرون آرد صفت آن
به نسخه صاحب ... بگیرند مرده‌سنگ و موم از هر یک ده درم همه را با روغن گل نرم بکوبند تا تمام مخلوط شود
و گداخته کرده ... مرهم ... چهار درم از زیت ... درم زرنیخ ... درم
و نیم کوفته بیخته اندک اندک بر آن پاشند و بر هم زنند تا مخلوط شود مرهم زنگار تألیف
غلام آستان امیر المؤمنین محمد قاسم متطبب ... معتمد الملوک سید علوی خان محمد شاهی خلد الله
ملکه و سلطانه نافع از برای آتشک فرنگ و جمیع قروح سوداویه و قروح مزمنه صفت
آن موم زرد ... مثقال گداخته ... دهنی ... [illegible] پس آنکه
سوده ... جوش ... زنگار ... چوب چینی ... شنجرف از
هر یک یک مثقال توتیای هندی ... زاج احمر و فلفل از هر یک نیم مثقال کوفته و بیخته بموم او
مخلوط کرده سفیده تخم مرغ داخل کرده در هاون ... بکوبند تا یکسان شود در پارچه
کتان تازه مالیده بر قروح بگذارند مرهم ... به نسخه شفائی مرداسنگ ... درم
کندر و قنه و اشق و موم از هر یک ده درم علک البطم و سرنج از هر یک ... درم اگر
گداختنی باشند در زیت بگدازند ... مرهم بسازند ... در
هاون بمالند تا نیکو در هم شوند مرهم شنجرف جهت تحلیل اورام عسره ... و سرطان
و ورم ... نافع است صفت آن مرداسنگ و قنه از هر یک ده درم لبان و اشق
از هر یک ده درم صمغ چینی یعنی علک البطم ... موم زرد هفت ... شنجرف ... درم
زیت بقدر ... اشق و قنه را در سرکه حل کنند و موم ... بگدازند ... معجون مرهم
بسازند شیخ ... گفته که اگر ... شنجرف اسرنج ... [illegible]
چهار درم باشد و اگر در زمستان بسازند با زیت مرهم بسازند و الا با روغن ... [illegible]

تمام این بود و قیچه و دوم روز دو بار آن ماده را داخل کرده لفافه ارند و حکیم مؤمن در تحفه [illegible]
در این نسخه شنجرف [illegible] درم آورده و در نسخه صاحب ذخیره در آن قیر را چهار درم آورده و گفته
که در نسخه دیگر مرداسنگ و قیر از هر یک چهار درم و سیماب بیست درم و [illegible] نمک ده درم
است و نیز گفته که در زمستان بجای شنجرف زرنیخ کنند و زنبق و قیر و موم یک اوقیه
باهم کنند و در زمستان روغن گل [illegible] و نسخه هادی صغیر موافق نسخه اصل صاحب ذخیره
است سوای آنکه در آن شنجرف پانزده درم است و گفته که با زیت [illegible] یا روغن
سرخ بمقدار کفایت مرهم سازند صفت مرهم شنجرف منقول از قرابادین [illegible]
مرصافی و کندر و اشق از هر یک ده درم مرداسنگ و قیر و زعفران از هر یک چهار درم صمغ البطم
شسته درم [illegible] هشت درم زیت با روغن کنجد بمقدار حاجت بگدازند و مرهم سازند
صفت مرهم شنجرف [illegible] مرداسنگ و قیر و اشق و موم از هر یک ده درم علک البطم
شش درم زیت یا روغن سرخ گل هر کدام که باشد پنجاه درم بگدازند و مرهم سازند مرهم
[illegible] جهت زخمهای بد و ناسور و [illegible] و جراحات
نافع است صفت آن موم [illegible] مثقال [illegible] موم [illegible] روغن
کنجد [illegible] مثقال [illegible] مخلوط سازند مرهم [illegible] نافع است از برای [illegible]
[illegible] شحم حنظل چهار درم [illegible] سفید [illegible] افربیون از هر یک
هشت درم تخم [illegible] و نمک [illegible] و [illegible]
و فلفل و زنجبیل و [illegible] زراوند [illegible] از هر یک [illegible] درم [illegible]
و [illegible] از هر یک [illegible] بوره ارمنی کبریت [illegible] از هر یک [illegible]
[illegible] از هر یک ده درم [illegible] و موم از هر یک [illegible]
بگدازند

یکدانگ ازند برد روغن گاو و آنچه خسانیده مثبت بخیسانند طلا یعنی زراوند و کوبند
دارویی که بالای گوشت بنه پس آنچه را اجزا ما بنوده باشند در روغن گداخته بمالند تا مرهم شود
و مخلوط کنند همه اجزای دوا را در بلغم یا در ریش طلا کنند بر مجروح و گاهی پس پودر شنبلیله فرود می‌آورد
زرد آب را اگر محتاج باشد اسهال بطن و استطلاق خفت انسانی ممکن دو داند اشتهی باشد
پس باید که طلا کردنی مرهم را بر شکم او که اسهال بطن او میکند مرهم کافوری جهت جمیع حاره
و قروح و سوختگی آتش و غیره [illegible] نافع است صفت آن موم سفید چهار درم
روغن گاو پانزده درم گداخته سفیدآب قلعی ده درم کافور قیصوری
یکدرم سوده داخل کرده مرهم سازند مرهم کافوری به نسخه دیگر [illegible]
سوختگی آتش را نافع است و ناسور [illegible] قروح و ناسور جاده را مفید
است صفت آن مردارسنگ سفید و سفیدآب قلعی از یک
دو استار کوفته و بیخته موم دو استار روغن گل سرخ بیست استار [illegible] و
را سوده در آن افکنند و بر آتش نهند پس تخم مرغ و مقداری کافور
بر افکنند و بر هم زنند و در هاون بهم بسته بمالند تا [illegible] شود و در نسخه اقلیمیا
فضه دو استار داخل است مرهم به نسخه دیگر مردارسنگ و سفیدآب از
هر یک [illegible] درم روغن [illegible] موم [illegible] درم موم را در روغن بگدازند
داروها را اضافه نمایند و بر هم زنند تا سرد شود و در آخر یک [illegible] کافور و [illegible] سفیده
تخم مرغ داخل کرده بر هم بمالند و استعمال نمایند مرهم [illegible] باذن الله تعالی
نافع [illegible] از برای [illegible] که [illegible] بوده باشد و [illegible] خصوصاً
که عارض شده باشد در این اعضا [illegible] صفت آن

قردمانا و سنبل الطیب و حماما و فلفل و دار فلفل و قسط و اسقنجه و بزر ان و عاقرقرحا

و لوز و اشق و مصطکی و سرصافی و میعه سائله و حب بلسان و زراوند مدحرج

و زراوند طویل و سعد کوفی و اکلیل الملک و لادن و فلفل ... از هر یکی چهار درم

زعفران دو درم بر سیاوشان در روغن بلسان و بنفشه و ... و بیه بط از هر یکی درم

صمغ بادام تلخ پنج درم موم پنج درم را با روغن با زدن بگدازند و بیامیزند و بر مقعد زنند

مرهم فرقوفا (?) ... دو درم ... از قرابادین ... نافع از برای

وجع مفعده ... حقیقت آن شحم حنظل و کندس و اشنان و کبریت از

هر یکی ۳ اوقیه مرداسنگ و شیاف ماميثا از هر یک شش درم حرمل

و فرفیون قرمز یعنی کرم قرمز از هر یک دوازده ربیق دو درم زفت دو درم فرفیون

قرمز را بر روغن حل سازند و باقی ادویه کوفته بیخته سرشته استعمال نمایند

تنجیم ... دوا دو ... ذکره ... نقل اده و گفته که صاحب المصابیح

مبالغه کرده در اطبات مدح این مرهم و گفته که نافع است از برای

اوجاع مقعده و کبد و طحال و ریه و پهلوها و کردها و مثانه و رحم و اعصاب

و از برای اورام و صلابتها و از برای نفث الدم و بحه و سعوط

موم علک البطم مقل ازرق و اشق فردمانا و ثمره کرم عاقرقرحا

حماما سنبل الطیب زعفران مصطکی از هر یک شش درم روغن بنفشه

یا روغن کنجد از هر یک بر که باشند بیخور آن مجموع الادویه صمغ را

با ... بیخته باشند و موم را با روغن بگدازند و همه را حل کرده

پس باقی ادویه را کوفته و بیخته با آن همه باشند و در ... بدن به کار

نامهوی

تا مستوی شود و نگاه دارند مرهم [illegible] و سرطان و اورام صلب را نافع باشد

و جراحات را از پوست مرده و ریم پاک گرداند و ناسور را با صلاح آورد صفت آن

جاوشیر و بارزد و سکبینج و زفت از هر یک [illegible] از بر بلید و درم زنگار نیم درم [illegible] اطریل از هر یک

سه درم مقل ازرق و مردارسنگ از هر یک چهار درم موم زرد و راسخ از هر یک سه درم

زیت یک رطل صمغها در سرکه حل کرده و از آن ادویه آنچه کوفتنی باشد بکوبند و موم در روغن

گداخته همه را در هم ممزوج گردانند و بدان بد شنبه بمالند تا یکسان شود [illegible]

[illegible]

نفع البثور را اسفیداج از هر یک درم روغن [illegible] کنند نیم رطل [illegible] قلقند از هر یک بیست

و هشت مثقال سرکه بجته کهنه یک رطل نیم آنچه صمغ باشد در سرکه حل نمایند و دواها را کوفته و بیخته

پاک بسرشند و مرهم بسازند [illegible]

[illegible] روغن نفشه لیست درم

مغز ساق گاو یک استار مغز ساق را در روغن بگدازند و مقل ازرق در کنند و چهار درم موم

صاف در روی افکنند تا حل شود پس بگیرند نفشه و گل خرد از هر یک دو درم کیرا و صمغ عربی و بابونه

و اکلیل الملک از هر دو درم کوفته و بیخته در آن موم و روغن بسرشند و در وقت حاجت

بر سینه اندود و دو استعمال کنند بر هر عضوی که مطلوب باشد [illegible]

[illegible]

[illegible] لعک مساوی چهار درم مصطکی و [illegible] و لبان از هر یک دو درم

مرهم قصب الذریره عود بلسان [illegible] از هر یک یک درم [illegible] دو درم [illegible]

برآورد و پخته بسرشند زرنیخ سه ماه عجد موم در روغن [illegible] و روغن گل العذری [illegible]

از انتهای مرهم ترتیب کرده و بسایند ثم قیفت و کوک را در طلا یعنی شراب بگذارند تا منحل شود را پاک
کرده از حب و کوفته پس بر آرند آنرا با طلا یعنی شراب تا آنکه خوب پخته شود پس بگویند
آنرا کوبیده با هم مخلوط کنند با قیفت و کوک در زیر آن ذل بدستور باشند تا مخلوط گردد و مرهم را با روغن
بگذارند تا باقی ادویه کوفته و بخته بر موم کنند آنگاه با روغن بجوشانند پس همه را یکجا کرده در هاون
بدستی بمالند تا نیکو مخلوط گردد پس طلا کنند بر صحیفه کاغذی و بچسبانند بر گرد و سفیده مرهم نخل
و مسمی باین اسم گردیده است بسبب آنکه آنرا از ابتدای طبخ تا وقت کمال
بشود بسعف نخل رطب باید حرکت داد و اسحق در وجه تسمیه گفته که حکیم مومن ثقفه وجه تسمیه آنرا
باین اسم آنست که مواد را تحریک میکند یعنی دفع از مسامات خارج از محل مشاهده میکند و بعضی
ادعا کرده اند که این تصحیف است و اسم آن مرهم نخل است بجای مهمله بعد از نون مشهوره
جه نخله بمعنی عطر است و مرهم عطابای السباب است و شیخ رئیس این مرهم را مسمی باسم قلقدیس
کرده و گوید که این مرهم منسوب به جالینوس است او را بمعنی نام نهاده و صاحب قانون ... در اجزای
این مرهم قلقدیس که در دو بعضی دیگر این مرهم را مسمی بمرهم قلقطار کرده اند و چنین ظاهر میگردد که
آن این هر دو لفظ مترادف باشند چنانکه بعضی اطبا این گمان کرده اند بر آنکه برنگ اسم
جنسی باشد از اصناف زاج چنانکه مشهور است در نفوذ است و بالجمله این مرهم است
جید الفعل در جبر کسر و اصلاح عصب و اثر وجع ورم اعضا و عظام و عصا برقم نافع است
از برای طاعون و اندمال قروح عسرة الاندمال و قروح منتنه و اورام حاسیه و اورام طاعونی
و از برای اورام که از بوسیدن حادث شده از مواد و از برای مطلق اورام و تحلیل آنها و چون طلا
کنند این مرهم را بر جرب متقرح و حکه که حادث شده آنها از رطوبات باشند از آن نفع میدهد
در همان روز از برای تعظیم و بعضی از اطبا طلا میکنند این مرهم را بر جبهه و اکله و کلف و

کم لکد

مرهم نخل

جالینوس

کرده‌اند طلای ازار الجزایر انبها صفت آن یک جزو مرداسنگ را و نسیقه آن کنند آب
البحر در انبار بیت چند روز پس چون خشک شد نقیه آن کنند و زیت با اندکی موم
که منصل به زیت دهند آنرا تا بنشف تحلل رطبت و چون سعی خشک شود پس تعلیق دیگر بگیرند
و همچنین چند روز بدین طریق آنگه بگیرد از آن مرداسنگ سه از شحم خنزیر صافی اجزا متساوی و از قلقطار
مسحوق نیز ربع یک جزو و همه را بسعف نخل بر هم زنند با خوب ممزوج شود پس بر آتش نهاده
و بسعفه نخل رطب بر هم زنند و هر گاه سعف خشک شود بدل کنند بعضی دیگر رطب و بر هم زنند
تا منعقد شود و در نسخه دیگر مرداسنگ نصف جزو بیست صفت ان یا هم اشتر شحم
بگیرند شحم و زیت عتیق ده رطل عتیق شش رطل مرداسنگ قلقدیس چهار را دفیه یکبار از شحم را
و بیابند قلقدیس را و مخلوط کنند آنرا با زیت و سحق کنند مرداسنگ را و مجموع با شحم
مخلوط کرده در تاوه بر آتش بپالایند پس در تاوه با کره کرده و بسعفه تر تازه از درخت
خرمای تر ببرید و با تار تشنید متصل بر هم زنند تا مستوی گردد و استعمال نمایند صفت این مرهم
که باب حادی عشر مذکور شد اسامی زیت جو بر با شحم ان گرگ خنزیر مملح باشد دو رطل مرداسنگ
یک رطل قلقطار چهار اوقیه و پاک کنند زیت با شحم را از جمیع عروق و غدد ها و اغشیه
و نرم بکوبند و بآتش بگدازند و پالایش کنند صاف ان را نیکو تا آنکه باقی نماند درد آنگاه از
اصل پس بگیرند از آن یک رطل و از زیت عتیق خنزیر مملح یک رطل و نیم و هر دو را مخلوط نمایند
و داخل کنند در آن قلقدیس و مرداسنگ بعد از آنکه هر دو را سحق کرده باشند
نیکو مخلوط کنند و استعمال نمایند مشمل غراب صفت آن بوجه ثانیه درهم
مر آن اتو برد فیتنقع فیه و زن اثنی عشر در ما فیصیح تیلا و تطعمی الی القدر غلیانات یسیره
ولیغسی بخرقه لطیفه و لیشرب حکه نحوه دراهم مسکو طرز دستنجون ... اسهل ...

جب القرطم مقشور جزء فلفل خمس حبات مرمکی ثلثة دانق یسحق حب القرطم والفلفل ویخلط
ویستعمل فانه یلین الطبع ویخرج کثیرا من البلغم وان جعلت بدل لب القرطم ماء خوذانه ماء
فوماني لسهال البلغم وان جعل فیه بسفانج اربع دراهم بدلا عنها اخرج خلطا غلیظا
سوداویا وان اردت ان یکون اقوی فاجعل مکان البسفانج ثلث دراهم
افتیمون سفوف ایضا مسکن قی و صفراوی ازموده زرشک منقی انار دانه
ترش سماق منقی از هر یک دو نوبت سبوس باسته از هر یک نیم درم گل سرخ منقی غنچه گل سرخ الاطباع
و فقوزه خشک از هر یک نیم درم نرم کوفته شش مثقال از آن با آب به ترش یا رب انار ترش
یا رب امرود و امثال آن بنوشند مسکن قی دیگر ایضا مجرب انار دانه ترش مویز بادانه
از هر یک پنج درم زیره کرمانی یک درم کوفته شش مثقال از آن بنوشند مسکن قی بلغمی و سوداوی صفت آن
غنچه گل سرخ چهار درم زرشک بیدانه سه مثقال نعناع خشک دو نوبت بروت پسته
مصطکی رومی عود بلسان سنبل الطیب قرنفل دارچینی عود قاقلی و زیره کرمانی هر یک از
هر یک دو مثقال کوفته و بیخته با سکنجبین سفرجلی و شربت انار مسبع و امثال آن بنوشند مطبوخات
این نوع اند که بآب استعمال کرده شود اغلب از برای کسی که بوده باشد در بدن او امتلاء
خلطی محترق یا سبب بودن در آن خلط رطوبت از رطوبت ها که بکار برده شود و بعضی گفته اند که مراد
از مطبوخات ماء الشعیر است چنانکه میگویند ماء الشعیر و بعضی مطبوخ زوفا و بعضی ترجمه کرده اند
مطبوخ شراب و این خطاست بحسب اصطلاح طبی چنانکه در قوانین بیان کرده شده بجهت
آنکه مطبوخ الطف از اجرام ادویه و بدانکه اگر واقع شود در مطبوخات چیزی که از جوشانیدن
قوت آن ساقط شود چون چهار تخم و برنجاسف و افتیمون باید که آنرا در آن مطبوخ نیم کوفته
ننموده بعد از تمام طبخ وقت مطبوخات زیاده بر یکماه باقی نماند اگر در آنها بوده باشد

چیزی بسیار باشد مانند مویز بی‌پوست اگر بوده باشد در مطبوخات چیزی بیشتر باقی می‌ماند قوت

آن زیاده بر یک هفته و نیم است شربت مطبوخات شش درم است و بعضی گفته‌اند مقدار شربت

مطبوخات نیم رطل است و حکیم صادق در جائی که بحث مسهلات عطش کرده گفته که

مطبوخات و الین و بهتر طبایع از حبوب است و اسهال آنها سریعتر است و اسهال آنها سریع‌تر از

و موافق تر است از برای مواد رقیق اما آنکه اسهال مطبوخات بیشتر است سبب آن است

که قوتهای ادویه جدا شده از اجرام آنها جدا شده و به آسانی جاری میگردد و آن قوتها با آب

بسرعت به اوعیه اخلاط می‌رسد و جذب میکنند بخواص آن قوتها که با آن آب است و میباشند

آن آب بسبب خواص و قوتهای ادویه مسهله در آنها از راه غسل آن آب اخلاط را

از اوعیه و جلای آنها از اوعیه پیش با لفرود و اسهال مطبوخات سریعتر است و از همین معلوم

شد که اخراج با آنها اسهل است و غایلۀ آنها کمتر است زیرا که قوتهای ادویه مسهله جدا شده

از اجرام آنها است مانند و سورت که در حدت و تیزی است آنها میشکند و در زمان

قصیر چیزی نفوذ میکنند در اوعیه اخلاط و اخلاط جذب کرده دفع کنند و

از فعل طبیعت در آن قوت مسهله منکسر نمی‌شود و دفع میشود و باقی نمی‌ماند در بدن

بعد از اسهال چیزی که باعث بر ابقای اعراض آنها کرب و غشیان و عطش

و معاودت اسهال میگردد گاهی باقی میماند از اجرام حبوب در حمل معده و تجدید آنها

اما چون بعضی از مطبوخات بشناسد و بعضی مقوی بعد از آن باشد

عبارت قوت ذریع و امثال آنها که گویند بعد طبخ و صاف کردن بر آن اندازند

بیان آنها منقوح [illegible]

صحت [illegible] بنشخر نسخ د اسود بوست ایله رز د بوست هلیله کابلی

هلیله سیاه از هر یک ده درم افتیمون سه درم بسفایج فستقی باد آورد با درنجویه تخم با درنجویه

از هر یک پنج درم بشنبه اما حب تخمک سنکاعی از هر یک چهار درم سنا مکی هندی قرص

حب مله ترکیب اسطوخودوس مکلی تخم حنظل و افتیمون از هر یک ده درم زنجبیل قرنفل انیسون

و اسطوخودوس از هر یک ده درم داخل است ادویه را کوفته و بیشتر رطل اب

بپزند تا ثلث رسید و صاف کنند بکار برد از برای دفع بلغم و سوداء از برای دفع سودا

صفرا از هر یک درم و تخم سبز پنجاه درم مطبوخ افتیمون بنسخه یوسف سیاه سودا را از بدن

بخورند اصلاح غلیظ سودا دارد صفت آن پوست هلیله زرد و مویز منقی از هر یک بیست درم

بسفایج فستقی و تربد سفید از هر یک ده درم همه را کوفته در پنج رطل اب بپزند تا ثلث آن بماند بیست درم

افتیمون در آن افکنند و یکشب رها کنند و روز دیگر بر آتش نرم نهند تا بجوش آید و در

افتیمون را بر آتش نهند و صاف کنند و مقدار یک شربت از آن یک درم غاریقون

و قدری عسل مصفا یا شیر بر او بجوشانند مطبوخ افتیمون بنسخه دیگر صفت آن

هلیله سیاه و بسفایج و مویز منقی و افتیمون از هر یک بقدر حاجت چنانچه رسم است بپزند

غاریقون و شحم حنظل و کل هندی کوفته بیخته با عسل سرشته حب سازند و بعد از این مطبوخ

بسته ساعت بخورند مطبوخ افتیمون بنسخه دیگر که تا آن سودا را ببرد و در تب

دیگر نافع است و جذام را سود دارد صفت آن هلیله سیاه بیست درم بسفایج چهار درم

همه را کوفته در دو من اب بپزند تا یک رطل رسد آنگاه پنج درم افتیمون بر روی افکنند

و یکبار بجوشانند و فرو گیرند و صاف کنند و چهار دانگ غاریقون و دو درم شحم حنظل

با ایکی سرشته و حب از این مطبوخ سه ساعت بخورند تا بهتر گوید که اگر در این

مطبوخ پنج درم تربد سفید و پانزده مویز بیدانه اضافه کنند قوت گیرد و منفعتش بیشتر باشد

دیگر نسخه

و سحج کاه ... ارزند صفت این مطبوخ بنسخه دیگر هلیله سیاه ده درم بسفایج فستقی پنج درم
سنا پنج نفشد درم زبیب سفید بیکوفته چهار درم افتیمون ده درم بدیکو ... طبخ کرده صاف
کنند پس چهار دانگ ... غاریقون و یکدرم صبر ... و دانگ ملح نفطی یکدانگ
خربق سیاه حب سازند و سه ساعت قبل از مطبوخ فرو برند مطبوخ دیگر با صفت
صفت این پوست هلیله زرد و سیاه و تمر هندی و مویز منقی و شاهتره از هر یک پنج درم آبی
که خواهند با آب بپزند و فلوس خیار شنبر در آن افکنند و بدیشب بمالند و آنگه صاف
کنند ایارج فیقرا دو درم بگیرند و غاریقون و نمک هندی ... اندر آن افکنند و دو بار بمالند
... گرم بیاشامند مطبوخ افتیمون دیگر خداوند ... را سودمند باشد صفت
هلیله سیاه پوست هلیله زرد از هر یک ده درم پوست بلیله کابلی هفت درم پوست بلیله
... انیسون بادآورد ... و بادرنجبویه و اسطوخودوس از هر یک چهار درم بسفایج
بکوفته سه درم آلو سیاه ده عدد زبیب کوفته دو درم مویز ... ده درم افتیمون
پانزده درم ادویه را سوای افتیمون چنانکه رسمست و افتیمون را در ... دستار ...
بسته با جمله در دیگ افکنند و از آتش برگیرند تا یکدار ... صفت
این مطبوخ بنسخه حکیم ... بلیله سیاه ده درم بسفایج بکوفته پنج درم افتیمون ده
درم سنا مکی و اسطوخودوس از هر یک هفت درم گلسرخ چهار درم گاوزبان بادرنجبویه
از هر یک چهار درم انیسون و بادیان از هر یک دو درم خربق سیاه دو دانگ غاریقون
سفید سه درم ... یکدرم زنجبیل یکدرم بجوشانند و صاف کنند و ده غاریقون
و لاجورد ... ملح نفطی از هر یک دو دانگ اضافه کرده بیاشامند و اگر خواهند قوی‌تر
باشد شحم حنظل و صبر سقوطری بقدر چهار حبه اضافه کنند مطبوخ افتیمون بنسخه دیگر

هلیله سیاه ده درم بسفایج فستقی پنج درم افتیمون در کتانی بسته ده درم کابلی هفت درم
[illegible] اسطوخودوس ده درم بجوشانند تا بثلث رسد بپالایند و چهار مثقال ایارج فیقرا و
پنج درم [illegible] سقمونیا [illegible] یک دانگ [illegible] سیاه [illegible] درم ایارج فیقرا ترکیب کنند و
بیاشامند مطبوخ افتیمون لطیف ضعیف تر ضعف آن عناب پانزده دانه
سپستان بیست دانه آلو سیاه [illegible] هفت دانه تمر هندی ده درم گل نیلوفر
[illegible] گل بنفشه پنج درم [illegible] پنج درم تخم کاسنی کوفته [illegible] پوست هلیله زرد پنج درم
پوست هلیله سیاه زرد [illegible] سیاه زرشک منقی تخم خطمی از هر یک چهار درم بسفایج
فستقی شش درم افتیمون از چهار درم تا شش درم [illegible] بجوشانند تا
صاف کنند بر روی بیست درم ترنجبین و پانزده درم فلوس خیار شنبر بمالند و
بپالایند و ربوند چینی و روغن بادام شیرین از هر یک یک درم داخل کرده بیاشامند
قبل طلوع صبح در ایام گرمی هوا و [illegible] اقتضا تعیین شده [illegible] در ایام
سردی هوا [illegible] زیاده کرده میشود و در این مطبوخ اسطوخودوس سه درم در خصوص
در امراض دماغی و اضافه کرده میشود در این اثر برای تقویت اسهال [illegible] حجر ارمنی مغسول
و حجر لاجورد مغسول از هر یک نیم درم [illegible] ازرق [illegible] مسحوق از هر یک ربع درمی
[illegible] زیاده کرده میشود و در این مطبوخ [illegible] تازه [illegible] یا غنچه گل سرخ خشک دو مثقال
[illegible] زیاده کرده میشود و در ان سنای مکی [illegible] از هر یک چهار درم [illegible]
زیاده کرده میشود [illegible] و اهله [illegible] از هر یک سه درم نسخه دیگر مطبوخ افتیمون [illegible]
ضعیف تر پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد و هلیله سیاه از هر یک هفت درم
پوست [illegible] اهله [illegible] از هر یک چهار درم مویز خراسانی دانه بیرون کرده سی درم

آلو ده

آلو ده دانه سپستان انگور جهت عناب و برگ بادرنجبویه از هر یک چهار درم بسفایج

فستقی ... درم تربد سفید محکوک ... افتیمون ده درم مجموع را در پنج رطل آب بجوشانند

تا برسد به یک رطل انگبین ... رطل ... افتیمون اقریطی ... ده درم

که بسته باشند ازار در خرقه ... دیگر ... تا بجوشانند ... اسهال ...

دران افتیمون را ... کرده ... لبوبت ... ده ... قوت

اسهال ... غاریقون یک درم ... شحم حنظل ... قوت و مزاج

مطبوخ افتیمون از نسخه ... نافع از برای اخراج خلط سوداوی و

بلغم و صفراوی محترق و نافع است از برای مالیخولیا و جذام و وسواس و امراض

سوداوی صفت آن سنا مکی ... درم گل بنفشه و گل نیلوفر و تخم کاسنی از هر یک چهار درم

بادرنجبویه ... انگور از هر یک ... درم ... سیاه ... از هر یک

... درم تربد سفید محکوک دو درم ... اسطوخودوس سه درم ... افتیمون سه درم

... سه درم ... تازه ... درم ... طایفی دانه بیرون کرده ده درم

افتیمون اقریطی ... درم مجموع را در سه رطل آب بجوشانند تا بدو رطل برسد

پس افتیمون را در خرقه ... دران بنهند ... طبخ و صبر کنند تا

جوشی دیگر بخورد پس از آتش فرود آورند ده ... افتیمون را بمالند و ... دور

کنند و مطبوخ را بر روی فلوس خیار شنبر و ترنجبین از هر یک بیست درم صاف کرده بمالند

باز بمالند و یک درم روغن بادام شیرین داخل کرده بیاشامند صفت مطبوخ

الافتیمون از نسخه القلانسی یوخذ قشور الهلیلج الاصفر عشرة دراهم قشور الهلیلج

الکابلی والهلیلج ... اربعة دراهم الملح اربعة دراهم بسفایج ... ثلاثون.

بادرنجبویه درهم اربعه غافث اربعة دراهم انیسون اربعة سلیخه عشرة الخاص درهما
زبیب منزوع العجم خمسه دراهم ثلث بسفایج مرصوص اربعة دراهم اسطوخودوس اربعة
الافتیمون قبضة ثم یلقی فی خمسه ارطال ماء حتی یرجع الی ثلاثة ارطال ثم یطبخ
الاول ثم یرسل الافتیمون الی رطل ثم یطبخ حتی یبقی فی خرقه ویصفی درهم خمسه الارطال
معجونا درهم وزن الابیض التوقی الجید ان الغاد من ویصفی الافتیمون
التعلیظ الاخلاط السوداء منه ینفع ما یشرب ویسیل
وزن الحنظل بشحم فاخلط الاخلاط ان یخرج ان وان الزحمة
صفت آن مطبوخ افتیمون دیگر که بسود دارد ... درم ... درسیم
از ... کابلی ثمج درم از هر یک سیاه پوست هلیله
دو درم از هر یک افتیمون بسفایج درم ... از هر یک
درم ده پانزده ... ده ... دو مثقال عناب ... گاو زبان
کنند ... را در آن حل کرده ... بجوشانند و صاف کرده ... بنفشه
را ... یک درم از هر یک افتیمون ... از ... بپزند
فرو ساخته ... سبزدار ... بجوشانند و ... از هر یک ... نموده
مطبوخ افتیمون دیگر ... سبز ... زنند بعد از آن مطبوخ زنبانه ...
صفت آن ... دارد ... ترنج ... انداختند ... بسبر
پوست کابلی ... از هر یک پنج درم بسفایج فستق ... هلیله
از ... پوست ترنج پوست ... خود دوس ... افتیمون
درم ... چهار ... ده ... سیاه ... غاریقون درم ... از هر یک
دو مثقال

دو مثقال سنبل رومی کوفته بجوشانند و صاف کنند و پانزده درم شکر طبرزد خراسانی در آن داخل کرده بنوشند و بعد از آن سردار و بر بکنند افتیمون از هریک یکدرم هلیله سیاه نیم درم محموده مشوی نیم حبه و حب کرده بیاشامند مطبوخ افتیمون دیگر که زرد معده و جرب و سودائی که در اندام باشد ابو دسیو و طربه د صفت آن بکیرند هلیله زرد سیزده درم پوست هلیله نیم درم هلیله میفتج سنای مکی بسفایج فستین کوفته هلیله سیاه گل بنفشه از هریک سه درم شاهتره گل سرخ از هریک دو درم افتیمون هم صره کتان الیه تخم سیستان نیم لیبوت نسفاجی بیاورد از هریک دو درم گل غافث افتیمون رومی از هریک نیم مثقال غافت دانه مویز میفتج طایفی بیست درم جو مقشر بجوشانند و بالایند و بیش سردار و بنوشت و بالایند بکفند یکمثقال پوست هلیله زرد گل بفرنه از هریک چهار دانک حجر ارمنی مغسول یکدرم هلیله سیاه افتیمون از هریک دو دانگ محموده مشوی دانگی نیم اصطکی از هریک نیم دانگ کرده سردار و کرده بیاشامند و اگر این اجزای سردار و حب کرده فرو برند بعد از آن مطبوخ بیاشامند بهتر است مطبوخ که سهال اخلاط محترقه سودا و صفرا کند و امراض سوداوی و صفراوی را نافع باشد صفت آن پوست هلیله زرد و پوست هلیله کابلی از هریک دو درم افتیمون دی افتیمون از هریک دو درم بکفند خرد کرده روغن بادام حب کرده کوفته نیم درم آلو سیاه پانزده عدد تمر هندی ده درم بجوشانند بیک جوش که مقرر است و صاف کنند بر روی فلوس خیار شنبر ده درم ترنجبین بیست درم و بمالند و بالایند و یکدرم روغن بادام شیرین داخل کرده بیاشامند صفت آن مسهل صفرا و اخلاط محترقه کند سنای مکی پنجدرم پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه هلیله املج از هریک پنجدرم عناب ده عدد آلو سیاه

سپستان از هر یک بیست عدد اصل السوس تراشیده پنج درم مجموع را بپزند
چنانکه مقرر است و صاف کنند و فلوس خیارشنبر و ترنجبین از هر یک ده مثقال
در آن حل کرده یک درم روغن بادام شیرین اضافه کرده بخورند مطبوخ [illegible]
یسحج المعده و یزید فی الباه یمین خاصیه فی الاوجاع البارده و یحسن اللون
والبشره صفت انیسون نانخواه بزر الرازیانج بزر الکرفس و دارچینی و صعتر و سعد
ابی انیسه؟ و کاسم کرد بادرنجبویه و دارفلفل و کندر و سنبل الطیب زرنباد خولنجان و بزر البنج
و سعد و بزر الجرجیر و بزر البصل من کل واحد مثقال حبه الحدید یلد بالخل عشره مثاقیل
تطبخ فی بلاده انبار فارحی یرجع الی النصف یصفی و یشرب منه کل یوم
وزن ثلثین درهما الی اربعین درهما مطبوخ افتیمون حکیم سعد و زیاج لوا یسرع
در امراض سود داروی مفید است اخلاط آن بگیرند بسفایج فستق لوبیت تراشیده
شش مثقال و شب در آب خیسانیده صبح صافی نموده فلوس خیارشنبر در آن حل کرده
صافی نموده روغن بادام شیرین داخل کرده بخورند مطبوخ [illegible] مسهل بلغم
بود و اسهال سودا نیز کند صفت آن سنا مکی حب نرح یکفنه لوبیت هلیله زرد
هلیله کابلی هلیله سیاه از هر یک پنج درم زنجبیل [illegible] تراشیده یک درم از خشک
یک درم بسفایج فستقی قنطوریون دقیق افتیمون اقسنتین رومی از هر یک چهار درم بادرنجبویه
بادرنجبویه را زیانه بیخ کرفس بیخ کبر بیخ اذخر رازیانه انیسون تخم کشوث از هر
یک سه درم زرنباد سنبل الطیب از هر یک یک درم موی منقی ده درم سپستان بیست دانه
انجیر زرد پرسیاوشان خطایی ده دانه ... کرده صاف نموده ترنجبین خراسانی
ده مثقال ترنجبین پانزده مثقال گلقند نیم شربت دینار از هر یک پنج درم

تمام

اضافه کرده هر شب ... بیاشامند **مطبوخ خیارشنبر** اخلاط سوخته را و خلط صفراوی

رقیق را از تن براند و از بدن پاک گرداند **صفت آن** پوست خیارشنبر زرد و تمر هندی از هر یک

پانزده درم عناب انجیر را از هر یک بیست دانه ... منقی بیست درم جمله را بکوبند

و آنگاه ... درم همه را ... در یکمن و نیم آب بجوشانند تا نصف آن بماند صاف

کرده بر روی بیست مثقال فلوس خیارشنبر با روغن بادام چرب کرده باشند و بمالند و بیاشامند

و بیاشامند ... و جمعی گفته فلوس خیارشنبر را باید مقدار بیست درم از آب این

مطبوخ حل کنند و بیاشامند **مطبوخ خیارشنبر از جمله ... اصفهانی** ... گفته است

که چنین یافتم از کتب یونانی این مطبوخ اسهال خلط صفراوی و اخلاط محترقه

کند و ... را ببرد و حمیات صفراوی ببرد و از ... خارش را سود دارد

و قروح اعضا را نیک بود **صفت آن** پوست هلیله زرد و تمر هندی منقی از هر یک ... آلو سیاه

و عناب ... منقی از هر یک ... بجوشانند در سه رطل آب تا بیک رطل رسد صاف

کرده بر روی چهارده درم فلوس خیارشنبر و روغن بادام چرب کرده بمالند و بیاشامند

و بهنگام بخورند ... [illegible] ... بمقدار ... با این ...

بیش از آن ... بخورند و ... از آن جلاب ... **مطبوخ خیارشنبر**

للرجل للتبرید و ... الامراض الحاده **نسخه ...** بگیرند ...

... خمسة عشر ... خمسة عشر درهما

و ... کف ... علی الرسم و ... ثلث رطل و ... فیه عشرة دراهم

فلوس خیارشنبر ... و ...

غاریقون ابیض من درهم الی مثقال **مطبوخ ... محمد بن زکریا** للسل الطبیعیة

المرایحة والاستعداد لریاح القولنج صفة معجون الفلاسفة ینفع من ضیق النفس
سبع اواقی فلفل سن قسط اوقیه من الخیار شنبر لب الفلوس ... عسل و
علیه ... اللوز الحلو شراب السبوع ... بدهن ... الی ارضی لقطیو وان
کان ریح مرمده ورباح فلیس ... الخیار شنبر ماء الاصول ولقطة علیه
دهن الخروع ولیفطر ویستعمل هذا فی الشتا معجون خبث الحدید نافع از برای ...
معده ... زحل و سماق ... بی اسرار ... شهوه طعام صفت تخم کرفس
در ... رازیانه و انیسون اهلیلج حرف و تخم سداب و ... تخم حرمل تخم ... یک
در زیره ... و بادیان شبنم و تخم لبدانا و تخم خطمی ... تخم گزر ... و تخم ... مصطکی
دارچینی خشک و سنبل الطیب و اکلیل الملک و فرنجمشک دهن ... از هر یک
چهار مثقال قسط ... و عیدان ... و صمغ ... ذوقا ... وجو ... دانشمند
... و تخم رطبه تخم الجزر و بهمن سرخ بهمن سفید لودری سرخ لودری زرد و
... هندی ... سیاه و لوبیا ... کابلی و لوبیا ... زرد و لوبیا ...
امله مقشر از هر یک یک مثقال خبث الحدید ... ممحول مدبر یکصد مثقال ادویه را
... مثلث ... عسل ... رطل ... ربع رسد پس ...
ده ... از آن ... ربع رطلی بار وعش ... مداوم ... معجون
سبستان له ذات الجنب و ذات الریه ... صفت اخلاط
آن عناب سبستان از هر یک ... انجیر ... ده دانه موی ... بست دانه
اصل ... محلوک در ... و تخم خطمی سفید و تخم خیار ... از هر یک سه مثقال
جو مقشر چهار مثقال ... رطل اب بجوشانند تا ربع بماند پس بپالایند و ...

نیم رطل از آب انار ترش با دانه شیرین باید خورد مطبوخ نافعست از برای تبهای
مرکبه و تسکین ... [illegible] پوست هلیله کابلی سه درم بلیله ... تخم
کاسنی کشنیز از هر یک ده درم بنفشه گل نیلوفر از هر یک ... ایمان
ریوند چینی نیم کوفته در صره کتان بسته دو دانگ بجوشانند چنانکه بماند صاف
کنند ده درم شیرخشت خراسانی بگلاب حل کرده اضافه کرده بر نصفا ... و
پس از ... مطبوخ ... و شکر ... کرده بخورند مطبوخ نافعست
از برای امراض صعبه و امراض ... بلغمی ... پوست هلیله زرد و
هلیله کابلی و هلیله سیاه از هر یک ده درم پنج ... از بادیان ... از هر یک
... سنبل الطیب ... الذر ... از هر یک چهار درم ... بادآورد
از ... پنج درم ... تخم حنظل دو درم مجموع را ... رطل ... تا بطلی فرو ... بماند صاف
کرده در شیشه کرده ... اوقیه ... افیون ... شود ده در آن حل کرده ... روز در
آفتاب بنهند پس ... دو اوقیه و اگر حرارت در مزاج غالب
شد اضافه ... در این مطبوخ ... ... که در آن شکر
حل کرده باشند مطبوخ ... ربع و تبهای بلغمی ...
تبهای کهنه را سود دارد و ... و صداع ... ربع ... صفت ... که ...
باشند زایل کند صفت آن پوست هلیله زرد ... افسنتین ... بادآورد ...
اجزا برابر با آب ... بکوبند ... بنفشه ...
گفته که اگر ... در این مطبوخ زیاده کنند ...
... مسهل ... بلغم غلیظ بود ... پوست هلیله زرد ده درم

پوست هلیله کابلی هلیله سیاه از هر یک هفت درم پوست هلیله آمله منقی از هر یک چهار درم
مویز منقی ده درم آلو سیاه ده عدد حسک و زبان بادرنجبویه غافث اسطوخودوس
از هر یک پنج درم بسفایج فستقی [illegible] سه درم افتیمون در کتان بسته ده درم
را در میانه قرنفل انیسون سنادج هندی از هر یک یک درم بجوشانند چنانکه مقرر است
و صاف کنند و [illegible] زعفران و صبر سقوطری از هر یک درمی ملح هندی حجر لاجورد
از هر یک دو دانگ شحم حنظل [illegible] شکر سرخ ده درم اضافه [illegible] مند
آن شکر را در آن حل کنند و باقی ادویه را سحق کرده ده روغن بادام چرب
کرده حب سازند قبل از مطبوخ فرو برند بعد از آن مطبوخ بنوشند [illegible]
مطبوخ صفت دیگر تپهای آمیخته و سرفه و تنگی نفس را ابرد و بیماریهای کهن
را زایل کند و بر اثر [illegible] سودمند بود صفت آن پوست هلیله زرد هفت درم
هلیله کابلی آمله منقی گلسرخ تخم کاسنی تخم کشوث از هر یک سه درم گل غافث و افتیمون
زوفی از هر یک یک درم شاهتره دو مثقال سنامکی دو درم عناب سی عدد آلو سیاه
بیست عدد گل نیلوفر تخم کاسنی گلسرخ از هر یک سه درم پرسیاوشان چهار درم [illegible]
[illegible] در صره بسته یک درم [illegible] بجوشانند و صاف کنند و ترنجبین بیست و فلوس
خیارشنبر در گلاب حل کرده پانزده درم در آن داخل کرده صاف کرده روغن بادام
شیرین یک درم اضافه نموده بنوشند مطبوخ [illegible] نافع [illegible]
صفت آن عناب پانزده دانه سپستان بیست دانه آلو سیاه بزرگ ده دانه
[illegible] منقی از [illegible] ده درم [illegible] منقی تخم خطمی
از هر یک چهار درم [illegible] گل بنفشه بسفایج فستقی از هر یک سه درم

تخم

تخم کاسنی نیم کوفته با منقا در سه رطل آب بجوشانند تا یک رطل بماند از آتش فرود آورده

صاف کنند و [illegible] خیارشنبر پانزده درم شیرخشت بیست درم شراب بنفشه [illegible] درم

[illegible] حل کنند و بمالند و یک درم ریوند چینی سوده و یک درم روغن بادام شیرین از برای

اصلاح خیارشنبر داخل کنند چه خیارشنبر لزوجی و چسبندگی با عضای احشا باشد

و روغن بادام [illegible] لازمی که دارد از اخراج آن [illegible] میکند از [illegible] با

بعضی [illegible] ترنجبین [illegible] بجای خیارشنبر [illegible] و شراب بنفشه میکنند و

در [illegible] احشا روغن بادام [illegible] در شرح موجز [illegible]

که این مطبوخ را باید که بر روی بیست درم ترنجبین و پانزده درم شیرخشت صاف

کنند و حل کنند و بمالند و یک درم ریوند چینی سوده یک درم روغن بادام شیرین اضافه

نموده بیاشامند اگر تابستان باشد بنیمروز و اگر هوا سرد باشد و زمستان باشد

وقتیکه آفتاب بلند شود بیاشامند مطبوخ [illegible] اقوی از اول منقول از

شرح موجز [illegible] صفت آن پوست بلیله زرد [illegible] از هر یک

پنج درم [illegible] بزرگ دانه ده عدد عناب جرجانی بزرگ دانه پانزده

عدد سپستان بیست دانه مویز منقی بیست درم تمر هندی منقی پانزده درم

شاهتره [illegible] از هر یک پنج درم گل بنفشه تخم کاسنی تخم کشوث

اصل السوس از هر یک سه درم [illegible] اقتیمون رومی از هر یک [illegible] درم

چهار درم تخم [illegible] تخم کرفس از هر یک دو درم [illegible]

کنند و یک درم روغن بادام شیرین داخل کرده [illegible] بیاشامند

و اگر اراده باشد قوت [illegible] کرده شود [illegible] داخل کرده در مطبوخ

بعد از آنکه صاف کرده نشیند اما یک نیم غفیر یا ربع درم محموده الطاکی تسوی ربع درمی

مسهل صفرا بود و از حب جاره لا سود منزل بود نسخه نیم درم گل سرخ و

بلیله ... دانگ خیار درم افسنتین رومی تخم خیار تخم کاسنی تخم شوت گل نیلوفر

پوست بیخ کاسنی پوست بیخ رازیانه از هر یک سه درم عناب دانه سپستان

بیخ رازیانه لوبیا زرد آلو ... از هر یک ده دانه تمر هندی ترنجبین مویز طائفی

از هر یک ده مثقال جوشانیده صاف نموده ترنجبین پانزده درم شیرخشت ... خراسانی

... خیار شنبر از هر یک ده درم در آن حل کرده صاف کرده بیاشامند و اگر خواهند

کشند ریوند چینی دو دانگ ... کوفته ... بروغن بادام چرب نموده بدان اضافه نمایند

که ادرار حیض کند و تفتیح سده ها نماید است

و نسخه ایست از برای امراض حادث از اخلاط محترقه صفت عصاره ...

قنطوریون دقیق از هر یک سه درم افتیمون سداب پودینه کوهی پوست بیخ

از هر یک ده درم ... ... میکوید ...

گرد ... تخم ... مطبوخ تخم کرفس و اسارون از هر یک یک مثقال

اهلیلج کابلی منزوع الاقماع والاهلیلج الاسود و بلیلج

منزوع النوی من کل واحد عشرة دراهم بسفایج ثلثه دراهم اسطوخودوس سبعة دراهم

اصل الکرفس و اصل الرازیانج من کل واحد خمسة دراهم زبیب منزوع العجم عشره

عدد ... ثلاثة ... المطبوخ ... افتیمون ثلاثة دراهم ... النصف و الشرب

منه ... نصف ... دراهم ... و نصف مثقال ... دراهم ...

... و خیار شنبر ... مشوی ... و معده ...

الدواء

لقلاطه

اخلاط محترقه سودایی پاک کرده اند صفت آن سنامکی پنجدرم پوست هلیله زرد و هلیله کابلی
از هریک پانزده درم تخم کاسنی گل بنفشه گل نیلوفر خشک از هریک پنجدرم اصل السوس تراشیده
خورد کرده بسته درم مویز طایفی دانه بیرون کرده ده درم عناب جرجانی ده عدد
سپستان آلو سیاه از هریک بیست عدد مجموع را بجوشانند در سه رطل آب تا
بیک رطل برسد آنگاه آتش برگرفته بپالایند و مغز خیار شنبر و ترنجبین از هریک پانزده درم
در آن حل سازند و صاف کرده روغن بادام شیرین تبرزد دو درم در آن داخل
کرده بیاشامند مطبوخ دیگر که از جهت مسهل [illegible] نافع بود صفت آن هلیله
زرد و هلیله کابلی هلیله سیاه از هریک پنجدرم عناب آلو سیاه مویز منقی سپستان
از هریک ده دانه [illegible] برگ کرفس برگ سداب برگ عنب الثعلب
از هریک یکدرم گلقند و تمر هندی از هریک پانزده درم در آن تمر هندی [illegible] رسم
است و صاف کنند و فلوس خیار شنبر پانزده درم شیرخشت خراسانی سه درم
در وی بمالند دو مرتبه دیگر بپالایند و یک مثقال روغن بادام داخل کنند [illegible]
غاریقون و [illegible] ترید سفید مدبر و [illegible] و نیم مثقال سقمونیا مشوی [illegible] کرده
بیاشامند و اگر [illegible] بعد از دو ساعت مطبوخ را بیاشامند
بهتر است مطبوخ دیگر که گرم مزاج را مسهل بود صفت آن پوست هلیله زرد
پوست هلیله کابلی هلیله سیاه از هریک [illegible] درم [illegible] از هریک پنجدرم تخم کاسنی پنجدرم
برگ کرفس دسته [illegible] عناب سپستان آلو سیاه از هریک بیست دانه تمر هندی
منقی پانزده درم مجموع را در یک من نیم آب بجوشانند تا بنصف [illegible] صاف کرده مقدار
یکصد درم از این مطبوخ را [illegible] ده درم شیرخشت که در وی حل کرده [illegible] بیاشامند

مطبوخ بلیله تا لطیف باشد چون سنبل الله اسهال را دیر قابل رسانند شود دل و دماغ و بدن را

از اخلاط فاسد پاک گرداند صفت آن پوست بلیله زرد و بلیله سیاه کابلی گزیده بکلره

تمر هندی منقی از خسته و انباق پانزده درم عناب ده دانه مویز منقی بنفشه درم گل سرخ

گل نیلوفر از هر یک چهار درم سنا مکی نیم درم تخم خیار ده درم مجموع را در سه رطل و نیم آب کجو

ملایم بپزند تا دو حصه از وی فرو رود و یک حصه بماند بعد از آن بر آتش بر افشانند پانزده درم فلوس

خیار شنبر در وی کنند و بدست بمالند به صاف کرده بیالایند و یکدرم روغن بادام شیرین در آن

داخل کرده بیست گرم جیران در آمیزند و بیاشامند و از قوت مر اضعف بود و سقمونیا محلول در آن بیامیزند

نافع باشد مطبوخ الهلیله مسهل اخری نسخه اخری بوخذ زر الهلیلج الاصفر

عشره دراهم تمر هندی عشرون درهما اجاص ثلاثون عدد عدد عناب ثلاثون عددا

سپستان حصه صبیح حصه الکشوث حصه بذر الهندبا خمسه ورق عنب الثعلب

اوقیه یطبخ کما هو الرسم و یصفی و یحل فیه خمسه عشر درهما فلوس الخیار شنبر عشر درهما

شیر خشت نسخه اخری بلیلج اصفر عشره دراهم عناب عشرون عددا تمر هندی ثلثون درهما

شاه ترج سبعه دراهم بنفشه خمسون عددا یطبخ کما هو الرسم و یحل خمسه ثلثون درهما

شیر خشت و یصفی و یشرب مطبوخ الهلیلج الاصفر نسخه اخری یوخذ بلیلج اصفر

و الکابلی و الاسود من کل واحد سبعه دراهم شاه ترج و سنا مکی و دود احمر من کل

واحد خمسه دراهم عناب و اجاص و زبیب احمر منزوع العجم و بنفشه من کل واحد ثلثون

عددا بزر الهندبا و بزر الکشوث و ورق الهلیون و ورق عنب الثعلب و ورق الافسنتین

من کل واحد اربعه افیتمون دراهم بسفایج و مغز فارسی و مخیزج الورد و اصل السوس

خیار شنبر و تمر هندی من کل واحد خمسه عشر دراهم شیر خشت ثلاثون درهما یطبخ

کما جند

کما یحتسب یصفی بصفاف البنه ثلاثه دراهم غاریقون مثله بزید و ربع و درهم
سقمونیا مطبوخ ثانی بلیلج اسهال صفرا کند [illegible] پوست بلیله زرد و ده درم آلو
آلو بخارا بی از هر یک بیست دانه سپستان سی دانه شاهتره شاهی [illegible] از هر یک پنج درم
گل سرخ چهار درم عناب پانزده دانه رازیانه تخم کشوث تخم کاسنی از هر یک دو درم
اصل السوس گل بنفشه گل نیلوفر از هر یک سه درم مجموع را در سه رطل آب بجوشانند تا
نصف رسد صاف کرده ترنجبین شیرخشت خراسانی و تمر هندی از هر یک ده مثقال ترنجبین فلوس
خیار شنبر و مغز بادام شیرین چرب کرده از هر یک پانزده مثقال در ان حل کرده صاف نموده
بنوشند مطبوخ [illegible] بلیله زرد هفت درم تمر هندی از [illegible] مویز [illegible]
پانزده درم ورق گل سرخ پنج درم گل بنفشه شش درم و بعضی و قبل [illegible] معده بسیار ضعیف بود
و حرارت بسیار باشد ده درم نعناع داخل کنند و اگر معده ضعیف باشد بنفشه
نکنند و در مرکبات [illegible] شیر [illegible] در این مطبوخ داخل کنند همه را در سه
رطل آب بریزند تا یک رطل رسد [illegible] و مقدار پانزده درم فلوس خیار شنبر در این
حل کرده بیاشامند و در نسخه [illegible] پانزده درم [illegible] در این مطبوخ داخل است
مطبوخ [illegible] یوخذ زبیب الاحمر منزوع العجم
خمسة و عشرون درهما اجاص ثلثون عددا عناب عشره اعداد [illegible] خمسة
دراهم افتیمون مثقال مصطکی [illegible] ثلاثه دراهم بلیلج و یوخذ منه نصف
رطل فیجعل فیه عشرون درهما تمر هندی [illegible] النوی واللیف [illegible]
درهما زبد [illegible] مطبوخ [illegible] بلیلج [illegible] دراهم بلیلج
اسود عشره دراهم [illegible] خمسة دراهم [illegible] اربع دراهم

ثم ماء شاهترج سبعة دراهم يطبخ ويصفى ويمرس فيه خمسة دراهم فلوس خيارشنبر ويصفى
ثانياً ويقطر عليه دهن اللوز الحلو ويشرب مطبوخ يسهل الصفراء المحترقة نسخة القلا
يوخذ بليلج الاصفر ستة دراهم بليلج الاسود عشرة دراهم زبيب منزوع العجم خمسة دراهم
ترنجبين ابيض مرضوض اربعة دراهم شاهترج سبعة دراهم خيارشنبر خمسة دراهم يطبخ برفق و
يصفى ويشرب مطبوخ يسهل الصفراء والبلغم نسخة زبيب احمر منزوع العجم عشرة دراهم
اجاص ثلاثون عددا عناب عشرة اعداد شاهترج خمسة دراهم افتيمون مثقال
مصطكي مثقال زبيب ابيض مرضوض ثلاثة دراهم يطبخ ويصفى ويلقى فيه نصف رطل
تنحل فيه عشرون درهما تمر هندي منقى من النوى والليف يصفى ويشرب مع
درهم زبيب ابيض مسحوق مطبوخ نافع لحمى الامراض الحادة من ترتيب [illegible]
اجاص اربعون عددا سبستان عشرون عددا زبيب منزوع العجم عشرون عددا
عناب عشرة اعداد ورد احمر وتمر هندي ترنجبين مقشر ورق [illegible] من كل واحد
مثقال شاهترج خمسة دراهم عنب الثعلب عشرون درهما بزر الهندبا ثلاثة دراهم بزر
الكشوث ثلاثة دراهم لسان الثور اربعة دراهم نيلوفر اربعة دراهم اصل الهندبا
مثقال يطبخ كما هو الرسم ويصفى ويحل فيه خمسة عشر درهما تمر هندي منقى من النوى
ويصفى ويلقى فيه فلوس خيارشنبر اربعون درهما خمسة عشر درهما جلنجبين
سكري ويصفى ويشرب بقدر القوة فانه مطبوخ نافع [illegible] بالبلغم والسوداء
[illegible] ويستعمل اكثر الناس في فصل الربيع والخريف ليستحيل اخلاط
مختلفة من بلغم وصفراء وسوداء ممزوجة ببعض الفضول الرديئة وهو كثير المنافع
نسخة القلاب زبيب منزوع العجم خمسة عشر درهما بليلج كابلي واصفر منزوع العجم النوى
ولسان الثور

ولسان الثور وعرق السوس وبزر بنفشا هو خطمی وبزر شاهسفرم مرضوض وبزر الکرفس
من کل واحد ثلاثة دراهم سنا مکی وبسفایج وافتیمون مصرور فی خرقة کتان یلقی فی
آخر الطبخ من کل واحد اربعة دراهم اجاص خمسة عشر حبة تمر هندی منزوع النوی خمسة
عشر درهما سبستان ثمانیة من کل واحد خمسة عشر حبة بزر الکشوث ینقع من کل
واحد ثلاثة دراهم رض من الادویة ینقع الجمیع فی ارطال ثمانیة درهم ماء الفرح یوما ولیلة ثم یغلی
الی ان یبقی منه الربع ویکفی ویمرس فیه اثنی عشر درهما فلوس خیار شنبر دراهم
ترنجبین والصمغ ... علی اثنی عشر درهما جلاب ویشرب علیه النصف درهم روغن
مسحوق ولیف لیبه ... من البزر ... یشرب وا... ترا... الحمد ... واحدة
من ... والمشمش

مطبوخ ... صفت

نسخة الفلدی ... الکابلی عشرة دراهم ... الاصفر عشرة دراهم ... العجم
عشر دراهم ... مرضوض ثلاثة دراهم اذخر ثلاثة دراهم بسفایج مرضوض خمسة دراهم
بزر اصفر عشر اعداد افتیمون عشرة دراهم ... درهمان افتیمون درهمان ... الکرفس
درهمان اصل السوس ثلاثة دراهم یطبخ علی الدستور ... ویلقی علی ... النثر ...
منه ایارج فیقرا درهم النصف ... درهم ... ویشرب ... الایارج
والغاریقون بالعسل ... المطبوخ ... مطبوخ ... فی امراض ...
و... الاستسقاء ... صفت نسخة الفلدی ... العجم عشرة
دراهم افتیمون ... و اذخر ... من کل واحد ثلاثة دراهم ...
عشرة دراهم ... یطبخ علی الدستور ... خمسة دراهم و
نصف ... درهم ... سکنجبین ... خیار شنبر ... ایارج ...

دراهم ... افتیمون ... نصف درهم و بعد از آن سکنجبین و ... المطبوخ ...
ثم یشرب عقیبه المطبوخ فانه ینفع باذن الله تعالی در مفرحات بدانکه مفرح قلبی
و تحقیق معنی آن در اواخر قلبیه چون الشت بیان مقام ... ذکر میشود و دوباره احتیاج
به تکرار ندارد و در مفرحات مشترک النفع از برای امراض اعضاء متعدده ذکر میشود
چنانکه مرکبات ... از مفرحات با اسم یاقوتی معروف است در حرف یا ذکر
کرده خواهد شد مناسب نیست که در جمیع مفرحات یاقوت ... از مبالغه در تحسین
خواص ... با ادویه ... بالخصوص تقویت کند بسوی قلب ...
ازین ... ایل کرده اند ... مفرح ... خفقان و وسواس
و ضعف دل را سودمند باشد و جگر و گرده ... را قوت دهد و ... داند
و صافی کند ... تمام آورد و بادها بشکند و ... را دفع کند و بجهت قوت دل
بنهایت سودمند بود و دهان خوش کند و طعام بگوارد و معده را قوت دهد و طبع نرم دارد
و قوت باه بیفزاید و نفوذ آورد و حفظ زیاده کند و جوانی نگاه دارد و پیران ...
قوت ... اکسیر ... خواص ... مختصر کردیم صفت آن یاقوت
رمانی دو مثقال یاقوت کبود ... زرد چهار مثقال یاقوت سفید از هر یک
چهار مثقال یاقوت کبود و یاقوت سفید از هر یک چهار مثقال لعل بدخشی سه مثقال
فیروزه نیشابوری سه مثقال زبرجد یک مثقال ... عقیق یمنی چهار مثقال بسد دو مثقال
... سه مثقال ... چهار مثقال کهربا شمعی دو مثقال ... دو مثقال
تخم ... پنج مثقال ابریشم محرق سه مثقال قرنفل سه مثقال پوست ... چهار مثقال
... ده مثقال ... دو مثقال ... چهار مثقال گل ... سه مثقال

صندل

صندل سرخ صندل سفید نخم ... در تخم ... بقل ... رخسی کتاره خسی از هر یک سه مثقال آقاقیا ...
پنج مثقال عصاره زرشک یازده مثقال عود قماری چهار مثقال باد رنج ... دو مثقال درونج
عقربی چهار مثقال طین لندمی؟ دو مثقال طین مختوم چهار مثقال طباشیر سفید پنج مثقال عنبر اشهب
چهار مثقال مشک ... زر ... مثقال ورق طلا ورق نقره ... صبر ... کذر هر یک ... مثقال کافور
قیصوری ... فادزهر ... مثقال ... الجبت ... رنج هندی بهمن سرخ از هر یک دو مثقال
بهمن ... چهار مثقال آب سیب اصفهانی ... آب سفرجل اصفهانی یک من آب حماض
نیم من ... بمز عرق بید مشک ... من نبات سفید نبات ... و ادویه را ساوای
آب حماض بقوام آورند قوامی زیاده و چون فرو گیرند آب حماض را داخل کنند
و ادویه را بسوده بر آن ... اریتی ... از ... یکدرم این ترکیب مساوی نبات
و ... جمل و ... آ ... ... مثقال آن ... صندل
البت در حرارت ... و خشک است در درجه اول
خفقان و وسواس و فکر و ترس را سود مند باشد و جگر و دل و دماغ را قوت دهد
و فرح آورد و ... تمام بخشد و لون را صاف کند و بشره را بر افروزد و بوی دهان
خوش کند و طعام گوارد و معده را قوت دهد و طبع را نرم دارد و قوت باه دهد و نفوظ
تمام آورد و ضعف دل زایل کند و حفظ را زیاده کند و جوانی نگاه دارد و پیران را قوی
گرداند و بوی بد را بر طرف کند صفت آن مروارید ناسفته یاقوت رمانی یاقوت
زرد فیروزه نیشابوری زمرد از هر یک دو مثقال لعل بدخشی عقیق یمنی بسد ... مرجان
از هر یک سه مثقال لاجورد مغسول یک درم و نیم ریوند خطائی صندل سفید ... عنبر اشهب
تخم خرفه بهمن سرخ طین مختوم عود قماری ... خشک زرشک منقی ...

طباشیر تقدرز زنباد خولنجان عود الصلیب سنبل الطیب عود زنجبیل دارچینی فاذر کیا زر
کود کوهی بهلوخود وس اشنه نعناع خشک عود بیخ پوست اترج تخم فرنجمشک
مرزنجوش ابریشم مقرض بهمن سفید بسباسه جاما قاقله از هر یک العصافیر ورق ریش
قرنفل بنفشه نخ فسیح نور ادبد مدحرج زر او بند طویل اشنون تخم کاسنی تخم کرفس درونج
عقربی مصطکی نانخواه طباشیر از هر یک نیم مثقال فلفل سفید فلفل سیاه دار فلفل
اهلیلج منقی پوست بلیله کابلی از هر یک هفت مثقال زعفران ده مثقال مشک خالص
جدوار خطایی از موزه زرباد مصری گاو زبان گل گاو زبان بادرنجبویه تخم بالنگو گل کتان
از هر یک دو مثقال یا ورق طلا ورق نقره فادزهر حیوانی ساذج هندی کافور قیصوری
از هر یک یک مثقال و تمام تبوعه کافور را یکدرم کرده اند مومیای معدنی یک مثقال ادویات
سفید نصف ابوالتمام کوفته بیخته با شهد چند مشک صاف بقوام آورده سرشته شد
و در ظرف چینی کرده بعد از سه ماه نگاه دارند بیش از یکدرم تا دو مثقال بدار
عقب آن بهاکرخای خطایی یا عرق گاو زبان و گلاب بنوشانند که نفعها ظاهر مشهود
بعون الله تعالی حبت خفقان و ماليخوليا و وحشت و لقوبت معده و هضم
طعام و اوردن اشتها طعام و قوت دیوی بسیار است نگاه دارد و رنگ رخسار را
نیکو گرداند و آن مفرح انفع است از آن که نوشدارو و بجهت سرد دیش و مرطوبی
ابرزه بنادیه بحبوبه و پوست ترنج ترنج درونقل فقر الملت زر زعفران و
زعفرانی و مصطکی و رومی و جوز بوا و قاقله کبار و نار مشک سبک بهمن سفید بهمن سرخ
زرنباد و درونج عقربی و بادرنجبویه و تخم فرنجمشک از هر یک ده مثقال
مشک تبتی و عنبر اشهب از هر یک نیم مثقال بلیله کابلی بقدر آمله منقی
زرنباد ده

در شیره بریزند پس بعد از آن بروی آن سه رطل آب بجوشانند تا مهرا شود
از بالای آن بغربال نرمی بگذرانند و عسل مصفی سه وزن ادویه داخل کرده بقوام
آورند و ادویه را کوفته و بیخته اول مرتبه عنبر و مشک و زعفران را در گلاب
حل کرده پس باقی ادویه را داخل کرده بر هم زنند تا ادویه با آن مخلوط شود
در ظرف چینی نگاه دارند شربتی از یک درم تا دو درم مفرح مشک این مفرح
را خواص بسیار است مجملا تقویت دل و دماغ کند و اکثر ضعفهای دل را سودمند بود
و معده و دماغ را قوت دهد و قوای را حافظ گرداند و امراض سوداوی
را دفع کند و دل را قوت دهد دیگر مفرح تمام آورده و در قبالة بسیار
دارد صفت آن یاقوت سرخ مرجان جوهری کهربا لاجورد مغسول از هر یک دو
مثقال یاقوت زرد عقیق یمنی مروارید ناسفته از هر یک چهار مثقال لعل بدخشی
سه مثقال زمرد یکمثقال و نیم حجر یشب گل نیلوفر ابریشم مقرض قرنفل از هر یک
سه مثقال تخم فرنجمشک نیم مثقال هیل بوا بسباسه چهار مثقال املج منقی پوست
هلیله کابلی از هر یک ده مثقال بادرنجبویه عود قماری درونج عقربی رومی طین مختوم
طباشیر سفید از هر یک چهار مثقال صندل سفید صندل سرخ دارچینی از هر یک سه مثقال
گاوزبان سنبل الطیب سادج هندی بهمن سفید قاقله کبار از هر یک ده مثقال عصاره
زرشک پانزده مثقال زعفران عنبر اشهب از هر یک دو مثقال مشک خالص
یکمثقال ورق طلا نیم مثقال ورق نقره یک مثقال کافور قیصوری نیم مثقال آب سیب
اصفهانی یکمن آب حماض نیم من عرق بیدمشک یکمن گلاب یکمن نبات سفید
دو من عسل صاف کرده قدر حاجت عرقها و نبات و عسل را بقوام آورند

اندازند و آب حماض را با سته ابنشته بجوشانند و بقوام موافق آورند و سرد
کرده آن دو سه را با آن بسرشند و بعد از چهل روز بکار دارند شربتی از
یک درم تا یک مثقال مفرح قوت دل و دماغ و جگر و معده دهد و نشست
دیگر ده را قوت گرداند و لعوط تمام آورد و بغی بیفزاید و باه را قوت دهد و اشتهای
طعام آورد و هاضمه را قوت دهد صفت آن قرفه پنج درم خولنجان بهار خنثی
قرنفل جوز الطیب فاقله کبار قاقله صغار تخم فرنجمشک ورق ترنج فلفل از هر یک
سه درم گاوزبان پنج درم بادرنجبویه پنج درم سنبل الطیب تخم ریحان از هر یک چهار درم
زنجبیل دارفلفل از هر یک یک درم ... اسطوخودوس بسباسه از هر یک سه درم
بهمن سرخ بهمن سفید حب النعلب نارمشک فرنجمشک از هر یک یک درم و فرحا
یک درم مصطکی رومی ورق گل سرخ مروارید نا سفته از هر یک سه درم ابریشم
کهربا از هر یک یک درم عنبر اشهب دو درم مشک ترکی نیم درم لعل یک درم
یاقوت کبود نیم درم زعفران سه درم ورق طلا ورق نقره از هر یک
نیم مثقال جدوار اعظم چند درم مثقال پوست اترج سه درم عود هندی دو درم
قند سفید بکمن و اگر عسل خواهند هم ممکن شربتی بقدر حاجت و بباید دانست که این
مفرح را با اختلاف بسیاری در نسخها بیابند چنانکه در نسخه دیگر بسد داخل نیاورد
و وزن فرنجمشک سه درم و زنجبیل و دارفلفل ابریشم از هر یک سه درم است و باقی
موافق نسخه دو درم است و در نسخه دیگر از اجزای نسخه مسطور اصیل بادرنجبویه حصه
نارمشک ... فرحا و یاقوت کبود داخل نیاورد و یک درم ... عود هندی
زیاده شده و ورق بهمنین از هر یک چهار درم گل سرخ پنج درم مروارید دو درم
والعود الی

و تعویذ هندی دنیم است و در بعض نسخه آمده که اگر قند سفید کنند سه وزن ادویه
قند بگیرند با ادویه بسرشند ده روز بگذارند بعد از آن استعمال کنند و دو وزن ادویه عسل باشد
و بیست درم روغن بادام شیرین با ادویه کوفته را چرب سازند با مویز منقی خرد اعظم
را ببرد صفت مفرح [illegible] قرنفل خوبتر تا بغایت بشنیده فادزهر حیوانی رسته ورق
قرنفل گاوزبان زنجبیل از هر یک سه درم فرنجمشک چهار درم جوز بوا سنبل الطیب بهمن
سفید بهمن سرخ حصیة الثعلب بادرنجبویه از هر یک پنج درم عاقرقرحا یک درم مصطکی ورق
گلسرخ مروارید ناسفته از هر یک سه درم ابریشم از هر یک یک درم عنبر اشهب دو
درم مشک تبتی نیم درم بسد یک درم یاقوت کبود نیم درم زعفران سه درم ورق طلا
ورق نقره از هر یک نیم مثقال خرد اعظم سه مثقال پوست اترج سه درم عود
هندی دو درم قند و عسل در روغن بادام سرشته نسخه مذکور با عسل مربی سازند
قوت دل و دماغ و جگر و معده دهد و بینائی و گرده را قوی گرداند و نقوط
تمام آورد و منی بیفزاید و باه را قوت دهد و نشاط بی اندازه آورد صفت [illegible]
مفرح پنج درم خولنجان و کبابه چینی قرنفل حب الطیب فاقله کبار و صغار تخم فرنجمشک ورق
قرنفل از هر یک سه درم گاوزبان بادرنجبویه از هر یک پنج درم سنبل الطیب
آمله مقشر از هر یک چهار درم زعفران مصطکی از هر یک سه درم بهمن سرخ بهمن سفید
از هر یک چهار درم سادج هندی ده درم دارفلفل زنجبیل از هر یک
یک درم پوست اترج سه درم ورق گلسرخ پنج درم عود هندی یک درم حصیة الثعلب
لسان العصافیر لسان الثور از هر یک سه درم عنبر اشهب دو درم مشک تبتی نیم درم
لعل بدخشی یک درم مروارید ناسفته دو درم کهربا از هر یک یک درم ورق طلا ورق

نقره از هر یک نیم مثقال جزو اعظم ۲ مثقال اگر عسل خواهند دو وزن ادویه عسل کنند
و اگر قند سفید خواهند سه وزن ادویه قند لیکن فانیذ به برای رفع [illegible] جزو اعظم در
عسل اجزا را به بیست درم روغن بادام شیرین چرب کنند و در قند ده درم
تخم خشخاش سفید با ادویه کوفته داخل کنند و بعد [illegible] شربتی بقدر حاجت
و نسخه دیگر این که حکیم معصوم در قرابادین باسم مفرح حار ذکر کرده خصیة الثعلب
جزو اعظم داخل ندارد و جز وزن یکدرم و نیم و کهربا یکدرم و طلا و نقره از هر یک
نیم درم است و نقره اجزا را آنچه سحق کردنی باشد بسیار نرم سحق کنند و باقی ادویه
یا ده درم خشخاش کوفته و نسخه العسل مصنوع دو برابر اجزا و قند سفید برابر اجزا شربتی
شربتی از آن تا یکدرم نافع باد و در نسخه دیگر زرنبک و قرنفل خولنجان از هر یک نیم
عاقرقرحا یکدرم فوفل [illegible] برای [illegible] زیاده آورده شده و وزن سنبل الطیب
سه درم خصیة الثعلب ده درم و ورق طلا و ورق نقره از هر یک نیم
و باقی موافق مسطور است و نسخه دیگر از آن هنجار رسید که موافق است
الا آنکه تخم فرنجمشک فرا شسته و پوست اترج [illegible] داخل ندارد و وزن
و دارفلفل و زنجبیل از هر یک سه درم و وزن خصیة الثعلب داخل ندارد و
یا درج هندی یکدرم و سعد کوفی یکدرم و نیم است و باقی موافق نسخه مسطور
مفرح مسیحی نسخه دیگر
قرنفل خولنجان [illegible] فاقله کبار [illegible] ورق قرنفل کاذر
زنجبیل از هر یک سه درم قرفه چهار درم [illegible] سنبل الطیب بهمن سرخ بهمن سفید
خصیة الثعلب [illegible] فرنجمشک از هر یک پنج درم عاقرقرحا مصطکی
[illegible] مروارید ناسفته از هر یک [illegible] درم [illegible] از هر یک یکدرم عنبر اشهب
دو درم

زیره دو درم مشک زرکی نیم درم و لعل بدخشی یک درم یاقوت کبود نیم درم زعفران سه درم

ورق طلا و ورق نقره از هر یک نیم مثقال جدوار خطائی سوده چهار مثقال بوزیدان

انبرج سه درم شکر طبرزد ده درم آب لیمو یکمن و اگر بعسل خواهند نیم من کنند

شربتی بقدر [illegible] و در نسخه دیگر در نقل چون یشب لعل از هر یک چهار درم است

و باقی موافق این نسخه مسطور است و در نسخه دیگر آن بجای ورق نقره نقل و لعل

است و لیکن با از هر یک دو درم و عنبر یک درم و طلا و نقره از هر یک نیم درم

است و جدوار خطائی داخل ندارد و باقی موافق نسخه مسطور است مفرح سیدی

یاقوت ربانی مشهور است بسیار بابلاحور د مجعول یا ورق

بلی سنبل الطیب ساروج هندی بهمن سرخ از هر یک دو مثقال یاقوت زرد

یاقوت کبود یاقوت سفید عقیق یمانی مروارید ناسفته لوبنیه ورقی

بادرنجبویه گل گاوزبان عود هندی عنبر اشهب ورق طلا بهمن سفید از هر یک چهار مثقال

لعل بدخشی فیروزه نیشابوری ابریشم مقرض گل مختوم فلفل از هر یک سه مثقال

زمرد یک مثقال و نیم تخم ریحان طباشیر سفید از هر یک پنج مثقال مشک

کابلی از هر یک دو مثقال صندل سفید و صندل سرخ دارچینی و عصاره ریشک

از هر یک پانزده درم آب سیب دو رطل آب حماض انبرج یک رطل جلاب

چهار رطل قند سفید بقدر حاجت شربتی یک مثقال مفرح سیدی

که منافع مثل مفرح است و قوت دل و شگفتگی تمام آورد مفرح یاقوت

ربانی مروارید ناسفته از هر یک پنج مثقال زعفران سادج هندی ابریشم

تخم فرنجمشک انبرج از هر یک سه مثقال بهمن سرخ بهمن سفید مشک اصلی از هر یک

دو مثقال ابریشم مقرض عنبر اشهب از هر یک مثقالی مشک ترکی نیم مثقال ورق طلا ورق
نقره از هر یک پنجاه عدد زاید الفکر تا بیست مثقال قند سفید و عسل مصفی بالمساوی
سه وزن ادویه قند و عسل را بجلاب حل کرده بقوام آورند و ادویه را بدان
ترکیب نمایند شربتی یک درم مفرح طرب المجالس از مفرحات خوبی است منافع چون
مفرح مسیحی است و در تقویت باه و نشاط و گرده و اوعیه منی و گرده البته اقوی است
صنعت آن سنبل مصری جوز هندی خصیة الثعلب بهمن سرخ بهمن سفید تودری زرد
تودری سرخ درونج زرنباد لسان العصافیر حب الزلم شقاقل تخم خیارین تخم کتان خشک
پودنه دارچینی اسارون کبابه چینی لسان الثور جوز بوا بزر قطونا تخم فرنجمشک
گاوزبان بادرنجبویه تخم فرنجمشک صندل سرخ صندل سفید بوزیدان از هر یک
دو مثقال تخم خرفه مقشر تخم کدو تخم خربزه عود هندی تا رمشک دار فلفل از هر یک یک مثقال
مغز بادام مغز تخم کنجد مقشر از هر یک چهار مثقال لعل بدخشی ده
کهربا یشب جدوار خطائی از هر یک دو مثقال لعل بدخشی یاقوت رمانی مروارید
ناسفته مرجان فیروزج فیروزه نیشابوری از هر یک یک مثقال زعفران سه مثقال
عنبر اشهب یک مثقال زعفران سه مثقال مشک نیم مثقال ورق طلا پنجاه عدد
ورق نقره یکصد عدد جزو اعظم سه مثقال روغن جزو اعظم مقداری که ادویه
را بآن چرب سازند عسل سه وزن ادویه معجون سازند و بعد از چهل روز از دو درم تا
یک درم استعمال نمایند مفرح افیون دار که حکیم عماد الدین محمود شیرازی کرده در نفع
مثل طرب المجالس است و حرمت ندارد صنعت آن عود قماری سه درم
سنبل الطیب قرنفل سنبل بوا زعفران از هر یک سه درم تخم سلغم تخم ترب از هر یک

یکدرم

پنج درم تودری سرخ و سفید جوز هندی بادرنجبویه از هریک پنج درم مایه شیر اعرابی هل اکبر از هریک
سه درم مغز حب الصنوبر مغز پسته مغز بادام شیرین مغز فندق مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه
از هریک پنج درم فلفل بزر البنج ده درم افیون پانزده درم مصطکی سه درم عود خام از
خطای مجرب [illegible] درم [illegible] بسباسه از هریک پنج درم مشک خالص سه قیراط یاقوت
رمانی پنج درم عنبر اشهب دو درم سنبل هندی اسارون سه درم انیسون [illegible] از هریک
ماهی کبابه چینی دارچینی از هریک پنج درم ورق طلا ورق نقره از هریک دو درم
عسل مصفی سه وزن ادویه [illegible] مانند [illegible] جزو
وزن [illegible] دو چهار درم [illegible] قیراط [illegible] مزاج [illegible] در ربع
درجه اول [illegible] از دو درجه مفرح [illegible] ممزوج [illegible]
تالیف میر محمد تقی طبیب که از [illegible] آن حضرت جالینوس الزمانی میر ابوالحسن
سلمه الله تعالی [illegible] این مفرح در [illegible] حکیم عماد الدین محمود را
و [illegible] افیون را انداخت صفت آن یاقوت رمانی [illegible] مروارید ناسفته
حجر ارمنی لاجورد مغسول ابریشم مقرض [illegible] صندل سفید [illegible] گلسرخ بادرنجبویه [illegible] زبان
پوست بیرون بسته سنبل الطیب درونج عقربی بهمن سرخ بهمن سفید تودری
زرد تودری [illegible] [illegible] بوزیدان عود [illegible]
دارچینی قرنفل [illegible] [illegible] بسباسه [illegible] از هریک [illegible]
بذر البنج [illegible] از هریک دو مثقال تخم [illegible] مغز تخم خیارین
مغز تخم خرفه از هریک سه مثقال زعفران عنبر اشهب ورق طلا ورق نقره از هر
یک نیم مثقال [illegible] از هریک پانزده مثقال [illegible]

تبریزی بسبت مثقال عنبر مصطکی یک مثقال برشو مرتب نمایند شربتی از یک درم تا یک مثقال

مفرح ملوکی تالیف ... حکیم محمد باقر حکیم ... منقول از خط ... معجون را

قوی گرداند و خفقان و وحشت و سایر اعراض سوداوی را مفید باشد اخلاط

آن ابریشم خام چهار درم ... کابلی دو درم بادرنجبویه تخم ریحان قرنفل

از هر یک چهار درم تخم خرفه ... تخم کدو ... از هر یک دو درم یاقوت ... مروارید

ناسفته ... از هر یک یک مثقال عنبر ... بسد ... از هر یک

ربع درمی اجزا را کوفته و بیخته آنچه ... در ... صلایه نموده ... روغن مغز

پسته یا روغن ... از ... شربت ... بسته ... و در ظرف

چینی نگاه دارند مفرح این ... بارد منقول از قرابادین حکیم محمد باقر بخط ... الله

جهت خفقان از برای ... و ... از برای خفقان حادث از حرارت

اخلاط آن ... کشنیز خشک ... مغز تخم خربزه از هر یک ... و ... کنند

عصاره ... گل ... گل ... از هر کدام ... برگ

... و ... از هر یک ... کابلی ... کفایت

بسرشند مفرح دلگشای تالیف حکیم عزیز الله تقویت اعضای رئیسه و تفریح و نشاط

آورد و دفع وسواس و وحشت و جمیع امراض سوداوی کند و ضعف

دل و خفقان ... را نافع ... تقویت باه ... و ضعف ... را زایل

گرداند ... دارد صفت آن یاقوت رمانی لعل ... مروارید ناسفته کهربا

... بسد ... از هر یک دو درم ورق طلا یکدرم

ورق نقره یکدرم مشک خالص یکدرم عنبر اشهب صندل ... قرنفل

فاقله کبار

و قسمی که بنام جدوار خطائی دارچینی سنبل بوا ورق اترج سبا و ج بهمنین تفاح مصری
ابریشم بادرنجبویه الاکسیر فرنجمشک کشنیز خشک عاقرقرحا بقونی عود الصلیب اسطوخودوس
حاشا بهمن زرنباد درونج مصطکی کبابه چینی حب بلسان انیسون سلیخه
کابلی کبود کوهی سنبل الطیب ابریشم مقرض از هر یک نیم درم و در نسخه دیگر از هر یک
درم است زعفران پنج درم مر حب الصنوبر کبابه خشب البلسان مر درونج
عقربی پوست اترج بهمن سرخ بهمن سفید گاوزبان گیلانی مغز بادرجل مغز لبنه
از هر یک نیم درم آب سیب ترش آب انار ترش آب بهی آب امرود
از هر یک یک رطل و در نسخه دیگر از هر یک صد مثقال است نبات سفید مساوی اجزا
عسل کف گرفته دو وزن اجزا انبار را با عسل و نبات بقوام آورده اجزا را
بدستور معجونات شرشده معجون بسازند و در ظرف طلا و نقره یا چینی کرده بر انبار
گرفته چهل روز در میان جو بنهند پس بکار برند شربتی دو درم بعد از بالله
گلدست یا بجای خطائی بنوشند مفرح بارد منقول از خط حکیم محمد
یکی از متاخرین نافع از برای خفقان و ضعف قلب از حرارت و نافع از برای
تب گرم و گاه نشاسته شود با یکی از روت جالینوس و این مفرح مسکن عطش
است اخلاط آن ورق گلسرخ و ورق گل نیلوفر و مرادا ورق و ورق گل
است از هر یک یک درم مروارید ناسفته و کهربا و گاوزبان گیلانی و
طباشیر سفید و صندل سرخ و صندل سفید و خشخاش سفید و کشنیز از هر یک نیم درم بهمن
سرخ و بهمن سفید و تخم فرنجمشک و تخم بنفشه و تخم بادرنجبویه و تخم خرفه مقشر و تخم
کاهو و تخم کاسنی مقشر و تخم خیار و تخم حماض از هر یک دو درم

کافور قیصوری نیم مثقال نبات بقدر یک همه را بشکر بکوبند ملغم است ...

بقدر آنکه تسقیه نبات و شکر بان کنند و باتش ملایم بقوام عسل آید پس

از آتش فرود آورده ادویه را بان آمیخته شربت یک مثقال با جلاب **مفرح**

طرب المجالس مقوی اعضای رئیسه است و دل را فرح آورد و نشاط

و شگفتگی بی نظیر است و مقوی باه است و معده را قوت دهد و خفقانهای حادی

آورد و طعام هضم کند و پیران سرد مزاج را بغایت موافق بود **صفت آن**

یاقوت رمانی لعل بدخشی مروارید ... از هر یک یک درم ... یشمی عقیق

یمنی مرجان ... زبرجد از هر یک یک مثقال قلقل زنجبیل ... ترنج ...

زرنباد ... بهمن ... قاقله ... خشک گل نیلوفر از هر یک دو درم

گاوزبان ... بهمن سرخ بهمن سفید ... عود ... صندل سرخ صندل سفید از

هر یک چهار درم ... مصطکی رومی ... از هر یک سه درم

سنبل الطیب قرنفل قاقله کبار قاقله صغار گل ... گل ارمنی ... از

هر یک یک درم تخم کاسنی تخم فرنجمشک ... تخم ... از هر یک ده درم

خطای فرنجمشک ... از هر یک سه درم

ورق طلا ورق نقره از هر یک پنج درم ... عنبر اشهب یک درم

مشک تبتی نیم درم گلاب ... گاوزبان از هر یک ... درم

نبات بقدر مساوی تمام اجزا عسل دو وزن اجزا ... بدستور ترتیب نمایند و

... شربتی یک مثقال **مفرح** نافع از برای ...

... منصوری محمد بن زکریا منقول از بیاض بخط نواب میرزا محمد باقر

...

نوش مفرح تفریح قلب نماید و موجب فهم و ادراک گردد و دفع موی را کند ازاله کند و دفع [illegible] شود و

اغاپطاوانا بادرنجبویه و پوست ترنج زرد و درونج و قرنفل و مصطکی رومی و زعفران و

قرفه و جوز بوا و قاقله کبار و بهمنین و بهمن سفید ده درم زرنباد و درونج و تخم بادروج و تخم

فرنجمشک [illegible] بسباسه مشک خالص و عنبر اشهب از هر یک [illegible] بلیله کابلی پنج عدد

آمله [illegible] بکوبند و در سه رطل آب بجوشانند تا یک رطل بماند و بپالایند و یک رطل

عسل داخل کرده بپزند تا قوام آید و باقی ادویه را کوفته و بیخته سه وزن ادویه

عسل سرشته [illegible] بقدر بندقه مفرح مفرح قلب است و نافع است از برای سودا

و مفرحی یاقوتی است منقول از خط [illegible] حکیم محمد [illegible] صفت گل گاوزبان و سفید و

مروارید ناسفته و کشنیز خشک و بهمن سرخ و بهمن سفید و پوست اترج و کهربا و ابریشم

خام مقرض و تخم خرفه مقشر از هر یک دو درم کافور قیصوری یک درم عسل مصفی سه چندان وزن

ادویه بدستور مرتب نمایند شربتی دو درم مفرح مسیحی که در افعال مثل طرح المجالس است

صفت آن قرفه گاوزبان بادرنجبویه ورق گل سرخ از هر یک نیم مثقال جوز [illegible]

کبابه چینی قرنفل سنبل الطیب قاقله کبار و قاقله صغار جوز بوا تخم فرنجمشک مصطکی

رومی پوست اترج [illegible] از هر یک چهار مثقال [illegible]

سعد کوفی زنجبیل دارفلفل مروارید ناسفته لعل بدخشی و یاقوت رمانی کهربا مرجان قرمزی

جدوار [illegible] از هر یک دو مثقال عنبر اشهب یک مثقال مشک تبتی دو دانگ مصطکی رومی

سنبل الطیب [illegible] اسارون گاوزبان [illegible] سودا [illegible] از هر یک سه درم

قرنفل بادرنجبویه تخم [illegible] خردل [illegible] از هر یک یک درم [illegible]

[illegible] از هر یک یک مثقال [illegible] بهمن سفید بهمن سرخ پوست اترج

پوست بیرون پسته از هر یک دو مثقال کهربا حجر یشب عنبر اشهب از هر یک یکدرم مشک
نیم مثقال ورق نقره سه دانگ ورق طلا یکدانگ و تخم آب سیب شیرین طلا
عرق گاوزبان عرق بید مشک از هر یک پنجاه درم عرق بهارنارنج بیست درم شراب املج مربا ده درم
نبات سفید هم وزن تمام ادویه عسل مصفی سه وزن ادویه قوام آورده حب سازند و
هر روز ... دو درم تناول نمایند نافع باشد مفرح معتدل بطریقه یکی از اطبای
متأخر منقول از بیاض بخط نواب حکیم محمد باقر اعلی الله مقامه بهمن سفید بهمن
سرخ از هر یک یکدرم پوست ترنج خالص دو درم تخم کشنیز و گاوزبان
بادرنجبویه از هر یک دو مثقال کشنیز خشک طباشیر سفید و طین مختوم
یا طین ارمنی یا طین داغستانی هر کدام که باشد از هر یک سه مثقال ابریشم خام
مقرض یا مقرض و صندل سفید و پوست بیرون پسته از هر یک یکدرم مروارید
ناسفته و کهربا از هر یک یکدرم عود قماری خام نیم مثقال ادویه را کوفته و بیخته آنچه
صلایه کردنی است صلایه نموده پس بگیرند آب سیب شیرین و آب به و آب
حماض و آب ریباس و آب انار مز و گلاب و شراب ریحانی یا شراب
جمهوری از هر یک ربع رطل پس همه آبها را یکجا کرده حل نمایند در آبها رطل نبات
سفید و بجوشانند و کف آن را بگیرند و بقوام عسل آورند و ادویه را بآن بسرشند
و شربتی از دو ریک مثقال و پرهیز نمایند از غذاهای غلیظ و غذا از سکنجبین یا ماش تزین کرده
بنشا باشد مفرح بارد قابض منقول از خط حکیم محمد باقر نافع از برای مره صفرا و
خفقان حاره اسهال صفراوی و صداع و ضعف معده اعلی الله مقامه گل سرخ منزوع الاقماع
و طباشیر سفید و کهربا شمعی و کشنیز خشک از هر یک سه درم مروارید ناسفته یکدرم و نیم گل مختوم
دو درم

کافور قیصوری ربع درمی رب سیب شیرین نکهتی سه تو معجون سازند شربتی یکمثقال **مفرح**
معتدل قابلی مقوی دل از جهت مغز البته لسان الثور گشنیز خشک مروارید ناسفته
بهمن سفید پوست اترج کهربا شمعی ابریشم محرق بقدر ری کرسنه ... تخم خرفه مقشر
اجزا مساوی ... قابلی ... وزن ادویه ... شربتی سه درم **مفرح**
بارد حکیم مومن بجهت ضعف قلب و خفقان حسابی مجرب است و تسکین ... مالیخولیا
دهد و دوار و سدر زایل کند **صفت آن** گلسرخ منزوع الاقماع ده مثقال زرشک
منقی قرنفل صندل سفید طباشیر گل ارمنی یا درونج ... پوست بیرون پسته پوست اترج
از هر یک سه مثقال کشنیز خشک تخم خرفه مقشر گل گاوزبان از هر یک دو دانگ
زعفران سه درم ورق طلا دو دانگ ورق نقره یکمثقال نبات قند مکرر با سه وزن ادویه
عسل مصفی ترکیب نمایند و بعد از چهل روز بکار دارند شربتی از یکدرم تا یکدرم و نیم
مفرح شفائی معتدل که همین خواص دارد و بجهت ضعف دل و قوت بدن و
انبساط بنهایت سودمند است **صفت آن** پادزهر حیوانی جدوار خطائی زعفران
ابریشم مقرض بادرنجبویه از هر یک یکمثقال لعل بدخشی لاجورد مغسول از هر یک دو درم یاقوت
رمانی مروارید ناسفته از هر یک سه درم صندل سرخ صندل سفید گاوزبان گل گاوزبان
از هر یک پنج مثقال درونج عقربی شیر املهٔ زرنباد طباشیر سفید کشنیز خشک از هر یک
چهار مثقال ورق گلسرخ هشت مثقال عنبر اشهب یکمثقال مشک خالص نیم مثقال ورق
طلا دو دانگ ورق نقره سه دانگ ادویه را از هم جدا بکرده همه را بعرق بید مشک
تر ... و در سایه خشک کنند و دیگر بار کوفته و بیخته با سه چندان شراب سیب
ترکیب نمایند **مفرح نوبوی** که اخراج سودا و بلغم ... کند و نضج سوده است و منقی

دماغ را نافع است از انجره و مقوی حواس است و بهجت و فرح و نشاط می آورد و نافع است
با عتبار اخراج اخلاط سوداویه و محلل ریاح غلیظه است و ممسک است
بر هضم غذا و مزاج آن گرم است در درجه اولی با اوایل ثانیه و قوتش تا شش
سال باقی ماند و شربتی از آن دو درم است اخلاط آن صفت زرنباد درونج ابرداربد
بزر ک سفید نا سفته کهربا مرجان بهمن سرخ بهمن سفید بسفایج بهندی سنبل الطیب
فاوانیا زرنب حب بلسان از هر یک سه درم افتیمون اسطوخودوس حب بلسان کبابه
سنبل اسارون قرنفل از هر یک چهار درم ابریشم مقرض دو درم زنجبیل فلفل دار فلفل
از هر یک یک درم بکوبند و ببیزند بعسل مصفی سه وزن ادویه سرشند مفرح ابریشم این
مفرحی سهل الوجود است و مجرب است از برای دفع خفقان و غشی و سقوط قوتها
و صداع مزمن و امراض کبدی و توحش و وسواس را نافع است و این مفرح سرور
می آورد و ذهن را تیز میکند و مزاج آن حار و رطب است در درجه اولی و
تصفیه خون میکند و بلادت و کسل را زایل میکند و قوتش تا یکسال باقی است
و شربتی از آن یک مثقال است صفت آن آب خالص خوش ده رطل که در آن
آهن تافته سرد کرده باشند آنچه میسر آید از طلا و نقره با هر دو یا جمیع که اول مرتبه
طلای تافته در آن سرد کنند بعد از آن نقره و در آخر آهن در آن سرد کنند پس بکوبند
قرنفل و افتیمون و بسباسه و فاوانیا و صندل سرخ از هر یک یک درم و نیم کوفته در پارچه
کتان بسته و با سی درم ابریشم خام در آب بجوشانند و یک روز بگذارند پس
بجوشانند تا ربع بماند و صاف کرده داخل کنند در آب باقی مانده مثل آن
شکر دانه سفید با شراب سیب و به قوام آورند و باشند بر آن تخم ریحان و تخم
بادرنجبویه

مجرب

و تخم بادرنجبویه از هر یک ده درم زرنباد ... نگاه دارند حکیم مؤمن در قرابادین تحفه
آورده که من بتجربه دیده‌ام مفرح لولوی را اگر چند بکشند و عسل با این مفرح ابریشم دو وزن
آن اجزا ابریشم باز بادرنجبویه ربع سه درم عنبر اشهب و یک ... لولو از هر یک ده
درم و ورق طلا ... در منافع از ابدال با قسم مسمی بمفرح ابریشم کرده در نفع
آن مالیخولیا با مداومت مجرب است مفرح نافع از برای اصحاب مالیخولیا از
منصوری محمد حسین ذکریا منقول از بیاض بخط نواب میرزا محمد باقر این مفرح
تفریح قلب نماید و هضم را نیکو کرده و موی را نگذارد که زود سفید شود
اخلاط آن بادرنجبویه و پوست زرد اترج و قرنفل و مصطکی رومی و زعفران
و قرفه و جوزبوا و فاقله و نارمشک از هر یک ساده و زرنباد و درونج و تخم بادروج و
تخم فرنجمشک اجزا متساوی مشک خالص عنبر اشهب از هر یک عشر یکی و بلیله
کابلی بیست عدد املج منقی [illegible] دو برابر را در ... رطل آب بجوشانند تا یک رطل
بماند صاف نمایند و یک رطل عسل داخل کرده بپزند تا آب برود و داروها را ...
ادویه را این عسل سرشته شربتی قدر نیم مثقال مفرح معتدل مقوی قلب است
و نافع است از برای سودا مفرحی فایق است منقول از خط نواب حکیم
محمد باقر اخلاط آن گل گاوزبان ... برداریند تا نیم ... و گشنیز خشک و بهمن
سرخ و بهمن سفید و پوست اترج و کهربا و ابریشم خام مقرض و تخم خرفه مقشر از
هر یک دو درم کافور قیصوری یک درم عسل مصفی سه برابر وزن ادویه ...
نمایند شربتی دو درم مفرح دیگر که قریب است بمفرح لولوی مسطور در آنچه ذکر شده
لیکن نفعش بیشتر است ... در تقویت ... و تفتیح سده و تحلیل ریاح دارد برای

عسل ابتول و دران مزید تقویت دماغ است و مقویت با حنجاب صفرا ایجابه انکه
حرارتش در اول درجه دوم و خشکیش در اول درجه دوم است نفع کرمی تا نقیب شمال
با قیمت و شربتش دو درم است صفت آن گل سرخ [illegible] درع الامیر ده درم بهمن
سرخ پنجدرم عود هندی سه درم قرنفل سنبل الطیب [illegible] زرنب
زعفران از هر یک دو درم [illegible] از هر یک [illegible] درم کوفته بخیزد
بنحته بعسل مصفی سه وزن ادویه سرشته مفرح یاقوتی این مفرح را جالینوس
از برای یکی از پادشاهان روم ترکیب نموده و مسمی ساخته ارسطو [illegible] تقلب
نافع است از برای خفقان حار و لصاعد بخره بدماغ و از برای دوار و سدر
و صداع و تشنج و صرع و مالیخولیا و نسیان و هر مرضی که عارض دماغ شود از صعود ابخره
سوداویه بر دماغ و اطفای حرارت میکند و تشنگی فرو نشاند و التهاب را
ساکن کند و قطع خون از هر جا کند و دفع ضرر سموم نماید و مزاج ان تا دو سال تر و دوم
یابس است در اول و منفعت [illegible] بلکه بیشتر کسانی که دارند مزاج یابس و قوتش
هفت سال باقی است و شربتش یک مثقال است صفت آن بگیرند [illegible]
[illegible] تازه ده درم کوفته بخیسانند [illegible] سه روز در گلاب بخیسانند و
غنچه گل سرخ پاک کرده و تخم گاو زبان و تخم خرفه مقشر از هر یک بیست درم صندل
سرخ صندل زرد سفید را از تازه [illegible] را زبانه آورده اند سنبل الطیب
از هر یکده درم بهمن سفید دارچینی کشنیز خشک طباشیر سفید پوست زرد نارنج پوست زرد
اترج ابریشم مقرض که باشد از هر یک پنجدرم مرجان مروارید کهربا [illegible]
از هر یک سه درم ورق طلا ورق نقره زمرد یاقوت سرخ از هر یک دو درم معادن

[illegible]

شهرینی منحل ساخته زنند و باقی ادویه را کوفته و بیخته همه را با شراب سیب شیرین و شیره آبی بزنند

ربا سیب ترش و [illegible] از هر یک [illegible] مجموع ادویه بقوام آورده بسرشند و

نگاه دارند مفرح مشکی محمد بن زکریا در جمیع منافع قریب است بمفرح لولوی کبیر

بد ننمود و در نفع [illegible] آورده [illegible] و زایل گرداند غم و اندوه

و دفع خوف و وسواس کند و قوی تر از آن است صفت آن [illegible] گلسرخ سه درم

[illegible] قرنفل حشیش الطیب مصطکی زعفران از هر یک یک درم و نیم لسان ثور قاقله صغار

کبابه عود هندی تخم فرنجمشک از هر یک سه درم و نیم همه را کوفته با چهل درم شکر

سفید بقوام آورده بسرشند و نیم درم مشک [illegible] درم شراب [illegible] بسیار

نرم سائیده بیان بیامیزند و در [illegible] یک درم [illegible] با [illegible]

از [illegible] زنند مفرح معتدل منقول از [illegible] این مفرح نافع است از برای

سوء مزاج حار [illegible] نافع است صفت آن مروارید نا سفته ده درم

فرنجمشک [illegible] درم [illegible] صندل [illegible] سفید از هر یک چهار درم گل گاوزبان

ده درم تخم کاسنی پنج درم [illegible] درم [illegible] هندی چهار درم گل سرخ شش درم

زرنباد چهار درم طباشیر سفید شش درم [illegible] درم تخم فرنجمشک چهار درم کافور

تخم بادرنجبویه چهار درم تخم بادرنجبویه گل [illegible] خشک گل ارمنی از هر یک [illegible] درم

کافور قیصوری [illegible] درم عنبر اشهب یک درم و نیم [illegible] دو دانگ عود هندی

ده مثقال زعفران ده درم [illegible] ده درم [illegible] سفید چهار درم

کوفته و بیخته با شراب سیب شیرین [illegible] معجون کنند مفرح یاقوت

شیخ داود انطاکی گوید که من استنباط کردم این مفرح از ادویه مفرده قلبیه

ترشیح رئیسی در رساله ادویه قلبیه ذکر فرموده رئیس امتحان کردم این را بارها فهم ابرا

بالغ النفع جید الفعل حسن العاقبة صالح است از برای هر مرض بارد از

سر تا قدم باطن و ظاهر خواه بخورند یا طلا کنند و کشیده میشود دود چشم از

برای حدت باصره و مقوی جوانی ... قطرات را زیاده کند

و فهم بیفزاید و هضم طعام کند و شهوت باه را بیفزاید و یرقان و استسقا و

جذام و برص و بهق و دستم را النفع و بهاری که خورده شده باشند دفع کند

در مفاصل را تسکین دهد و همین عرق انفع ... را حفظ چنین کند و نافع

است از آنکه طبیعت اصلاح آورد ازجام را و صالح است از برای امراض

متعدده تنقیه اخلاط نرجه کند و باطنه افعال آن عجیب است خصوص در آورد

سرور و بهجت از عرق ... و اخلاط عقل و این مفرح حار است و در درجه

دوم یابس است در درجه اولی قوتش تا یک سال باقیست و شربتش یک مثقال

است صفت آن قرنفل دارچینی بسباسه از هر یک ... درم قاقله کبار و

صغار کاو زبان زرنب درونج ... زنجبیل ... ریحان بادرنجبویه از هر یک

یازده درم همه را کوفته ... کلاب و عرق بید مشک ... شوند و در

شیشه کنند ... از هر یک ... کهربا از

هر یک ... درم ... طلا و رق نقره مشک ... عنبر اشهب ... از هر یک

سه درم این همه را ... باید کرد و آب باید ... تا ... آب

رقیق شود و چون همه ... شوند در قابله کنند ... آب ... را ... شیشه

کرده برانبا با تمام عرق ... کشیده ... را ... شیشه ... در آب

ام اللہ

انشراح است که موجب سرور قلب و انبساط نفس و حدت ادراک و حس باشد چون
چون اوایل بیمار بجهره از معادن و نباتات مثل عرقی که کشیده شود از زرنباد و دار چینی
و جوز بوا و اگر کاه معجون کنند ثانی قرنفل و صندل و فوفل و تانبول را دویم که بلی اول است
در شرافت انشراح است که موجب حدت فهم و قوت حافظه کرده و لیکن اندازه
بادنی یا سری در دفع هم و غم میباشد چون شیر تازه دوشیده و کلفه و کشنیز خشک
و مغز پسته و ماهی آذربایجانی و امثال اینها و سیم انخری است که موجب ثقل شود و بعد
از خفت و نشاط بواسطه تخفیف و تلطیف ابخره از ارواح دماغ حواس
شود و گاهی و گاهی مانع بیداری و موجب ثقل حواس شود و بعد از انحطاط و
موجب خشکی حلق و بعضی شود مانند فلونیا و بنفشه و لفاح و امثال اینها و
مفرحات را بعد ازین ذکر کنیم و در اینجا ذکر کرده نمیشود و دو قسم دیگر از معاجین
غیر مسهله باشد و مسهله شده قسم اول و ذکر معاجین غیر مشهوره. ابرا
معجون نقرسین نیز گویند صناعت بقراط حکیم است چنانکه در استفتاح
معالی مسطور است و بانی معجون علاج کرد بختیشوع بن جرجیل هارون رشید
عباسی را و این معجون بالطبع انفع است در نقرس و عرق النساء و مفاصل و رنج
و سایر اخلاطی که در اعصاب محتقن باشند این ناسور گویند قوت این معجون
تا شش سال میماند و شیخ داود گفته است چنین که این ناسور گفته بلکه
قوت آن تا چهار سال میماند و شاید که استعمال کرده شود بعد از شش ماه
و جایز نیست استعمال آن از برای مجروران و نیز جایز نیست استعمال آن از برای
کسی که از سن چهل سالگی بیشتر نرسیده باشد مگر آنکه اسباب ضرورت اوافق

باشد مانند زوفای رومی بلغمی مزاج در زمستان بجهت آنکه این حار و یابس در درجه سیوم است و بعضی گفته اند
که پوست آن در دویم است و شربتی از آن در زمستان یک مثقال است پس اگر
پیران و زنان بستان از آن استعمال نمایند بسبب حاجتی که مقتضی استعمال باشند پس باید که نیم
مثقال از آن بخورند صفت آن سورنجان مصری نیم درم غاریقون سفید
هفت درم سقمونیا سلیخه عود الفرج فاقله از هر یک شش درم فانیذ ابیض مخروط
مغربله از زرد تخبد صبر بلیله کابلی مصطکی کثیرا از هر یک چهار درم سنبل ازرق حصص
مکی سنبل حب بلسان از هر یک یکدرم کوفته بوزن جمیع ادویه عسل سرشته در
ظرف چینی نگاه دارند و شیخ رئیس را اعتقاد آنست که درین معجون کهربا و حریر
زیاده کنند و برخی زیاده کرده اند درین ترکیب تخم خربزه و تخم خیار شیخ دارد در
گفته که آنچه برخی زیاده کرده اند زیادتی نیکوی است و باین زیادتی میگردد
نفع آن عام خصوصاً در امراض کبد و حرقت بول معجون سورنجان دیگر که منسوب
است ترکیب آن باین اسوبه و این معجون نافع است از برای جمیع بیخ
دانجره و صلابات و مفاصل و نقرس و عسر البول و مغص و حبس دم و اوجاع ظهر و
ورک و بواسیر و برکشیدن الثنتین و استسقا و طحال و لقوه و مجرب است از
برای امراض رحم و هر چند این معجون کهنه تر شود نفع آن زیاده میگردد و شربتی از آن
از یک مثقال تا چهار مثقال است بحسب قوت صفت آن بلیله سیاه زرد و از هر یک
هفت درم از برای محرورین والا از هر یک چهار درم پوست بلیله کابلی ده درم اگر
بوده باشد و دماغ ضعیف والا پنج درم لونه بیدان پوست بیخ کرنبره زیره شیطرج
هندی زیره کرمانی از هر یک ده درم تخم کرفس فلفل زنجبیل نمک هندی کمونی

[illegible]